

ایران نیازمند  
ائتلاف‌های جدید است  
گفت‌وگو با ابراهیم منقی



خشم و ترس اروپا  
امیرعلی ابوالفتح

آرای روحانی  
منفعل می‌شوند  
گفت‌وگو با علی تاجرنیا



تهران و مسکو درباره  
سوریه همپوشانی ندارند  
داود احمدزاده

## محور شرارت

تیم ترامپ در کاخ سفید تقابل تمام‌عیاری را با ایران آغاز کرده‌اند

### سایه دولت

برخی از اصلاح‌طلبان دوران پسابرجام را  
دوران پایان دولت روحانی می‌دانند

### فرار آرام

به پایان ائتلاف اصلاح‌طلبان با  
روحانی نزدیک می‌شویم؟

### بازیگر عمل‌گرا

ایران باید چگونه به نقش  
روسیه در منطقه نگاه کند؟

### نومحافظه‌کاری رادیکال

روح سخنرانی "پمپئو" بر  
خالی کردن هویت انقلابی و  
از بین بردن قدرت بازدارندگی  
ایران بنا شده بود

### ژئوپلیتیک آشوب

خاورمیانه پس از داعش  
چه شرايطی دارد؟

دهقان یا حاجی بابایی  
نامزد ریاست می‌شوند

مخالفان لاریجانی به دنبال جذب عارف هستند

از میلیتاریسم  
به تکنوکراتیسم

مقتدی صدر می‌تواند دولت تشکیل دهد؟





www.mci.ir



## صعود مشترک به جام جهانی

♦♦♦ کمک هزینه سفر به جام جهانی

ویژه مشترکین فعال | استعلام امتیاز #۴۳۱\*۱۰\*



شرکت نفت ایرانول



کیفیت را با روغن موتورهای ایرانول تجربه کنید

تلفن واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

[www.iranol.ir](http://www.iranol.ir)

Tresors des Collections Nationales Françaises

6 March - 8 June 2018

گزینیه‌هایی از مجموعه ملی فرانسه

۱۵ اسفند ۱۳۹۶ تا ۱۸ خرداد ۱۳۹۷



Le Musée du

# LOUVRE

لور در ته‌ران — *à Téhéran*



بانک آینده حامی فرهنگ و تمدن جهانی

WWW.BA24.IR



بانک آینده  
AYANDEH BANK



www.iranpl.ir

telegram.me/iranplir

instagram.com/iranpl.ir

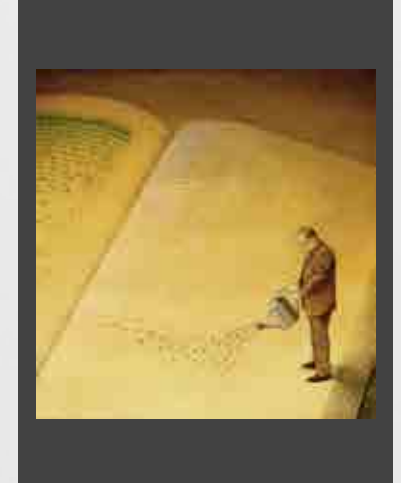
p.r@iranpl.ir

aparat.com/iranpl.ir

### کتابخانه شناسی

## استان گلستان - کتابخانه عمومی امیر کبیر کردکوی

کتابخانه عمومی امیر کبیر شهر کردکوی در سال ۱۳۴۷ در شهرستان کردکوی واقع در ۲۹ کیلومتری گرگان و در استان گلستان تأسیس و به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه با حدود ۱۸ هزار عنوان و ۲۳ هزار نسخه کتاب و بخشی مستقل ویژه کودکان با عنوان «بوستان کتاب» در دو شیفت کاری آماده خدمت‌رسانی به تمامی علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی است. گفتنی است این کتابخانه در سال ۱۳۹۴ موفق به کسب عناوین «کتابخانه برتر» و «کتابخانه کودک برتر» نیز شده است.



طرح: awel Kuczynski, Netherlands

### کارتون کتاب

## کتابخوانی ما پیشنهاد کتاب

سارهای دیگر به خاطر کتاب خواندن زیاد، حسابی سربه‌سرش می‌گذاشتند اما اصلاً برایش اهمیتی نداشت. فصل کوچ فرا رسیده بود و سارها ناچار بودند به سرزمین‌های گرم‌تر مهاجرت کنند؛ اما کلوین فقط کتاب خوانده بود و یادش رفته بود در کنار بقیه، پرواز را تمرین کند. سار کوچولو و دوستانش، همراه با بسته کتاب خوان اسفندماه، به دنیای گرم و سرسبز کتابخانه‌های عمومی کوچ کرده‌اند و منتظر هستند تا شما با آن‌ها همراه شوید؛ پس هر چه زودتر کتاب مصور «سار کوچولو نمی‌تواند پرواز کند» از مجموعه داستان‌های پرنده کتابخوان را از کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور امانت بگیرید.

در طول زندگی، امکان انتخاب‌های زیادی داریم از انتخاب‌های پیش‌یافتاده تا انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌ساز. اولین انتخاب کلوین کوچولو بهترین انتخاب او بود. کلوین یک سار است که با بقیه سارها فرق دارد. اولین روزی که سارهای کوچولو از لانه‌شان بیرون رفتند تا با دنیا آشنا شوند، یکی علف پیدا کرد، یکی آب و دیگری کرم؛ اما کلوین یک کتاب پیدا کرد و از همان اول تصمیم گرفت با کتاب همراه شود؛ دوستی با کتاب اولین تجربه سار کوچوک در زندگی بود. از آن روز به بعد کلوین دائم مشغول کتاب خواندن بود و به هیچ کار دیگری فکر نمی‌کرد؛ خواب‌های کلوین هم‌رنگ و بوی داستان‌ها و افسانه‌های جذاب کتاب‌ها را گرفته بود؛



نام کتاب ..... سار کوچولو نمی‌تواند پرواز کند  
نویسنده ..... جنیفر پرن، مترجم: محبوبه نجف‌خانی  
انتشارات ..... آفرینگان  
تعداد صفحات ..... ۳۶ صفحه

### خبر ویژه

## طرح ملی کتابخانه‌گردی در سراسر کشور برگزار شد

بخشداران، دهیاران، اعضای شورای شهر و روستا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه و جماعت، اعضای انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی استان‌ها و شهرستان‌ها، گروه‌های مرجع، نخبگان و استقبال اقشار مختلف مردم برگزار شد.

طرح ملی کتابخانه‌گردی روز پنج‌شنبه هفدهم اسفندماه همزمان با سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و مصادف با شب میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) برای نخستین بار در ۴۶۷ کتابخانه عمومی در سراسر کشور با حضور فرمانداران، استانداران، شهرداران،



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از زمینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید



## سایه دولت

برخی از اصلاح طلبان دوران پسابرجام را دوران پایان دولت روحانی می دانند



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

## انسان، موجود جامع

انسان یک موجود جامع است نه یک موجود یک بُعدی یا دو بُعدی. موجودات دیگر بعضی شان یک بُعدی اند، بعضی دو بُعدی اند، بعضی چند بُعدی اند، لکن همه ابعاد وجود در سایر موجودات نیست.

فقط انسان است در بین همه موجودات که یک موجود چندین بُعدی است که برای هر بُعدش احتیاجات دارد. برای رشد هر

بُعد او، احتیاج دارد، احتیاجات دارد؛ و مکتب‌هایی که در عالم هست، در عالم طبیعت هست، هر مکتبی را که شما بروید ملاحظه بکنید، به استثنای مکتب اسلام و مکتب توحیدی و مکتب انبیا، که درست دست ما نیست و از بین رفته است اما حالا اسلام محفوظ است، هر مکتبی را به استثنای مکتب اسلام که ملاحظه کنید، یک مکتب مادی [است] که انسان را حیوان تصور کرده است، یک موجودی که [کارش] همان خوردن و خوابیدن است، منتها بهتر خوردن و بهتر خوابیدن. حیوانات هم مشترکند با ما در خوردن و خوابیدن، لکن این مکتبها می‌خواهند انسان را

## خبرنامه



دهقان یا حاجی بابایی نامزد ریاست می‌شوند

تغییر مهم

دیدارهای غیرمنتظره

۸

۱۷

## گفتارها



خشم و ترس اروپا

تصمیم وحشیانه

جدال نرم در دوسوی آتلانتیک

۱۸

۲۳

## سیاست



سایه دولت

فرار آرام

جدال اصلاح طلبانه

۲۴

۳۵

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: مصطفی مرادی

مثلاً؛ هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد درایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت. مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.





است؛ در آن آفرش واقع شده؛ یعنی منتهی الیه عالم - عالم وجود - عالم طبیعت است؛ پست ترین عالمها عالم طبیعت است؛ و اینطور نیست که انسان فقط خودش باشد و همین طبیعت، و مرتبه ای نداشته باشد.

انسان مراتب دارد. آن کسی که رفته سراغ آن مرتبه بالایی انسان و از این مراتب غافل شده، اشتباه کرده. آن کسی که چسبیده است به این عالم ماده، و مرتبه طبیعت را دیده و غافل از مسأله طبیعت است، این هم اشتباه کرده.

یک حیوانی، اینطور ادراک کرده اند از انسان که این هم مثل سایر حیوانات هست که تمام چیزها و رشدهایی که دارد در همان ادراکات مادی دور می زند، در امور مادی دور می زند.

اسم آن را گفته اند «امور عینی»؛ خیال می کنند که امر عینی عبارت از همین عالم طبیعت است، و حال آنکه عوالم دیگری هست که اینها ادراکش نکرده اند؛ و آنها [از] عوالم عینی بیشتر؛ یعنی از عینیت بیشتر حظ دارند تا عالم طبیعت.

عالم طبیعت در آخر موجودات عالم وجود واقع شده

## سیاست خارجی

۳۶

محور شرارت  
نومحافظه کاری رادیکال  
بازی وزرای اروپایی در زمین پمپئو

۴۵



## بین الملل

۴۶

ژئوپلیتیک آشوب  
زمان یارگیری  
ماموریت صدر

۵۹



## ورزش

۶۰

ضربه کی روش  
فدراسیون قائل به شفاف سازی نیست  
کی روش لجباز است

۶۷



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر داریی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمدابراهیم محمد پورزند  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - برداش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتائی - علی آجورلو  
نیما ملک نیازی - افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمیان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی

بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

## دهقان یا حاجی بابایی نامزد ریاست می شوند

مخالفان لاریجانی به دنبال جذب عارف هستند





## ماجرای یک شهر

چرا کازرون شلوغ شد؟

## دیدارهای غیرمنتظره

روحانی با امیر کویت و پادشاه اردن دیدار کرد





## دهقان یا حاجی بابایی نامزد ریاست می شوند

مخالفان لاریجانی به دنبال جذب عارف هستند

جنب و جوش‌ها زیاد شده است؛ شاید این بار حتی کمی غیر طبیعی‌تر از همیشه. آنها که در صدر پارلمان نشسته‌اند گویا کارشان برای ماندن سخت‌تر شده است. رقبا صف کشیده‌اند و فراکسیون‌ها همه مدعی‌اند.

اتاق‌های کمیسیون‌های مجلس محلی برای گدعه‌نشینی‌های طولانی شده. سوال مهم این است: آیا باید منتظر تغییرات غیر منتظره باشیم؟

### سه‌شنبه سر نوشت ساز

قرار است انتخابات هیات‌رئیس‌ه مجلس در سال سوم دوره دهم در روز سه‌شنبه، هشتم خرداد برگزار شود. در انتخابات هیات‌رئیس‌ه مجلس، یک رئیس، دو نواب، شش دبیر و سه ناظر در روز هشتم خرداد در صحن پارلمان انتخاب می‌شوند. رأی‌گیری در صحن پارلمان به صورت گلدانی انجام می‌شود و گلدان‌ها از سوی منشی‌های صحن در بین نمایندگان توزیع می‌شود. نمایندگان مجلس اسامی کاندیداهای مورد نظر خود را برای سمت‌های مختلف هیات‌رئیس‌ه روی برگه‌هایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، درج می‌کنند و سپس تعدادی از نمایندگان به نمایندگی از سایرین برای شمارش آزاد جایگاه هیات‌رئیس‌ه حضور می‌یابند. پس از شمارش آراء، رئیس مجلس اسامی کاندیداهای منتخب را قرائت

لاریجانی در مجلس دهم بود، انتخابات را به‌رغم برخی قول و قرارها که با فراکسیون نمایندگان ولایی داشت به‌گونه‌ای مدیریت کرد تا نایب‌رئیس پزشکیان و مطهری بر مجلس مجدداً تثبیت شود. فراکسیون نمایندگان ولایی نیز در دو دوره انتخابات هیات‌رئیس‌ه با لاریجانی همراهی کرد اما اعضای این فراکسیون معتقدند در مجلس دهم لاریجانی دائماً از اصولگرایان در مقاطع مختلف امتیاز گرفته و به فراکسیون امید امتیاز داده است. انتخاب دو نایب‌رئیس مجلس از میان اعضای فراکسیون امید یکی از جلوه‌های این امر است.

### اعلام استقلال تعیین‌کننده

رئیس فراکسیون ولایی مجلس که می‌گفت خاطره خوشی از ائتلاف با دو فراکسیون دیگر برای تعیین ترکیب هیات‌رئیس‌ه ندارند، گفت: «قصد نداریم امسال با فراکسیون امید و مستقلین ائتلاف کنیم». حمیدرضا حاجی بابایی با بیان اینکه دیگر هیچ اعتمادی به ائتلاف نداریم، افزود: «در جلسه فراکسیون ولایی به اجماع رسیدیم که به شکل مستقل وارد انتخابات هیات‌رئیس‌ه مجلس شویم». به گفته وی، ممکن است فراکسیون ولایی برای هر ۱۲ کرسی جایگاه هیات‌رئیس‌ه، نامزد مستقل معرفی کند. گفتنی است دو فراکسیون امید و مستقلین در حال مذاکره برای تعیین ترکیب سومین هیات‌رئیس‌ه مجلس دهم هستند و هنوز ائتلاف را از دستورکارشان خارج نکرده‌اند. محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید با بیان اینکه هنوز موضع نهایی این فراکسیون درباره انتخابات هیات‌رئیس‌ه مشخص نیست و یکشنبه یا دوشنبه هفته آینده اعلام موضع خواهند کرد، در مورد ادامه ریاست لاریجانی بر مجلس نیز گفت: «هیچ صحبتی در این خصوص با هیچ‌کس نکرده‌ایم، ما اهل تعامل هستیم، در حال صحبت هستیم اما با هیچ فراکسیونی درباره کرسی ریاست به جمع‌بندی نرسیده‌ایم. اگر به جمع‌بندی برسیم آن را ملاک عمل قرار می‌دهیم، در غیر این صورت مستقلاً تصمیم‌گیری می‌کنیم». به این ترتیب او خبر تعامل این فراکسیون با فراکسیون مستقلین بر ریاست علی لاریجانی بر مجلس را تکذیب کرد.

این سخنان در حالی بیان می‌شود که پیش‌تر یک عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس گفته بود: «موافقان رقابت برای کسب کرسی ریاست می‌گویند مامشات بیش از حد لاریجانی با دولت استقلال مجلس را زیر سؤال برده است»، جبار کوچکی‌نژاد درباره نحوه حضور فراکسیون نمایندگان ولایی در انتخابات هیات‌رئیس‌ه مجلس گفت: «دوستان اصولگرا نظرات مختلفی داشتند، برخی می‌گویند مستقل ورود کنیم، برخی دیگر روی ائتلاف با دیگر فراکسیون‌ها بحث داشتند اما هنوز روی مباحث به جمع‌بندی نرسیده‌ایم». وی درباره تصمیم فراکسیون نمایندگان ولایی برای رقابت در سطح ریاست اظهار کرد: «برای رقابت در سطح ریاست هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ایم اما در سطح نواب‌رئیس، دبیران و کارپردازان رقابت خواهد شد.»

عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس درباره میزان جدی شدن پیشنهاد رقابت بر سر کسب کرسی ریاست مجلس در این فراکسیون گفت: «نظراتی وجود دارد اما این نوع نظرات ضعیف است». وی درباره احتمال رأی‌ندادن برخی اعضای فراکسیون نمایندگان ولایی به نامزد فراکسیون برای کسب کرسی ریاست مجلس بیان کرد: «اگر در نهایت روی مسأله رقابت برای کسب کرسی ریاست به تفاهم برسیم، رأی‌گیری می‌شود و اگر به تصویب برسد اعضا تمکین می‌کنند». این نماینده اصولگرای مجلس درباره میزان اقبال در فراکسیون نمایندگان ولایی به پیشنهاد رقابت مستقل بر سر کسب کرسی ریاست

می‌کند. طبق آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اعضای هیات‌رئیس‌ه مجلس که متشکل از ۱۲ نفر هستند، با رأی اکثریت نمایندگان برای یک سال آینده انتخاب می‌شوند.

### روایت سوابق یک انتخابات

محمدرضا عارف، نامزد انصرافی انتخابات ۹۲ در اولین انتخابات هیات‌رئیس‌ه مجلس به مصاف علی لاریجانی رفت. در این رقابت لاریجانی با ۱۷۳ رأی بر عارف با ۱۰۳ رأی پیروز شد. شکست عارف در این انتخابات موجب شکل‌گیری انتقادات شدید نسبت به لیست امید شد زیرا از حدود ۱۶۰ نماینده‌ای که از طریق لیست امید به مجلس راه یافته بودند، تنها ۱۰۳ نفر با نظر تشکیلاتی فراکسیون امید مبنی بر ریاست عارف همراهی کردند و به او رأی دادند. پس از انتخابات هیات‌رئیس‌ه مجلس نیز فراکسیون مستقلین (بخوانید امید مخفی‌ها) اعلام موجودیت کرد که در واقع اعضای اصلی این فراکسیون را ۵۷ عضو گمشده لیست امید تشکیل می‌دادند.

انتخابات دومین دوره هیات‌رئیس‌ه مجلس دهم پس از پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ برگزار شد اما دیگر عارف به میدان رقابت با لاریجانی نیامد و فراکسیون نمایندگان ولایی نیز از ریاست لاریجانی حمایت کرد. فراکسیون مستقلین هم که در واقع ابزار مدیریتی

گفت: «باید مقداری صبر کرد چون جهت گیری ها هنوز کاملاً روشن نیست، در مجموع به نظر اقبال به این دیدگاه ضعیف است.» وی درباره استدلال گروه حامی رقابت مستقل بر سر کسب کرسی ریاست مجلس در فراکسیون نمایندگان ولایی یادآور شد: «مجلس دهم نسبت به دوره های قبل افت دارد، نمونه اش هم این است که سه وزیر پایان اسفند ۹۶ استیضاح شدند اما هر سه دوباره رأی اعتماد گرفتند در حالی که باید از ترکیب کابینه بیرون می رفتند. دلیل دیگر ضرورت تصویب برخی طرح ها همچون برگرداندن اموال نامشروع در مجلس است.» کوچکی نژاد اضافه کرد: «حامیان رقابت مستقل برای کسب کرسی ریاست مجلس معتقدند مآضات ریاست مجلس با دولت بیش از حد است و استقلال مجلس را زیر سوال برده بنابراین دنبال رقابت با آقای لاریجانی هستند.» وی درباره میزان تغییرات هیات رئیسه مجلس برای سال سوم افزود: «معتقدم تغییرات زیاد خواهد بود حتی در نواب رئیس هم تغییر را شاهد خواهیم بود. البته آقای پزشکیان می ماند اما احتمال تغییر آقای مطهری خیلی زیاد است.»

### پزشکیان می آید؟

در همین حال خبر آمده است که کمیته ای فراکسیونی در مجلس در حال تدوین لیستی برای انتخابات ریاست مجلس با محوریت مسعود پزشکیان است. در حالی که فراکسیون های مجلس برای تصمیم گیری در مورد نحوه ورود به انتخابات هیات رئیسه مجلس جلسات متعددی را تشکیل می دهند، تعدادی از نمایندگان در هر سه فراکسیون در حال رایزنی برای ارائه لیست ادغامی هستند. بر اساس شنیده ها کمیته ای از نمایندگان به دنبال ریاست پزشکیان بر خانه ملت در سومین دوره انتخابات و در حال رایزنی با گزینه هایی جهت نایب رئیسی مجلس است. بر این اساس محمد دهقان، علی مطهری، کاظم جلالی، مصطفی کواکبیان و حمیدرضا حاجی بابایی از گزینه های نایب رئیسی این کمیته هستند که در حال رایزنی با گزینه های خود می باشند. این کمیته فراکسیونی تشکیل شده و قصد دارد گزینه هایی را برای سایر پست های سیاسی در هیات رئیسه مجلس معرفی کند. در این میان از فراکسیون اصول گرایان هم بحث نامزدی دهقان یا حاجی بابایی جدی است. گروهی به دنبال متقاعد کردن عارف به حمایت از این گروه هستند.

### یک مدعی جدید

میان حرف و حدیث ها در مورد نامزدهای ریاست مجلس، نماینده مردم شاهین شهر گفت: «اگر از فراکسیون ولایی کسی کاندیدای ریاست مجلس نشود، من حتما کاندیدا می شوم.» حاجی دلگانی در پاسخ به این سوال که آیا فراکسیون ولایی برای کرسی ریاست هم گزینه ای دارد، گفت: «بله، حتما گزینه وجود دارد. لازم است پس از بحث و بررسی یک نفر را با اجماع به عنوان نامزد ریاست معرفی کنیم. اگر کسی از فراکسیون ولایی کاندیدای ریاست نشود، من حتما کاندیدا می شوم.»

### نسخته کاظم جلالی

نکته قابل توجه در خصوص تحولات مربوط به انتخابات هیات رئیسه، سخنان کاظم جلالی است. او گفته است: «باتوجه به اینکه ما امسال نیاز به انسجام و وحدت داریم به نظر می رسد هر سه فراکسیون باید بیایند و با یکدیگر هماهنگ کنند و با یک مکانیزم اجماعی پیش برویم. البته بر اساس تجربه ۱۸ سال حضور در مجلس معمولاً در سال های دوم و سوم و تغییرات هیات رئیسه تغییرات محسوسی ایجاد نمی شود، بنابراین باید واقع گرا

باشیم. توصیه ام به دوستان هم همین است که فکر نکنیم می توان بخش اعظم یا کل هیات رئیسه را تغییر داد. در حال حاضر در حال رایزنی با دوستان هستیم که بتوانیم به یک ساز و کار برسیم که به نحو اجماعی پیش برویم به صورتی که همه فراکسیون ها در داخل هیات رئیسه نماینده داشته باشند.

پارسال متأسفانه برخی از دوستان خودشان آمدند و کاندیدا شدند، باتوجه به تجربه پارسال باید امسال مکانیزمی را در نظر بگیریم که دیگر افراد خارج لیست ثبت نام نکنند. البته نمی توان افراد را از حق قانونی نمایندگی شان منع کرد اما باید ساز و کاری ترتیب داد تا حداقل فراکسیون ها به تعهدات خود پایبند بمانند. به این معنا که اعضای فراکسیون ها تنها به کسانی که در لیست واحد قرار دارند رای بدهند. ما به هر صورت در مجلس مبتنی بر اخلاق می توانیم تصمیم بگیریم و کسی را نمی توانیم الزام کنیم که تصمیمی را کاملاً رعایت کند چرا که در مجلس کسی نسبت به دیگری برتری ندارد؛ یعنی از آنجایی که همه ارکان مجلس در عرض هم قرار دارند همه از یک ارزش و مرتبه ای برخوردار هستند و کسی نسبت به



دیگری نماینده تر نیست. فقط آنچه باقی می ماند تعهدات اخلاقی ماست، بنابراین من قبول دارم که ما سال گذشته آسیب هایی داشتیم که نباید امسال تکرار شود.»

### پیش بینی های قبل از انتخابات

به نظر می رسد فراکسیون نمایندگان ولایی برای ریاست مجلس نامزد معرفی خواهد کرد، اگرچه می دانند نامزد این فراکسیون تنها ۶۰ تا ۷۰ رأی در مجلس خواهد داشت و لاریجانی مجدداً بر کرسی ریاست تکیه می زند اما می خواهند به پایگاه اجتماعی خود که نسبت به عملکرد ضعیف مجلس انتقاد دارند اعلام کنند، فراکسیون نمایندگان ولایی در مجلس دهم اقلیت هستند و تصمیم گیری های مجلس دهم در مورد موسسات مالی و اعتباری، نوسانات بازار ارز، استیضاح وزرا و سوال از رئیس جمهور و لوایح چندگانه و نظارت ضعیف بر دولت ناشی از عملکرد این فراکسیون نیست. اما در این میان باید منتظر بازی جدید فراکسیون مستقلان «حامیان دولت و لاریجانی» بود. احتمالاً این فراکسیون تلاش خواهد کرد با ترساندن اعضای دو فراکسیون از ریاست رقیب، رأی دو فراکسیون را برای لاریجانی جلب کند. اما این بار قواعد بازی تغییر کرده است؛ فراکسیون نمایندگان ولایی مصمم است تا این پیام را به پایگاه اجتماعی خود ارسال کند و با «لولویی» که فراکسیون مستقلان از عارف می سازد، به لاریجانی پناه نبرد. ماجرای فراکسیون امید در انتخابات هیات رئیسه با فراکسیون نمایندگان ولایی متفاوت است. افزایش اختلافات اصلاح طلبان با دولت موجب شده تا تلاش کنند در انتخابات هیات رئیسه مجلس برای دولت و حامیانش پیام های محکم بفرستند. اعضای فراکسیون امید از ریاست لاریجانی بر مجلس رضایت دارند اما از سویی در دو سال اخیر از عملکرد دولت نسبت به فراکسیون اصلاح طلبان ناراضی هستند و از سوی دیگر پایگاه اجتماعی فراکسیون از عملکرد این فراکسیون رضایت ندارد و بسیاری از مطالبات خود را بی پاسخ تلقی می کند؛ بنابراین در آستانه انتخابات مجلس باید بروز ظهور و بیشتری بیابند. بنابراین یکی از سناریوهای قوی این فراکسیون ارائه لیست مستقل برای انتخابات هیات رئیسه مجلس است اما این بار عارف به مصاف لاریجانی نخواهد رفت و احتمالاً پزشکیان ابتدا برای ریاست و بعد برای نایب رئیسی مجلس نامزد می شود.

اما سناریوی بعدی که محتمل به نظر نمی رسد این است که عارف برای ریاست مجلس به مصاف لاریجانی خواهد رفت و در دور اول رأی گیری به دلیل اینکه طبق آیین نامه داخلی باید رئیس مجلس اکثریت مطلق را کسب کند، لاریجانی، عارف و نامزد فراکسیون ولایی آرای مورد نیاز را کسب نخواهند کرد بنابراین انتخابات به دور دوم کشیده می شود و در دور دوم باید دید اصولگرایان بین عارف و لاریجانی به کدام یک رأی می دهند. اما در مورد عملکرد فراکسیون امید که اشتراکات زیادی با مستقلان دارند تردید وجود دارد. این فراکسیون تحت تأثیر تصمیمات گروه ۵ نفره (روحانی، ناطق نوری، جهانگیری، خاتمی، سید حسن خمینی) بیرون از پارلمان قرار دارد که این موضوع در استیضاح های پایان سال ۹۶ ثابت شد. این گروه از نزدیکان لاریجانی هستند و اجازه نخواهند داد ریاست لاریجانی بر مجلس دهم به مخاطره بیفتد. فراکسیون های سیاسی مجلس هر کدام تلاش دارند تا پیام هایی را به پایگاه های اجتماعی خود، لاریجانی و دولت ارسال کنند اما می دانند که در پایان باز هم در سومین دوره مجلس دهم، لاریجانی بر کرسی ریاست مجلس باقی خواهد ماند و احتمالاً نواب رئیس نیز حفظ می شوند و فقط تغییرات محدودی در سطح دبیران رخ خواهد داد.

## بازگشت بی بازگشت

توثیتر فیلتر می ماند

باز هم مدیریت بر فضای اجتماعی و یک شبکه اجتماعی مورد مناقشه میان دولت و قوه قضاییه قرار گرفت. بعد از حدود یک ماه از آغاز فیلتر شدن تلگرام به دستور مقام قضایی، ۶ وزیر و دو نماینده مجلس و عضو کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه با امضای نامه ای خواستار رفع فیلتر توثیتر شدند. در ادامه اعلام شد که رفع فیلتر این شبکه اجتماعی به تصمیم دادستان کل کشور بستگی دارد و باید منتظر پاسخ وی بود.

پایگاه اطلاع رسانی دولت با انتشار بیانییه ای با تأیید این خبر اعلام کرد: «با توجه به افزایش تقاضای عمومی و جامعه رسانه ای کشور برای رفع فیلتر توثیتر و فعالیت جوانان و رسانه ها در این فضا، امروز نامه ای با تأیید امضای هشت نفر از اعضای کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (۶ نفر از اعضای دولت و دو نفر از نمایندگان مجلس) برای دادستان کل کشور مبنی بر طرح این موضوع در کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و رفع فیلتر توثیتر ارسال شده است.»

دلایل دولت برای رفع فیلتر توثیتر این بود: «حضور پررنگ کاربران و شهروندان در فضاهای مجازی بین المللی می تواند چهره بهتری از کشور در مجامع جهانی تصویر کند. امضا کنندگان این نامه عبارتند از: وزیر ارتباطات، وزیر آموزش و پرورش، وزیر اطلاعات، وزیر دادگستری، وزیر علوم، وزیر ارشاد و همچنین نمایندگان مردم سبزوار به عنوان رئیس کمیته مخابرات مجلس و نماینده مردم ملایر. با توجه به اینکه کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه شامل ۱۲ نفر هستند و حالا ۸ نفر از آنها به صورت رسمی با رفع فیلتر توثیتر موافقت کردند. دادستان کل کشور اما نظری مخالف دارد و موافق رفع فیلتر نیست. دادستان کل کشور در پاسخ به این پرسش که آیا درخواست ۶ وزیر و دو نماینده مجلس و عضو کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در مورد رفع فیلتر توثیتر پذیرفته می شود یا نه، اعلام کرد که با دو نامه در مورد رفع فیلترینگ مواجه بوده اند که تعدادی از وزرای عضو کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه آن را ارائه کرده اند. یک نامه جهت رفع فیلتر از توثیتر و طرح در کارگروه بود و نامه دوم هم با ۶ امضا در رابطه با رفع فیلتر از دو سامانه دیگر بوده است. به گفته دادستان کل کشور توثیتر به موجب دستور قضایی فیلتر شده و به همین جهت قابلیت طرح در کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را ندارد و در نتیجه مطرح نخواهد شد. تا وقتی که شرایط توثیتر مثل گذشته باشد، دستور قضایی به استحکام خود باقی خواهد ماند.

پس از این اظهار نظر دادستان آذری جهرمی، وزیر ارتباطات رفع فیلتر توثیتر را در حوزه تشخیص کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه دانست: «بر اساس بررسی های ما فیلتر توثیتر در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه در سال ۸۸ مصوب شده و به وزارت ارتباطات ابلاغ شده است. در سال ۹۶ باز پرس شهرستان مشهد گزارش و دستور قضایی به دادستان تهران ارسال کرده و اعلام می کند که در برخی از موارد توثیتر در دسترس است و درخواست دارد که توثیتر مسدود شود، البته یکی از حوزه های صلاحیت باز پرس مشهد، صلاحیت محلی است و اظهار نظر و حکم قضایی او می تواند در حوزه شهری مشهد باشد. ما اعتقاد داریم فیلتر توثیتر مصوبه کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه است و تقاضا داریم این مسائل در جلسه همین کارگروه مطرح شود. جای طرح دغدغه ها در جلسه این کارگروه است.»



## تغییر مهم

جامعه روحانیت مبارز تصمیمات مهمی گرفته است

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز گفت: «آیت الله موحدی کرمانی رئیس شورای مرکزی جامعه روحانیت باقی می ماند و قرار است یک دبیرکل برای امور اجرایی انتخاب شود. حجت الاسلام حسین ابراهیمی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز درباره جزئیات تغییر اساسنامه جامعه روحانیت که روز گذشته توسط سخنگوی این تشکل اعلام شد و تفکیک صورت گرفته بین دبیرکل و رئیس شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، اظهار کرد: قبلا دبیرکل و رئیس شورای جامعه یک نفر بودند اما قرار است رئیس شورا همان آیت الله موحدی بماند. دبیرکل هم منتخب مجمع و هم مسئول اجرایی جامعه است. وی درباره گزینه های دبیرکلی گفت: «هنوز صحبتی نشده و قرار است موقتاً یک نفر انتخاب شود. باید تا زمان تشکیل مجمع عمومی صبر کرد چون دبیرکل منتخب مجمع است. مجمع عمومی نیازمند مقدمات زیادی است و طول می کشد. عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت درباره گزینه های احتمالی دبیرکل موقت این تشکل روحانی گفت: «بعضی گزینه ها مطرح هستند اما هنوز رای گیری انجام نشده ولی احتمالاً حجت الاسلام تقوی گزینه نهایی باشد.» گفتنی است حجت الاسلام مصباحی مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز در نشست خبری با اشاره به تصویب اساسنامه جدید گفته بود: «تعیین خط مشی ها به پیشنهاد دبیرکل باید به تصویب شورای مرکزی برسد. تصویب بودجه مرکزی، تعیین و نصب شورای داوری به مدت سه سال و... از جمله وظایف و اختیارات شورای مرکزی است. مجمع عمومی هر دو سال یک بار انتخاب می شود. تعیین دبیرکل به پیشنهاد شورای مرکزی و تعیین سیاست کلی و اصلی از جمله اختیارات شورای مرکزی است. انجمن جماعات، و عاظم و بانوان روحانی که آمادگی فعالیت جمعی داشته باشند، می توانند به عنوان گروه های وابسته به جامعه روحانیت همکاری داشته باشند. در اساسنامه جدید، دبیرکل مسئول اجرایی جامعه روحانیت است که به پیشنهاد شورا و با انتخاب مجمع عمومی انتخاب می شود. ما دبیرکل موقت هم پیش بینی کرده ایم که به مدت یک سال توسط شورای مرکزی انتخاب می شود تا مقدمات مجمع عمومی طی یک سال آینده فراهم شود، آنگاه دبیرکل توسط مجمع عمومی انتخاب خواهد شد. انحلال جامعه روحانیت فقط با تصویب سه چهارم هیات موسس امکان پذیر است؛ پس از انحلال و پرداخت دیون، تمامی اسناد و املاک در اختیار ولی فقیه قرار می گیرد. هنوز دبیرکل موقت انتخاب نشده است. جامعه روحانیت از زمان تشکیل تا کنون گفته است ما هیچ گاه جامعه روحانیت را یک حزب نمی دانیم و مقتضیات یک حزب را هم برایش قائل نیستیم. جامعه روحانیت خود را در عرض احزاب نمی داند و فرض خود را تشکیل دولت نمی داند. در مجموع، جامعه روحانیت کارویژه حزبی ندارد. ما عمده کار خود را مسائل اخلاقی، اعتقادی، تبلیغ دین و حفاظت و صیانت از انقلاب اسلامی می دانیم.» او در تشریح وظایف جامعه روحانیت گفته است: «این وظایف در ۸ بند تصریح شده است که حراست از روحانیت، هدایت مردم، پشتیبانی از رهبری مقام معظم رهبری و دفاع از اصل مترقی ولایت فقیه، نظارت بر عملکرد مسئولان نظام و فعالیت حوزه های علمی و نقد عالمانه و خیر خواهانه در جهت مصالح و منافع ملت ایران، ارتباطات با روحانیت سایر مذاهب اسلامی و همکاری با مراکز اسلامی و تعامل مثبت با پیروان ادیان الهی از جمله این وظایف است. هیات موسس جامعه روحانیت شامل جمعی از بزرگان روحانیت مانند آیت الله مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتح، شهید باهنر و بزرگانی مانند آیت الله مهدوی کنی، مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی، مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی و همچنین آیت الله خامنه ای، آیت الله شبستری، آیت الله هاشمی شاهرودی هستند اما امروز جانشینان هیات موسس را داریم که اعضای کنونی شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز هستند. این افراد ۲۳ نفر هستند. در صورت فوت، کناره گیری یا برکناری اعضای هیات موسس، فردی جایگزین می شود تا در هر دوره، این تعداد حداقل ۲۰ نفر باشد.»

## شاهزاده نامرئی سناریوهای غیبت بن سلمان

کجاست؟ این کلمه این روزها خیلی پشت کلمه «بن سلمان» قرار می‌گیرد و در موتورهای جست‌وجو اینترنتی وارد می‌شود. آنهایی که از میزان شهرت طلبی و علاقه این شاهزاده جاه طلب سعودی به رسانه‌ها آگاه هستند، خب می‌دانند که این میزان سکوت طبیعی نیست و حتماً ماجرای وجود دارد که هیچ‌کس نمی‌داند. مشکوک بودن ماجرای پرنس می‌شود که بدانیم این غیبت و عدم حضور در مجامع عمومی از یک روز خاص شروع شد؛ از شامگاه شنبه، اول اردیبهشت، همان روز که صدای تیراندازی و انفجارهایی در اطراف کاخ پادشاهی در ریاض، پایتخت عربستان شنیده شد که ساعتی بعد مسئولان سعودی مدعی شدند سامانه‌های پدافند هوایی کاخ یک پهباد تفریحی را بر فراز کاخ تشخیص داده و صدای شلیک گلوله برای هدف قرار دادن این هواگرد ناشناس بوده است. از همان روزها ولیعهد سعودی به یکباره ناپدید شد. مراجعه به صفحه اخبار ولیعهد در خبرگزاری دولتی این کشور (واس) نشان می‌دهد که آخرین خبری که از او منتشر شده به ۲۴ آوریل (۴ اردیبهشت) برمی‌گردد که در یک جلسه اقتصادی دولتی شرکت داشته است. البته عکس این خبر جدید نبوده و خبرگزاری دولتی از عکس آرشیوی برای این خبر استفاده کرده بودند. محمد بن سلمان حتی هنگام سفر «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا به عربستان سعودی که اولین سفر خارجی او بعد از تصدی پست وزارت خارجه بود، در رسانه‌ها ظاهر نشد و این، «عادل الجبیر»، همتای سعودی پمپئو بود که با او دیدار و نشست خبری مشترک داشت.

این سکوت خبری تا آنجاست که در کشورهای عربی رسم است که مقامات این کشور حلول ماه مبارک رمضان را تبریک می‌گویند. در این باره نیز خبری از ولیعهد سعودی منتشر نشد و رسانه‌های عربستان تنها خبر تبریک شاه را منتشر و برجسته کردند. مقامات سعودی سعی کردند با عادی جلوه‌دادن، واکنش‌های غیرمستقیم داشته باشند به عنوان مثال بدر العساکر، رئیس دفتر بن سلمان در توئیت عکسی از ولیعهد سعودی منتشر کرد که با لباس غیررسمی در کنار حمد بن عیسی شاه بحرین، عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر و محمد بن زاید ولیعهد ابوظبلی ایستاده است اما زمان و مکان آن مشخص نیست. برخی این اقدام رئیس دفتر بن سلمان را واکنشی به سوال‌های اخیر درباره سرنوشت بن سلمان دانستند.

اینجاست که سناریوها و گمانه‌زنی‌ها درباره غیبت بن سلمان داغ می‌شود؛ همه این سناریوها به همان حادثه تیراندازی در منطقه الخزامی ریاض برمی‌گردد. مخالفان سعودی روایت دولتی را نمی‌پذیرند و نوشتند اگر هدف یک اسباب بازی بوده، دلیل این حجم از تیراندازی و حتی صداهای انفجار چه بوده است. مخالفان معتقد بودند مهاجمان این حمله را با هدف کشتن محمد بن سلمان انجام داده‌اند، پایگاه خبری «نیوز اینترنشنال» پاکستان از احتمال یک کودتا از سوی برخی از شاهزادگان عربستان خبر داد و نوشت: «برخی منابع وابسته به گروه‌های مخالف عربستان استدلال کرده‌اند که تیراندازی ماه آوریل موجب وحشت محمد بن سلمان شده و وی را مجبور کرده تا از بیم آنکه «محمد بن نایف»، ولیعهد سابق عربستان، اقدامی در راستای سرنگونی وی انجام دهد، مقامات و اعضای خانواده سلطنتی را از خروج از عربستان منع کند.»

ترسیدن و مخفی شدن از ترس جان خوش‌بینانه‌ترین سناریوی موجود است اما این روزها سناریوهای دیگری هم وجود دارد؛ سناریوهایی که از زخمی شدن یا حتی مرگ بن سلمان خبر می‌دهند، هرچه هست شاهزاده خیلی وقت است که عکس تازه‌ای نینداخته و این عجیب است.



## ماجرای یک شهر چرا کازرون شلوغ شد؟

اواخر دی سال گذشته بود که شایعه ایجاد شهرستانی جدید تحت عنوان کوه چنار، با الحاق برخی بخش‌های کازرون، قوت گرفت و آرام آرام واکنش‌هایی ابتدا به صورت مشکوک در شبکه‌های مجازی شروع شد که در ادامه با تجمع‌هایی نمود پیدا کرد. تجمع‌های کازرون، از روزهای ابتدایی سال ۹۷ در قالب راهپیمایی اعتراضی و تجمع‌هایی که هیچ یک مجوز رسمی و قانونی نداشت شروع شد اما هیچ یک به درگیری منجر نشد و تنها ابتدا معاون سیاسی استانداری و بعد از آن استاندار فارس را به کازرون کشید.

به نظر می‌رسد که این اعتراض‌ها با قول مسئولان فروکش کرده اما یکبارہ شهر چهره دیگری به خود گرفت. اعتراض‌های مردم کازرون که از شامگاه چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت شروع شد، ریشه در تصمیمی مبنی بر بازداشت برخی افراد داشت که پای وابستگان آنان را به مقابل کلاتری شهر و محل بازداشت کشاند و بعد از آن هم مقابله سختگیرانه با معترضین و اقدام برخی معترضین در آتش زدن کلاتری وضعیت را بدتر کرد. سه روز از واقعه رئیس دادگستری استان فارس از تشکیل کمیته مشترکی برای تحقیق در مورد حوادث کازرون خبر داد. علی القاصی مهر همچنین گفت: «در حوادث اخیر متأسفانه در مجموع ۲ نفر فوت و ۴۸ نفر مجروح شدند که از جمع مصدومان و مجروحان ۳۵ نفر به صورت سریایی مداوا و جز یک نفر سایر مجروحان نیز دارای جراحت‌های غیرعمیق هستند که در این بین تعداد قابل توجهی از مصدومان را نیروهای انتظامی تشکیل می‌دهند.»

در ماجرای کازرون، یک نام بیشتر از همه شنیده شد، حسین رضازاده، نماینده‌ای که گفته می‌شود متولد قائمیه (چنار شاهیجان) از توابع کازرون است و با وعده شهرستان شدن کوه چنار در این دوره از انتخابات توانسته راهی مجلس شود. این در حالی است که قائمیه ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد و با این جمعیت و وسعت، شرایط کافی برای تبدیل شدن به شهرستان را ندارد و به ناچار برای اینکه شرایط را داشته باشد، باید یک شهر و دو بخش را از کازرون به آن الحاق کنند. در این دو بخش که بر اساس طرح ارائه شده به وزارت کشور قرار بود به قائمیه الحاق شود، دو دهستان به نام‌های «دشت برق» و «انارستان» وجود دارد.

مساله و اختلاف بر سر قائمیه (چنار شاهیجان نیست)، اختلاف بیشتر بر سر «بیشاپور»، «دشت برم» و «امامزاده سیدحسین» است، شهرهایی که هویت تاریخی دارند و از طرف دیگر دشت برم منطقه‌ای خوش آب و هوا و جنگلی است که حفظ آن برای کازرونی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. کازرونی‌ها تصور می‌کنند که اگر این مناطق تاریخی و جنگلی از این شهرستان جدا شود، به هویت شهر لطمه خواهد خورد. به همین دلیل اعتراض‌ها بالا گرفت. از طرف دیگر برخی اهالی کازرون اندیشه دیگری نیز در سر می‌پروراندند. این طیف به دنبال این هستند تا کازرون به زودی به فرمانداری ویژه تبدیل شود و با این تغییر در تقسیمات کشوری بتوانند بودجه بیشتری کسب کنند و شهر را توسعه دهند. برای تبدیل شدن به فرمانداری ویژه معیارهایی وجود دارد، از جمله اینکه بیش از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت داشته، فرمانداری آنها ۶۵ ساله و مساحت شهرستان هم بیش از پنج هزار کیلومتر مربع باشد. با تقسیم کازرون و تشکیل شهرستان «کوه چنار» این رویا بر باد می‌رود اما پیش از این اعلام شده بود. بعد از اعتراضات، دولت اعلام کرد که در مورد طرح تقسیم هیچ تصمیمی گرفته نشده است. جانبختگان این حوادث سه شنبه به خاک سپرده شدند.



شمشیر سیف

ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی از تعدادی از نمایندگان به دادسرای کارکنان دولت شکایت کرده است. حسین مقصودی، عضو کمیسیون شوراها درباره علت شکایت سیف گفت: «اخیرا رئیس کل بانک مرکزی برای ادای توضیحاتی درباره نوسانات نرخ ارز به مجلس آمده بود و برخی از نمایندگان مانع ارائه توضیحات وی شده بودند. ولی‌الله سیف در شکایت خود از نمایندگان اعلام داشته که آنها (این نمایندگان) قصد داشتند وی را مورد ضرب و شتم قرار دهند. جلسه‌ای که سیف به آن اشاره کرده، جلسه‌ای بود که نمایندگان صدای اعتراض مردم را به گوش وی و دولتمردان می‌رساندند. اینکه آقای سیف از نمایندگان شکایت کردند مانند این است که دولت از مردم شکایت کرده است.» جبار کوچکی نژاد، نماینده مردم رشت درباره آن روز گفته است: «چندی پیش رئیس بانک مرکزی برای توضیح درباره وضعیت نرخ ارز و مشکلاتی که برای موسسات مالی و اعتباری ایجاد شده به مجلس آمده بود که سخنرانی کند اما ما به هیات رئیسه اخطار دادیم که در صلاحیت وی نیست که پشت تریبون قرار گیرد و باز هم به مالیات‌گزاران وعده‌های دروغین دهد. ما می‌خواستیم به نشانه اعتراض جلسه را ترک کنیم اما هیات رئیسه درخواست کرد که داخل مجلس بمانید، نمی‌گذاریم سخنرانی کند. هیات رئیسه خلاف اخلاق عمل کرد و به سیف اجازه سخنرانی داد اما ما جلوی وی را گرفتیم که حق سخنرانی ندارد.»



بازگشت به عکس‌ها

حسین فریدون بعد از مدت‌ها دوباره در انتظار عمومی ظاهر شده است. او در مراسم ختم سیدمهدی طباطبایی ظاهر شده است. آن هم در حالی که مدت‌هاست عکاسانی که به نهاد ریاست جمهوری می‌روند او را ندیده‌اند تا بتوانند در قاب دوربین‌های شان حضور او را ثبت کنند. او بعد از بازداشت تقریباً ناپدید شده بود. حالا اما حسین فریدون پس از ۱۰ ماه دوری از انتظار عمومی بالاخره در مراسم تشییع مرحوم سیدمهدی طباطبایی حاضر شد. او در مراسم ختم آن مرحوم نیز حضور داشت اما در مراسمی که از سوی دفتر رئیس‌جمهور تدارک دیده شده بود، غیبت داشت. رئیس‌جمهور روحانی میزبان دولتی‌ها و خانواده‌های شان بود. حسین فریدون حتی در این مراسم نیز غایب بود تا این احتمال داده شود که او به طور کلی از دولت حذف شده است.



انتقاد از پیشکوساتان

محمدباقر قالیباف بار دیگر لب به گلایه گشوده است. او یک بار در قاب تلویزیون ظاهر شد و حرف‌هایی غیرمنتظره در مورد بزرگان اصولگرا زد و این بار با یک روزنامه مشهدی درد دل هایش را گفته است. محمدباقر قالیباف، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و شهردار اسبق تهران، در گفت‌وگویی که با روزنامه خراسان داشته، درباره گفت‌وگو با نواصولگرایان، شعار ۴۰ درصدی و وضعیت اقتصادی نکات مهمی را مطرح کرده است. او در بخشی از این مصاحبه از «پدرخواندگان اصولگرایان» انتقاد کرد و گفت: «منظور همان کسانی هستند که ممکن است در مرکزیت جریان اصولگرا باشند و بگویند ما یک تصمیمی گرفته‌ایم و همه باید گوش کنند. گفت‌وگو بین اصولگرایان یکی از ضرورت‌هاست و باید اجازه داد این گفت‌وگو بین همه اتفاق بیفتد. یعنی افراد را به پیشکسوت و آماتور تقسیم نکنند. درست است که انصاف و عقل حکم می‌کند اما توره‌ها و تازه‌واردها به حرف پیشکسوت‌ها بیشتر توجه کنند اما معنای این حرف این نیست که فرد پیشکسوت نیازی به گوش دادن ندارد.»

دولت کم‌کار

«اگر پشتکار، جدیت و پرکاری دولت احمدی‌نژاد در دولت روحانی بود، بسیاری از مشکلات شاید رنگ دیگری داشت. این را نمی‌توان انکار کرد که مجموعه مدیران دولت افراد خوبی هستند ولی به لحاظ سن و نبود انگیزه یا اینکه تجربه این پست‌ها را در گذشته داشته‌اند، شاید آن پشتکار لازم را ندارند.» غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در نشست استانی این حزب در مشهد با انتقاد از عملکرد دولت روحانی ادامه داد: «کشور باید دائم در حال انبساط شدن توسط مدیران باشد. در خیلی از دستگاه‌ها این گونه احساس می‌شود که گویی مسائل به صورت اتوماتیک پیش می‌رود. برخی اوقات، زمانی که فاجعه‌ای رخ می‌دهد، تازه آن زمان همه حواس‌شان جمع می‌شود، آیا مسئولان سیاسی و امنیتی مساله کارزون را نمی‌دانستند؟ اینها اشکال دولت است. حال هر قدر هم وزارت کشور اطلاعیه دهد، باید اینها را پیش‌تر بیان می‌کردند.» کرباسچی در ادامه دولت روحانی را دولتی کم‌کار خواند: «نخستین اشکال دولت روحانی این است که دولتی کم‌کار است. دولتی که پس از بالاگرفتن یک ماجرا تازه وارد می‌شود، دولت محافظه‌کاری است. مگر قرار نبوده در حوزه شایستگی‌ها کار بیشتری شود؟ بعضی اوقات این گونه احساس می‌شود کسانی که به پست‌هایی رسیدند، آن‌را یک غنیمت می‌دانند.»





# دیدارهای غیرمنتظره

## روحانی با امیر کویت و پادشاه اردن دیدار کرد

نشست فوق العاده سران سازمان همکاری اسلامی عصر جمعه به وقت محلی با حضور رئیس جمهوری اسلامی ایران و سران کشورهای اسلامی در استانبول آغاز به کار کرد. حسن روحانی و سایر سران و مسئولان کشورهای اسلامی شرکت کننده در این اجلاس در بدو ورود به محل برگزاری اجلاس از سوی رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه مورد استقبال قرار گرفتند و پس از ثبت عکس یادگاری، نشست فوق العاده سران سازمان همکاری اسلامی با محوریت موضوع فلسطین آغاز شد. این نشست حاشیه های مهمی هم داشت. در حاشیه برگزاری اجلاس همکاری کشورهای اسلامی در ترکیه حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران با ملک عبدالله دوم پادشاه اردن پس از ۱۵ سال دیدار کوتاهی داشت. این در شرایطی است که آخرین دیدار رئیس جمهور ایران با پادشاه اردن به دیدار رئیس دولت اصلاحات و ملک عبدالله دوم پادشاه اردن در سال ۱۳۸۲ و در جریان سفر وی به تهران بازمی گردد. پیش تر علاوه بر دیدار رئیس دولت اصلاحات و پادشاه اردن، مقامات دیگری از جمهوری اسلامی ایران نیز با وی دیدار کرده اند. از جمله این دیدارهای می توان به دیدار اسفندیار رحیم مشایی، رئیس دفتر رئیس جمهور در دولت دهم در سال ۸۹، دیدار علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه دولت دهم در اردیبهشت سال ۹۲ و دیدار محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در شهریور سال ۹۲ با ملک عبدالله دوم اشاره کرد. همچنین مقاماتی از اردن نیز طی سالیان اخیر ضمن سفر به ایران با برخی مقامات کشورمان دیدار کرده اند. سفر رئیس مجلس اردن به ایران و دیدار با علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و همچنین سفر وزیر امور خارجه اردن به تهران و دیدار با روحانی در سال های ۹۳ و ۹۵ از این جمله است. این در حالی است که به عقیده کارشناسان این دیدار احتمالاً اتفاقی بوده و خیلی حائز اهمیت نیست. چراکه اهمیت اجلاس اخیر کشورهای همکاری اسلامی به موضوع فلسطین و تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای انتقال سفارت این کشور به بیت المقدس و محکومیت این اقدام بازمی گردد. بنابراین در میانه چنین اجلاسی به نظر نمی رسد که

درخصوص مسائل دوجانبه و روابط ایران و اردن اتفاق جدیدی افتاده باشد. همچنین باید توجه داشت که اردن کشور محافظه کاری است و ارتباطات تنگاتنگی با عربستان و اسرائیل دارد. از این رو هیچ گاه در رابطه با مسائل مهمی چون ایران بدون برنامه ریزی وارد عمل نخواهد شد اما اتفاق دیگر خوش و بش روحانی و امیر کویت در حاشیه اجلاس همکاری کشورهای اسلامی بود. امیر کویت و روحانی در حاشیه اجلاس کشورهای اسلامی در ترکیه برخورد گرمی داشتند. تصاویر مخابره شده از این اجلاس خشم سعودی را از این برخورد نشان می دهد. سخنرانی روحانی در این اجلاس هم البته در بر دارنده برخی نکات بود. او در بخشی از سخنان خود گفت:

«برگزاری نشست فوق العاده سران سازمان همکاری اسلامی بلافاصله پس از برگزاری نشست فوق العاده کمیته فلسطین اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (PUIC) در تهران در ۱۴ مه سال جاری، حاوی این پیام مهم است که امت اسلامی همانند یک واحد، در مقابله با بزرگترین تهدید جهان اسلام یعنی اشغال سرزمین فلسطین توسط کبان صهیونیستی قد برافراشته است. صمیمانه امیدوارم که این نشست با بهره گیری از همفکری و توان کشورهای اسلامی بتواند



منجر به اتخاذ راهکارهای عملی برای پایان بخشیدن به این بحران خطرناک و کمک فوری به ملت ستمدیده فلسطین به ویژه ساکنان مظلوم غزه شود. امروز ما به سوگ آخرین پرده از جنایات هفتادساله نسل کشی بی گناهان در فلسطین نشستیم. صهیونیست های جنایتکار در مقابل چشم اشکبار جهانیان؛ با پایمال کردن کرامت انسانی و تحقیر همه ارزش ها، جامعه جهانی را به مبارزه طلبیده اند. در حالی که صدها هزار بیگانه از ابتدای ترین حقوق انسانی محرومند، رژیم صهیونیستی، نظام آپارتاید و قوم گرایی خود را به دروغ، دموکراسی معرفی کرده و افراطی گری مذهبی حاکم بر خود را سکولاریسم می نامد و اندوهناک آنکه برخی کشورهای غربی نیز، تجاوزهای

اشغالگران را توجیه می کنند. در این شرایط دولت ایالات متحده آمریکا سفارت خود را به بیت المقدس منتقل کرد. این اقدام خودسرانه و خلاف مصوبات بین المللی، به رژیم جنایتکار صهیونیستی چراغ سبز داد تا مرتکب کشتار و حشبانه دیگری شود. کاخ سفید نشان داد که از نابودی پایه ها و قواعد نظم بین الملل هیچ ابایی ندارد و با زور، به جنگ حق می رود. درست چند روز پیش از انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، رئیس جمهور آمریکا ضربه دیگری را به امنیت بین المللی و اعتبار جامعه جهانی وارد کرد و از توافق هسته ای چندجانبه ای خارج شد که به تأیید شورای امنیت سازمان ملل رسیده است. این اقدام در ادامه خروج یکجانبه از برخی دیگر از توافقات مهم بین المللی نشان داد که دولت جدید آمریکا چه تهدید خطرناکی برای نظام حقوقی جهانی و صلح و امنیت جهانی به شمار می آید.»

بعد از پایان این اجلاس، سران کشورهای سازمان همکاری اسلامی با انتشار بیانیه ای ۳۰ ماده ای از جامعه جهانی خواستار حفاظت بین المللی برای مردم فلسطین از جمله اعزام نیروهای بین المللی صلح به این منطقه شدند.

در این بیانیه که در پایان نشست فوق العاده این سازمان در استانبول صادر شد، رژیم صهیونیستی به دلیل ارتکاب جرایم «غیرانسانی»، «وحشیانه» و «غیرقانونی» در قبال مردم فلسطین که به دلیل اشغال غیرمشروع سرزمین فلسطین و به ویژه نوار غزه دست به اعتراض مسالمت آمیز زده بودند، محکوم شد. در این بیانیه اسرائیل به عنوان «نیروی اشغالگر» مقصر اصلی جان باختن بیش از ۶۰ تن و زخمی شدن بیش از ۲۷۰۰ تن از غیرنظامیان فلسطینی در درخداهای روز ۱۴ می اعلام و تصریح شد: «این اقدامات وحشیانه توسط نیروهای اشغالگر اسرائیل و با حمایت آمریکا که در شورای امنیت مانع حسابرسی از این کشور می شود، انجام گرفته است. این جرایم به دنبال انتقال غیرقانونی سفارتخانه آمریکا به قدس شریف انجام گرفته و به دولت اسرائیل برای اقدام علیه مردم بی گناه جسارت داده شد.» در این بیانیه با اشاره به اینکه حفظ موقعیت تاریخی، معنوی و قانونی شهر قدس چارچوب اصلی این سازمان را تشکیل می دهد، از نهادهای بین المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته شده است تا زمینه حسابرسی از اسرائیل در قبال جرایم این رژیم علیه مردم فلسطین فراهم شود و همچنین این نهادها برای پایان این اقدامات ظالمانه به طور قانونی و اخلاقی اقدام کنند.» دبیرکل

سازمان همکاری اسلامی طی این بیانیه خواستار تشکیل کمیته کارشناسان بین المللی مستقل برای رسیدگی به جنایات و کشتار توسط نظامیان اسرائیل و تعیین مسئولیت کیفری مقامات این کشور و ارائه آنها به نهادهای مربوطه بین المللی شد. در این بیانیه از ارگان های اصلی سازمان ملل شامل شورای امنیت، دبیری کل، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر، کمیساری عالی حقوق بشر و دیده بانان ویژه خواسته شد تا فوراً برای تشکیل یک کمیته بررسی برای رسیدگی به موارد مذکور فراخوانده شوند. سران کشورهای اصلی همچنین در این بیانیه به اهمیت همکاری در یک چارچوب مشخص با اتحادیه عرب، اروپا و آفریقا و سایر نهادهای بین المللی و منطقه ای تأکید کردند.

## یار باوفای امام (ره)

سعید جلیلی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام تصویری از حجت الاسلام حسینی منتشر کرده است



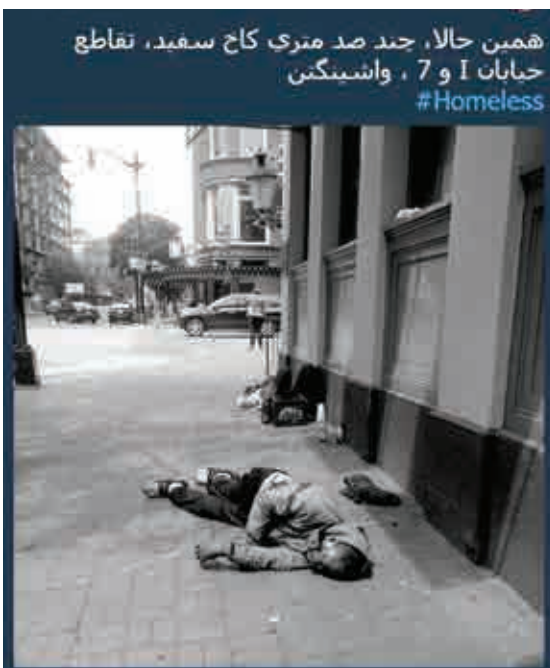
## دیدار تاکتیکی

علی اکبر ناطق نوری در حالی دیدارهایش را با اصلاح طلبان ادامه می دهد مه همچنان برخی معتقدند اصلاح طلبان در حال استفاده سیاسی از او هستند.



## در نزدیکی با کاخ سفید

تصویری که یکی از فعالان فضای مجازی از واشنگتن منتشر کرده است



حسام الدین آشنا به سیاست خارجی جدید آمریکا واکنش نشان داده است



انتقاد علیرضا زاکانی در مورد حاشیه های برجام





آقای روحانی، حداقل نه به اندازه یک رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر کشورهای شرق آسیا، بلکه به اندازه یک کارمند ساده این کشورها اشتباه خود را بپذیر، اگر استعفا نمی‌دهید لااقل عذرخواهی کنید. ملت ایران شاهد زنده هستند که چقدر مقام معظم رهبری از بی‌اعتمادی به آمریکا صحبت کردند تا لحظه قبل از شروع مذاکرات و حتی حین مذاکرات مرتب شماها را به هوشیاری در مقابل بدعهدی و پیمان شکنی آمریکا دعوت می‌کردند، اما شما آن قدر برای مذاکره با کدخدا ذوق زده بودید که یک گوشه‌پوش شده بود در و گوش دیگر تان شده بود دروازه. اگر مقام معظم رهبری سفت و سخت جلوی شما می‌ایستادند و با مذاکرات مخالفت می‌کردند، چه تهمت‌ها و چه انگ‌هایی که به ایشان نمی‌زدید اما به جایگاه شما احترام گذاشتند و اصل دموکراسی را رعایت کردند علی‌رغم عدم تمایل به مذاکره اصرار شما را برای مذاکره قبول کردند، لااقل شجاعت داشته باشید اشتباه خود را بپذیرید. ما ملت ایران شهادت می‌دهیم هزینه سنگین برجام را جناب عالی و همفکران تان بر ایران تحمیل کرده‌اید. مقام معظم رهبری و سایر دلسوزان انقلابی نه تنها به مذاکرات خوشبین نبودند، بلکه در هر مقطع از مذاکرات به شما پندها و حتی دستورالعمل‌هایی ابلاغ می‌کردند که شما به کار نمی‌بستید.

هر وقت آمریکایی‌ها ما را تهدید می‌کنند، فقط یاد یک عکس می‌افتم... همان عکسی که نظامیان آمریکایی وارد آب‌های ایران شدند و تاوان آن را دادند. به آقای پمپئو توصیه می‌کنم که آن عکس را هزاران بار نگاه کند. هر آمریکایی که بخواند به منافع ایران چه نگاه کند، تاوانی جز این ندارد، باید کالاغ پر برود.



پدر ملت و درآوردن این خودروسازها. در عرض کمتر از هشت سال قیمت‌ها رو سه تا چهار برابر کردن ولی باز سیر نمیشن. یه دونه ماشین میخوام بخرم هر وقت پول جمع می‌کنم موقع خرید میشه قیمت چند میلیون میره بالا و مجدد روز از نو روزی از نو... چرا اینا از مردم شرم نمی‌کنن.

آقای کارلوس کی‌روش گفته که سیدجلال حسینی به خاطر شرایط سنی از تیم ملی خط خورده است، یعنی سرمربی تیم ملی درست بعد از بازی با ازبکستان شناسنامه او را چک کرده، قبلیش نمی‌دانسته چندسالش است؟



جشنواره کن فقط می‌خواست به جعفر پناهی جایزه بدهد وگرنه اگر دقت می‌کرد روی فیلم نام دو فیلمنامه‌نویس آمده، چرا فقط به یک فیلمنامه‌نویس جایزه داده شد؟

یکی از عوامل بدبختی ما همین خودروسازها هستند. به خدا درشون تخته بشه مردم راحت‌ترند. چشم‌امون رو به روی همه چیز بستیم و فکر می‌کنیم فقط خودروسازها هستند که شغل ایجاد کردن. نه بابا این طور نیست.

این چه جور محرومیتی است که جعفر پناهی با آن مواجه است؟ اگر محکوم است چرا فیلم می‌سازد؟ چرا فیلمش به خارج می‌رود تا جشنواره‌های سیاسی از آن بهره‌برداری کنند؟ بهتر است بفهمیم که تکلیفمان با جعفر پناهی چیست؟

به نظرم حتما حکمت الهی در این بحث برجام بوده و آن اینکه ماهیت و ذات آمریکا برای همه جناح‌ها و حتی دنیا بار دیگر به صورت عینی و ملموس مشخص شد. ما باید از این فرصت بیشترین استفاده را کنیم. برای همه مشخص شد که آمریکا شیطان بزرگ است. همه باید پشت سر رهبری در مقابل این شیطان بایستند.

مگه روحانی نبود که می‌گفت تمامی مسئولیت برجام با منه!!!! تیتراژ یک روزنامه هاتون هم که این بود لابد اون وقت چون آفتاب تابان و فتح الفتوح بود می‌خواستید به اسم خودتون تموم بشه حالا که رودست از کدخدا خوردید، می‌خواهید گردن نظام بیندازید.

ما از ویتنام کم‌تریم؟ ویتنامی که ۲۰ سال با کلاشینکف در مقابل آمریکا ایستاد و او را به زانو درآورد؟

آقای روحانی گفته‌اند که گفتیم به عقب برنمی‌گردیم و برنگشتیم. راستش تنها چیزی که جلو رفته قیمت دلار است؛ خیلی هم جلو رفته است.



دولت حکم افزایش حقوق کارمندان در سال جدید را به دستگاه‌های زیرمجموعه ابلاغ نکرده است. این کار دولت چه معنایی دارد؟ مگر دولت در جریان بالا رفتن قیمت‌ها و تورم نیست؟

## خشم و ترس اروپا

سیاست‌های آمریکادر قبال ایران راه به جایی نمی‌برد

اروپا همواره تاکید کرده که برجام نتیجه بیش از یک دهه مذاکرات پیچیده و سخت و بنابراین بهترین نتیجه ممکن است. اتحادیه اروپا به ادامه اجرای موثر و کامل برجام تا زمانی که ایران نیز به تمامی تعهدات مرتبط هسته‌ای اش پایبند باشد، تاکید دارد.

بر همین اساس برخی بر این باور هستند که اروپا و ایران پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام ائتلافی با یکدیگر در برابر آمریکا تشکیل می‌دهند؛ در درجه اول در این باره باید گفت که ایران و اروپا در بسیاری از مسائل از جمله موضوعات حقوق بشری و نقش ایران در منطقه با یکدیگر اختلاف نظر دارند و تنها در یک موضوع خاص و محدود یعنی برجام نظر و مواضع مشترک دارند. بنابراین هیچ کس انتظار ندارد که اروپا روابط بسیار عمیق، استراتژیک، امنیتی و اقتصادی خود را با آمریکا کنار بگذارد و وارد ائتلاف با ایران شود. به عبارت دیگر حداکثر کاری که اتحادیه اروپا می‌تواند انجام دهد، این است که به وعده‌های خود مبنی بر کاهش اثرات خروج آمریکا از برجام عمل کند. در این میان سیاستمداران و دولتمردان اروپایی مواضع امیدوارکننده‌ای اتخاذ کردند اما واقعیت این است که اقدامات اروپایی‌ها تاکنون نتوانسته در این باره تضمین‌های لازم را ارائه کند.

به دنبال سخنرانی اخیر پمپئو رعب و ترس بیشتری میان شرکت‌های خصوصی اروپایی برای همکاری با ایران ایجاد شده، مبنی بر اینکه هرگونه همکاری با ایران می‌تواند عواقب وخیم مالی و تجاری برای آنها به همراه داشته باشد. بر همین اساس به شخصه بر این باورم که با توجه به شرایط جدید، اروپایی‌ها توان ایستادگی با این هجمه فشار از سوی آمریکایی‌ها ندارند و می‌توان انتظار داشت که در نهایت برجام بدون حضور آمریکا و بدون حضور موثر اروپا به شکل بالاترکلیفی در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد. از سوی دیگر برخی از صاحبان‌دراخلی و خارجی اعلام می‌کنند که در حال حاضر اروپا به دنبال حفظ حیثیت و آبروی خود در برابر آمریکا است زیرا اگر با خروج آمریکا از برجام، این توافق لغو یا منفل شود، جایگاه آنها در جامعه بین‌الملل زیر سوال می‌رود.

اکنون این سوال در ذهن بسیاری در جهان ایجاد شده است که آیا آمریکا که به دنبال محاصره اقتصادی ایران است، می‌تواند به هدف نهایی خود دست یابد و خواسته‌های خود را اجرایی کند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت، بسیار دور از ذهن است که خواسته‌های آمریکا اجرا شود، زیرا معمولاً این گونه خواسته‌ها را کشوری می‌پذیرد که در یک جنگ تمام عیار شکست خورده و تسلیم شده باشد. هیچ نظام سیاسی به درخواست‌هایی که آمریکایی‌ها مطرح کرده، پاسخ مثبت نمی‌دهد.

از سوی دیگر در حال حاضر ما با یک موج طوفان ملی‌گرایی در داخل آمریکا مواجه هستیم که با بسیاری از معادلات و مناسبات و پیمان‌های دسته‌جمعی بین‌المللی مشکل دارد و می‌خواهد این مناسبات را تغییر بدهد. قطعاً این رویکرد نه تنها در مساله برجام بلکه در موارد دیگر نیز برای اروپا تحقیرآمیز است و باعث ناخرسندی مردم این کشورها شده است. اما این مساله برای حامیان این رویکرد دغدغه‌ای نیست و تنها ممکن است نفرت و نارضایتی در میان برخی از گروه‌های سیاسی و اجتماعی افزایش یابد.

در میان طرفداران ملی‌گرایی، رضایت متحدین مطرح نیست بلکه تمکین متحدین مدنظر قرار دارد. از همین رو ترامپ خواهان افزایش بودجه نظامی اروپایی‌ها در ناتو شده است. اما در گذشته چه در دوران باراک اوباما و حتی بوش پسر، هدف روسای جمهور پیشین آمریکا جریان مشارکتی و جلب رضایت متحدان و اقدامات دسته‌جمعی بود.

## امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا دوشنبه عصر به وقت تهران با حضور در بنیاد هریتیج در واشنگتن برای نخستین بار پس از خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور از توافق هسته‌ای ایران، استراتژی جدیدی را تحت عنوان «استراتژی جدید ایران پس از برجام» اعلام کرد. خبرگزاری سی‌ان‌ان اعلام کرد که استراتژی‌ای که پمپئو طی ۲۶ دقیقه به آن پرداخت را می‌توان این طور خلاصه کرد: «یا شما (ایران) به خواسته‌های ما تن می‌دهید یا شما را له می‌کنیم» و سپس این خبرگزاری آن را خیال‌پردازانه توصیف کرد. همچنین نشریه فارن پالیسی اعلام کرد که دولت ترامپ با استراتژی جدیدش در قبال ایران بار دیگر بی‌تجربگی خود را نشان داد.

وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی خود لیست ۱۲ بندی ارائه کرد که بر اساس این لیست ایران باید چه کارهایی انجام دهد تا روابط به حالت عادی تبدیل شود، تحریم‌ها لغو شود و زمینه برای برقراری روابط دیپلماتیک فراهم شود تا شرکت‌های مختلف با ایران وارد همکاری شوند؛ از جمله اقدامات مورد انتظار می‌توان به متوقف شدن فعالیت‌های موشکی، خروج نیروهای ایران از سوریه، به سطح صفر رساندن غنی‌سازی و بازدید از تمام سایت‌های نظامی و هسته‌ای اشاره کرد. اینها انتظاراتی است که آمریکایی‌ها دارند و به صراحت پمپئو این خواسته‌ها را مطرح کرد. در گذشته دونالد ترامپ و جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا نیز این شروط را اعلام کرده بودند.

برخی تحلیلگران بر این باورند که هدف نهایی دولت ترامپ براندازی حکومت ایران است؛ در این باره باید به این نکته اشاره کرد که واشنگتن این موضوع را قویا رد کرده است. حتی زمانی که از جان بولتون سوال شد که در نشستی وی از این مساله حمایت کرده است، گفت که آن زمان نظر شخصی خود را بیان کرده و اکنون در مقام مشاور امنیت ملی نمی‌تواند چنین مساله‌ای را مطرح کند. اما به طور کلی اگر خواسته‌های آمریکا به طور کامل محقق شود، ما حاصل این خواسته‌ها به تغییر رژیم منجر خواهد شد، حتی اگر به طور رسمی آمریکا این سیاست را پیگیری نکند.

همچنین باید به این نکته اشاره کرد که پمپئو در سخنرانی اخیر خود بارها مردم را مورد خطاب قرار داد. او در سخنان خود مردم را تشویق می‌کرد که در برابر دولت قرار گیرند، تا بدین شکل آمریکایی‌ها بتوانند به آرزوی نهایی خود دست یابند. در واقع آنها در باطن این هدف را دنبال می‌کنند اما به طور رسمی اعلام نمی‌کنند.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه

”

برخی تحلیلگران بر این باورند که هدف نهایی دولت ترامپ براندازی حکومت ایران است؛ در این باره باید به این نکته اشاره کرد که واشنگتن این موضوع را قویا رد کرده است. حتی زمانی که از جان بولتون سوال شد که در نشستی وی از این مساله حمایت کرده است، گفت که آن زمان نظر شخصی خود را بیان کرده و اکنون در مقام مشاور امنیت ملی نمی‌تواند چنین مساله‌ای را مطرح کند

”



## تصمیم و حشیانه

طلاق آتلانتیکی‌ها از یکدیگر ناممکن است

نویسنده: برونو تراتریس

مترجم: حنیف غفاری

است: خیر. بنا بر دلایل مختلفی باید از بروز چنین تقابلی جلوگیری کرد. اگرچه اتحادیه اروپا قوی‌ترین قدرت و بلوک تجاری در جهان است، اما حقیقت این‌که ظرفیت مقابله با چالش‌های قرن بیست و یکم میلادی را (به تنهایی) ندارد. در این خصوص اروپا باید روابط خود را با ایالات متحده آمریکا حفظ کند، به هیچ عنوان به جای ایالات متحده آمریکا، نمی‌توان قدرتی جایگزین را برای مشارکت بنیادین با اروپا در نظر گرفت. چین و روسیه نیز چنین ظرفیتی را برای شکل دادن اتحادی جدید با اروپا ندارند.

یکی دیگر از دلایلی که بر مبنای آن، لازم است همکاری‌ها و روابط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا حفظ شود، مخاطرات امنیتی است. بسیاری از این مخاطرات امنیتی متوجه اروپاست. اگرچه داعش از نظر نظامی شکست خورده (و خلافت آن در سوریه و عراق از بین رفته است) اما تروریسم جهادی همچنان یک چالش برای امنیت اروپا محسوب می‌شود. کشورهای اروپایی برای مواجهه با چنین تهدیدی به همکاری ایالات متحده آمریکا نیاز دارند. نباید فراموش کنیم که آسیب‌های ناشی از حملات تروریستی در اروپا همچنان زرد افکار عمومی زنده است.

نقش «روسیه» نیز در این معادله غیرقابل انکار است. ولادیمیر پوتین در مسکو، امنیت قاره ما (اروپا) را به چالش می‌کشد و از طرق و ابزارهای مختلفی این روند را دنبال می‌کند. وی به دنبال تقسیم و تضعیف اروپاست. نباید اشتباه کرد. نخستین کشوری که از جدایی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا سود می‌برد، روسیه است. مطمئناً، روابط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا وارد مرحله‌ای حساس و آشفته شده است. اما این صرفاً می‌تواند یک مرحله (وضعیت گذار) باشد. با توجه به استانداردها و حقایق تاریخی، این دوره، کوتاه‌مدت خواهد بود. ترامپ در نهایت ۳ تا ۷ سال دیگر در کاخ سفید حضور خواهد داشت. با این حال نباید فراموش کرد که آمریکا به صورتی کلی دارای اقتصادی پویا و جامعه‌ای چندفرهنگی است. پس ما باید در مورد آینده (و نه زمان حال) صحبت کنیم.

برنامه هسته‌ای ایران بر آمدند. طی ۱۲ سال، شاهد اعمال دیپلماسی بین‌المللی و مذاکرات مستمر با ایران بودیم. در نهایت، این تلاشها منتج به شکل‌گیری توافقی شد که امروز ترامپ آن را لغو کرده است.

حرکت اخیر ایالات متحده آمریکا و دولت ترامپ، بر خلاف اصول چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل بوده است. این موضوع، اعتبار واشنگتن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هم‌اکنون اظهارات انگلاند مرکل در خصوص ایالات متحده آمریکا ملموس‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. صدراعظم آلمان برای دومین بار طی یک سال اخیر تأکید کرده است که اروپا (برای تأمین منافع خود) دیگر نمی‌تواند به آمریکا تکیه کند. هم‌اکنون شهروندان اروپایی این سوال را می‌پرسند: ما چگونه می‌توانیم به کشوری تکیه و اعتماد کنیم که به صورت یکجانبه توافقی هسته‌ای با ایران را از بین می‌برد؟

این روند می‌تواند در ادامه بدتر شود. ترامپ طی یک‌سال و نیم اخیر اقدامات زیادی برخلاف منافع اروپا انجام داده که آخرین نمونه آن، خروج از توافق هسته‌ای با ایران بوده است. او در خصوص ساختار ناتو و مناسبات درون پیمان آتلانتیک شمالی نیز نگرانی‌هایی دارد و معتقد است ایالات متحده بازدهی مناسبی در قبال سرمایه‌گذاری خود در تأمین امنیت اروپا ندارد. همچنین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از توافق آب‌وهوایی پاریس خارج شده و در حوزه اقتصاد و تجارت جهانی نیز تعرفه‌هایی را در خصوص فولاد و آلومینیوم اعمال کرده است. مواردی که هر یک از آنها با مخالفت و نارضایتی اتحادیه اروپا مواجه شده است. سوال اصلی اینجاست که آیا باتوجه به تمامی این موارد، زمان آن نیست که اروپا به دنبال طلاق از آمریکا در نظام بین‌الملل باشد؟ پاسخ این سوال مشخص

در سال ۲۰۰۳ میلادی، شاهد راه‌اندازی جنگ بزرگی در خاورمیانه و از سوی ایالات متحده بودیم. متعاقب این موضوع، شاهد از بین رفتن وحدت در اردوگاه غرب و کشورهای اروپایی با یکدیگر شدیم. این قاعده در خصوص بحرآن سوئز در ۱۹۵۶ میلادی نیز صادق بود. تصمیم اخیر ترامپ در خصوص خروج از توافق هسته‌ای با ایران را نیز باید در زمره چنین نقاط عطفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اگرچه هم‌اکنون اوضاع، مانند سال ۲۰۰۳ میلادی نیست و حمله به ایران (از سوی آمریکا) بدترین فرضیه ممکن محسوب می‌شود اما در اردوگاه کشورهای اروپایی شاهد ایجاد انشقاق و شکاف نیستیم. به عبارت بهتر، کشورهای اروپایی به‌رغم اختلافاتی که با یکدیگر در موضوعاتی مانند برگزیت و... دارند، ترجیح می‌دهند در برهه زمانی فعلی در یک جبهه (در مقابل تصمیم آمریکا) قرار گیرند.

تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران، تصمیمی بسیار و حشیانه است. فراتر از آن، چنین تصمیمی به صورت مستقیم یک پروژه اروپایی را هدف قرار داده است. این پروژه اروپایی از سال ۲۰۰۳ میلادی و توسط وزرای امور خارجه سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه کلید خورد. به عبارت بهتر، ما شاهد تبلور ابتکار اروپایی در حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران بوده‌ایم. هدف اروپا از مذاکره با ایران مشخص بود: وزرای اروپایی در صدد محدود کردن و اعمال کنترل بر

# جدال نرم در دوسوی آتلانتیک

## اروپا نباید تبدیل به «درب اتوماتیک» دولت ترامپ شود

نویسندگان: استیون سیمون -  
جانانان استیونسون

مترجم: سعید سبحانی

سرانجام پس از چند ماه تردید، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که از توافق هسته‌ای با ایران خارج خواهد شد؛ توافقی که میان کشورهای ایران، ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، آلمان، فرانسه و انگلیس بسته شده بود. شرکای اروپایی ترامپ معتقدند که متعاقب این تصمیم ترامپ، اصل چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل و منافع امنیتی ناشی از آن، به چالش کشیده شده است.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن واکنشی که به دولت ترامپ (در خصوص خروج از برجام) نشان داد، اعلام کرده اتحادیه اروپا و جامعه بین‌الملل خواستار حفظ این معاهده هسته‌ای است. اما سوال اصلی اینجاست که چرا با وجود مخالفت‌های علنی اتحادیه اروپا، ترامپ خواسته‌های آنها را در این خصوص

نادیده انگاشته است؟ مطمئناً سران اروپایی زمان زیادی را برای جلوگیری از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و حفظ این توافق صرف کرده‌اند. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در آخرین سفر خود به ایالات متحده آمریکا، مذاکرات زیادی در این خصوص با ترامپ صورت داد. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و بوریس جانسون، وزیر خارجه انگلیس نیز تلاش‌های مشابهی در این خصوص صورت دادند. اگرچه مقامات اروپایی هم‌اکنون از تلاش برای حفظ توافق هسته‌ای خبر می‌دهند اما دولت ترامپ (در راستای کنترل رفتار اروپا) از اهرم‌هایی مانند مناسبات درون آتلانتیکی آمریکا-اروپا و دیگر موضوعات مشترک امنیتی و اقتصادی میان طرفین استفاده می‌کند. اتحادیه اروپا باید واقعبینانه در این خصوص را بپذیرد. اینکه ارزش تولید ناخالص داخلی اروپا هم‌اندازه با تولید ناخالص داخلی ایالات متحده آمریکا است و این مجموعه، با ترکیبی از مسائل تعیین‌کننده و حساس در قبال آمریکا روبه‌رو است. با این حال سوال اصلی اینجاست که اتحادیه اروپا چه واکنشی در مقابل ترامپ در قبال خروج از توافق هسته‌ای با ایران صورت خواهد

داد؟ حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران تصریح کرده که این کشور قصد دارد به رابرتی با طرف‌های دیگر توافق هسته‌ای (مخصوصاً تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا) جهت ادامه توافق هسته‌ای و استمرار برجام ادامه دهد. وی امیدوار است که کشورهای اروپایی با ارائه تضمین‌هایی، برجام را ابقا کرده و تأثیر اعمال دوباره تحریم‌های هسته‌ای (تحریم‌های ثانویه آمریکا) علیه ایران را کاهش دهند. با این حال به نظر می‌رسد دولت‌های اروپایی در این خصوص با چالش‌هایی مواجه هستند از جمله اینکه سفیر ایالات متحده آمریکا در آلمان صراحتاً از شرکت‌های آلمانی خواسته است تا ایران را ترک کرده و معاملات خود با این کشور را متوقف سازند.

طرح این مسائل، می‌تواند منجر به واکنش اتحادیه اروپا شود. در چنین شرایطی شاهد شکل‌گیری شکاف و منازعه‌ای در دوسوی آتلانتیک (آمریکا و اروپا) خواهیم شد. ممکن است شاهد شکل‌گیری چالشی دیپلماتیک و اقتصادی میان آمریکا و اروپا باشیم، تا آنجا که کشورهای عضو اتحادیه اروپا سفرهای خود را از ایالات متحده فربخوانند. همچنین اروپا می‌تواند تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه شرکت‌های اروپایی را با اعمال تحریم علیه شرکت‌های چندملیتی در آمریکا تلافی کند. این مساله، می‌تواند فشارهای بیشتری را به کاخ سفید، بابت اعمال دوباره تحریم‌های ایران و خروج از برجام، وارد کند. در هر حال ممکن است چنین اقداماتی از سوی اروپا در قبال آمریکا، تند و رادیکال به نظر برسد اما اینها می‌تواند پاسخی نسبت به اقدامات ایالات متحده آمریکا و دولت ترامپ باشد.

## نقدی کوتاه بر تحلیل نیویورک تایمز

آمریکا بر سر برجام و حتی دیگر بحران‌هایی که دولت ترامپ طی یک سال ونیم اخیر به وجود آورده است، ارجحیت دارد.

بدیهی است که در چنین شرایطی اساساً نمی‌توان روی «بازی اروپا» برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران حساب ویژه‌ای باز کرد. محافظه‌کاری موجود میان مقامات ارشد اروپایی، مانع تحقق چنین تقابلی تمام‌عیار و تأثیرگذاری میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا می‌شود. بنابراین، اساساً اراده‌ای میان سران اروپایی جهت «تقابل تأثیرگذار» میان آنها و واشنگتن بر سر برجام وجود ندارد.

اعمال تحریم‌های ثانویه متقابل از سوی اروپا علیه شرکت‌های آمریکایی غیرقابل تصور است. با این حال مقاله اخیر روزنامه نیویورک به خوبی نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا به صورت بالقوه، توان ایستادگی در برابر ایالات متحده آمریکا و مهار سخت‌دولت ترامپ در قبال خروج از برجام را دارد.

با این حال افرادی مانند امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان ترجیح می‌دهند همچنان مانع ایجاد شکاف در دوسوی آتلانتیک شوند. آنها معتقدند که منافع اقتصادی، استراتژیک و امنیتی اتحادیه اروپا نسبت به تقابل با ایالات متحده

مقامات اروپایی صراحتاً اعلام کرده‌اند که قصد ایجاد جنگ اقتصادی با ایالات متحده آمریکا بر سر ایران و برجام ندارند. از سوی دیگر، شواهد و مستندات موجود نشان دهنده استمرار مذاکرات پشت پرده مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا و وزیر امور خارجه اروپایی در خصوص برجام است. بر این اساس، کاخ سفید کماکان از کشورهای اروپایی خواسته است تا مذاکرات گسترده‌تری را با ایران بر سر پذیرش محدودیت‌های جدید هسته‌ای و موشکی آغاز نمایند. بدیهی است که در چنین شرایطی، تصور گزینه‌هایی مانند فراخواندن سفرای اروپا از آمریکا و



# از میلیتاریسم به تکنوکراتیسم

## آیا صدر می تواند دولت تشکیل دهد؟

عارف بیژن

پژوهشگر مسائل بین الملل



انتخابات مجلس عراق در ۱۲ می ۲۰۱۸ برگزار شد؛ این انتخابات برای گزینش ۳۲۹ عضو مجلس عراق بود که رئیس جمهور و نخست وزیر آینده عراق را تعیین خواهند کرد. انتخابات ۲۰۱۸ دومین انتخابات مجلس این کشور بعد از خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، چهارمین انتخابات بعد از سقوط صدام حسین و نخستین انتخابات سراسری پس از شکست کامل داعش به شمار می رود. مجلس عراق در منطقه سبز بغداد قرار دارد و یگانه مجلس قانون گذاری در کشور عراق محسوب می شود. نمایندگان این مجلس برای دوره های چهارساله از طریق رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند.

در این انتخابات ۴۴/۵۵ درصد واجدین شرایط شرکت کردند و «ائتلاف اتحاد انقلابیون برای اصلاحات» (سائرون) به رهبری مقتدی صدر بر دیگر ائتلاف ها پیشی گرفت و پیروز انتخابات شد. البته آرا بین فهرست های متعدد توزیع شده و هیچ یک اکثریت را به دست نیاوردند. فهرست سائرون به رهبری مقتدی صدر موضعی ملی گرایانه و مستقل نسبت به ایران و آمریکا دارد. صدر در سال ۲۰۰۸ به عنوان یکی از ۱۰۰ نفری که بیشترین تاثیر را طبق نظر مجله تایم گذاشته بود انتخاب شد. او به یک پلنفرم مبارزه با فساد پیوست و خود را با حزب کمونیست متحد کرد. فهرست فتح به رهبری هادی العامری، فرمانده حشد الشعبی که متحد ایران است، با ۴۷ کرسی در جای دوم قرار گرفته و فهرست نصر به رهبری حیدر العبادی، نخست وزیر فعلی که با ایران و آمریکا تعامل مثبت دارد، با ۴۲ کرسی در جای سوم ایستاده است. آنچه اکنون مهم است تشکیل دولت توسط این احزاب است که باید منتظر ائتلاف آنها در راستای به دست آوردن اکثریت کرسی های مجلس باشیم؛ اتفاقی که کمتر کسی نتایج آن را پیش بینی می کرد تعداد کرسی های فهرست مقتدی صدر است که توانست پای خود را در هرم قدرت عراق باز کند. توجه به شخصیت و برنامه های مقتدی صدر برای آینده عراق بسیار مهم است و در این متن سعی بر این است به طور اختصار به شخص مقتدی صدر و اقدامات احتمالی او برای تشکیل دولت آینده عراق پرداخته شود.

بیوگرافی مقتدی صدر

سید مقتدی صدر شخصیت سیاسی و مذهبی اسلامگرای عراقی، یکی از رهبران شیعه عراقی و شناخته شده ترین بازمانده خاندان صدر است. وی





## ظهور صدر و جیش المهدی

نشانه‌ای از همراهی صدر با سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکا می‌دانستند.

از سال ۲۰۱۶، گفت‌وگوهای ملی گرا و پوپولیستی، همراه با تظاهرات سیاسی، جنبش صدر را به‌طور عمده تعریف کرد. در این زمان، صدر خواستار پایان فساد و موقعیت تکنوکرات‌ها در دولت و همچنین ادغام شبه‌نظامیان در ارتش عراق شد. فهرست صدر بر اساس تلاش‌های قبلی برای تشکیل یک کمیته متشکل از فرقه‌ای برای ایجاد یک «برنامه ملی» برای عراق، که به عنوان اتحاد انقلابیون اصلاح طلب شناخته می‌شد، شامل احزاب گوناگون بود که نمایندگان کمونیست‌ها و لیبرال‌ها، سنی‌ها و یزدیس‌ها و سکولارها و اسلامگرایان و دیگران بودند.

## پیامدهای بیروزی صدر

اینکه آیا صدر بتواند یک دولت را تشکیل دهد یا خیر، چه نوع حکومتی در هفته‌های پس از انتخابات مجلس روی کار آید، نامشخص است. این در حالی است که خود صدر نمی‌تواند نامزد نخست‌وزیری شود اما او می‌تواند نقش مهمی در تعیین نخست‌وزیر بعدی داشته باشد، البته اگر او بتواند ائتلافی با حداقل ۱۶۵ عضو در مجلس عراق تشکیل دهد. تاریخ همکاری با عبادی و پذیرش نتایج انتخابات باعث ایجاد یک اتحاد صدر-عبادی می‌شود.

چنین اتحادی می‌تواند از حمایت مردمی صدر و تجربه عبادی بهره‌مند شود. عبادی همچنین رابطه متعادل بین آمریکا و ایران را حفظ کرده که عموماً با رد مداخله خارجی در امور عراق سازگار است. ایران در صدد است تا نفوذ خود را گسترش دهد و احتمالاً نفوذ محدودی بر عراق به رهبری ناسیونالیست صدر داشته باشد.

در عین حال، در حالی که به رابطه ایالات متحده و صدر به پشتوانه جنگ‌های گذشته و تظاهرات قوی علیه ایالات متحده خدشه وارد می‌شود، ایالات متحده به شدت ترجیح می‌دهد که عراق مستقلاً را پیش روی خود داشته باشد تا اینکه در دست یک گروه خاص به رهبری صدر باشد. از سوی دیگر، هیچ یک از متحدان اکثریت مطلق را به دست نیاورده‌اند و انتظار می‌رود که مذاکرات برای تشکیل دولت به مدت چند ماه ادامه یابد، زیرا احزاب سعی می‌کنند که یک بلوک به اندازه کافی بزرگ برای کسب اکثریت در پارلمان ایجاد کنند. در حالی که ائتلاف صدر بیشترین تعداد کرسی‌ها را به دست آورده، هنوز مشخص نیست که آیا نخست‌وزیر آینده از این اردوگاه بیرون خواهد آمد یا خیر.

پس از سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳، صدر به عنوان قهرمان شیعیان فقیر شناخته شد و رهبری حملات به نیروهای آمریکایی و کشتار فرقه‌ای مسلمانان اهل تسنن را پشت سر گذاشت. در سال‌های اخیر، آقای صدر محبوبیت خود را به عنوان یک صدای ملی گرایانه، با مخالفت با نفوذ ایران و برگزاری یک مبارزه عمومی علیه فساد به دست آورده است. پیروزی صدر برای بسیاری از گروه‌های سیاسی عراق تکان‌دهنده بود و می‌تواند پیامدهای مهمی برای روابط عراق با ایالات متحده و همسایه آن ایران داشته باشد. برخلاف عبادی که موفق به حفظ روابط خوب با ایالات متحده و ایران شده است، صدر به شدت با هر دو کشور مخالف است. پیش از انتخابات، صدر قول داد که یک ائتلاف با سنی‌های سکولار و حزب کمونیست عراق تشکیل دهد اما هنوز نمی‌توان به صورت قطعی گفت که در عراق چه اتفاقی خواهد افتاد.

جیش المهدی در تابستان سال ۲۰۰۳ میلادی پس از سرنگونی حکومت صدام، توسط مقتدی صدر با هدف حکومت اسلامی تشکیل شد. این گروه نظامی فداییان مقتدی صدر به سرعت محبوبیت زیادی در میان شیعیان عراق یافت، به طوری که اعضای آن در سال ۲۰۰۶ به شصت هزار نفر می‌رسید و نمایش اقتدار و رژه‌های علنی در شهرهای عراق از جمله شهرک صدر، نجف، بصره و کوفه انجام می‌دادند.

در زمان حضور نیروهای آمریکایی، به عنوان شیعه ناراضی از حضور اشغالگران علاوه بر دو گروه دیگر القاعده تسنن و بازماندگان صدام، درگیری‌های خونین متعددی بین شبه‌نظامیان این گروه با دولت عراق و ارتش آمریکا در شهرهای مختلف عراق روی داد که موجب کشته شدن صدها نفر از نیروهای دو طرف و همچنین غیرنظامیان شده است.

بعد از آنکه بریتانیایی‌ها در ابتدای سال ۲۰۰۸ از بصره خارج شدند، نیروهای شیعی جیش المهدی مقتدی صدر برای ایجاد حکومت اسلامی، عملاً کنترل شهر بصره را در اختیار داشتند اما دولت مرکزی نوری مالکی، شیعه همیمان، با آنان درگیر شده و جنگ خیابانی سنگینی در گرفت که بیش از یک هفته ادامه داشته و ناامنی و کشته‌های فراوان داشت که نهایتاً دو طرف آتش بس کرده و توافق شد که حکومت و اداره کشور با دولت مرکزی باشد. بنابراین توافق شد جیش المهدی منحل شده اما سلاح صدر در اختیار خودش باشد و مقتدی صدر هم در عرصه سیاسی فعالیت نماید. نهایتاً در سال ۲۰۰۸ مقتدا صدر جیش المهدی را منحل کرد.

در تلاش برای تثبیت جامعه شیعه در شهر مذهبی نجف، ایالات متحده یک روحانی شیعه به نام عبدالمجید الخویی را در این شهر مورد حمایت قرار داد. خوبی سه هفته بعد در روز روشن به قتل رسید. ارتش مهدی، تحت رهبری صدر، مسئول مرگ هزاران نفر از نیروهای ایالات متحده و نیروهای ائتلاف، به ویژه از طریق استفاده گسترده از دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز، در سال‌های اولیه اشغال ایالات متحده بود. ارتش مهدی و صدر، همچنین متهم به خشونت و حشیانه فرقه‌ای علیه سنی‌های عراق شده‌اند.

اعضای این گروه در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ خشونت‌های ضدسنی («جوخه‌های مرگ» (death squads) را رهبری کردند و در طول جنگ، خشونت گسترده علیه غیرنظامیان انجام دادند.

## گذار از مقاومت خشونت‌آمیز

در سال ۲۰۱۱، صدر پس از چهار سال تبعید و مطالعه دینی خود در ایران، پس از بازگشت به عراق خشونت را محکوم کرد. در حالی که صدر، متعهد به رد کردن اشغال عراق توسط آمریکا و خواستار خروج نیروهای نظامی در سال ۲۰۱۲ بود، وی به پیروان خود گفت که در برابر ذهن و قلب‌شان مقاومت کنند، نه از طریق خشونت. در مقابل، صدر سعی کرد مثنی سیاسی را جایگزین مثنی مسلحانه کند و با ورود به دنیای سیاست به دنبال اجرای برنامه‌های خود باشد. قصد واقعی صدر در این دوره هنوز نامشخص است.

در این زمان، جنبش صدر، نه تنها برای خروج ایالات متحده از عراق، بلکه مهم‌تر از آن، جایگزینی نخبگان سیاسی با تکنوکرات‌ها در موقعیت‌های وزارت امور خارجه، مطابق با ایدئولوژی پوپولیستی در حال ظهور بود. به‌رغم این دشمنی، پشتیبانی هوایی ایالات متحده از شبه‌نظامیان صدر در مبارزه علیه دشمن مشترک یعنی داعش، درگیری مستقیم را از بین برد و این را

طرفدار ایجاد حکومت اسلامی و از مخالفین حکومت صدام و حضور نیروهای خارجی در عراق بوده است. نیروهای شبه‌نظامی مسلح تحت امر او سابقاً معروف به جیش المهدی در مقاطعی درگیری‌هایی با نیروهای آمریکایی ائتلاف و افراطیون سنی بعثی و حکومت مرکزی داشته‌اند. مهم‌ترین پایگاه طرفداران صدر در استان‌های جنوبی عراق به ویژه در شهرک صدر محله شیعه‌نشین بغداد است.

پدر مقتدی و پسر عموی پدرش، سیدمحمدباقر صدر (از مراجع پیشین تقلید شیعیان عراق) به همراه دو برادر دیگرش در دوران رژیم بعثی صدام حسین به خاطر نقش محوری که در مبارزه مردم این کشور علیه صدام داشتند، به شهادت رسیدند. پس از این حادثه مقتدی مخفی شد و به زندگی پنهانی و زیرزمینی روی آورد. مقتدی صدر توانسته صدها هزار نفر از طیف‌های پرشور شهرهای شیعی عراق به‌ویژه «شهرک صدر» در حومه بغداد را به سوی خود جذب کند. در دوران اشغال عراق، جیش المهدی که گفته می‌شود ۶۰ هزار عضو دارد با ارتش آمریکا بارها درگیر شدند و آمریکایی‌ها در واکنش به این اقدام تلاش کردند تا صدر را دستگیر کنند. در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ نیز جریان صدر بار دیگر حضور یافت و ۴۰ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی پارلمانی عراق را به خود اختصاص داد و سهمیه ۸ وزیر در کابینه جدید نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق را از آن خود کرد.

مواضع اصلی مقتدی حول محور مشروعیت قدرت، مخالفت حضور نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق و خدمات‌رسانی به مردم این کشور می‌چرخد. مقتدی صدر در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۸ با اعلام عقب‌نشینی از تصمیم اخیر خود مبنی بر کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی، بار دیگر به صحنه سیاسی عراق بازگشت.

صدر نماد مقاومت در برابر اشغالگری خارجی بود که این مساله، دو قیام خشونت‌آمیز علیه نیروهای ایالات متحده را منجر شد و باعث شد پنتاگون بیشترین خطر را برای امنیت عراق به نیروهای ارتش مهدی نسبت بدهد. صدر بعد از نتایج رسمی در ساعات اولیه اعلام کرد: «صدای شما یک افتخار برای ماست و ما شما را ناامید نخواهیم کرد.» حضور مقتدی ضربه‌ای به حیدر العبادی وارد کرد، به دلیل اینکه برعکس عبادی که منافع رقابتی ایالات متحده و ایران - متحدان ناخواسته در جنگ علیه داعش - را مدیریت کرده است، مقتدی از نفوذ و حضور این دو کشور در عراق انتقاد کرده است و همین امر باعث می‌شود در برنامه‌های آینده تشکیل دولت ائتلافی مشکلاتی را ایجاد کند و اختلاف‌نظرهای اساسی به وجود آورد. سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، با سیاستمداران در بغداد مذاکره کرده است تا از تشکیل یک کابینه جدید که مورد تایید ایران است حمایت کند. یکی از وجوه اختلاف بین ایران و مقتدی صدر، سفر سال گذشته صدر به عربستان سعودی رقیب منطقه‌ای ایران بود؛ او طی این سفر با شاهزاده محمد بن سلمان دیدار کرد.

آنچه باعث شد صدر وارد انتخابات مجلس عراق شود، ناامیدی در زندگی مردم، فقدان فرصت‌های شغلی، یک اقتصاد مشتاق و زیرساخت در حال فروپاشی با کاهش شدید قدرت است. آنها همچنین از خدمات دولتی ضعیف و بازسازی آهسته در مناطقی نظیر تکریت، فلوجه و موصل که در مبارزه علیه داعش ویران شده بودند، رنج می‌برند. فساد، یکی دیگر از مسائل مهمی است که توسط بسیاری از عراقی‌ها به دلیل عدم موفقیت کشور در انتقال ثروت از منابع طبیعی خود به زندگی بهتر برای همه شهروندانش از آن نام برده می‌شود.

سایه

برخی از اصلاح طلبان دوران پساجام رادوران پایان دولت روحانی می دانند



## فرار آرام

به پایان ائتلاف اصلاح طلبان با روحانی نزدیک می شویم؟

## آرای روحانی منفعل می شوند

گفت و گوی مثلث باعلی تاجرنیا



## سایه دولت

برخی از اصلاح طلبان دوران پسابرجام را دوران پایان دولت روحانی می دانند

## مصطفی صادقی

دبیر تحریریه

«شاید مردم به نبود روحانی رضایت دهند چرا که جایگاه رئیس جمهور نزد حامیان خود به دلیل تحقق نیافتن وعده های اقتصادی و همچنین عدم توانایی در رفع حصر و برخی دیگر از مسائل افول کرده است.» این سخن سعید حجاریان نه یک بازی روانی سیاسی به نظر می رسد و نه یک تاکتیک برای عبور از شرایط فعلی. او تمام تلاشش را کرده یک واقعیت را بگوید: «آنچه از دولت روحانی باقیمانده یک «سایه دولت» است.» باید در این مورد بحث کرد.

برای کسانی که فضای سیاسی این روزهای ایران را تحلیل می کنند آن قدر موفقه های عجیب و غریب ردیف شده که سخت شده پیش بینی آنچه در پیش روی عرصه سیاست ایران خواهد بود. به یک معنا حالا که حسن روحانی سه سال از ریاست جمهوری اش باقیمانده آن قدر شرایط نسبت به سال گذشته تغییر کرده که شاید خود او که رئیس جمهور است هم نمی داند دقیقا با چه وضعی مواجه شده است.

این وسط حتی برخی لب به سخن گشوده اند که حسن روحانی حتی ممکن است به پایان دوره خود نیز نرسد. یک سخن بسیار تعیین کننده که اتفاقا روی اش هم اصلاح طلبان هستند نه اصولگرایان.

حالا با این تفاسیر شاید بتوان با کنار هم گذاشتن مولفه ها و مسائل مختلفی مانند:

- احتمال تحریم انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ توسط طیف خاکستری

- نسبت یابی اصلاح طلبان و معترضان دی ماه

- اختلافات اتحاد ملت و کارگزاران

- تلاش اصلاح طلبان برای خروج از سایه روحانی و عدم هزینه پردازی برای او

- وضعیت نامناسب طیف میانه رو

- قدرت یابی طیف منتقد دولت

در این باره باید به چند سوال مهم پاسخ داد:

- رابطه روحانی و اصلاح طلبان در سه سال آینده

چگونه خواهد بود؟

- رویکرد حسن روحانی در سه سال آینده چگونه خواهد بود؟

- برنامه بلندمدت و کوتاه مدت اصلاح طلبان برای انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ چیست؟

## بزنگاه تاریخی

واقعیت این است که اصلاح طلبان در تعیین کننده ترین شرایط دوران حیات خود به سر می برند؛ آنها درست در وضعیتی که گمان می کردند به بهترین موقعیت خود بعد از ۸۸ رسیده اند، حالا گویی در موقعیتی قرار گرفته اند که پیش بینی اش دوران انتظار بوده است. یک اتفاق مهم رخ داده؛ بخشی از بدنه آنها جدا شده و راهی دیگر پیش گرفته است. حالا آنها مانده اند و حاکمیتی که همچنان نسبت به آنها بی اعتماد است و البته رئیس جمهوری که با حمایت آنها به قدرت رسیده و اکنون بی نیاز از آنها به نظر می رسد. این وضعیت فوق العاده را چگونه می توان تحلیل کرد؟

اصلاح طلبان این روزها چند دستورکار مهم دارند؛ اولینش این است: «مخالفت با هر آنچه می تواند مخالف حاکمیت باشد.» آنها تبدیل به قطب مقابل اپوزیسیون شده اند. یک تغییر کاملا محسوس که اصلاح طلبان را از همیشه متفاوت تر کرده است.

## فرجام یک تصمیم

اگر از سطح صورت بندی به سطح تحلیل ماجرا وارد شویم، باید در سه محور اساسی بحث را ادامه دهیم

۱- بدنه

۲- حاکمیت

۳- دولت

واقعیت این است که آنچه اصلاح طلبان را در چند سال اخیر نسبت به اصولگرایان برتری داده است، توانایی جذب رای و سرمایه اجتماعی است. هم با طبقه متوسط ارتباط برقرار کرده و هم بخش مهمی از طبقه ضعیف را امیدوار به خود کرده اند، آن هم درست در شرایطی که اصولگرایان در همه ناپسامانی آرایش سیاسی خود در هر دو طبقه اجتماعی فوق دچار دردسر شده اند. این شرایط رویایی اما اکنون با چالشی تعیین کننده

روبه رو شده است. بخشی از بدنه از راس جدا شده و حالا حرف هایی می زند که اصلا شبیه خواست های این روزهای راس اصلاحات نیست. بخشی که شاید در حوزه هایی می خواهد «بر» باشد اما با اصلاح طلبانی مواجه است نمی خواهند از وضعیت «با» حاکمیت بودن به هیچ وجه خارج شوند. همین هم هست که وقتی در ناآرامی ها شعارهای ساختارشکنانه سر داده می شود آنها هم بخشی از حاکمیت تلقی می شوند. درست همین جاست که محمد علی ابطحی رک و صریح می گوید از اصلاح طلبان دنبال براندازی نباشید و راه شما با ما یکی نیست. هزینه چنین موضعی هم البته ریزش همان بخش از سرمایه اجتماعی است که اصلاح طلبان حاضر به پذیرش خواسته های حداکثری شان نیستند.

این بدنه مشکل دیگری هم دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

## دولت؛ مساله مهم اصلاح طلبان

حالا باید از منظر دیگر هم این ماجرا را نگاه کرد. از جایگاهی که اصلاح طلبان با دولت مواجه اند؛ آن هم چه دولتی، دولت بی برجام، دولت بی تلگرام. چه مانده است از آنچه گفته بودند. چه مانده است از آنچه خواسته بودند؟ نه پاشنه سیاست داخلی شان بر سیاست خارجی چرخید و نه پاشنه اقتصادشان از کنار عکس یادگاری انداختن با آمریکایی ها. تازه این همه ماجرا نیست. آنها با دولتی مواجه اند که نوعی تلاش برای عدم همجسبی با اصلاح طلبان دارد. در واقع اصلاح طلبان با رئیس جمهوری مواجه شده اند که به شرایط جدید آنها کاملا مشرف است و می داند که اصلاح طلبان بخشی از بدنه اجتماعی خود را از دست داده اند. ترجیح می دهد صحنه را به گونه ای مدیریت کند که دولت را از حمایت سیاسی و اجتماعی آنها بی نیاز نشان دهد. ترجیح می دهد از همین حالا ۱۴۰۰ را به گونه ای در ذهن خود به تصویر بکشد که اگر ائتلافی باقی بماند تا آن زمان از این ائتلاف یک رئیس جمهور اصلاح طلب بیرون نیاید. اصلاح طلبان با همه این تفاسیر تارهای ائتلاف خود را با دولت حفظ کرده اند. این گونه تحلیل می کنند که دولت مستقر، مستظهر به حمایت آنهاست که هم توانسته رای بیورد و هم توانسته تداوم داشته باشد. این با دولت بودن و خود را صاحب دولت دانستن کارکردهای متعددی برای آنها دارد. مهم ترین آن هم حفظ انسجام سرمایه اجتماعی باقی مانده است.

اجازه بدهید به این طریق ماجرا را تفسیر کنیم؛ اصلاح طلبان یک سیاست چندوجهی را برگزیده اند.

در شرایطی خاص به دولت می چسبند، این همانی می کنند و خود را با خواست دولت هماهنگ می کنند. در شرایطی دیگر فاصله گذاری می کنند و خواست دولت را دون شأن اصلاح طلبی می دانند.

موقعی هم هست که سرشان را در لاک محافظه کاری فرو می برند و هیچ نمی گویند.

برای این کارشان هم سه فاکتور اساسی مدنظر دارند:

- دولت

- حاکمیت

- مردم

یک بالانس بین این سه فاکتور به وجود می آورند. نکته اش هم این است که آنها با حاکمیتی مواجه هستند که خاطره سال های نه چندان دور را همچنان در یاد دارند؛ روزگاری که میان اصلاح طلبان و حاکمیت نسبتی نامناسب برقرار شده بود. این نسبت، یک دیوار بی اعتمادی بر جای گذاشته که همچنان ارتفاع بلندی دارد، حتی با اینکه

## نسبت سازی با دولت

نزدیک شدن به دولت	دور شدن از دولت	هزینه
● پرداخت هزینه های اجتماعی و حاکمیتی به جهت ضعف های دولت	● از دست دادن اعتبار اجتماعی به دلیل چرخش های زود هنگام	
● تقویت دولت مقابل جناح رقیب	● عدم پرداخت هزینه شکست های بی دری دولت در پروژه های سیاسی، سیاست خارجی و اجتماعی	● رفقن در جایگاه منتقد وضع موجود

## فاصله گذاری اصلاح طلبان با رادیکال‌ها

فایده	هزینه
<ul style="list-style-type: none"> <li>● اعتمادسازی با حاکمیت</li> <li>● بازنگه داشتن منافذ ماندگاری در قدرت</li> <li>● تلاش برای احیای جایگاه سیاسی رسمی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● دور شدن از بدنه</li> <li>● ریزش سرمایه اجتماعی</li> </ul>

این اعتراضات را جنبش می‌گذارم که ابتدا این حرکت را به رسمیت بشناسیم و دوم اینکه به نظرم جنبش دی‌ماه بی‌شک ضد نخبگان و اصلاح طلبی از بالا بود. این اعتراضات یک نوع بن‌بست در اصلاح طلبی را نشان می‌داد و اشاره به این موضوع می‌کرد که ما انتظار داشتیم در کشور اتفاقاتی بیفتد اما این اتفاقات رخ نداد، پس در اصلاحات به بن‌بست رسیدیم. اصلاح طلبان بسیار عجولانه، شتاب زده و فوق‌العاده ناشیانه در برابر این اعتراضات موضع گرفتند. اصلاح طلبان بیش از آنچه با مردم بودند به دنبال ارسال این پیام به حاکمیت بودند که ما با این اعتراضات نیستیم تا از این طریق رابطه خود را با حاکمیت بهبود بخشند. واقعیت این است که اصلاح طلبان در اعتراضات دی‌ماه حضور نداشتند و یک نفر از چهره‌های اصلاح طلب را ندیدیم که در این اعتراضات حضور داشته باشد اما نکته مهم این است که بخش مهمی از این افراد معترض هفت ماه پیش از آن در انتخابات بسیار مهم ریاست جمهوری شرکت کرده و به آقای روحانی رای داده بودند و بخشی از پیکره ۲۴ میلیون رای روحانی را تشکیل می‌دادند. به نظر می‌رسد چرخش آقای روحانی و دولت از وعده‌ها، چپش کابینه، عدم تحقق وعده‌ها، عدم پیگیری شعارها و اهداف کمپین انتخاباتی باعث به وجود آمدن یک خلأ و به تبع آن با ریزش مواجه شد. به طور مثال مردم انتظار داشتند آقای روحانی روی شکاف جنسیتی سوار شود. حقوق اقوام، حقوق شهروند، حقوق زنان، حقوق کارگران، رفع حصر، رابطه دولت-ملت و مسائلی از این دست از وعده‌هایی بود که روحانی اعلام کرد نیاز به رای بالا برای تحققش دارد اما دیدیم که تا آن زمان با یک خلأ عملکردی از سوی دولت روبه‌رو بودیم. آقای روحانی در انتخابات به گونه‌ای صحبت کرده بود که اگر شما رای بالا به من بدهید، علاوه بر اینکه اثرات برجام را خواهیم دید، وارد برجام‌های بعدی خواهیم شد و همچنین شکاف مهم مرکز-پیرامون را برطرف خواهیم کرد. منظور ایشان، حاشیه جغرافیایی، شکاف بین شهری و حاشیه‌نشین سیاسی و اجتماعی است. این شکاف‌ها از اولویت‌های سخنان آقای روحانی برای رفع آنها بود. تبعیضات اجتماعی و نارسایی‌ها یک نوع طردشدگی را در طبقات مختلف جامعه ایجاد می‌کند که این موضوع نادیده گرفته شدن را القا می‌کند. آقای روحانی قول داده بود که چتر امنیتی را از سر فرهنگ و هنر برمی‌دارد اما به نظر می‌رسد قادر به انجام این کار نیست. من احساس می‌کنم آقای روحانی توان حل بسیاری از مشکلات را نداشته است. آقای روحانی مجبور شد در مقابل برخی نهادها و برخی شعارها و وعده‌های کوتاه بیاید. در حوزه سیاست خارجه نیز دیپلمات‌های دولت نتوانستند حرف اول را در منطقه بزنند و ناتوان از این مساله بودند و نظامی گری جای خود را به دیپلماسی داد و هر دیپلمات باید ذیل یک سردار صحبت می‌کرد و روحانی هم نتوانست از انجام این کار جلوگیری کند.»

### روحانی و اصلاح طلبان جدید

حالا البته باید این تغییرات را از سمت حسن روحانی هم نگاه کرد. روحانی اکنون با اصلاح طلبانی مواجه

اصلاح طلبان باز به بخش‌هایی از قدرت رسمی راه یافته‌اند و حتی با اینکه آنها در چند مقطع مهم تلاش کرده‌اند حسن نیت خود را نشان دهند.

پس چنان کلام در این بخش این است که اصلاح طلبان این روزها در عین داشتن اختلافات متعدد یک سیاست چندلایه را در دستورکار خود قرار داده‌اند:

- ۱- اعتمادسازی با حاکمیت برای فراهم شدن فضای حضور مستقل در سطح بالاتر قدرت رسمی
- ۲- کمک به تداوم دولت روحانی
- ۳- جداسازی بدنه اجتماعی از «حداکثرطلبان» برای رفع سوءتفاهم‌ها با حاکمیت
- ۴- مواجهه با برخی مواضع تند
- ۵- طراحی زمین بازی دلخواه برای رقابت با اصولگرایان
- ۶- یارگیری از جناح مقابل برای ایجاد شکاف‌های عمیق و غیرقابل جبران

### اصلاح طلبان و بدنه اجتماعی

اجازه دهید بحث را از جانی دیگر هم پی بگیریم. آنجا که بحث را از سطح علوم سیاسی به جامعه‌شناسی سیاسی شیفیت می‌کنیم. در چنین شرایطی باید به سال‌های دورتر برگردیم. وقتی حسن روحانی در سال ۹۲ رئیس جمهور شد موجی از انتظارات شکل گرفت که در دوران پسا احمدی نژاد با انبوهی از چالش‌هایی که رئیس دولت دهم به ارث گذاشته بود برآورده کردنش عملاً غیرممکن بود. این مساله با گذشت زمان البته تأثیرات اجتماعی حادثی بر جای می‌گذاشت. اوضاع آنچنان شد که تا هفته آخر تبلیغات ریاست جمهوری دوازدهم نظرسنجی‌ها همچنان به سختی احتمال پیروزی حسن روحانی را نشان می‌داد. خیلی‌ها معتقدند اگر تاکتیک ویژه حسن روحانی در هفته آخر که بر پایه توانایی‌های فردی او در سخنوری استوار بود وجود نداشت، شاید او امروز رئیس جمهور نبود. روحانی رئیس جمهور شد اما باز موجی از انتظارات و امیدها او را به پاستور رساند. طیفی از کسانی که به او در بهار رای دادند سقف تحمل‌شان تا زمستان بود. اوضاع از نظر آنها تغییری نداشت و موج اعتراضات ناگهان حسن روحانی را نشان رفت. حالا حتی اگر فرض را بر درستی سخنان روحانی می‌کنیم که گوید معترضان تنها خواست اقتصادی نداشته‌اند، بگذاریم، به هر حال آنها لابد انتظار تغییراتی را از روحانی داشته و به او دل بسته بودند. اما این چه ارتباطی با اصلاح طلبان دارد؟

اتفاقاً این همان بدنه‌ای است که اصلاح طلبان توانستند در سال‌های ۹۲ و ۹۶ آنها را راضی به رای دادن کرده و به سمت حسن روحانی شیفیت دهن بدنه منتقد و گاه دارای مواضع اپوزیسیونی. آنها از یک طبقه خاص نیستند؛ هم می‌توان طبقه متوسط را میان‌شان یافت و هم می‌توان از طبقه پایین‌تر و حاشیه‌نشین‌ها در جمع‌شان پیدا کرد. آنها خواست‌هایی متفاوت دارند که به نسبت طبقه‌ای که در آن قرار دارند با یکدیگر متفاوت است.

۷۷

این طبقه رادیکال موجب شده بود که سرمایه اجتماعی اصلاح طلبان افزایش یافته و آنها حرف اول را به لحاظ میزان رای در چند انتخابات داشته باشند. آنها اما چندان به اصلاح طلبان وفادار نمانده‌اند و عزم شیفیت از جناح آنها را کرده‌اند. این رویداد تقریباً غیرمنتظره، اوضاع را برای اصلاح طلبان تغییر داده است.

مواجهه عجیبی میان آنها و اصلاح طلبان شکل گرفته است؛ موج حملات به چهره‌های ارشد جناح از محمد خاتمی گرفته تا جلالی پور و ابطی در فضای مجازی به خوبی میزان زاویه‌گیری را نشان می‌دهد. جلالی پور از این طیف به عنوان کرکس‌های سرنگونی طلب یاد می‌کند و رئیس دولت اصلاحات از آنها به عنوان براندازها یاد کرد. محمدعلی ابطی هم به نام‌نویز گفت: «آن مجموعه‌ای که می‌گوید ما برانداز هستیم، قطعاً نباید در انتظار آقای خاتمی و اصلاح طلبان باشد. حتی اگر آن کسانی که از درون اصلاح طلبی بیرون بیایند و بخواهند به فکر براندازی باشند، اصلاً مبنای براندازی و مبنای اصلاح طلبی نمی‌تواند در کنار همدیگر قرار بگیرد.» این یک واقعیت است که اصلاح طلبان در وقایع دی‌ماه از موضع اپوزیسیون خارج شده، در لاک محافظه کاری نمانده و با شتابی شاید غیرمنتظره به سمت حاکمیت حرکت کرده‌اند. آنها حتی در ماجرای ناآرامی‌های اخیر بیش‌فعالی پیشه کرده و در میان سکوت بهت‌برانگیز برخی چهره‌های جناح رقیب به حمایت از نظام پرداختند. این هم در مورد طرفداران «ایدئولوژی» صدق می‌کرد و هم در میان مشتاقان «استراتژی»: گویی فهم مشترکی از وضعیت موجود در میان آنها پدید آمده است. اصلاح طلبان «بدنه رادیکال» را که برای آنها جمعیت بیشتری به نسبت جناح رقیب به ارمان آورده بود را رها کرده و صریح و روشن نشان داده‌اند که مانایی در قدرت رسمی را ترجیح می‌دهند. آنها با همین دستورکار حتی به نقد حسن روحانی هم نشستند و آنجا که او شاید به امید حمایت اصلاح طلبان از فرزندوم سخن گفته اعتراض‌های رسمی خود را بیان داشته‌اند. هم سعید حجازیان به او هشدار داده و هم غلامحسین کرباسچی از او خواسته از خواسته‌اش منصرف شود.

شاید تفسیری که اخیراً ابراهیم اصغرزاده از ماجرای اعتراضات دی‌ماه داشته است و نسبتی که او میان این اعتراضات، اصلاح طلبان و روحانی برقرار کرده، بتواند نمایی از واقعیات را به تفسیر بکشد. او گفته است: «نام

۷۷

اگر به سال ۹۶ بازگردیم به این نتیجه می‌رسیم که حتماً رئیس‌جمهورماندن حسن روحانی سخت بوده و معلول پدیده‌های دقیقه‌نودی، اما اگر نگاهمان را به فرمول‌ها و مدل‌های جامعه‌شناسی سیاسی بدوزیم آنگاه می‌توان تصویر روشن‌تری از دلایل رئیس‌جمهورماندن حسن روحانی را به دست آورد. قبل از آن باید گفت رئیس‌جمهورماندن حسن روحانی چه از منظر علوم سیاسی و چه از منظر جامعه‌شناسی سیاسی صرفاً معطوف به اکت‌های حسن روحانی و تیم انتخاباتی‌اش نبوده و حتماً باید سهمی را متوجه اشتباهات ساختاری و تعیین‌کننده رقیب دانست

است که:

- ۱- جمعیت کمتری به نسبت ماه‌های قبل دارند. آنها بدنه رایکال خود را از دست داده‌اند پس قدرت نفوذ کمتری هم دارند.
- ۲- منتقد مواضع تند دولت در مقابل حاکمیت هستند و هیچ‌گونه تغییر فاز این جنبی را بر نمی‌تابند.
- ۳- می‌بینند رئیس‌جمهور مورد حمایت‌شان دیگر امتیاز برجام را از دست داده و پروژه سیاست خارجی‌اش شکست خورده است.
- ۴- می‌بینند رئیس‌جمهور مورد حمایت‌شان در سطح سیاست داخلی هم با مشکلات عدیده‌ای مواجه است و توانایی انجام امور راهبردی و عده داده‌شده را ندارد.
- ۵- در حوزه اجتماعی تلگرام را از دست داده است. پس در واقع آنها از این پس دیگر چندان با هم در یک طرف میز قرار نمی‌گیرند. این یک تحول طبیعی است که هر چه بیشتر جلو رویم نمایان‌تر می‌شود. حتی اگر اصلاح‌طلبان در اظهاراتشان اصرار داشته باشند که همچنان با حسن روحانی موافک مانده و از او حمایت می‌کنند چرا که اصلاح‌طلبان با رئیس‌جمهوری مواجه هستند که:

- ۱- مسئول وضع موجود است. مدافع وضع موجود بدون آن هم در این فضای فعلی هزینه‌های زیادی دارد.
- ۲- می‌خواهد برای عبور از فضای فعلی انتقادهایی از برخی نهادهای حاکمیتی داشته باشد.
- ۳- به آنها توجه چندانی ندارد و روزهای قبل از انتخابات را گویی از یاد برده است.
- ۴- بنا ندارد مناسبات را به گونه‌ای پیش ببرد که در آستانه انتخابات مجلس دست بالا را به آنها بدهد.
- ۵- برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده احتمالاً مانند آنها فکر نمی‌کند.

### رئیس‌جمهوری ناتمام؟

یکبار دیگر سخنان جدید سعید حجاریان را مرور کنیم و آنگاه به حسن روحانی برسیم: «شاید مردم به نبود روحانی رضایت دهند چرا که جایگاه رئیس‌جمهور نزد حامیان خود به دلیل تحقق نیافتن وعده‌های اقتصادی و همچنین عدم توانایی در رفع حصر و برخی دیگر از مسائل اقول کرده است.»

«روحانی» یک محافظه‌کار تمام‌عیار است؛ حتی اگر در مواقع استثنایی خروش کرده و حرف‌های آنچنانی بزند باز هم «او» یک محافظه‌کار تمام‌عیار است. اصلاً کسانی که وضعیت این روزهای «او» را در بعد جامعه‌شناسی سیاسی تحلیل می‌کنند همین محافظه‌کاری‌اش را از دلایل اصلی ریزش بدنه اجتماعی‌اش می‌دانند.

واضح است که درباره حسن روحانی سخن می‌گوییم؛ رئیس‌جمهور دولت دوازدهم. اما آیا واقعا این گزاره درستی است که «حامیان «او» دیگر ناامید شده‌اند؟»  
برای درستی آزمایی این گزاره بسیار با اهمیت باید به سوال‌های مهمی پاسخ داد:  
اساساً کدام طبقات اجتماعی سازمان‌رای حسن

مهمی از طبقه متوسط را گرفته است؛ هم طبقه متوسط سنتی و هم صدا البته طبقه متوسط جدید و شهری؛ طبقه‌ای که جناح اصولگرا هم از آن غافل ماند و هم البته آن را ترساند. اصولگرایان از این طبقه برداشت بسیار کمی در انتخابات داشتند. به بیان ساده‌تر هرچه حسن روحانی روی این طبقه حساب کرده بود در مقابل اصولگرایان این طبقه را فدای به‌دست آوردن طبقه محروم کردند. این هم در مورد سیدابراهیم رئیسی صدق می‌کرد و هم حتی در مورد محمد باقر قالیباف که طبقه متوسط نگاه چندانی منفی به او نداشت. آنالیز نظرسنجی‌ها بعد از کناره‌گیری قالیباف نشان می‌دهد آن بخش از رای قالیباف که به سید حسن روحانی شیف‌ت کرد از همین طبقه متوسط بوده است.

این طبقه چه سنتی و چه جدیدش فعلاً در وضعیتی تردیدگونه نسبت به حسن روحانی به سر می‌برد. آنها نه گشایش سیاسی به آن معنا که در انتظارش بوده‌اند را از حسن روحانی دیده‌اند و نه طعم توسعه اقتصادی را چشیده‌اند. طبقه متوسط فعلاً در رکود است؛ تکانی نمی‌خورد و حتی در «شلوغ» ترین روزهای شهرها ترجیح داد سکوت پیشه کند. این طبقه فعلاً به اتاق فکر رفته است. آنها یک قدم از طبقه محروم عقب‌ترند و فعلاً دنبال آلت‌رناتیو نیستند.

در طبقه محروم ما با دو طیف کاملاً متفاوت مواجه هستیم. بخشی از این طیف را حزب‌اللهی‌ها و ارزشی‌تها تشکیل می‌دهند. کسانی که به صورت طبیعی نامزدشان سیدابراهیم رئیسی بوده است. اصولگرایان پایگاه خوبی در این بخش دارند.

اما در بخش دیگر این طبقه که کمتر و جوه مذهبی‌شان بر جوه دیگرشان برتری دارد مبارزه انتخاباتی جانانه‌ای در گرفت؛ حسن روحانی، محمد باقر قالیباف و سیدابراهیم رئیسی روزهای سختی برای راضی کردن این طیف داشتند. اینکه کدام یک از نامزدها بیشتر از این بخش رای گرفته‌اند حتماً نیازمند جداول آنالیزشده‌ای است که به صورت منطقه‌ای وضعیت آرا را نشان می‌دهد اما آن بخش که به حسن روحانی رای داده حتماً این روزها

روحانی را تشکیل داده بودند؟

این طیف‌های مختلف چه خواسته‌هایی داشته‌اند و چه انتظاراتی که اکنون به آن نرسیده و در وضعیت مهمی فرو رفته‌اند؟

آیا «ناامیدی» این بدنه اجتماعی از حسن روحانی موجب «امیدواری» آنها به رقبا و مخالفان حسن روحانی می‌شود؟

اگر به سال ۹۶ بازگردیم به این نتیجه می‌رسیم که حتماً رئیس‌جمهورماندن حسن روحانی سخت بوده و معلول پدیده‌های دقیقه‌نودی، اما اگر نگاهمان را به فرمول‌ها و مدل‌های جامعه‌شناسی سیاسی بدوزیم آنگاه می‌توان تصویر روشن‌تری از دلایل رئیس‌جمهورماندن حسن روحانی را به دست آورد. قبل از آن باید گفت رئیس‌جمهورماندن حسن روحانی چه از منظر علوم سیاسی و چه از منظر جامعه‌شناسی سیاسی صرفاً معطوف به اکت‌های حسن روحانی و تیم انتخاباتی‌اش نبوده و حتماً باید سهمی را متوجه اشتباهات ساختاری و تعیین‌کننده رقیب دانست.

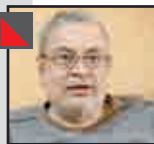
به‌هرحال حسن روحانی رای خود را صرفاً از یک طبقه نگرفته است. او رئیس‌جمهور یک طبقه خاص نیست. در واقع این دولت در وجهه خصوصی‌اش اگرچه گرایش‌هایی دارد، گاه نزدیک به اصلاح‌طلبان و گاه نزدیک به اصولگرایان اما در نهایت، پدیدار شده‌ای است شبیه خودش؛ شاید هم «منحصر به فرد».

از همین زاویه دید می‌توان گفت که او رای بخش

## نگاه

شاید مردم به نبود روحانی رضایت دهند چرا که جایگاه رییس‌جمهور نزد حامیان خود به دلیل تحقق نیافتن وعده‌های اقتصادی و همچنین عدم توانایی در رفع حصر و برخی دیگر از مسائل اقول کرده است.

### سعید حجاریان



موقعیت دولت نسبت به گذشته ضعیف‌تر شده است. زیرا شعارهایی درباره برجام داده شد که واقعی نبود، یعنی برجام بیش از آنچه بود، برجسته شد. اکنون عملاً آن شعارها خلع سلاح شده است. تاکنون چندین بار تأکید کرده‌ام که رئیس‌جمهوری و دولت نباید برای عبور از مشکلات، برجام را بیش از ظرفیت آن، برجسته می‌کردند.

### عباس عبدی



چرخش آقای روحانی و دولت از وعده‌ها، چینش کابینه، عدم تحقق وعده‌ها، عدم پیگیری شعارها و اهداف کمپین انتخاباتی باعث به وجود آمدن یک خلأ و به تبع آن باریزش مواجه شد.

### ابراهیم اصغرزاده



دولت باید خود را نقد کند و از این بابت عملکردش را مطابق با وعده‌هایی که داده شد و مطالباتی که مطرح می‌شود به پیش رود.

### محمد رضا تایش



باید منتظر ماند و دید حسن روحانی چه تصویری از این سرمایه اجتماعی در ذهنش دارد. آیا حالا که دیگر رای نمی خواهد دلیلی هم به اندیشیدن در این مورد نمی بیند یا اینکه او خلاف آنچه در ظاهر نشان می داد یک دل آشوبی در باطنش دارد که برای تسکینش در اندیشه و فکر است. حسن روحانی این روزها تلگرام ندارد، توافقی هسته ای ندارد و با یک اقتصاد نابسامان مواجه است. شاید حجار یان راست می گوید. شاید حجار یان به تصویر درستی رسیده است

دل خوشی از شرایط موجود ندارد. آنها پیشقدمند برای پیدا کردن آلترناتیو اگر که اوضاع به همین منوال ادامه پیدا کند.

در طبقه بورژوا البته اندکی شرایط متفاوت است. آنها حتما از جمله رای دهندگان به حسن روحانی بوده اند اما قطعا از وضع اقتصادی موجود گلایه های اساسی دارند. نکته اما این است که آنها محافظه کارترین مردمان دوران شده اند. سنتی تر از آنچه تصور می شد. با همه سختی ها حاضرند که اوضاع در نهایت این چنین که فعلا هست فریز شود اما هزینه ریسک تازه را نپردازند. ای ها دو قدم از طبقه محروم عقب ترند و یک قدم از طبقه متوسط. حاضران در این طبقه نیازی به فکر کردن برای آلترناتیو نمی بینند.

حتما این حرف درستی است که خواست همه کسانی که به حسن روحانی رای داده اند یکی نبوده است. یکی به توسعه اقتصادی فکر کرده، یکی حتی به امید بدتر نشدن اوضاع اقتصادی. یکی به توسعه سیاسی فکر کرده یکی هم به امید عدم تحدید فضای سیاسی. یکی آرزوی رسیدن کنسرت به دیارش را داشته و آن یکی هم امیدش این بوده که گشت ارشاد بازنگردد. یکی امیدوار بوده بالاخره دیوار بلند میان تهران و واشنگتن کوتاه تر از همیشه شود و آن یکی از خوف جنگ حتی رای داده است.

یادمان هست که او هشدار داد از کشیده شدن دیوار در پیاده رو، به رقیب طعنه زد که مگر شما بلید اصلا مذاکره کنید، تا کید کرد کاری می کنیم که مردم اصلا به این یارانه ها نیازی نداشته باشند، این را هم گفت که دانشجو فلان می شود و جوان بهمان. انتظار جامعه بالا بوده یا توان روحانی محدود، مهم نیست مساله بر سر این است که حاصل جمع آنچه پدیدار شده، با آنچه خواسته شده فاصله دارد. یک «غم غربتی» به سراغ آن سازمان رای آمده است؛ یک «دل آشوبی» خاصی نمایان شده؛

چیزی شبیه «تردید». این مساله بسیار مهمی است، حتی اگر حسن روحانی همچنان بخواهد مقابل دوربین نشسته، لبخند بزند و با آرامشی مثال زدنی پاسخ سوال های شبیه طنز رشیدپور را بدهد اما واقعیت غیر قابل انکار این است که سرمایه اجتماعی در مرحله تعیین کننده ای قرار گرفته است. مرحله ای که تصمیم گیری در آن انجام خواهد شد. باید منتظر ماند و دید حسن روحانی چه تصویری از این سرمایه اجتماعی در ذهنش دارد. آیا حالا که دیگر رای نمی خواهد دلیلی هم به اندیشیدن در این مورد نمی بیند یا اینکه او خلاف آنچه در ظاهر نشان می داد یک دل آشوبی در باطنش دارد که برای تسکینش در اندیشه و فکر است.

حسن روحانی این روزها تلگرام ندارد، توافقی هسته ای ندارد و با یک اقتصاد نابسامان مواجه است. شاید حجار یان راست می گوید. شاید حجار یان به تصویر درستی رسیده است.



می کردند. اما اکنون درست یک سال از انتخابات ۲۹ اردیبهشت ماه ۹۶ می گذرد و دلار به بالای ۶۰۰۰ تومان رسیده است؛ برجام از بین رفته است، نه تنها تحریم های موشکی و حقوق بشری از بین نرفت، بلکه آمریکا هر روزه تحریم های جدیدی را علیه کشورمان وضع می کند؛ توتال، ابرباس و سایر شرکت های اروپایی نیز زیر قراردادهای خود می زنند. اصلاح طلبان نیز که سال گذشته یکپارچه از حسن روحانی حمایت کردند و باره انداختن فضای روانی شدید و بسیاری از دروغ ها، عملاً بخشی از مردم را از کاندیدای جناح رقیب ترسانند این روزها دیگر میلی به رئیس جمهور محبوب شان ندارند و یا تندترین الفاظ وی را مورد خطاب قرار می دهند. سعید حجاریان در مصاحبه با روزنامه اعتماد گفت: «جایگاه رئیس جمهور نزد حامیان خود به دلیل تحقق نیافتن وعده های اقتصادی و همچنین عدم توانایی در رفع حصر و برخی دیگر از مسائل افول کرده است. میان احزاب و چهره ها نیز عبور از روحانی محتمل است؛ چرا که هر یک از متحدها امروزین وی تئوری بقای خاص خود را دارند و ممکن است در یک نقطه عطف به موضع عدم دفاع برسند.»

### پایانه آسپیل اقتصادی

عملکرد تیم اقتصادی دولت دوازدهم قرار بود از ابتدا با انسجام و هماهنگی همراه باشد. سخنان روحانی در اولین نشست خبری بعد از تشکیل دولت دوازدهم با خبرنگاران نیز بر این موضوع تاکید داشت. اما بعد از یک سال صحبت های رئیس جمهور نشان می دهد چنین هماهنگی اتفاق نیفتاده است که برای آن چندین دلیل از سوی صاحب نظران اقتصادی مطرح می شود. از یک سو اسحاق جهانگیری به عنوان رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ماه ها پس از تشکیل دولت دوازدهم در حاشیه قرار داشت و گمانه زنی ها از اختلاف میان روحانی و جهانگیری حکایت می کرد؛ بعد از اینکه تلاش شد جهانگیری در دولت نقش پررنگ تری ایفا کند و در چند سخنرانی و افتتاحیه در هفته های اخیر شرکت و صحبت های پرشوری مطرح کرد. برخی رسانه ها صحبت از این کردند که در مثلث جهانگیری، نهانندیان و نیلی نقش جهانگیری تشریفاتی است و او تصمیم ساز اقتصادی نیست. در سوی دیگر عملکرد ناهماهنگ در تیم اقتصادی دولت دوازدهم می توان به بروز اختلاف های داخلی میان برخی وزیران اقتصادی اشاره کرد؛ موضوعی که از همان روزهای اول مطرح شدن نام کاندیدای وزارت خانه ها هم مطرح شد. شاید بتوان بزرگ ترین اختلاف از این جنس را در تقابل میان شریعتمداری و کرباسیان مشاهده کرد. در این خصوص می توان گفت وزیر اقتصاد در حالی که باید به ساماندهی مسائلی همچون مالیات و شبکه بانکی بپردازد، وزیر صنعت را در تقابل خود می بیند چرا که شریعتمداری می بایست به دنبال راضی نگه داشتن فعالان صنعتی، معدنی و بنگاه های تولیدی باشد، بنابراین پیشنهاد می کند که در شبکه بانکی می بایست اصلاحات صورت بگیرد و نرخ سود بانکی کاهش پیدا کند. اما کرباسیان که درگیر مشکلات عدیده سیستم بیمار بانکداری شده است، چنین موضوعی را رد می کند. در ریشه یابی دلایل اختلاف ها میان اعضای کابینه یکی از موضوعاتی که مطرح می شود ناکارآمد کردن ساختار دولت با احیای معاونت اقتصادی رئیس جمهور است. روحانی معتقد است که این معاونت به هماهنگ کردن امور اقتصادی کمک می کند. به نظر می رسد موضوع ناکارآمدی در اداره امور اقتصادی کشور دیگر موضوع قابل انکار نیست و روحانی تا ۱۴۰۰ فرصت دارد تا این موضوع را بپذیرد و به چاره اندیشی برای این مشکل

## فرار آرام

### به پایان ائتلاف اصلاح طلبان با روحانی نزدیک می شویم؟

به مطالبات آنها رسیدگی کند و حسن روحانی که چندان گوشش به این حرف ها بدهکار نیست و راه خودش را می رود. این همه ماجرا نیست دو سال دیگر انتخابات مجلس شورای اسلامی در راه است (سال ۱۳۹۸) و تا انتخابات ریاست جمهوری بعدی هم کمتر از سه سال باقیمانده است. نگرانی اصلاح طلبان این است که نتوانند پیروزی های خود را در انتخابات های گذشته، تکرار کنند و این دلیل ناکامی احتمالی آنها در آینده را این نکته می دانند که ضعف عملکرد حسن روحانی، تماماً پای آنها نوشته شود. آتهایی که خودشان هم به وضع موجود اعتراض دارند. اکنون که روحانی اصلاح طلبان را بنا به برخی نقدها، نادیده گرفته است، استراتژی این جریان سیاسی طی سه سال باقیمانده از دولت دوازدهم چه باید باشد؟ باید از وی عبور کنند یا کجدار و مریز با او بسازند. در نگاهی به روابط اصلاح طلبان با دولت یازدهم و دوازدهم طی چند سال گذشته، همواره مدل «هزینه فایده» حاکم بوده و هرگاه در این روابط، هزینه برای جریان اصلاحات بیشتر از فایده شده، روحانی و دولتش به باد انتقاد گرفته شده اند؛ روزگاری دولت روحانی برای اصلاح طلبان می شود «رحم اجاره ای» و «فرزند خوانده» و حالا در کمتر از یک سال از تشکیل دولت جدید او، روحانی برای اصلاح طلبان شده: «کاندیدای نامطلوب». «دلار به بیش از ۵۰۰۰ تومان می رسد/ تحریم ها برمی گردد/ برجام نابود می شود/ تلگرام فیلتر خواهد شد/ تورم روز به روز بیشتر می شود...» این گزاره ها وضعیت فعلی کشور را نشان نمی دهد. اینها وضعیتی است که رسانه های اصلاح طلب در اردیبهشت سال گذشته در صورت روی کار آمدن رئیسی یا قالیباف پیش بینی

این روزها اختلاف بین اصلاح طلبان و دولت فزونی یافته؛ به طوری که گام های اصلاح طلبان برای عبور از دولت بلندتر شده و سرعت بیشتری پیموده است. هر لحظه ای که از عمر دولت دوازدهم سپری می شود، حامیان اصلاح طلب او ریزش می کنند و حالا چهره های شاخص این جریان آشکارا انتقادها و انتظارات خود را در محافل عمومی نسبت به روحانی اعلام می کنند. اصلاح طلبان ناگهان از دفاع تمام قد از روحانی تبدیل به منتقد درجه یک او شده اند، به خصوص آنکه زباده خواهی و سهم خواهی این جریان سیاسی از کابینه با دست رد روحانی مواجه شد و همین موضوع باعث شد که اصلاح طلبان هر روز طعنه و کنایه ای به روحانی بزنند. اصلاح طلبان، پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری را بردی برای خود می دانند؛ چرا که معتقدند حمایت های همه جانبه و تمام قد این طیف سیاسی از وی، موجب این پیروزی شده است. اما روزهای پس از انتخابات و عملکرد کنش سیاسی حسن روحانی، موجب شد تا انتقادات فراوانی از جانب اصلاح طلبان نسبت به عملکرد وی، مطرح شود. روحانی، پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، به اصلاح طلبان بهای کمتری داده است؛ امری که موجب شده تا انتقادات بسیاری هم بین سران و چهره های اصلاح طلب و هم بین حامیان مردمی و پایگاه اجتماعی آنان نسبت به عملکرد روحانی، مطرح شود. آنها معتقد بودند رئیس جمهور، مطالبات آنها را نادیده گرفته است و آن طور که باید و شاید به آنها توجه نمی کند. تا این زمان، شاهد تداوم همان روند قبلی بوده ایم؛ یعنی اصلاح طلبانی که معتقدند روحانی باید پیروزی اش را مدیون آنان بدانند و



می‌پروانند، البته بدون ائتلاف با روحانی و جریان تابع او تا با عبور از لیست امید و تبدیل کردن آن به لیست یکپارچه اصلاح طلبان، مجلس یازدهم را به پایگاه اصلی و مرکز پشتیبانی نامزد خودشان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بدل کند. به نظر می‌رسد در این بین، اصلاح طلبان نیز نمی‌خواهند عملکرد غیر قابل دفاع دولت مورد حمایتشان در ۹۲ و ۹۶، که عمدتاً در وضعیت اقتصادی کشور و عدم بهبود وضعیت معیشتی مردم نمایان است، به پای آنها نوشته شود. احمد غلامی، سردبیر «شرق» در سرمقاله این روزنامه نوشت: «اصلاح طلبان در تناقضی تاریخی گیر افتاده‌اند؛ تناقضی که همواره با آنان بوده است: در کنار مردم و منتقدان دولت ایستادن، یا حمایت همه‌جانبه از دولت روحانی، و وفاداری به کدام وفاداری؟ رأی مردم یا حمایت از روحانی.»

این است که اصلاح طلبان باید در قبال اقدامات دولت روحانی و فراکسیون امید مجلس مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند و نمی‌توانند به بهانه اختلافات خود را در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ مخالف وضع موجود و منجی معرفی کنند. آنها قطعاً باید در این دو انتخابات خود را آماده دفاع از عملکرد مجلس و دولت کنند، چرا که حمایت صددرصدی آنها در انتخابات ۹۴ و ۹۶ تا آن موقع بعید است از ذهن مردم پاک شود.

با این اوصاف حدوداً سه‌ساله به پایان کار دولت دوازدهم و آخرین دوره ریاست جمهوری روحانی زمان باقی است و حالا اصلاح طلبان پروژه عبور از روحانی را کلید زده‌اند؛ عبور از کسی که در انتخابات ۹۲، ۹۴ و ۹۶ بزرگ‌ترین ائتلاف را با او برقرار کردند و حالا به باور برخی کارشناسان، سودای انتخابات مجلس در ۹۸ را در سر

بپردازد. بحران ارزی که در انتهای سال ۹۶ شروع شد مصداقی بر این موضوع است که اقتصاد ایران درگیر مشکلاتی است که جای انکار ندارد و چاره آن فقط خودانتقادی از کابینه نیست، بلکه در عمل باید روحانی هر چه زودتر کاری کند که تا دست آخر در سال ۱۴۰۰ او و اطرافیانش نگویند ناگهان چه زود میری شود.

## ائتلافی دست نیافتنی

همه شرایط برای بالاگرفتن اختلافات تیم نزدیک به دولت و اصلاح طلبان آماده به نظر می‌رسد شاید موسم انتخابات مجلس در سال ۹۸ زمان مناسبی برای سر باز کردن این زخم‌ها باشد، بعید نیست در انتخابات مجلس این دو با هم ائتلاف نکنند و در انتخابات ۱۴۰۰ رویه‌روی هم بایستند. در این میان مسأله‌ای که برای مردم مهم است

## مشروعیت‌زدایی از اصلاح طلبان برجام چه ضررهایی برای طرفداران روحانی داشت؟

### همایون بشارت

روزنامه‌نگار

از برجام باعث خواهد شد که دیگر در انتخابات آینده ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بیشترین آرا به نفع اصولگرایان چرخش پیدا کند، صحنه می‌گذارد؛ چرا که مردم به عدم صداقت اصلاح طلبان واقف شده‌اند بنابراین در این فضا گفت‌وگو درباره حضور دوباره اصلاح طلبان بر مسندهای مهم سیاسی کشور، بسیار دور از ذهن خواهد بود. از این روی می‌توان این ادعا را داشت که خروج آمریکا از برجام تنها بر سیاست خارجی تأثیر گذار نبوده است، بلکه در مقابل بیشتر سیاست داخلی و آرایش جناح‌ها را تحت تأثیر قرار داد و اصولگرایان که چند سالی بود بخت با آنها یار نبود این بار با تحقق پیش‌بینی خلف وعده آمریکایی‌ها به اقبال سیاسی دست یافته‌اند. شاید نشان این ادعا را بتوان در احوال نمایندگان اصولگرای مجلس شورای اسلامی هنگام آتش زدن پرچم آمریکا نیز جست‌وجو کرد، چرا که این مهم بیش از آنکه امکان مسترد کردن حقوق ازدست‌رفته هسته‌ای ایران را مهیا کند، خود نشان از افزایش قدرت اصولگرایان بین جامعه دارد.

با نگاهی گذرا به رفتار یک سال گذشته اصلاح طلبان می‌توان به این مهم دست یافت که در این مدت کوتاه اصلاح طلبان دو نوع رفتار متضاد از خود نشان دادند. بدین معنا که در ابتدا معتقد به وحدت ملی بودند و حال نیز با خروج آمریکا از برجام زخم‌های مشروعیت‌زدایی از این جناح به گوش می‌رسد، به عبارت ساده‌تر رفتار اصلاح طلبان بیانگر این است که باز هم مثل گذشته با هزینه‌زایی قصد بر میرا کردن خود از جریانات منفی دارند و سعی دارند به هر قیمتی بر جایگاه سابق خود تکیه بزنند. بدیهی است در این میان نیز محافظه‌کاران طبق روال گذشته سعی بر نادیده گرفتن سهم خود در این بن‌بست دارند و می‌خواهند تقصیر را تنها بر دوش روحانی بیندازند. خروج آمریکا از برجام این فرصت را برای طیف‌های تندرو جریان اصولگرا ایجاد کرد تا با استفاده از آن دوباره حملات خود به دولت را آغاز کنند اما این بار طیفی که در برابر آنها ایستادگی می‌کند اصلاح طلبان نیستند، بلکه اصولگرایانی هستند که رویکرد میانه‌روی نسبت به مسائل کشور دارند.

و به عبارتی آرام از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند، هر چند دیگر مثل گذشته از برجام دفاع نمی‌کنند. به عبارت ساده‌تر خروج آمریکا از برجام کارت قرمز برای اصلاح طلبان محسوب می‌شود چرا که دیگر این جناح سیاسی مثل گذشته اعتباری در میان مردم نخواهند داشت و به مرور زمان نیز وضعیت لغزنده‌تری را پیدا خواهند کرد.

باید خاطرنشان کرد که خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های جدید به‌طور حتم آثار منفی بر وضعیت معیشت مردم و به‌طور کلی اقتصاد کشور بر جای خواهد گذاشت که با این اوصاف بازار اصلاح طلبان از سکه خواهد افتاد که در این شرایط اصولگرایان در این فضای سیاسی چراغ خاموش حرکت خواهند کرد تا در زمان مقتضی فصل قدرت‌نمایی خود را آشکار سازند. باید توجه داشت که با خروج آمریکا از برجام نوع رفتار جناح‌ها با دولت و اصلاح طلبان شکل تازه‌ای به خود گرفته و اصولگرایان که از ابتدا با برجام مخالف بودند، سردمدار برشماری معایب برجام هستند و در هر محلی، شکل‌گیری برجام را بزرگترین ضعف دولت روحانی بیان می‌نمایند و بر این باور هستند که توافق شکل گرفته از همان ابتدا نیز عجولانه و به نفع کشور نبوده است و حال باید برای ادامه مذاکره با کشورهای باقیمانده از سناریوی دیگری یا حتی تیم مذاکره‌کننده‌ای جدید با روحیه‌ای انقلابی استفاده شود تا شاید کمتر کشور متحمل ضرر و زیان شود و بدین ترتیب شکست سیاسی اصلاح طلبان را اعلام نمایند.

آنچه مسلم است با خروج آمریکا از برجام شاهد برگزاری ماراتن قدرت میان جناح‌های اصلاح طلب و اصولگرا هستیم، به گونه‌ای که اصولگرایان که از پیش تصمیم ترامپ را متصور می‌دانستند بار دیگر در کسب قدرت بیشتر یا تحکیم قدرت سابق خود برمی‌آیند اما در مقابل روحانی و یارانش برای آرام کردن جو حاکم به دنبال باز کردن فضای سیاسی و بازیگری‌های جدید هستند تا درگیری‌های داخلی سیاسی را به حداقل برسانند. بار صد فضای عمومی جامعه و گمانه‌زنی‌های مختلف، تحلیل‌گران سیاسی بر این گزاره که اصولگرایان بر این باور هستند که خروج ترامپ

خروج آمریکا از برجام فصل تازه‌ای از برخورد های سیاسی جناح‌ها را داخل کشور رقم زد، به گونه‌ای که پس از تصمیم ترامپ شاهد تسویه حساب‌های سیاسی بودیم. بدین معنا که جناحی برجام را بی‌پایه و غیر ضروری قلمداد می‌کند و از ابتدا با شکل‌گیری برجام مخالف بود که حال با خروج آمریکا از برجام دایه‌دار بی‌فایده بودن برجام و رکب خوردن سیاسی کشور از آمریکایی‌ها دانده اما در مقابل برخی دیگر برجام را فصل تازه‌ای از سیاست کشور می‌دانستند و حال خروج آمریکا از برجام را رخدادی مهم تصور نمی‌کنند و بر این باور هستند که با تصمیم ترامپ هیج اتفاق مهم سیاسی و اقتصادی در سطح داخلی یا بین‌المللی برای ایران رخ نخواهد داد. آنها سعی بر آرام نشان دادن شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور حتی پس از اعمال تحریم‌های جدید دارند.

به‌طور حتم یکی از مولفه‌های تأثیرگذار در انتخابات‌های گذشته (مجلس ۹۴ و ریاست جمهوری ۹۶) موضوع برجام و سیاست‌های حمایتی از این توافق سیاسی بود که در نهایت توانست با جلب آرای قشر خاکستری، پیروزی را برای دولت اعتدال و حامیان او رقم بزند. اما در شرایط کنونی با خروج آمریکا از برجام هر دو جناح اصلاح طلب و اصولگرا کمر همت به جمع‌آوری آرای خاکستری در این صف‌آرایی سیاسی دارند، چرا که با این اوصاف دیگر اعتدال‌گرایان اعتماد به نفس خود را از دست داده‌اند و مثل سابق خود را مشتاق برجام و آثار مثبت آن نشان نمی‌دهند؛ چرا که مردم چرخ زندگی‌شان با ایستادن سانس‌زنی‌ها، نخرخید و شرایط معیشتی‌شان بهبود نیافت. از سوی دیگر نیز افکار عمومی به اصلاح طلبان بدبین شده‌اند و اصلاح طلبان نیز برای جبران این وضعیت سعی بر خوب نشان دادن شرایط اقتصادی و سیاسی کشور بعد از خروج آمریکا از برجام دارند و تصمیم بر این دارند که حتی شرایط بد اقتصادی حاکم بر کشور را بر گردن تحریم‌ها بیندازند



## آرای روحانی منفعلی می‌شوند

گفت‌وگویی مثلث با علی تاجرنیا

خروج آمریکا از برجام ضربه‌ای جدی را به روح و جسم این توافق پرسروصدای هسته‌ای وارد کرده تا آنجا که ادامه آن را چه از سوی ایران و چه از سوی طرف‌های غربی با تردیدهای فراوانی روبه‌رو کرده است. اما بدون شک از دست رفتن برجام دارای تبعات داخلی بسیاری خواهد بود؛ تبعاتی که پیشتر گریبان جریان اصلاح طلب به عنوان حامیان اصلی دولت را خواهد گرفت. علی تاجرنیا ضمن پذیرش ریزش بدنه اجتماعی اصلاح طلبان می‌گوید: «ما تلاش خواهیم کرد که دلایل آن را برای مردم توضیح دهیم و امیدواریم به اینکه مردم باز هم اعتماد کنند و اجازه دهند که ما بتوانیم شرایط کشور را به دوره بهتری برگردانیم.»



طرفی دیگر اصلاح طلبان هم به عنوان حامی آقای روحانی به حساب می‌آیند. از سوی دیگر مردم از برجام سود ملموسی نبردند؛ وضعیت اقتصادی شان و آن چیزی که در شعارهای اقتصادی آقای روحانی هم مطرح می‌شد، چندان تغییری نکرده و اکنون در واقع سرخورده شدند. به نظر شما این سرخوردگی مردم یا بهتر است بگوییم این عدم منفعت مردمی که از برجام می‌توانستند داشته باشند و دست پیدا نکردند موجب ریزش سبدرای اصلاح طلبان نمی‌شود؟

که کشور با آن دست به گریبان است. در این رابطه دو نوع رویکرد میان اصلاح طلبان وجود دارد؛ یک رویکرد که بخش محافظه کار است که محافظه کاران دارند. آنها احساس شان این است که باید یک مقدار کوتاه بیایند و سعی کنند که با مجموعه حاکمیتی ببینند اما در عوض داشته باشند تا کشور آسیب کمتری ببیند اما در عوض بخشی از آنها معتقد هستند که سابقه گذشته نشان دهنده این است که نه تنها این همراهی‌ها موجب کوتاه آمدن و تعامل نمی‌شود، بلکه سابقه نشان می‌دهد که جریان مقابل همیشه سعی می‌کند که این را به عنوان یک ضعف تلقی کند و به نوعی فشارهایش را به جریان اصلاح طلبی بیشتر کند. من فکر می‌کنم قاطبه اصلاح طلبان که در انتخابات‌های گذشته هم بوده‌اند و در محوریت رئیس دولت اصلاحات حضور دارند، نگرش آنها این است که ما در عین اینکه نباید وارد تنش و بحث شویم در داخل کشور اما باید بر مواضع اصلاح طلبانه خودمان، خصوصاً بحث توسعه سیاسی و بحث‌های دموکراسی تأکید بیشتری داشته باشیم.

بنابر این من این را در ادامه آن بحث‌ها می‌دانم و الزاما به برجام مرتبط نمی‌دانم ولی فکر می‌کنم این طیف از نظرات در مجموعه اصلاح طلبان وجود دارد، به هر حال ما نباید این موضوع را از یاد ببریم که دولت آقای روحانی یک دولتی بود که مورد حمایت اصلاح طلبان قرار گرفت و قطعاً اگر اصلاح طلبان این امکان را داشته باشند، می‌توانند در دوره آینده یک مجموعه دولتی را خیلی متناسب‌تر شکل دهند و نهایتاً کارآمدتر باشد، مانند آن چیزی که ما در دوره دوم آقای خاتمی مشاهده کردیم.

آقای تاجرنیا! این را می‌پذیریم که خود برجام و امضای برجام و اجرای آن تصمیمی بود در سطح کلان سیاسی اما نزد افکار عمومی واقعیت این است که برجام پای دولت آقای روحانی نوشته شده؛ از

اگر خروج آمریکا را منجر به از دست رفتن برجام بدانیم، این موضع برای اصلاح طلبان چه پیامدهایی دارد و در ادامه اگر دولت نتواند برجام را حفظ کند رویکرد دولت به چه سمتی تغییر خواهد کرد؟

من فکر می‌کنم که شما فرضی را دارید و فرض تان این است که چون آمریکا از برجام بیرون رفته، پس برجام کار اشتباهی بوده، بنابراین چون اصلاح طلبان هم طرفدار آقای روحانی و برجام هستند، طبیعتاً این برای اصلاح طلبان یک ضعف یا شکست محسوب می‌شود و ممکن است مواضع شان را تغییر دهند.

من فکر می‌کنم آنچه مهم است، این است که اصلاح طلبان با توجه به شرایطی که در داخل کشور وجود دارد و تحلیل شان از فضای آینده، شاید همان طور که از چند سال گذشته این اتفاق افتاده، دو تحلیل متفاوت داشته باشند اما این موضوع خیلی مرتبط با بحث برجام نیست، چون در مورد برجام من فکر می‌کنم اصلاح طلبان تقریباً متفق القول هستند که برجام اقدام درستی بوده که ما در شرایطی که ناگزیر بودیم، در کشور انجام دادیم.

بیرون رفتن ترامپ و کناره گیری آمریکا اگرچه حتما در موضوع برجام موثر است و یک مقدار نقش طرف‌های مقابل و تعهدات آنها را کاهش خواهد داد و حتما شرایط را برای ایران به لحاظ اقتصادی دشوارتر می‌کند اما این به نظر من موضوعی نیست که الزاما به آقای روحانی مرتبط باشد یا اگر هم باشد، کسی به نظر من از اینکه برجام اتفاق افتاده، پشیمان نیست. اما مجموعه شرایطی که در کشور وجود دارد، شرایط بسیار سخت و دشواری است. معتقدم ما در جمهوری اسلامی همواره یک سری مسائل و مشکلاتی داشتیم از ابتدای پیروزی انقلاب تا الان، ولی هیچ زمانی این حجم از مشکلات در یک دولت بروز نکرده بوده، اعم از مشکلات سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مسائل اقتصادی و حتی بحران‌های اجتماعی

معتقدم اگر در این دو، سه سال آینده دولت آقای روحانی اتفاقات خوبی را در جهت بهبود وضع معیشت مردم و توجه به نیازهای آنها رقم نزنند، یک بخش زیادی از آرای مردم منفعَل خواهند شد. حتما درصد بیشتری از آن متعلق به قشر متوسط و سبدرای اصلاح طلبان خواهند بود و اصل این عدم حضور برای نظامی مثل ما که پشتوانه اش رای مردم است، یک ضعف و خسران تلقی می‌شود؛ بنابراین من فکر می‌کنم خیلی مهم است که تمامی عوامل دست به دست هم دهند تا بتوانند شرایط را بهتر کنند

شرایط اقتصادی را بهتر کند. احزاب سیاسی، چهره‌ها و شخصیت‌ها سعی کنند دعوای بی‌حاصلی که نتیجه‌ای جز نایم‌کردن و منفعَل کردن مردم است را کنار بگذارند؛ در عین اختلاف نظر می‌تواند امیدوارانه برخورد کنند و در نهایت مردم هم باید بدانند در کشور ما انفعال و رادیکال شدن در فضای کنونی از جمله در سطح منطقه، نتیجه خسارت‌باری را به بار خواهد آورد. از این رو معتقدم ضمن پذیرش اینکه به هر حال مشکلات وجود دارد اما راه حل آن از رفتارهای مدنی مسالمت‌آمیز است. باز هم تاکید می‌کنم که راه نجات کشور ما از طریق صندوق‌های رأی و با حضور مردم است.

**شما اشاره کردید به اینکه طی این سه سال باقیمانده تا پایان دولت آقای روحانی، اصلاح طلبان باید اعتماد از دست رفته را برگردانند. به نظر شما دولت آقای روحانی این ظرفیت را دارد که اصلاح طلبان بتوانند از آن استفاده کنند برای بازگشت، یا نه، اصلاح طلبان باید دنبال یک راه دیگر و جایگزین باشند؟**

بله؛ به نظر من شخص آقای روحانی دارای ظرفیت بالایی برای این اصلاح و تغییر است و روندی که ایشان از ابتدای ورود به انتخابات ریاست جمهوری دارد، نشان دهنده این است که کاملا آن شعارها و اصول و اهداف اصلاح طلبی را در پیش خود پذیرفته است.

آنچه به نظر من مقداری مشکل ایجاد کرده، این است که آقای روحانی برای استفاده از کارگزاران دولت به ارتباطات سابق خودش اعتماد بیشتری دارد و حلقه اول کسانی که در کنار ایشان هستند و تصمیم گیر هستند، عمدتاً محافظه کارانی هستند که به دلیل نزدیکی و دوستی با آقای روحانی در کنار ایشان قرار گرفتند، نه الزاما کسانی باشند که اعتقادی دچار تحولی در نگرش‌های شان شده باشند. با توجه به این مساله اگر آقای روحانی بتواند مقداری از این حلقه، خارج شود و سعی کند که یک دولت کارآمدتر را شکل دهد، این ظرفیت در اصلاح طلبان وجود دارد که بیشتر کمک کنند و حتما موفقیت دولت، شرایط را هم برای آقای روحانی و هم اصلاح طلبان بهتر می‌کند.



### اصولگرایان خواهد بود؟

من فکر می‌کنم بخشی از مردم و آرای خاکستری هستند که برایشان آن اشخاص و چهره‌هایی که قرار می‌گیرند و گفت‌مان‌ها کاملا موثر است و روی آنها تاثیر می‌گذارد. آقای احمدی نژاد شاید در آن ابتدایی که آمد، یک کاندیدای شش دانگ اصولگرایی نبود ولی به لحاظ گفت‌مانی توانست بخش‌هایی از آرای طبقه فرودست را که الزاما اینها رأی‌های اصولگرایی نیست یا حتی طبقه متوسط را که الزاما اینها طرفدار جریان اصولگرا نیستند، به خودش جذب کند. باید با تاسف بگویم باتوجه به شرایط جامعه؛ ریزش آرای اصلاح طلبان بیش از اینکه بخواده به سبدرای اصولگرایان باشد، بیشتر به نفع جریان‌هایی است که از اصلاحات در درون کشور ناامید شدند. به همین خاطر هم من فکر می‌کنم که همه ما باید تلاش کنیم که این اعتمادسازی بین جریان‌های سیاسی و مردم شکل بگیرد ولی من احساسم این است و برآورد می‌کنم.

**شما می‌فرمایید الزاما اگر از سبدرای اصلاح طلبی آرا کم شود، به سبدرای اصولگرایی نمی‌رود، یعنی امکان دارد ما در انتخابات آینده شاهد این باشیم که طیف خاکستری که در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ به پیروزی اصلاح طلبان کمک کرد، انتخابات آینده را تحریم کند؟**

معتقدم اگر در این دو، سه سال آینده دولت آقای روحانی اتفاقات خوبی را در جهت بهبود وضع معیشت مردم و توجه به نیازهای آنها رقم نزنند، یک بخش زیادی از آرای مردم منفعَل خواهند شد. حتما درصد بیشتری از آن متعلق به قشر متوسط و سبدرای اصلاح طلبان خواهند بود و اصل این عدم حضور برای نظامی مثل ما که پشتوانه اش رای مردم است، یک ضعف و خسران تلقی می‌شود؛ بنابراین من فکر می‌کنم خیلی مهم است که تمامی عوامل دست به دست هم دهند تا بتوانند شرایط را بهتر کنند.

دولت به عنوان کسی که وظیفه اش مدیریت مصالح جامعه است، با کار کردن بیشتر و مدبرانه‌تر،

من این سخنان شما را قبول دارم و می‌پذیرم و مطمئن هم هستم؛ به هر حال بخش عمده‌ای از طرفداران آقای روحانی کم شده و اینها طبیعتا جریان اصلاح طلبان را هم در این عدم توفیق بدون نقش نمی‌دانند اما مساله مهمی که وجود دارد، این است که برجام ممکن است که برحسب ظاهر دستاوردی نداشته باشد اما باید بدانیم کشور در چه شرایطی بوده؛ شاید بتوانیم بگوییم با برجام کشور ما زمان خریده برای اینکه شرایط را عادی کند. ما یادمان نرود که با تحریم‌های سازمان ملل در شرایطی بودیم که حتی این مجوز را به کشورهای ابرقدرت دادند که اگر خواستند بهانه‌گیری کنند و بخواهند جنگی را علیه ما آغاز کنند، این کار را انجام دهند.

این به معنی این نیست که حتما می‌توانستند این کار را بکنند، ولی شرایط ما یک مقدار دشوارتری بود. سیلی از مشکلات در کشور وجود داشت، چه به لحاظ رشد منفی اقتصادی و چه به لحاظ مسائل و مشکلات دیگر. من حتما انتظار و توقع از دولت آقای روحانی این بود که وضعیت را بهتر از این سر و سامان دهد و حتما معتقدم که بعد از برجام ایشان و مجموعه دولت یک سری وعده و وعده‌هایی دادند که بهتر بود واقع‌بینانه برخورد کنیم و آنها را مطرح نکنیم. اما اینکه ما احساس کنیم چون آمریکا از برجام خارج شده، برجام شکست خورده؛ دقیق نیست. به نظر من می‌توان برجام را یک چیزی مثل قطعنامه ۵۹۸ دانست، یعنی شرایطی که در آن زمان هم پیروزی نبود ولی حداقل جلوگیری از بدتر شدن اوضاع بود؛ برجام هم کاملا همین کارکرد را داشت. طبیعی است که یک جریان سیاسی وقتی که آن توفیق را مناسب با انتظارات مردمی ندارد، از سبدرای او کاسته می‌شود. اما من فکر می‌کنم دو مساله وجود دارد که باعث می‌شود اصلاح طلبان همچنان امیدوار باشند به اینکه می‌توانند این سبدرای را حفظ کنند.

یک بخش آن جناح رقیب است که این جناح رقیب عملا با عدم تحول در گفت‌مان جدید یا حضور یک سازمان قوی نیرومند برای پیشبرد اهداف خودش نمی‌تواند یک رقیب جدی برای اصلاح طلبان باشد. نکته بعدی هم این است که باز در لایه‌های مختلف مردم هنوز این تفکیک وجود دارد که اصلاح طلبان نتوانستند از حداکثر ظرفیت‌شان برای اداره جامعه استفاده کنند. این را می‌شود کاملا مشاهده کرد.

تنها موضوعی که به نظر من می‌ماند در کشور، این است که اولاً ما یا به سمت یک هرج و مرج برویم به خاطر شرایط خاص کشور که طبیعتا تمامی جریان‌های درون نظام و از جمله اصلاح طلبان تلاش می‌کنند که این اتفاق نیفتد و حوادثی مثل دی‌ماه را بتوانیم با اعتمادسازی مدیریت کنیم که این اتفاقات ایجاد نشود. برخی از جریان‌ها در مقابل به دنبال این هستند که یک نهاد نظامی-سیاسی در قالب مجموعه‌ای که به نوعی روحیه تحکمی دارد، ایجاد شود. بین افکار عمومی هم عملا دارد قضیه ترویج می‌شود. بنابراین من فکر می‌کنم که طبیعتا ریزش آرا وجود دارد اما ما تلاش خواهیم کرد که دلایل آن را برای مردم توضیح دهیم و امیدواریم به اینکه مردم باز هم اعتماد کنند و اجازه دهند که ما بتوانیم شرایط کشور را به دوره بهتری برگردانیم.

به هر حال مردم می‌توانند با وجود همه این مشکلاتی که وجود دارد، عین دوره‌ای که آقای احمدی نژاد بود تحمل بیشتری داشته باشند؛ معتقدم که دولت آقای روحانی حداقل اگر وضع را بهتر نکرده، از بدتر شدن شرایط جلوگیری کرده است.

**آقای دکتر! شما اشاره کردید ناگزیر یک ریزش آرای وجود دارد. سرازیر شدن این ریزش آرا به سبدرای**

## جدال اصلاح طلبانه

ریشه اختلافات بین کارگزاران و اتحاد ملت چیست؟

مصطفی مسجدی

روزنامه نگار

این روزها شهردار تهران دیگر انتخاب شده و اصلاح طلبان با تیرهای پر از کلمه اتحاد این مساله را جشن گرفته اند ولی کیست که نداند اختلاف بزرگی بین دو طیف از اصلاح طلبان یعنی کارگزاران و اتحاد ملت در موارد مختلفی مثل انتخاب شهردار وجود داشته است. البته این موضوع می تواند زمینه ساز این نگرانی هم باشد که در آینده، به خصوص در انتخابات مجلس سال ۱۳۹۸، ادامه این اختلافات باعث شود لیست های واحد اصلاح طلبان چندتکه شود و رقیب شان بتواند کرسی های مجلس را از آنها بگیرد. اما یک سوال بزرگ؛ واقعا اختلاف این دو گروه سیاسی بر سر چیست؟

به زبان ساده می توانیم اختلاف این دورا بر سر موضوع لیدری و گرایش توسعه ای بدانیم. کارگزاران سازندگی حزبی است که پدر معنوی آن مرحوم هاشمی رفسنجانی است و اساسا از کارگزاران ارشد دولت آن مرحوم تشکیل شده است. این افراد، البته از نظر تقسیم بندی سیاسی در میانه چپ و راست قرار می گیرند ولی به هر حال هم از نظر اقتصادی به راست های قدیم و اصلاح طلبان جدید نزدیک ترند (به بخش خصوصی اعتقاد دارند) و هم از نظر سیاسی به آنها نزدیک شده اند و در واقع روح هاشمی رفسنجانی با تفکر سیاسی بعد از احمدی نژاد در آنها حلول کرده که توجه بیشتری به مقوله آزادی دارد. با این حال اتحاد ملت در واقع نسخه قانونی

فرآیند به سمت کاهش نقش محوری یک شخص و دموکراتیک تر شدن بود و از این رو هم هست که ایده هایی مثل پارلمان اصلاحات از دل این تز و آنتی ترها به دست می آید.

مساله بعدی گرایش توسعه ای است. نکته ای قدیمی است ولی باز هم باید گفت که دولت های پنجم تا هشتم، دو نوع تفکر مختلف در زمینه توسعه داشتند. در دولت هاشمی، اصل بر توسعه اقتصادی بوده و از این رو است که مردم خاطره خوبی از آزادی های سیاسی یا حتی آزادی فرهنگی و اجتماعی در آن دوران ندارند اما در عوض دولت سید محمد خاتمی در واقع بر ساخته ای از پروژه توسعه سیاسی بود که مطالعات اولیه آن در ابتدای دهه ۷۰ در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفته بود. حال دو حزبی که از آن یاد می کنیم نیز چنین اختلافی دارند اما این گرایش چگونه خود را نشان می دهد؟

مثلا در موضوع شهردار شدن محسن هاشمی، اصلاح طلبان به وضوح در بهترین شرایط هم گارد منتقد خود را نسبت به هاشمی و فرزندانش حفظ می کنند و هنوز که هنوز است در ادبیات علمی خود، او را یک محافظه کار می خوانند. در این شرایط شهردار شدن محسن هاشمی در یک شورای شهر اصلاح طلب، آن هم در حالی که تمامیت شورای شهر صدمه ببیند و یک اصولگرا به جای هاشمی وارد آن شود از نظر سیاسی آن قدر برای اتحاد ملت خط قرمز است که حاضر نیست ایده های اقتصادی کارگزاران برای کارآمدتر بودن چنین انتخابی را بپذیرد و به آن تن دهد.

در عین حال شاید مساله ساده تر از اینها هم حل شود. بودجه شهرداری تهران، امسال حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان بوده است. با فرض صحت همه چیز و اینکه هیچ فساد هم رخ ندهد، اینکه فردی از حزب ما یا دست کم نزدیک به حزب ما، بر این بودجه و مقدرات پایتخت حاکم باشد، بسیار جالب تر خواهد بود تا اینکه فردی چنین سمتی را به عهده بگیرد که اگرچه با او اشتراک نظر داریم ولی موارد اختلاف مان هم کم نیست.

جبهه مشارکت بعد از حوادث سال ۱۳۸۸ است. می دانید که در حوادث آن سال، مشارکت توسط دادگاه منحل شد و حالا بعد از چند سال، کادر غیرمساله دار مشارکت یا به تعبیر بهتر مشارکت هایی که بر حسب های بزرگ این جنبی روی صورت شان نقش نبسته (مثل حجابیان یا خاتمی) به سمت تاسیس این حزب جدید رفتند. با این وصف باید گفت که پدر معنوی اتحاد ملت همان پدر معنوی جبهه مشارکت یعنی رئیس دولت اصلاحات است.

همین موضوع باعث می شود اختلاف دیگری نیز بین کارگزاران و اتحاد ملت به وجود بیاید. می دانید که اصلاح طلبان از سال ۱۳۹۲، تلاش کردند با وحدت حداکثری در انتخابات ها حضور پیدا کنند. محوریت این وحدت جز انتخابات خیرگان سال ۱۳۹۴ در واقع با شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان بود که در واقع ریشه اولیه آن مشاوران رئیس دولت اصلاحات بودند. بنابراین، فرآیند وحدت و مشارکت سیاسی اصلاح طلبان در طول این دوران، حتی در روزهایی که اکبر هاشمی رفسنجانی در قید حیات بود؛ با محوریت سید محمد خاتمی انجام می شد اما نقش متفاوت برخی احزاب در این فرآیند باعث شده که اعتراض هایی به این فرآیند مشارکت سیاسی به وجود بیاید که در واقع اصل کلام آن اعتراض به نقش محوری سید محمد خاتمی است.

در واقع برخی احزاب مانند اعتماد ملی در زمان مدیریت منتجب نیا یا مردم سالاری معتقدند که نقش و سهمیه احزاب در فرآیند انتخابات و مشارکت سیاسی در واقع تابعی از نزدیکی یا دوری آنها به رئیس دولت اصلاحات است و از این رو معتقدند که باید این



هستند و بسیاری از کارشناسان تصمیم ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام را حاکی از آدرس‌های غلط عربستان سعودی به ترامپ می‌داند؛ کشوری که در زمان حیات هاشمی رفسنجانی مرادوات خوبی با ایران داشت.

بنا به گفته ظریف و یارانش برجام و بندهای آن همه به نفع ایران است و با خروج آمریکا از برجام هیچ چیزی از دست نخواهد رفت و بار دیگر ساتت‌ریفیوها به حرکت در خواهند آمد. ترامپ که دیگر به قدرت هسته‌ای ایران ایمان دارد پیش‌بینی می‌کند که با اعمال تحریم‌های همه‌جانبه و شدید بار دیگر بتواند ایران را بر سر میز مذاکره بنشاند تا این بار نسخه ترامپی برجام را روی میز قرار دهد و ایران را دیگر با انرژی هسته‌ای بیگانه نماید، این در حالی است که دیگر دولت ایران به پای میز مذاکره باز نخواهد گشت چرا که برجام در باغ سبزی بود که باز هم ایران را سرگردان کرد و سرابی بیش نبود.

به طور کلی باید اذعان کرد هرچند ایران از گذشته تا امروز با تحریم‌های متعددی مواجه شده است اما امروز با تکیه بر تجربه سال‌های قبل شاید بتواند به راحتی بار دیگر تحریم‌های جدید را سپری کند چرا که در دوره پسابرجام نیز تحریم‌ها به طور کامل لغو نشد و در آن زمان نیز با تعویق زمان اجرای برجام مواجه بودیم. به عبارت ساده‌تر اعمال تحریم‌های جدید از سوی آمریکا شاید نه تنها اوضاع اقتصادی کشور را تا حدی در خطر بیندازد، بلکه زمینه‌ساز خروج سرمایه‌گذاران خارجی را نیز فراهم خواهد کرد که این مهم خود می‌تواند تبعات منفی بسیاری را بر اقتصاد فلج کشور بر جای بگذارد، همچنین اعمال تحریم‌های جدید می‌تواند زنگ خطری برای اقتصاد نفتی کشور باشد چرا که تجربه سال‌های گذشته مبین این است که با دورزدن تحریم و فروختن نفت به کشورهای در لباس دوست، پول چندان به اقتصاد به خواب رفته کشور تزریق نخواهد شد و شاید در ازای نفت مجبور به واردات کالاهای غیرمصرفی از سوی کشورهای خریدار نفت باشیم که این مهم خود ضربه سنگینی بر بدنه تحریف اقتصاد کشور خواهد بود.

آنچه مسلم است اعمال تحریم‌های جدید تنها وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور را نشانه نخواهد رفت، بلکه پیش‌پا افتاده‌ترین حق مسلم مردم یعنی تحقق حقوق شهروندی نیز با اما و اگر مواجه خواهد شد چرا که برخی از افراطی‌گرایان سعی دارند از این طریق مانع از بروز اعتراضات احتمالی شوند.

شایان ذکر است خروج آمریکا از برجام نه تنها آثار منفی را در حوزه اقتصاد کشور بر جای می‌گذارد، بلکه متأسفانه شاهد بروز آثار منفی در سیاست داخلی کشور نیز هستیم، بدین معنا که بعد از اعلام تصمیم ترامپ شاهد ایجاد چنددستگی در احزاب هستیم. حتی اصلاح‌طلبان که روزگاری خود را موافق برجام می‌دانستند این روزها دیگر نمی‌توانند اتحاد سابق را در میان آنها یافت و به دو دسته گوشه‌گیر و میانه‌رو تقسیم شده‌اند. دسته اول که شاید بتوان نجفی‌شهردار چند ماهه تهران را نیز جزو آن دانست، سعی بر دوری از اوضاع سیاسی و هرج و مرج‌های پیش‌رو دارد و دسته دوم نیز که تعدادشان شاید اندک باشد، سعی بر آرام‌نشان دادن اوضاع دارند.

از سوی دیگر این عدم اتحاد را نیز می‌توان به راحتی در میان اصولگرایان نیز یافت، به گونه‌ای که اصولگرایان نیز به دو دسته تندرو و اعتدال‌گرا تقسیم‌بندی شده‌اند که تندروها سعی بر استفاده از شرایط موجود به نفع خود دارند و از این فضا نهایت استفاده تبلیغاتی را دارند و اما در مقابل اصولگرایان اعتدال‌گرا سعی بر به آرامش دعوت کردن تندروها دارند، هرچند تعداد این گروه نیز اندک به نظر می‌رسد.



## برگ برنده روحانی سوخت برجام اتحاد جناح‌ها را نشانه گرفت

الهام صمدزاده

روزنامه‌نگار

با تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از برجام، بار دیگر بر طبل رسوایی و بی‌اعتمادی دولت آمریکا کوبیده شد و به راحتی زحمت ۱۲ سال مذاکره و برگ برنده دولت روحانی به یغما رفت، هر چند بنا به گفته روحانی و یارانش خروج آمریکا از برجام هیچ تأثیر منفی برای کشور برجای نخواهد گذاشت اما این در حالی است که به راحتی و حتی پس از گذشت تنها چند روز از خروج ترامپ از برجام می‌توان سایه شوم تبعات منفی این تصمیم را در کشور دید.

هنوز اثرات پسابرجام بر وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور کاملاً نمایان نشده بود که ترامپ به وعده انتخاباتی خود یعنی خروج از برجام جامه عمل پوشاند و روحانی و تیم مذاکره‌کننده‌اش که این تصمیم را پیش‌بینی کرده بودند، بدون اذیت‌دادن زمان، مذاکرات جدیدی را با مابقی اعضای حاضر در برجام شروع کردند، این در حالی است که ترامپ مرد سیاستمدار بی‌سیاست تحریم‌های شدیدتری را برای ایران در نظر گرفته است و در مدت زمان کوتاهی قصد بر اجرای آن دارد که در این میان باز هم وضعیت معیشتی قشر متوسط جامعه بیشتر در معرض خطر قرار خواهد گرفت، چرا که حتی در شرایط اقتصاد مقاومتی به طور حتم کشور از نظر اقتصادی و تولید با چالش‌های

جدید و جدی دست‌وپنجه‌نرم خواهد کرد و از سوی دیگر نیز امید چندان به کشورهای باقیمانده در برجام وجود ندارد، چرا که تجربه نشان داده طرف اروپایی تحت هیچ شرایطی پشت یار قدیمی خود آمریکا را به خاطر منافع مشترک خالی نخواهد کرد و بنا به اظهار نظر کارشناسان این مذاکرات با اروپا تنها برای خرید زمان بیشتر برای ایران است و به عبارت ساده‌تر تیزی در تاریکی محسوس می‌شود، هرچند باید متذکر شد که اروپاییان نیز چشم طمع به بازار ایران دارند.

دو سال پیش بود که با امضای برجام مردم که خیال حل مشکلات اقتصادی و معیشتی را در سایه این مهم در سر می‌پروراندند در خیابان‌ها مشغول جشن و پایکوبی شدند اما این در حالی است که با گذشت زمان نیز هیچ‌گاه شیرینی و برکات برجام را عامه مردم حس نکردند اما در مقابل مسئولان امر مدعی بروز برکات برجام بودند، البته در این مجال باید متذکر شد که شاید در دوره پسابرجام گروه‌های متعددی از بازار اقتصادی کشور گشوده شد اما این مهم به قدری نبوده است که عامه مردم آن را در زندگی و وضعیت اقتصادی خود حس نمایند.

با روی کار آمدن ترامپ، برهم خوردن برجام و اعمال تحریم‌های جدید کاملاً قابل پیش‌بینی بود چرا که رئیس‌جمهور جدید آمریکا با دیپلماسی پیش‌پا افتاده و سبک‌سرانه خود تا امروز تصمیمات متخیرانه‌ای برای کشور متویش اتخاذ کرده است، به گونه‌ای که جمع کثیری از ملت آمریکا از این تصمیم‌گیری‌ها معترض



## محور شرارت

تیم ترامپ در کاخ سفید تقابل تمام عیاری را با ایران آغاز کردند





که ترامپ در سال گذشته (۲۰۱۷ میلادی) با بولتون و سه نفر دیگر برای پر کردن سمت مشاور امنیت ملی که پس از ژنرال مایکل تی. فلین خالی شده بود، مصاحبه کرد. نهایتاً این سمت به مک مستر رسید. با این حال، ترامپ از بولتون تجلیل کرد و گفت او نهایتاً برایش سمتی در دولتش خواهد داشت. بولتون در عصر روز ۶ مارس ۲۰۱۸ ظاهراً برای مصاحبه به عنوان نامزد مشاورت امنیت ملی در کاخ سفید رویت شد.

نیویورک تایمز در ۲۲ مارس ۲۰۱۸ گزارش کرد که جان بولتون جایگزین مشاور امنیت ملی ایچ آر مک مستر خواهد شد. ترامپ در ۲۲ مارس در تویییتی این انتصاب را تایید کرد. نیویورک تایمز نوشت: «ارتقای بولتون به همراه خروج رکس تیلرسون و ژنرال مک مستر به این معناست که تیم سیاست خارجی ترامپ اکنون «رادیکال ترین تیم سیاست خارجی تهاجمی» است که در تاریخ مدرن پیرامون رئیس جمهور آمریکا حضور داشته است.

جان بولتون در دولت های مختلف جمهوریخواه فعالیت کرده است. بولتون از اوت ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۰۶ از سوی رئیس جمهور جورج دبلیو بوش به عنوان سفیر ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد مشغول به کار بود. رئیس جمهور او را در بازه تعطیلات کنگره بدون رای اعتماد منصوب کرده بود. او در دسامبر ۲۰۰۶ استعفا داد، گرچه انتصاب او که در زمان تعطیلات کنگره صورت گرفته بود نیز به هر روی پایان یافته بود، چرا که محتمل نبود او بتواند از سنا که از ژانویه ۲۰۰۷ در کنترل دموکرات ها بود رای اعتماد بگیرد.

بولتون یک «باز جنگ طلب» خوانده شده و از مدافعان تغییر رژیم در کره شمالی است. وی مکرراً خواهان خاتمه دادن به برنامه جامع اقدام مشترک با ایران شده بود و با حضور خود در سمت مشاور امنیت ملی آمریکا، این اقدام را عملی کرد. همچنین همان گونه که اشاره شد، وی از حامیان جنگ عراق بود و همچنان از این تصمیمش دفاع می کند. او از اقدام نظامی و تغییر رژیم در سوریه و لیبی دفاع کرده است.

## نیکی هیلی؛ دیپلماتی از جنس تهاجم

نیکی هیلی، یکی دیگر از دیپلمات ها و سیاستمداران تصمیم ساز و موثر در حوزه سیاست خارجی دولت ترامپ محسوب می شود. سیاستمدار آمریکایی که از سال ۲۰۱۷ سفیر ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد است. مواضع تند و خصمانه نیکی هیلی علیه برجام، نقش بسزایی در عدم تمدید تعلیق تحریم های ایران توسط ترامپ شد. نیکی هیلی در طول مدت حضور مک کستر و رکس تیلرسون در کاخ سفید، همواره خواستار برکناری آنها از قدرت بود و این میل خود را نیز پنهان نمی کرد. هیلی از ژانویه ۲۰۰۵ تا ژانویه ۲۰۱۱ نمایندگی شهرستان لکزینگتن را در مجلس نمایندگان کارولینای جنوبی بر عهده داشت. سپس از ژانویه ۲۰۱۱ تا ژانویه ۲۰۱۷ میلادی، به مقام یکصد و شانزدهمین فرماندار ایالت کارولینای جنوبی انتخاب شد. هیلی اولین زنی بود که به مقام فرمانداری در کارولینای جنوبی رسید. همچنین او پس از بابی جیندال، دومین فرماندار هندی-آمریکایی در ایالات متحده بود. او در طول دوران فرمانداری، جوان ترین فرماندار در ایالات متحده بود.

او در نوامبر ۲۰۱۰ برای در اختیار گرفتن سمت فرمانداری ایالت کارولینای جنوبی نامزد انتخابات شد و مورد حمایت میت رامنی، سارا پیلین و جنبش تی پارتی قرار گرفت و در انتخابات پیروز شد. سپس در نوامبر ۲۰۱۴ نیز وی مجدداً به سمت فرماندار ایالت کارولینای جنوبی انتخاب شد. در نوامبر ۲۰۱۶ میلادی، دونالد ترامپ اعلام کرد: قصد دارد نیکی هیلی را به عنوان سفیر

## تیم ترامپ در کاخ سفید تقابل تمام عیاری را با ایران آغاز کردند

سفید است. با این حال برخی دیگر نیز معتقدند که استفاده ترامپ از نومحافظه کارانی مانند بولتون و افرادی تدریو مانند پمپئو، حالتی کاملاً ایزبازی دارد. مروری بر نام افراد تاثیرگذار در حوزه سیاست خارجی دولت ترامپ، می تواند در نوع خود قابل تامل باشد.

### جان بولتون؛ نماد احمیای نومحافظه کاری در کاخ سفید

جان بولتون از اعضای اصلی شورای دوازده نفره نومحافظه کاران در آمریکا و از مدافعین جنگ عراق محسوب می شود.

بولتون هم اکنون عضو پیوسته ارشد در موسسه امریکن انترپرایز و از تحلیلگران ثابت فاکس نیوز است. او از مشاورین سیاست خارجی میت رامنی نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ بود. بولتون همچنین با اندیشه های متعدد محافظه کاری چون انجمن ملی سلاح، پروژه های برای قرن آمریکایی جدید (PNAC)، بنیاد یهودی امور امنیت ملی (JINSA) و کمیته صلح و امنیت در خلیج (CPSPG) همکاری داشته است.

کمتر کسی تصور می کرد که ترامپ با وجود انتقاداتی که در ظاهر از جنگ عراق کرده بود، بولتون را به سمت مشاور امنیت ملی خود منصوب کند. صورت مساله این بود

### حسین یاری

روزنامه نگار

خروج «رکس تیلرسون» وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا از قدرت و متعاقباً، کنار گذاشتن ژنرال «مک کستر» از سمت مشاور امنیت ملی ترامپ، مولد رفتارهای تند و رادیکال تازه ای در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده بوده است. «حمله آمریکا به سوریه» و «خروج ترامپ از برجام» نخستین خروجی حضور مجدد نومحافظه کاران افراطی در راس معادلات سیاسی و اجرایی آمریکا محسوب می شود. رئیس جمهور فعلی آمریکا، در جریان رقابت های انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۶ میلادی، بارها سیاست های جورج واکر بوش و نومحافظه کاران را به چالش کشید. کار به جایی رسید که حتی جورج بوش مخالفت صریح و علنی خود را با حضور ترامپ در کاخ سفید اعلام کرد. ترامپ معتقد بود که جنگ عراق (سال ۲۰۰۳) هزینه های زیادی برای آمریکا داشته اما هم اکنون افرادی مانند «جان بولتون» و «جینا هسپل» را به عنوان مشاور امنیت ملی و ریاست سازمان سیا منصوب کرده است. بسیاری از تحلیلگران مسائل آمریکا، معتقدند ترامپ علناً درصدد احمیای نومحافظه کاری در کاخ



خروج «رکس تیلرسلون» وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا از قدرت و متعاقبا، کنار گذاشتن ژنرال «مک کستر» از سمت مشاور امنیت ملی ترامپ، مولد رفتارهای تند و رادیکال تازه‌ای در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده بوده است. «حمله آمریکا به سوریه» و «خروج ترامپ از برجام» نخستین خروجی حضور مجدد نومحافظه کاران افراطی در راس معادلات سیاسی و اجرایی آمریکا محسوب می‌شود.

آمریکا در سازمان ملل منصوب کند. در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ مجلس سنای آمریکا، او را با ۹۶ رای موافق در مقابل ۴ رأی مخالف، به عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل تأیید کرد. در ۱۵ آوریل ۲۰۱۷ هیلی در سخنان خود در شورای امنیت سازمان ملل، یک روز پس از حمله شیمیایی ۲۰۱۷ خان‌شیکون گفت: «روسیه، اسدو ایران علاقه‌ای به صلح ندارند و اگر در پاسخ کاری صورت نگیرد چنین حملاتی تکرار خواهند شد.» اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، از نیکی هیلی به عنوان سیاستمداری تند، افراطی و غیرمنطقی یاد می‌کنند که اصلی‌ترین کارویژه وی، ایجاد تنش‌های مزمن و پایدار میان اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

### جیمز متیس؛ سیاستمداری تندرو اما متفاوت با بولتون

وزیر دفاع کابینه ترامپ، از منتقدین نرم تصمیم وی برای عقب‌نشینی از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. ترامپ در اول دسامبر ۲۰۱۶ در یک سخنرانی در سنین سبزی اعلام کرد متیس را برای وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا نامزد خواهد کرد. از آنجا که متیس در سال ۲۰۱۳ از ارتش بازنشسته شده بود، نامزدی او نیازمند اخذ معافیت از لیجه امنیت ملی ۱۹۴۷ بود که برای کارکنان نظامی بازنشسته پیش از تصدی منصب وزارت دفاع یک بازه انتظار ۷ ساله لازم می‌دارد. متیس دومین نفری است که پس از جورج مارشال این گونه به وزارت رسید.

نام «جیمز متیس» برای بسیاری از کسانی که تحولات آمریکا و سیاست خارجی این کشور را دنبال می‌کنند آشناست. کسی که تصور می‌شد همزمان با مک‌استرو و تیلسون، در سمت خود کنار گذاشته شود. متیس یک‌بار در سخنانی مضحکانه مدعی شد که ایران، بالاتر از القاعده و داعش، تهدیدکننده اصلی ثبات خاورمیانه است. متیس در این خصوص می‌گوید: «در نظر من داعش چیزی بیش از بهانه‌ای برای اینکه ایران به رفتار نادرست خود ادامه دهد، نیست. ایران دشمن داعش نیست. آنها از ناآرامی در منطقه که داعش می‌آفریند خیلی سود می‌برند.»

به هر روی، گرچه او توافق هسته‌ای را ضعیف می‌داند، معتقد بود هیچ راهی برای عقب‌نشستن از آن وجود ندارد: «ما باید بپذیریم که توافق ناکامی برای کنترل تسلیحات داریم. در نانی، اینکه آنچه بدان دست یافته‌ایم یک مک‌ت هسته‌ای است نه یک توقف کامل هسته‌ای.» متیس دارای دیدگاه‌های بسیار تندی در قبال منطقه بوده و از اصلی‌ترین حامیان استمرار حضور داعش و گروه‌های تروریستی و تکفیری در سوریه و عراق محسوب می‌شود. متیس دوستی متحدین منطقه‌ای آمریکا نظیر اردن و امارات متحده عربی را ستوده است. او از باراک اوباما به خاطر این دیدگاه‌شان که متحدین را در حال مفت سواری دانسته انتقاد کرده و گفته: «اینکه یک

رئیس‌جمهور حاکم آمریکا متحدین ما را مفت سوار بداند دیوانه‌وار است.» او بر اهمیت امارات و اردن به عنوان کشوری که برای مثال می‌خواهد آمریکا را در پرکردن شکاف‌ها در افغانستان کمک کند تأکید کرده است. او از استراتژی دفاعی اوباما به این دلیل که این تلقی را ایجاد می‌کند که «از حمایت از متحدین مان دست برمی‌داریم» انتقاد کرده بود. او بر نییاز آمریکا به تقویت پیوندها با سازمان‌های اطلاعاتی متحد خود، خصوصا سازمان‌های اطلاعاتی اردن، مصر و عربستان سعودی تأکید کرده است. در سال ۲۰۱۲ متیس خواهان دادن سلاح به شورشیان سوری برای ایجاد بحران‌های امنیتی پایدار در این کشور شده بود. در حال حاضر نیز این متشی متیس ادامه دارد. او از اصلی‌ترین بازیگرانی است که در صدد القای تنش‌های پایدار امنیتی در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود.

### هسیل؛ شکنجه‌گر آمریکایی در راس سازمان سیا

پس از انتصاب «مایک پمپئو»، رئیس سابق سازمان سیا به عنوان وزیر امور خارجه جدید ایالات متحده آمریکا، قائم مقام او یعنی «جینا هسیل» به سمت ریاست سازمان سیا انتخاب شد. جینا شری هسیل یک افسر اطلاعاتی آمریکا است. در ۱۳ مارس ۲۰۱۸ ترامپ او را به عنوان اداره‌کننده سازمان سیا معرفی کرد که نخستین زنی بود که مسئولیت این سازمان جاسوسی را بر عهده می‌گیرد. جینا هسیل یکی از باسابقه‌ترین افسران سیا است که بیش از ۳۰ سال سابقه کار اطلاعاتی دارد. او در سال ۱۹۸۵ به سیا پیوست. در فوریه ۲۰۱۷ رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ او را به عنوان قائم‌مقام اداره‌کننده سیا منصوب کرد. در ۱۳ مارس ۲۰۱۸ دونالد ترامپ او را به عنوان جانشین مایک پمپئو برای ریاست جدید سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا معرفی کرد. اگر سمت او تأیید شود، او اولین افسر اطلاعاتی حرفه‌ای زن و نخستین زنی است که این مسئولیت را بر عهده گرفته است. در ۱۸ می ۲۰۱۸، جینا هسیل با شش رأی سناتور دموکرات توانست رأی تأیید سنار به دست آورد و نخستین زن رئیس سازمان سیا شد.

نام جینا هسیل یا شکنجه‌گر خورده است. او به عنوان یکی از طراحان شیوه‌های خشن و جنجالی بازجویی مظنونان تروریسم - مثل القای حس خفگی - مطرح است. رسانه‌های آمریکا از او به عنوان چهره مناقشه‌برانگیزی یاد می‌کنند چرا که گفته شده او از حامیان روش‌های خشن شکنجه در بازجویی‌های سیا است و همچنین این سازمان تحت نظر او یک زندان مخفی در تایلند دایر کرده است. در سال ۲۰۱۴ مرکز قانون حقوق بشر مستقر در برلین (ECCHR) از دادستانی کل آلمان در کارلسروهه خواست تا در صورت سفر هسیل به اروپا حکم جلب فوری

او صادر شود. بررسی این پرونده از سوی دادستانی فدرال در جریان است اما هنوز رسماً تحقیقات در این زمینه آغاز نشده است. سوابق اداری جینا هسیل در سازمان سیا بیانگر آن است که هسیل از تجربه گسترده‌ای در زمینه جاسوسی بین‌المللی برخوردار است و بارها مدیریت پروژه‌های مختلف برون مرزی را برعهده داشته است. او همچنین در دفتر مرکزی سازمان سیا در واشنگتن به عنوان معاون رئیس، بر اداره امور مخفی ملی مدیریت داشته است. جینا هسیل همچنین از جورج اچ دبلیو بوش، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا مدال افتخار به علت فعالیت‌هایش در امور ضد تروریسم دریافت کرده است. این مدال بالاترین جایزه است که کاخ سفید به کارمندان دولت به علت خدمات‌شان اهدا می‌کند.

### مایک پمپئو؛ عضو «تی پارتی» و سیاستمدار مورد علاقه ترامپ

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه فعلی آمریکا و رئیس سابق سازمان سیا، از سیاستمدارانی است که به شدت مورد علاقه ترامپ قرار دارد. دلیل این مساله، عدم استقلال شخصیت سیاسی پمپئو و وابستگی کامل وی به رئیس‌جمهور فعلی آمریکاست. او هم‌اکنون نماد افراط در سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود. اگرچه پمپئو در جلسه استماع سنا و قبل از جلب رأی اعتماد سنای آمریکا به خود، از تلاش برای حفظ برجام (در عین اصلاح آن) خبر داده بود، اما بلافاصله به پیام‌آور «لغو برجام» از سوی دولت آمریکا تبدیل شد.

پمپئو هفتادمین وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا است. او پیش‌تر اداره‌کننده سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا (سیا) بود. او پیش‌تر نماینده حوزه انتخابیه چهارم کانزاس از حزب جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا در مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا بود که برای نخستین بار در ژانویه ۲۰۱۱ میلادی به عضویت این مجلس درآمد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، پس از برکناری رکس تیلرسون، مایک پمپئو را در ۱۳ مارس ۲۰۱۸ به عنوان وزیر خارجه آمریکا معرفی کرد. او عضو جنبش تی‌پارتی در حزب جمهوری خواهان آمریکا است و در سمت راست طیف سیاسی جمهوری خواهان قرار می‌گیرد. او همچنین عضو انجمن ملی اسلحه و گروه لابی گسترش استفاده از سلاح گرم در آمریکا است. مایک پمپئو با بستن بازداشتگاه گوانتانامو مخالف است. او گفته روحانیون مسلمانی که حملات تروریستی را به شدت محکوم نمی‌کنند، «همدست» تروریست‌ها هستند. به‌طور کلی، پمپئو به نژادپرستی و داشتن خصومت ذاتی با مسلمانان محکوم است؛ موضوعی که حتی برخی سناتورهای آمریکایی نیز در جلسه استماع سنا نسبت به آن ابراز نگرانی کردند.



**برخی معتقدند که استفاده ترامپ از نومحافظه کارانی مانند بولتون و افرادی تندرو مانند پمپئو، حالتی کاملاً ابزاری دارد. مروری بر نام افراد تأثیرگذار در حوزه سیاست خارجی دولت ترامپ، می‌تواند در نوع خود قابل تأمل باشد**

# استراتژی یا تفکر خود خواهانه؟!

قصد «پمپئو» از حمله به ایران چه بود؟

The New York Times

کارول گیاکومو

مترجم: زهره کریمی

اظهارات مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در خصوص توافق هسته‌ای با ایران، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌ای دنیا داشته است. اکثر تحلیلگران مسائل بین الملل از این اظهارات به مثابه «تقابل تمام عیار کاخ سفید با ایران» یاد کرده و شروط بیان شده از سوی وزیر امور خارجه جدید آمریکا را غیر قابل تحقق دانسته‌اند. مواضع پمپئو در حالی مطرح می‌شود که مذاکرات ایران و تروئیکای اروپایی بر سر حفظ توافق هسته‌ای همچنان ادامه دارد. مذاکراتی که ایالات متحده آمریکا ظاهراً در آن نقشی ایفا نمی‌کند اما در پشت پرده، مشغول رایزنی با سران اروپایی در تقابل با تهران است. طی روزهای اخیر، بسیاری از رسانه‌های آمریکایی و تحلیلگران مطرح حوزه روابط بین الملل به ترامپ در خصوص رویکرد مغرضانه‌اش در قبال ایران هشدار داده‌اند؛ هشدارهایی که اگرچه تا کنون مورد توجه رئیس‌جمهور آمریکا و همراهانش مانند نیک هیلسی و جان بولتون قرار نگرفته است، اما در آینده‌ای نزدیک می‌تواند به پاشنه آشیل قدرت ترامپ و همراهانش تبدیل شود. روزنامه نیویورک تایمز در خصوص اظهارات اخیر پمپئو تحلیلی را به قلم «کارول گیاکومو» نوشته است که از نظر تان می‌گذرد:

پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً توافق هسته‌ای با ایران را لغو کرد، بسیاری از مخاطبان درصدد پاسخ به این سوال بودند که گام بعدی واشنگتن در قبال برجام و ایران چیست. سرانجام «مایک پمپئو» و وزیر خارجه آمریکا دقیقاً همان چیزی که انتظار می‌رفت را در این خصوص بیان کرد: سرزنش ایران.

مایک پمپئو در سخنرانی خود در موسسه محافظه کار «هریتیج» اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا از همه ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی خود برای پیشگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای استفاده خواهد کرد. او تاکید کرد که واشنگتن در تلاش برای توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران، توقف حمایت ایران از حزب الله و حوثی‌های یمن، پایان حضور نیروهای ایرانی در سوریه و توقف فعالیت‌های موشکی این کشور است.

دوازده تقاضایی که پمپئو از ایران (برای انعقاد توافق جدید با آمریکا) مطرح کرده است، گسترده و تحقق آنها، حتی در صورت موافقت ایران، زمانبر خواهد بود. همچنین در عوض، سودی در این خصوص جز بازگشت تحریم‌ها و... نصیب ایران نمی‌شود. همچنین باید در نظر داشت که پمپئو وعده داده است در صورت از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران، فشارهای مالی بی‌سابقه‌ای بر ایران وارد خواهد شد. این رویکرد (رویکرد پمپئو در قبال ایران) بدون شک مملو از اشتباه و خطاست. این یک «استراتژی» نیست، بلکه تفکر خود خواهانه‌ای است که منجر به درگیری و منازعات بیشتر در خاورمیانه می‌شود. در این معادله،

آمریکا در موضع پایین تری (در موضع یک متهم) قرار دارد زیرا دونالد ترامپ یک قرارداد چندجانبه بین المللی را لغو و از آن کناره‌گیری کرده است. ترامپ معتقد بود که این معامله (برجام) نگرانی‌های موجود در خصوص فعالیت‌های منطقه‌ای ایران را رفع نمی‌کند. ترامپ معتقد است که اعمال تحریم‌های جدید و تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه ایران، می‌تواند معادلات اقتصادی و سیاسی را در ایران برهم زده و رفتار این کشور را تغییر دهد. اما این استدلال صحیح نیست. قبل از سال ۲۰۱۵ میلادی، غیر از ایالات متحده آمریکا، بازیگرانی دیگر نظیر اتحادیه اروپا، چین و روسیه نیز ایران را تحریم کرده و از تحریم‌های چندجانبه علیه این کشور حمایت کرده بودند. اما در حال حاضر وضعیت با آنچه قبل از سال ۲۰۱۵ (زمان انعقاد برجام) شاهد آن بودیم، متفاوت است. هم‌اکنون کشورهای اروپایی تاکید کرده‌اند که به توافق هسته‌ای با ایران پایبند خواهند بود. در چنین شرایطی ترامپ می‌تواند چه کاری صورت دهد؟ آیا او می‌خواهد با اعمال تحریم‌های ثانویه علیه دوستان خود (کشورهای اروپایی)، آنها را به دشمنان خود تبدیل کند؟ امروزه کشورهای اروپایی در خصوص راه‌هایی برای کم اثر کردن تحریم‌های آمریکا صحبت می‌کنند. همین مساله، پیوندهای موجود در دو سوی آتلانتیک و میان آمریکا و اروپا را سست تر و کمرنگ تر کرده است. حتی ممکن است روزی برسد که اتحادیه اروپا تا نهایت ممکن، وابستگی اقتصادی خود را به ایالات متحده آمریکا کاهش دهد. اظهارات فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به سخنان خیر مایک پمپئو نشان دهنده همین حقیقت است: «آلترناتیو و جایگزینی برای توافق هسته‌ای با ایران وجود ندارد. پمپئو به توافقی می‌تازد که منجر به ثبات در منطقه خاورمیانه شده است.»

اگرچه وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است که هدف از اظهارات و بیان شروط اخیر وی، انعقاد توافقی جامع با ایران است، اما به نظر می‌سد هدف اصلی وی از این سخنان، مواجهه کامل با نظام ایران (از بین بردن نظام ایران یا مجبور کردن ایران نسبت به از سرگیری برنامه‌های هسته‌ای این کشور است؛ موضوعی که به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی بهانه‌ای برای حمله نظامی علیه ایران بدهد. تجربه جنگ عراق نشان می‌دهد که این ایده و پیاده‌سازی آن برای آمریکا خطرناک و وحشتناک خواهد بود. حضور جان بولتون، یکی از معماران جنگ عراق در مسند مشاور امنیت ملی دولت ترامپ، در این برهه زمانی حساس تصادفی نیست.

اظهارات اخیر مایک پمپئو روی معادلات جاری در کره شمالی نیز تاثیرگذار است؛ کشوری که هم‌اکنون ۶۰ سلاح هسته‌ای دارد. پمپئو در حالی ایران را تهدید می‌کند که این کشور برنامه هسته‌ای خود را (طبق برجام) محدود کرده و دارای سلاح هسته‌ای نیست. طی هفته‌های گذشته، مقامات ایرانی رویکرد و واکنش معقولانه‌ای نسبت به تحرکات ایالات متحده آمریکا در قبال برجام داشته‌اند. هم‌اکنون جهان امیدوار است که توافق هسته‌ای با ایران، بدون حضور ایالات متحده آمریکا حفظ شود.



## نومحافظه کاری رادیکال

روح سخنرانی «مایک پمپئو» بر خالی کردن هویت انقلابی و از بین بردن قدرت بازدارندگی ایران بنا شده بود

سخنرانی اخیر «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا از ابعاد و زوایای مختلفی قابل توجه قرار گرفته است. وزیر خارجه آمریکا در اندیشکده «هریتیج» حاضر شد تا از راهبرد این کشور در قبال ایران پس از خروج از توافق هسته‌ای رونمایی کند. در ۱۸ اردیبهشت رئیس‌جمهور آمریکا رسماً خروج این کشور از توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ را اعلام کرد و حالا «مایک پمپئو» از استراتژی جدید این کشور در قبال ایران سخن گفت.

وزیر خارجه آمریکا مدعی شد که این کشور آماده «اقدامات و گام‌های تازه» با ایران است البته تنها در



و به میزبانی از اعضای ارشد القاعده نیز پایان دهد. ۱۱- ایران باید به حمایت سپاه قدس از گروه‌های تروریستی و شرکای شبه نظامی خود پایان بدهد. ۱۲- ایران باید رفتارهای تهدیدکننده علیه همسایگان خود را کاهش بدهد، که بسیاری از آنها متحدان آمریکا هستند. این مساله شامل تهدیدات ایران برای نابودی اسرائیل و شلیک موشک به عربستان و امارات متحده عربی نیز می‌شود. این موضوع همچنین شامل تهدیدات علیه کشتیرانی بین‌المللی و حملات سایبری هم می‌شود.

#### روحانی و ظریف به پمپئو پاسخ دادند

حسن روحانی گفت: «امروز باید بیشتر به هم کمک کنیم. امروز حکومتی در آمریکا سر کار آمده که ۱۵ سال به عقب برگشتند. آنها یک مرتبه برگشتند به دوران بوش پسر و حرف‌های سال ۲۰۰۳ را تکرار

شهروندان متحدان و شرکای ما که در ایران زندانی، مفقود یا در بازداشت هستند را آزاد کند.

۶- ایران باید به حمایت از گروه‌های تروریستی خاورمیانه از جمله حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین پایان بدهد.

۷- ایران به حاکمیت عراق احترام بگذارد و به دولت این کشور اجازه خلع سلاح و غیرنظامی شدن شبه‌نظامیان شیعه و ادغام شدن آنها در نیروهای امنیتی عراق را بدهد.

۸- ایران همچنین باید به حمایت نظامی خود از شبه‌نظامیان حوثی پایان دهد و در راستای یک راه‌حل صلح‌آمیز در یمن گام بردارد.

۹- ایران باید همه نیروهای تحت فرماندهی خود را از تمام سوریه خارج کند.

۱۰- ایران باید به حمایت از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در افغانستان و منطقه پایان داده

صورتی که «ایران آماده تغییرات اساسی باشد». وی مدعی شد که آمریکا آماده «یک توافق نو» با ایران به جای برجام است اما توافق جدید، «هدف» واشنگتن نیست بلکه به ادعای او، هدف دولت آمریکا حفاظت از مردم آمریکا است. پمپئو با این ادعا که دولت کنونی آمریکا، اشتباهات دولت قبلی آمریکا را تکرار نخواهد کرد، گفت که «ما درباره خود برجام دیگر مذاکره نخواهیم کرد». وی مدعی شد که موضوع هسته‌ای ایران را نمی‌توان جدا از دیگر موضوعات امنیتی منطقه در نظر گرفت.

#### بندهای توافقی خیالی آمریکا با ایران

توافق جدید مورد نظر آمریکا با ایران که پمپئو آن را اعلام کرد شامل درخواست‌ها و بندهای زیر است:

۱- ایران باید به آژانس گزارش کاملی از ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ارائه کند و از این اقدامات دست بکشد و به شکلی که قابل راستی‌آزمایی باشد برای همیشه برنامه نظامی هسته‌ای خود را کنار بگذارد.

۲- ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و هرگز به دنبال بازفرآوری پلوتونیوم نرود و تاسیسات آب سنگین خود را ببندد.

۳- ایران باید به بازسان آژانس اجازه بازدید از همه سایت‌های خود در سراسر کشور بدهد.

۴- ایران باید به برنامه موشک‌های بالستیک خود پایان دهد و پرتاب یا توسعه موشک‌های با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را متوقف کند.

۵- ایران باید همه شهروندان آمریکایی و همچنین

اظهارات اخیر مایک پمپئو نشان داد که او نیز درصدد است همان مسیر «جان بولتون» را در تقابل با نظام و ملت ایران طی کند؛ مسیری که در نهایت ثمره‌ای جز شکست و تباهی برای مقامات آمریکایی ندارد. اظهارات پمپئو درباره «فشار مالی بی‌سابقه» و «قوی‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ» در کنار اظهارات و خط‌و‌نشان او برای ایران، حاکی از سیاست جدی دولت آمریکا برای براندازی در ایران است

می کنند. «افزود: «دنیا امروز نمی پذیرد آمریکا برای جهان تصمیم بگیرد. کشورها استقلال دارند البته با فشار کار خود را می کنند اما دنیا این منطق را نمی پذیرد. آقایی که تادریوز در مرکز جاسوسی بوده الان به عنوان وزیر خارجه آمریکا معرفی شده و می خواهد تعیین تکلیف کند؛ شما چه کاره هستی درباره ایران و جهان تصمیم بگیری؟ زمان این حرف ها گذشت. مردم ما صدها بار این حرف ها را شنیدند و بی اعتنائی کردند». محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان نیز شامگاه دوشنبه ۳۱ اردیبهشت و ساعتی پس از سخنرانی تند و ضد ایرانی وزیر امور خارجه آمریکا در اندیشکده موسوم به هریتیج به آن واکنش نشان داد. ظریف در تویتر خود نوشت:

«دیپلماسی قلابی آمریکا چیزی جز تنزل به عادات قدیمی نیست؛ این دیپلماسی که در حصار توهما و سیاست های شکست خورده قرار دارد و گروه های فاسد دارای منافع خاص آن را دیکته می کنند، انتخاب های نادرست یکسانی را تکرار می کند و در نتیجه، همان محصولات ناخوشایند پیشین را درو خواهد کرد. ایران، در عین حال، در حال همکاری با شرکا برای راهکارهای برجامی در دوران پس از آمریکا است.»

#### واکنش «نفیو» به اظهارات پمپئو

ریچارد نفیو، پژوهشگر بلندپایه آمریکایی دوشنبه در تویتر خود نوشت: «درخواست های ۱۲ گانه مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، اهداف توافق (با تهران) به شمار نمی روند، بلکه شرایط دولت واشنگتن برای تسلیم شدن ایران هستند.» نفیو که عضو هیات آمریکا در مذاکرات برجام با ایران بوده است، افزود: «کشورهای همپیمان واشنگتن و دیگر شریکان پیشین مذاکرات، به درخواست های مطرح شده پمپئو به صورت شرایط مذاکره نگاه نمی کنند.»

وی ادامه داد: «پمپئو در سخنرانی خود درباره سیاست های جدید واشنگتن علیه ایران که در بنیاد هریتیج در واشنگتن اعلام کرد، کار دشوار جذب شریکان و متحدان آمریکا را به از سرگیری تحریم های علیه ایران به امری غیرممکن تبدیل کرده است.» پمپئو در این سخنرانی، خواستار محدود شدن نفوذ منطقه ای و متوقف شدن برنامه دفاعی موشکی ایران و حمایت ادعایی تهران از تروریسم شده است.

#### از واکنش سریع روسیه تا انفعال تروئیکای اروپایی

وزارت خارجه روسیه سریعاً به اظهارات «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا در اندیشکده محافظه کار

«هریتیج» واکنش نشان داد. وزارت خارجه روسیه گفته که تلاش های آمریکا برای تغییر سیاست های داخلی و منطقه ای ایران ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

با این حال، تروئیکای اروپایی مواضع شفافیتی در قبال اظهارات پمپئو اتخاذ نکردند. صرفاً فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نکاتی را در خصوص اظهارات پمپئو مطرح کرد. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از اظهارات خصمانه و توهین آمیز وزیر امور خارجه آمریکا علیه کشورمان با انتشار بیانیه ای به ادعاهای وی واکنش نشان داد.

موگرینی در این بیانیه آورده است: «ما به سخنرانی مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا به دقت گوش دادیم که نه تنها در ایران مورد توجه بود بلکه از سوی تمام کسانی که از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) حمایت می کنند شنیده شد.

توافق هسته ای با ایران و ادامه پشتیبانی از آن دستاوردهای بزرگ دیپلماسی بین المللی است که تضمین می کند ظرفیت های هسته ای ایران کماکان صرفاً برای اهداف صلح آمیز خواهد بود. آژانس بین المللی انرژی اتمی تاکنون ۱۰ بار تأیید کرده است که ایران به طور کامل به اجرای تمامی تعهدات مرتبط هسته ای اش پایبند بوده و همچنان به آن عمل می کند. آژانس علاوه بر این تأکید کرده است که تمامی دسترسی های مورد درخواستش برای انجام این مأموریت در ایران فراهم بوده است.»

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنین تصریح کرد: «برجام نتیجه بیش از یک دهه مذاکرات پیچیده و سخت بر مبنای رویکرد دوگانه و بنابراین بهترین نتیجه ممکن است. اتحادیه اروپا به ادامه اجرای موثر و کامل برجام تا زمانی که ایران نیز به تمامی تعهدات مرتبط هسته ای اش پایبند باشد، متعهد است و خواهد بود. این توافق متعلق به جامعه بین الملل بوده که در شورای امنیت سازمان ملل نیز به تصویب رسیده است. جامعه بین الملل از تمامی طرف ها انتظار دارد تا به تمامی تعهداتی که دو سال پیش ملزم به انجام آن شده اند پایبند باشند. عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران بخش های ضروری از این توافق هستند که باید توسط جامعه بین الملل اجرا شود.»

#### رمزگشایی از برخورد منفعلانه تروئیکای اروپایی با اظهارات پمپئو

بر خلاف آنچه در ظاهر تصور می شود، ایالات متحده آمریکا کماکان مشغول هدایت و مدیریت فضای پس از خروج کاخ سفید از توافق هسته ای است. به

عبارت بهتر، نه تنها واشنگتن از معادلات برجام حذف نشده است، بلکه در حال ادامه بازی خود، آن هم در قالب نوعی «دیپلماسی پنهان» و پیچیده است. اخیراً کاخ سفید رسماً اعلام کرد که میان مایک پمپئو و وزرای امور خارجه سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه رایزنی هایی بر سر «انقذ توافق جدید» با ایران صورت گرفته است. کاخ سفید صراحتاً از تروئیکای اروپایی خواسته تا به جای «ارائه تضمین های اقتصادی به ایران» و «تلاش برای حفظ سند فعلی توافق هسته ای»، زمینه را برای چپش «میز جدید مذاکره با ایران» فراهم کند. این خواسته پمپئو، با استقبال آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه روبه رو شده است. مقامات ارشد آلمانی و فرانسوی که مخالف رشد امیال ضد آمریکایی در اروپا و ایجاد شکاف در دو سوی آتلانتیک هستند، درصدد فرموله کردن خواسته های برجامی جدید آمریکا و شکل دهی مذاکرات جدید با کشورمان هستند. تأکیدات اخیر و ظاهری مقدمه ماکرون و مرکل بر سر «بسط توافق هسته ای با ایران» به موضوعات موشکی و منطقه ای در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل است. تروئیکای اروپایی بار دیگر به واشنگتن تعهد داده اند تا ضمن گذار از «نسخه فعلی توافق هسته ای»، زمینه را جهت شکل دهی توافقی به شدت محدودکننده و بازدارنده علیه ایران مهیا سازند. این تعهدی بود که تروئیکای اروپایی از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی به ترامپ دادند و هنوز (به رغم خروج آمریکا از برجام) بر آن باقی هستند.

#### بازی ماکرون و مرکل در زمین آمریکا

امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه پس از پایان جلسه روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت (و قبل از سخنرانی پمپئو) با همتایان آلمانی و انگلیسی خود، سخنان قابل تاملی را در تقابل با جمهوری اسلامی ایران و برجام مطرح کرد. سخنانی که از سوی بسیاری از رسانه های غربی بازتاب پیدا کرد:

«تلاش می کنیم همه طرف ها به سمت برقراری مذاکراتی برای انقذ یک توافق گسترده تر حرکت کنند که این امری اجتناب ناپذیر است. اولویت ما در دفاع از برجام تضمین صلح و ثبات در منطقه است. درباره ایران، اروپا از آغاز متحد بوده است. ما تنها یک اراده داشته ایم که شامل برقراری صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه است. من از این موضع در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر گذشته دفاع کردم. توافق هسته ای ۲۰۱۵ یک عنصر بسیار مهم برای ایجاد توازن است و به همین دلیل ما از آن حمایت می کنیم. ما به برجام جدای از تصمیم آمریکا ادامه می دهیم. به طور عینی این کار را از طریق تعهد سیاسی مان و تلاش برای ایجاد شرایط مناسب برای باقی ماندن شرکت هایمان در ایران انجام می دهیم.»

واقعیت امر این است که حدود ۴۸ ساعت پس از اعلام رسمی خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته ای، مذاکرات پشت پرده ای میان سران کاخ سفید و مقامات اروپایی (خصوصاً سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه) آغاز شده است. «مایک پمپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا در این خصوص اعلام کرد که کاخ سفید مشغول رایزنی با سران کشورهای اروپایی بر سر نوشت نهایی برجام (پس از خروج آمریکا) است. دیگر منابع خبری و رسانه ای در آمریکا نیز اعلام کرده اند که مذاکرات مقامات آمریکایی و اروپایی طی روزهای اخیر بر سر برجام همچنان ادامه داشته است. شاید به نظر برسد که اصلی ترین دغدغه اروپاییان در این



رایزنی های کاخ سفید و کاخ الیزه بر سر توافق هسته ای با ایران، علی رغم اعلام خروج رسمی ترامپ از برجام ادامه دارد

حدود ۴۸ ساعت پس از اعلام رسمی خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای، مذاکرات پشت پرده‌ای میان سران کاخ سفید و مقامات اروپایی (خصوصاً سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه) آغاز شده است. «مایک پمپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا در این خصوص اعلام کرد که کاخ سفید مشغول رایزنی با سران کشورهای اروپایی بر سر سرنوشت نهایی برجام (پس از خروج آمریکا) است.

قرقاش همچنین مدعی شد که استراتژی پمپئو خواهان عقلانیت و تغییر رفتار ایران است.

### واشنگتن پست سخنان پمپئو را احقانه خواند

روزنامه واشنگتن پست نوشت: «مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا روز دوشنبه از نخستین سخنرانی خود در این سمت، برای فرستادن پیام «یا چیزی که ما می‌خواهیم را بخواهید یا هیچ» به مردم ایران و رهبران این کشور، استفاده کرد.»

در مطلبی که پس از سخنرانی وزیر امور خارجه آمریکا و در تارنمای روزنامه آمریکایی واشنگتن پست منتشر شد، آمده است: «پمپئو که در اندیشه‌ی محافظه‌کار «بنیاد هریتیج» در واشنگتن سخنرانی می‌کرد، از ایران خواست برنامه موشکی خود را متوقف کند، به حضور خود در کشورهای منطقه پایان دهد، غنی‌سازی اورانیوم را کاملاً متوقف کند و آمریکایی‌های بازداشتی را آزاد کند. تمام اینها به خاطر آنکه «ما اینطور می‌گوییم» باید محقق شوند: انتظاری که کاملاً با واقعیت در تعارض است.

پمپئو در اظهارات خود ۱۲ شرط برای ایران تعیین و اعلام کرد که اگر ایران از این شروط تبعیت کند، می‌تواند به پیوستن به آنچه وی «اتحادیه ملل» نامید، امیدوار باشد. اما اگر از پایبندی از آنها خودداری کند، با شدیدترین تحریم‌های اقتصادی در طول تاریخ، روبه‌رو خواهد شد. روشن نیست که دولت ترامپ چگونه می‌خواهد بدون حمایت متحدان کلیدی آمریکا در اتحادیه اروپا که همگی به باقی ماندن در توافق هسته‌ای و افزایش روابط اقتصادی خود با ایران متعهد شده‌اند، چنین چیزی را عملی کند. سخنرانی پمپئو در قبال ایران احقانه بود.»

### انتقاد اردوغان از اظهارات پمپئو

رئیس‌جمهور ترکیه با انتقاد از خروج آمریکا از برجام گفت: «آنکارا تجدید مسائلی از جمله توافق هسته‌ای با ایران را که حل شده بود، نمی‌پذیرد.» رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در یک ضیافت شام به مناسبت ماه مبارک رمضان از کشورهایی که دارای تسلیحات هسته‌ای هستند، انتقاد کرد و گفت که این کشورها جهان را تهدید می‌کنند. وی با انتقاد از تصمیم آمریکا برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران گفت: «آنهایی که بیش از ۱۵ هزار کلاهک هسته‌ای دارند، هم‌اکنون جهان را تهدید می‌کنند.» اردوغان در سخنان خود به مجموع کلاهک‌های هسته‌ای در جهان اشاره دارد که اغلب آن در اختیار آمریکا و روسیه قرار دارند.

به گزارش رویترز، رئیس‌جمهور ترکیه در ادامه سخنان خود آشکارا با اشاره به ایران افزود: «چرا کشورهایی که کلاهک هسته‌ای دارند تهدیدی علیه آنها ایجاد می‌کنند. اگر ما بخواهیم عادل باشیم و رویکردی منصفانه نشان دهیم، پس کشورهای دارای کلاهک هسته‌ای که کشورهای دارای قدرت هسته‌ای را تهدید جلوه می‌دهند، هیچ اعتباری در جامعه بین‌الملل ندارند.»

مذاکرات، متقاعد ساختن ایالات متحده آمریکا برای اعمال معافیت‌های تحریمی در خصوص شرکت‌های اروپایی است اما این تصور اشتباه است.

اظهارات ماکرون به خوبی نشان می‌دهد که دغدغه «بسط توافق هسته‌ای» یا همان «تغییر برجام» در میان سران اروپایی به شدت پررنگ است. در این معادله، بار دیگر «امانوئل ماکرون» نقش پیشگام را ایفا کرده است. نباید فراموش کرد که ماکرون در تیر سال گذشته و برای نخستین بار اعلام کرد که می‌توان بر سر موضوعاتی مانند تحدید و کنترل توان موشکی ایران و ادامه محدودیت‌های هسته‌ای کشورمان (پس از سال ۲۰۲۵ میلادی) مذاکراتی را با ایران صورت داد. ماکرون به ترامپ و نتانیاهو قول داد تا با گنجاندن همه شروط و درخواست‌های پیشنهادی ترامپ در برجام، توافق هسته‌ای را به توافقی تبدیل کند که به صورت مطلق، مطلوب واشنگتن و تل آویو است. باید اقرار کرد که ماکرون نهایت تلاش خود را در این خصوص صورت داد. او حتی انگلایمرکل، صدراعظم آلمان را نیز وادار کرد تا در این مسیر با پاریس و لندن همراهی کند. اما نتیجه بازی ماکرون در زمین ترامپ، چیزی نبود که رئیس‌جمهور جوان و بی‌تجربه فرانسه انتظار آن را داشت.

انگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز مذاکره بر سر توافقی جدید و گسترده‌تر با ایران (بر سر مسائل موشکی و منطقه‌ای) غیر قابل اجتناب دانسته است.

### کی‌برداری پمپئو از جان بولتون

اظهارات اخیر مایک پمپئو نشان داد که او نیز درصدد است همان مسیر «جان بولتون» را در تقابل با نظام و ملت ایران طی کند؛ مسیری که در نهایت ثمره‌ای جز شکست و تباهی برای مقامات آمریکایی ندارد. اظهارات پمپئو درباره «فشار مالی بی‌سابقه» و «قوی‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ» در کنار اظهارات و خطو نشان او برای ایران، حاکی از سیاست جدی دولت آمریکا برای براندازی در ایران است؛ هر چند او به طور مستقیم از واژه «تغییر رژیم» در سخنرانی خود استفاده نکرد، اما مجموع اظهارات او جمع‌بندی و نتیجه‌ای جز این را پیش‌رو نمی‌گذارد.

رئیس‌دستگاه دیپلماسی آمریکا در لایه‌لای سخنان خود به حمایت اروپایی‌ها برای فشار به ایران به منظور رسیدن به توافق جدید اشاره کرد. حال اینکه شرایط ۱۲ گانه‌ای که او مطرح کرد، نظیر غنی‌سازی صفر درصدی، از جمله مواردی هستند که بیشتر شبیه رویاپردازی و موارد غیرقابل تحقق هستند. حتی متحدان اروپایی آمریکا نیز به این نکته واقف هستند که توافقی با چنین شرایطی ممکن نیست. از طرفی دیگر، آمریکا با نادیده گرفتن نقطه نظرات متحدان اروپایی خود از توافقی که مورد حمایت اروپا و عمده کشورهای جهان بود، خارج شد.

مشخص نیست که با این وضعیت، آمریکا به جای حمایت با مانعان متحدان اروپایی خود مواجه شود. از طرفی دیگر، شرط و شروط تند و خشن از جنس سخنان پمپئو نه تنها ممکن است اروپایی‌ها را با دولت آمریکا برای فشار بیشتر نزدیک و متحد نکند، بلکه این قابلیت را دارد که از میزان اجماع ضد ایرانی در مجامع بین‌المللی بکاهد. به عبارتی سخنان پمپئو محدودیت‌ها و معذوریت‌های قدرت آمریکا در عرصه جهانی و اینکه نظام بین‌المللی چگونه کار می‌کند، را نادیده می‌گیرد. شاید عصاره سخنان وزیر خارجه آمریکا این باشد که آمریکا به دنبال این است که با فشار حداکثری، امتیازات حداکثری از تهران دریافت کند و چه بسا گام

را فراتر نهاده و به دنبال تغییر سیستم و براندازی در ایران باشد.

در نهایت اینکه راهبردهای «اعمال فشار»، «اعمال تهدید» و... که مصادیق آن را در سخنرانی مایک پمپئو شاهد بودیم، بارها از سوی ایالات متحده آمریکا و علیه کشورمان اعمال شده است. بدیهی است که این بار نیز جمهوری اسلامی ایران درس بسیار سخت و فراموش‌نشدنی و جبران‌ناپذیری را به دولت فعلی ایالات متحده آمریکا خواهد داد. بدیهی است که به زودی نام ترامپ نیز در کنار نام‌های کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر و اوباما و در زمره سیاستمداران ناکام آمریکایی در مقابل ایران قرار خواهد گرفت.

### ذوق زدگی تل آویو و امارات از اظهارات پمپئو

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در اظهاراتی حاکی از ذوق زدگی او از اعلام راهبرد به اصطلاح جدید ضد ایرانی آمریکا، از دیگر کشورها خواست که از واشنگتن تبعیت کنند. بنیامین نتانیاهو که با عدم استقبال بین‌المللی از اقدام غیرقانونی آمریکا برای انتقال سفارتش به قدس روبه‌رو شده، از راهبرد جدید ضد ایرانی واشنگتن ابراز خرسندی کرد.

نتانیاهو با استقبال از سخنان مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا از جمله توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران، تحریم‌های بی‌سابقه علیه تهران و همچنین خروج نیروهای ایرانی از سوریه گفت: «از دیگر کشورها می‌خواهیم که از آمریکا پیروی کنند.» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به نمایش مضحکی که ماه گذشته اجرا کرد و مدعی ارائه اسنادی تازه از فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد، اشاره کرد و ادامه داد: «اگر تهران می‌خواست برنامه هسته‌ای صلح آمیزی دنبال کند، بایگانی هسته‌ای خود را پنهان نمی‌کرد.»

همچنین انور قرقاش وزیر امور خارجه امارات متحده عربی گفت که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا رویکرد درستی در قبال ایران اتخاذ کرده است. وی با انتشار پیامی در صفحه توئیتر خود نوشت: «متحد کردن تلاش‌ها مسیر درست در قبال ایران است تا بیهودگی تهجمات و توسعه طلبی‌های خود را دریابد.»

راهبردهای «اعمال فشار»، «اعمال تهدید» و... که مصادیق آن را در سخنرانی مایک پمپئو شاهد بودیم، بارها از سوی ایالات متحده آمریکا و علیه کشورمان اعمال شده است. بدیهی است که این بار نیز جمهوری اسلامی ایران درس بسیار سخت و فراموش‌نشدنی و جبران‌ناپذیری را به دولت فعلی ایالات متحده آمریکا خواهد داد



از «تضمین‌های قطعی» تا «تعهدات کلی»

## بازی وزرای اروپایی در زمین پمپئو

سعید سپیحانی

روزنامه‌نگار

حال چپش، پازل مشترکی با یکدیگر هستند که تصویر نهایی آن، منفعتی برای کشورمان ندارد. هم‌اکنون ایران در یک سوی معادله‌ای قرار دارد که واشنگتن و تروئیکای اروپایی در سوی دیگر آن هستند. در این میان، تفکیک بازی آمریکا و اروپا بزرگ‌ترین خطای راهبردی در حوزه سیاست خارجی کشورمان محسوب می‌شود. وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است که واشنگتن به‌رغم خروج از برجام خواستار ادامه همکاری با اروپایی‌ها پیرامون توافق جدید درباره ایران است. به عبارت بهتر، مقامات اروپایی در عین اینکه سخن از ایستادگی در مقابل عواقب و تبعات اقدامات برجامی واشنگتن سخن به میان می‌آورند، در حال ریزینی با کاخ سفید برای شکل‌دهی مذاکرات هسته‌ای جدید با ایران هستند. هدف از این مذاکرات کاملاً مشخص است. همان‌گونه که از اظهارات اخیر پمپئو برمی‌آید، حداقلی‌ترین موضوعاتی که آمریکا و تروئیکای اروپایی قصد تحمیل آن به ایران را دارند، عبارت از تحدید توان موشکی ایران و دانمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای کشورمان است، بنابراین، اعراق در محاسبه و واقعیات موجود و القای جدایی اروپا از آمریکا (پس از خروج ترامپ از برجام)، مواردی هستند که به تعلق واقع‌بینانه ما نسبت به آنچه در فضای سیاست خارجی کشورمان می‌گذرد آسیب می‌زند. بدون شک، در چنین فضایی، اتحادیه اروپا تنها قدرت ارائه تضمین‌های لازم به ایران برای حفظ توافق هسته‌ای را ندارد، بلکه اراده‌ای نیز در این خصوص ندارد. مقامات اتحادیه اروپا اذعان کرده‌اند که حفظ برجام بدون ایالات متحده آمریکا و وجود وضع دوباره تحریم‌های ثانویه وزارت خزانه‌داری این کشور علیه ایران، وجود نخواهد داشت. در این میان، دولت‌های اروپایی نیز دارای قوت زیادی برای اعطای «تضمین‌های اقتصادی و اعتباری قطعی» به کشورمان نیستند. نباید فراموش کرد که در اقتصاد اروپا، بخش خصوصی بر بخش دولتی غلبه دارد. همین مساله، قدرت مانور دولت‌های اروپایی در قبال شرکت‌های غربی را سخت‌تر ساخته است. مروری کوتاه بر اظهارات آنگلا مرکل، صدراعظم سرزمین ژرمن‌ها، خود گواهی بر این حقیقت است: «ما می‌توانیم از شرکت‌های کوچک و متوسط برای تجارت با ایران حمایت کنیم. ما نمی‌توانیم ضرر کل اقتصاد را جبران کنیم. نباید در این مورد توهم ایجاد کرد.» نکته جالب توجه این‌که در کنار این اظهارات، مرکل و ماکرون و دیگر سیاستمداران اروپایی بر لزوم «تکمیل توافق هسته‌ای» و بسط آن تأکید می‌کنند.

رویکردی متناقض، پارادوکسیکال و چندانگانه، ایران را نسبت به پذیرش توافق جدید با ایالات متحده ترغیب نمایند. همان‌گونه که تأکید و اشاره شد، مایک پمپئو از همان لحظه خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای، مشغول ریزینی‌های فشرده با وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی در خصوص نحوه و چگونگی مواجهه با فضای فعلی شکل گرفته در نظام بین‌الملل است. وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه این کشور در روزهای اخیر در مورد ایران با همتایان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی خود صحبت کرده است. در قسمتی از این بیانیه آمده است: «آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه منافع مشترک قوی دارند. وزیر امور خارجه بر کارهای خوبی که طی ماه‌های گذشته برای مقابله با تهدیدهای مشترک داشته‌ایم، تأکید کرد و گفت که او امیدوار است به همکاری‌های مستحکم خود ادامه داده و به جلو حرکت کنیم.» گفتار و رفتار مقامات اروپایی طی روزهای اخیر نشان می‌دهد که آنها تحت تأثیر اظهارات و خواسته‌های مقامات آمریکایی در خصوص برجام قرار گرفته‌اند. به عبارت بهتر، اروپای واحد بار دیگر به بازی در زمین ایالات متحده آمریکا تن داده است. خروجی مذاکرات آمریکا و تروئیکای اروپایی، تأکید مشترک اخیر آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در خصوص تکمیل توافق هسته‌ای با گنجانیدن موضوعات موشکی و منطقه‌ای مربوط به ایران است. اصرار اخیر مقامات اروپایی در خصوص «تغییر برجام» در همین راستا قابل ارزیابی است. مقامات اروپایی خود نیز به خوبی می‌دانند که به واسطه خروج یوگانه‌ای ایالات متحده آمریکا از برجام، قاعده‌تأمین موضوع «اعمال تغییر در توافق هسته‌ای» نیز منتفی است اما مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا به همراه وزرای خارجه کشورهای اروپایی در حال هدایت نقشه مشترکی در این خصوص هستند. این بار نیز مقامات آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان (مانند یک سال قبل) در

مذاکرات ایران و تروئیکای اروپایی همچنان به صورت فشرده ادامه دارد. اگرچه اتحادیه اروپا بر تعهد خود مبنی بر «حفظ برجام» تأکید کرده است اما اقدام و تضمینی عملی در این راستا صورت نداده است. مقامات اروپایی همچنان از «حفظ برجام» سخن به میان می‌آورند. آنها اظهار کرده‌اند که نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از ابطال برجام از طریق تشویق شرکت‌های اروپایی برای مرادده اقتصادی با ایران صورت می‌دهند. از سوی دیگر، ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا تأکید کرده که مقامات اروپایی در صدد به جریان‌انداختن قانون «مسدودسازی» در راستای دفاع از فعالیت شرکت‌های اروپایی در ایران هستند. این قانون در سال ۱۹۹۶ و در مقابل تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا (دولت بیل کلینتون) علیه کوبا وضع شده بود. با این حال برخی کارشناسان معتقدند که با وجود «تغییر ساختار اقتصاد جهانی» نسبت به سال ۱۹۹۶ میلادی و افزایش قدرت مانور اقتصادی آمریکا در برابر شرکت‌های اروپایی، این فرمول نیز در عمل پاسخگو نیست. با این حال مساله به این نقطه ختم نمی‌شود. تروئیکای اروپایی به صورت همزمان و در حالی که با مقامات وزارت امور خارجه کشورمان در راستای آنچه «حفظ برجام» می‌خوانند در حال ریزینی و مذاکره هستند، مشغول مذاکره با «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا و دیگر دیپلمات‌های این کشور هستند. پمپئو اخیراً شروط ۱۲ گانه‌ای را در خصوص انعقاد توافق جدید با ایران اعلام کرده که از جمله آنها می‌توان به بازرسی از امکان نظامی ایران، توقف توان موشکی ایران و آزادی زندانیان آمریکایی اشاره کرد. شروطنی که برآورده ساختن آنها اساساً ناممکن است.

با این حال تروئیکای اروپایی سعی دارند با اتخاذ



معادلات مربوط به توافق هسته‌ای تا حدود زیادی پیچیده شده است. بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل با استناد به تأثیر پذیری مستقیم شرکت‌های اروپایی از ایالات متحده و دستورات و تصمیمات وزارت خزانه‌داری آمریکا، پیش‌بینی کرده‌اند که مقامات اروپایی عملاً نمی‌توانند تضمین‌هایی علنی را برای ادامه برجام ارائه دهند. برخی دیگر نیز معتقدند که «برجام» حکم‌تغییری مستقل را در سیاست‌ها و رفتارهای اتحادیه اروپا ندارد و هر آن، ممکن است تروئیکای اروپایی و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر سر این موضوع تغییر رویه یا معاملاتی دیگر صورت دهند. سوال اصلی اینجاست که آیا اروپا در عمل می‌تواند اقدامی در راستای حفظ توافق هسته‌ای، آن هم بدون دخالت آمریکا صورت دهد؟ در این خصوص گفت‌وگویی با دکتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، استاد دانشگاه و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده‌ایم که از نظرات آن می‌گذرد.

**اتحادیه اروپا و خصوصاً تروئیکای اروپایی در عمل گامی برای بی‌اثر کردن تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه کشورمان برداشته است؟**

واقعیت امر این است که ایالات متحده آمریکا روی صنایع مهم در دنیا، از جمله صنعت هواپیماسازی سرمایه‌گذاری هنگفتی صورت داده است. هم‌اکنون واشنگتن از این سرمایه‌گذاری کلان، به عنوان ابزار و اهرم فشاری برای اعمال قدرت بر این شرکت‌ها و دیگر کشورها استفاده می‌کند. در این میان، شرکت‌های ایرباس و بوئینگ نیز عملاً و علناً اعلام کرده‌اند که تابع تصمیمی ایالات متحده آمریکا در قبال برجام هستند.

از این رو باتوجه به نوع قراردادهای بین‌المللی، جبران خسارت ایران از لغو قراردادهایی که با این دو شرکت بسته شده است، باید از سوی کشورمان و وزارت راه و شهرسازی پیگیری شود. این نخستین آزمون شرکت‌های اروپایی در مقابل ایالات متحده آمریکا (در دوران پس از خروج واشنگتن از برجام) بود. کشورمان باتوجه به درخواست‌های مکرر اروپایی‌ها بعد از خروج آمریکا از برجام موضع منطقی اتخاذ کرده و از طرف اروپایی خواسته تا در عمل، مقابل ایالات متحده آمریکا و وضع تحریم‌ها علیه کشورمان ایستادگی کند. با این حال رفتار شرکت‌های ایرباس و بوئینگ نشان از عدم ایستادگی اروپایی‌ها در مقابل آمریکا دارد. آنچه مسلم است اینکه ایالات متحده آمریکا باید برای لغو قرارداد ایرباس و بوئینگ خسارت پرداخت کند اما فراتر از این موضوع، لغو این قرارداد زمینه‌ناامیدی جمهوری اسلامی نسبت به مواضع اروپایی را در پی خواهد داشت.

## مردودی اروپا

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با مثلث

ایران و اعضای ۵+۱ در همین راستا قابل تفسیر و تحلیل است.

رویکرد دولت ترامپ در ماه‌های منتهی به تصمیم نهایی وی در خصوص خروج از توافق هسته‌ای با ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا تروئیکای اروپایی در این بازه زمانی، عملکرد مناسب و مطلوبی در راستای جلوگیری از اعمال تصمیمی سلبی ترامپ در قبال برجام داشتند؟

واقعیت امر این است که ترامپ از ابتدا برجام را قبول نداشت و سند توافق هسته‌ای با ایران را به ابزاری برای تفهیم اتهام علیه کشورمان تبدیل کرده بود. او به گونه‌ای رفتار می‌کرد که گویا کشورمان باید پاسخگوی موضوعاتی دیگر مانند مساله موشکی خود باشد. نوع عملکرد کشورهای اروپایی را نیز باید در چنین فضایی مورد تحلیل قرار داد. کشورهای اروپایی به جای عمل به وظایف خود در برجام و بازخواست ایالات متحده آمریکا به دلیل توجه نکردن به تعهداتش وفق توافق هسته‌ای صورت گرفته با ایران، در حال فشار آوردن به ایران (برای پذیرش توافق ثانویه و الحاقی و قبول محدودیت‌های بیشتر در برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای) بودند. در هر حال، خروج ایالات متحده آمریکا عملاً باعث شکست توافقنامه مذکور (برجام) شده است. این در حالی است که کشورهای اروپایی در حال حاضر سعی دارند توافق هسته‌ای را به عنوان یک دستاورد سیاسی حفظ کنند. به‌طور کلی، برجام دارای نقاط قوت و ضعف متفاوتی است. پاشنه آشیل این توافق، بندهای ۱۱ تا ۱۳ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است که بر اساس آن، اگر ایالات متحده از توافق هسته‌ای به صورت یکطرفه خارج شود، کمیت این توافقنامه لنگ خواهد زد.

سایر طرف‌های دخیل در برجام (دیگر اعضای ۵+۱) در این معادله بیشتر نقش میانجی را ایفا کرده و راهبرد مستقلی از خود نداشته‌اند. این قاعده در خصوص تروئیکای اروپایی نیز صادق است.

**نحوه واکنش شرکت‌هایی مانند بوئینگ و ایرباس را در قبال وضع دوباره تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا**

«برجام منتهای آمریکا» واژه و عبارتی است که این روزها زیاد در عرصه‌های سیاسی و تحلیلی شاهد شنیدن آن هستیم. آیا اساساً به نظر شما پس از خروج رسمی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا فرصتی برای حفظ برجام و تحقق برجام منتهای آمریکا باقی مانده است؟

واقعیت امر این است که توافق هسته‌ای بدون حضور ایالات متحده آمریکا، دیگر اساساً «برجام» نیست زیرا کشورهای اروپایی در موضوعات مختلفی از جمله مساله هسته‌ای ایران استقلال رای و نظر نداشته و در طول سال‌های قبل نیز عملاً تابع واشنگتن بوده‌اند. همگان به یاد دارند که برای نخستین بار مذاکرات بر سر پرونده هسته‌ای ایران، با حضور ایران و تروئیکای اروپایی آغاز شد و در این مذاکرات، وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی، یعنی آلمان، فرانسه و انگلیس نقش پررنگی ایفا می‌کردند.

با این حال در آن مذاکرات نیز کشورهای اروپایی هرگونه موضع‌گیری و تصمیمی در مواضع خود را با ایالات متحده و دولت این کشور هماهنگ می‌کردند. یکی از اصلی‌ترین دلایل شکست مذاکرات آقای روحانی (که آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بودند) با طرف اروپایی نیز همین بود. مشکل این بود که اساساً ایالات متحده آمریکا تعهدات مشخص شده در مذاکرات را نمی‌پذیرفت. در دور بعدی مذاکرات، ایالات متحده آمریکا به صورتی جدی وارد معادله شد و روسیه و چین نیز مواضع خود را در خصوص پرونده‌ای هسته‌ای کشورمان به صورتی شفاف‌تر بیان می‌کردند. شکل‌گیری مذاکرات

به نظر می‌رسد خانم موگرتینی و

هم‌قاره‌ای‌هایش توان دفاع از برجام را ندارند



## ژئوپلیتیک آشوب

خاورمیانه پس از داعش چه شرایطی دارد؟







# ایران نیازمند ائتلاف‌های جدید است

ابراهیم متقی در گفت‌وگو با مثلث

با توجه به تحولات منطقه‌ای در دوران پساداعش مانند انتخابات در عراق و لبنان و آغاز روند سیاسی در سوریه، به نظر شما برنامه میان‌مدت و بلندمدت آمریکا برای منطقه چیست؟

دوناالد ترامپ از سازوکارهای مربوط به سیاست قدرت برای تحقق اهداف خود در ارتباط با ایران و منطقه بهره گرفته است. سیاست قدرت به‌عنوان انگاره‌ای محسوب می‌شود که دوناالد ترامپ و بسیاری دیگر از کارگزاران راهبردی کاخ سفید، آن را به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در برخورد با ایران و منطقه قرار داده‌اند. در شرایط موجود برخی از تهدیدات منطقه‌ای همانند تروریسم بنیادگرا کارکرد خود را از دست داده و شکل جدیدی از موازنه منطقه‌ای به‌وجود آمده است.

در دوران جدید آمریکا تلاش دارد تا موقعیت خود را در عراق، سوریه، یمن، لبنان و حوزه خلیج فارس تثبیت کند. انتخابات عراق و لبنان نشان داد که گروه‌های اجتماعی کشورهای منطقه دارای سیاست‌های انتقادی نسبت به آمریکا و اسرائیل هستند. کشورهای محافظه‌کار جهان عرب نیز بعد از انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس غربی دچار ابهام راهبردی شده‌اند. در سال‌های گذشته بسیاری از کشورهای عرب روابط دیپلماتیک و امنیتی خود با اسرائیل را ارتقا داده‌اند. چنین سطحی از روابط تأثیری بر سیاست‌های تهاجمی آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه عربی به‌جا نگذاشته است.

خروج دوناالد ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک به‌موازات ارائه «نقشه راه ایران» توسط مایکل پمپئو، وزیر امور خارجه جدید آمریکا نشان می‌دهد که الگوهای کنش تهاجمی ایالات متحده به‌گونه قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. سیاست آمریکا در برخورد با ایران و کشورهای منطقه ماهیت خوشه‌ای پیدا کرده و این امر به‌عنوان بازی با حاصل جمع صفر محسوب می‌شود. سیاست‌های ترامپ نه‌تنها نسبت به ایران ماهیت تهاجمی دارد، بلکه بسیاری از نشانه‌های مربوط به سیاست کشورهای محافظه‌کار منطقه و حوزه خلیج فارس را نیز در فضای کنترل تهاجمی قرار می‌دهد.

نشانه‌های الگوی تهاجمی ترامپ در برخورد با ایران و منطقه خاورمیانه را می‌توان بخشی از سازوکارهای کنترل محیط راهبردی منطقه دانست. ایران منطقه‌ای، معادله قدرت آمریکا در منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. نگرش ترامپ در مورد موافقتنامه هسته‌ای با ایران مبتنی بر تصاعد فشارهای بین‌المللی برای از بین بردن انگیزه مقاومت در ساختار سیاسی و راهبردی جمهوری

اسلامی تحلیل می‌شود. ترامپ بر این موضوع واقف است که ایالات متحده در روند برجام به نتایج مطلوبی برای بی‌اثرسازی قدرت هسته‌ای ایران در آینده دور و نزدیک نائل می‌شود. خروج از برجام گام اول سیاست مقابله با ایران در محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود. الگوهای دیگری نیز در دست‌ورکار دوناالد ترامپ و مایکل پمپئو برای کنترل محیط امنیت منطقه‌ای قرار خواهد گرفت. چنین فرآیندی می‌تواند شکل جدیدی از موازنه منطقه‌ای را تعریف نماید.

ایران چگونه باید نقش خود را در منطقه بازتعریف کند؟

نقش‌یابی ایران در منطقه براساس سازوکارهای حمایت از «جبهه مقاومت» تعریف می‌شود. جبهه مقاومت در هر دوره تاریخی دارای ساختار و شکل‌بندی خاصی خواهد بود. انتخابات لبنان و عراق نشان داد که گروه‌های اجتماعی منطقه نسبت به سیاست‌های تهاجمی آمریکا و اسرائیل نگران بوده و در صدد سازماندهی دولت‌هایی هستند که بتوانند معادله قدرت و امنیت را با عدالت اقتصادی و اجتماعی پیوند دهند. نقش‌یابی ایران در محیط امنیت منطقه‌ای صرفاً ماهیت نظامی، مستشاری، امنیتی و دیپلماتیک نخواهد داشت.

ایران دارای قالب‌های گفت‌وگویی بوده که برای جامعه عرب و محیط منطقه‌ای از جذابیت لازم برخوردار است. اندیشه مقاومت را می‌توان محور اصلی مقابله با سیاست تهاجمی آمریکا و الگوهای توسعه‌طلبانه اسرائیل در منطقه دانست. در دوران بعد از داعش زمینه برای کاهش قدرت تأثیرگذار عربستان به‌وجود آمده است. هم‌اکنون بیش از سه هفته است که از محمدبن سلمان و لیعهد عربستان هیچ خبری منتشر نشده است. چنین وضعیتی بیانگر نشانه‌هایی از ابهام در آینده سیاسی کشورهای منطقه است که ائتلاف با آمریکا و عربستان را در دست‌ورکار قرار داده‌اند.

گزارش مایکل پمپئو با عنوان نقشه راه ایران که در ۲۱ می ۲۰۱۸ و در بنیاد هریتیج منتشر شد نشان می‌دهد که ایالات متحده دارای سیاست‌های کاملاً همگونی با اسرائیل برای کنترل ایران و جبهه مقاومت در محیط منطقه‌ای است. نامبرده صراحتاً به این موضوع اشاره دارد که تحریم اقتصادی ایران برای کاهش نقش نظامی و امنیتی ایران در محیط منطقه‌ای است. پمپئو در این ارتباط تلاش دارد تا جامعه ایران را در برابر نظام سیاسی قرار دهد. بهره‌گیری از چنین الگویی طبعاً مورد پذیرش جامعه ایران قرار نخواهد گرفت.

منطقه خاورمیانه وارد دوره جدیدی از تحولات شده است؛ از یک سو شاهد برگزاری انتخابات در عراق و لبنان بودیم و از دیگر سو آمریکا بعد از خروج از برجام به دنبال تحت فشار قرار دادن ایران با هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای این کشور است. خروج دوناالد ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک به‌موازات ارائه «نقشه راه ایران» توسط مایکل پمپئو، وزیر امور خارجه جدید آمریکا نشان می‌دهد که الگوهای کنش تهاجمی ایالات متحده به‌گونه قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگویی با مثلث به بررسی تحولات در منطقه در دوره پساداعش پرداخت و با اشاره به اینکه ژئوپلیتیک آشوب تمامی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ را درگیر خواهد ساخت، تأکید کرد اکنون ایران نیازمند ائتلاف‌های جدید با بازیگرانی است که در محیط منطقه‌ای از اعتبار و کارآمدی بیشتری برخوردار هستند.

علت آن است که تحریم دولت تأثیر خود را به‌گونه مستقیم بر زندگی اقتصادی و اجتماعی ایران به‌جا می‌گذارد. از سوی دیگر آمریکا هنوز به این موضوع واقف نشده که ایران نقش پرکردن خلاء امنیتی در شوراهایی را عهده‌دار شده که در وضعیت تهاجمی قرار داشته و تروریسم نماد اصلی تهدید منطقه‌ای بوده است. بنابراین فرآیند کنش منطقه‌ای ایران باید مبتنی بر نشانه‌هایی از قدرت و مقاومت باشد.

کشوری که قابلیت خود برای حمایت از پشتوانه‌های راهبردی خود را از دست بدهد طبیعی است که زمینه

خروج دوناالد ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک به‌موازات ارائه «نقشه راه ایران» توسط مایکل پمپئو، وزیر امور خارجه جدید آمریکا نشان می‌دهد که الگوهای کنش تهاجمی ایالات متحده به‌گونه قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. سیاست آمریکا در برخورد با ایران و کشورهای منطقه ماهیت خوشه‌ای پیدا کرده و این امر به‌عنوان بازی با حاصل جمع صفر محسوب می‌شود. سیاست‌های ترامپ نه‌تنها نسبت به ایران ماهیت تهاجمی دارد، بلکه بسیاری از نشانه‌های مربوط به سیاست کشورهای محافظه‌کار منطقه و حوزه خلیج فارس را نیز در فضای کنترل تهاجمی قرار می‌دهد.

در دوران جدید آمریکا تلاش دارد تا موقعیت خود را در عراق، سوریه، یمن، لبنان و حوزه خلیج فارس تثبیت کند. انتخابات عراق و لبنان نشان داد که گروه‌های اجتماعی کشورهای منطقه دارای سیاست‌های انتقادی نسبت به آمریکا و اسرائیل هستند. کشورهای محافظه کار جهان عرب نیز بعد از انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس غربی دچار ابهام راهبردی شده‌اند.

آمریکا و کشورهای اروپایی نیز نسبت به چنین وضعیتی اطلاع داشته و تلاش دارند تا موقعیت راهبردی و منحصر به فرد ایران را نادیده گیرند. واقعیت آن است که امنیت منطقه‌ای در فضای قدرت هم‌زمن هیچ بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی معنا نخواهد داشت. روسیه نیز به لحاظ ضرورت‌ها و مولفه‌های ژئوپلیتیکی نمی‌تواند نقش ایران در منطقه را نادیده انگارد.

#### آینده صف‌بندی‌های منطقه‌ای را چگونه می‌بینید؟

در تحولات سیاسی و منطقه‌ای خاورمیانه بعد از داعش همواره این موضوع از سوی آمریکا مطرح شده که ایران از «فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده» بهره می‌گیرد. سیاست آمریکا برای مقابله با ایران در چارچوب محدودسازی قدرت بوده است. گزارش پمپو نمادی از نقشه راه دیپلماتیک را نشان می‌دهد. هر سازوکار دیپلماتیک ارتباط درهم‌تنیده‌ای با موضوعات و ضرورت‌های امنیتی خواهد داشت، بنابراین می‌توان فرآیندی را مورد ملاحظه قرار داد که ایران با محدودیت‌های اقتصادی روبه‌رو شده و این امر زمینه‌ساز چالش‌های جدیدی در حوزه منطقه‌ای خواهد بود.

نقش‌یابی روسیه در محیط امنیت منطقه‌ای، موقعیت ایران برای ایفای نقش سیاسی و امنیتی را ارتقا داده است. واقعیت آن است که کشورهای منطقه در وضعیت بی‌ثباتی و عدم تعادل به‌سر می‌برند. در چنین شرایطی امکان تحقق اهداف دیپلماتیک همانند آنچه از آن به‌عنوان «منطقه قوی» نام برده می‌شود، وجود نخواهد داشت. منطقه قوی نیازمند شرایط هنجاری هم‌سسته خواهد بود. هم‌اکنون تضادهای هنجاری منجر به شکل‌گیری بحران‌های خوشه‌ای منطقه‌ای شده است. می‌توان خوش‌بین بود و امیدوار. می‌توان شرایطی را ترسیم کرد که کشورهای منطقه‌ای با یکدیگر در وضعیت مشارکت و همکاری قرار گیرند. دوران موجود نقطه عطف تغییر در شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای را نشان می‌دهد. هر کشوری که از انگیزه بیشتری برای نقش‌یابی سیاسی و امنیتی برخوردار باشد، طبیعی است که به مطلوبیت و نتایج بیشتری نیز در محیط منطقه‌ای نائل خواهد شد. فضای موجود نشانه‌هایی از آشوب در محیط منطقه‌ای را منعکس می‌سازد.

ژئوپلیتیک آشوب تمامی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ را درگیر خواهد ساخت. کشورهایی می‌توانند از فضای ژئوپلیتیک آشوب عبور نمایند که شناخت دقیقی نسبت به معادله قدرت، امنیت و ائتلاف‌سازی داشته باشد. ایران نیز نیازمند ائتلاف‌های جدید با بازیگرانی است که در محیط منطقه‌ای از اعتبار و کارآمدی بیشتری برخوردارند. ایران نباید بیش از حد نسبت به معادله سیاست در داخل کشورهای منطقه حساس باشد. محور اصلی سیاست ایران در منطقه را قدرت ژئوپلیتیکی و الگوهای کنش تاکتیکی برای تحقق راهبرد مقاومت منعکس خواهد کرد.

برخی از کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ خواهد بود. ضرورت‌های مقابله با روند سیاست تهاجمی آمریکا، ایجاب می‌کند که ایران از سیاست «موازنه تهدید» استفاده نماید. ضرورت بهره‌گیری از موازنه تهدید را باید در ائتلاف‌سازی امنیتی و راهبردی مشاهده کرد.

#### آیا امکان توافق روسیه و آمریکا برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران وجود دارد؟

قدرت‌های بزرگ همواره تلاش دارند تا موقعیت خود را در محیط منطقه‌ای با یکدیگر موازنه نمایند. تجربه دیپلماسی کشورهای اروپایی در قرن ۱۹ و همچنین الگوهای تعامل آمریکا و اتحاد شوروی در قرن ۲۰ و در چارچوب ساختار دوقطبی نشان می‌دهد که همواره قدرت‌های بزرگ از الگو و سازوکارهای مربوط به مدیریت بحران استفاده کرده‌اند. مدیریت بحران به معنای بهره‌گیری از معادله قدرت و مصالحه برای امنیت‌سازی منطقه‌ای خواهد بود. طبیعی است در چنین شرایطی بخشی از منافع بازیگران منطقه‌ای نادیده گرفته می‌شود. روسیه در دوران موجود بر این امر واقف است که بدون همکاری و ائتلاف با ایران قادر به حفظ موقعیت خود در سوریه و خاورمیانه غربی نخواهد بود. اعتبار منطقه‌ای روسیه در سال‌های گذشته انعکاس همکاری آن کشور با ایران برای مقابله با تروریسم بوده است. ایران نیز در فضای موجود نیازمند آن است که موقعیت خود در برگ‌های دیپلماسی منطقه‌ای روسیه را تقویت کند. مزیت نسبی ایران در تعامل با هر کشور منطقه‌ای و قدرت بزرگ جهانی می‌تواند ائتلاف جدیدی را به وجود آورد که بر معادله نظم و امنیت منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود.

روسیه در تعامل خود با اسرائیل و آمریکا نمی‌تواند نقش ایران در محیط منطقه‌ای را نادیده گیرد. روسیه در سال‌های گذشته نسبت به قابلیت تاکتیکی ایران برای مقابله با تهدیدات کم‌شدت منطقه‌ای واقف بوده است.

شکل‌گیری نشانه‌هایی از تهدید سیاسی، امنیتی و منطقه‌ای را پذیرفته است.

#### در چنین شرایطی ایران استراتژی خود در عراق و سوریه را چگونه باید بازتعریف کند؟

عراق و سوریه در سال ۲۰۱۴ در معرض شدیدترین تهدیدات تروریستی قرار داشتند. علت اصلی ظهور داعش را باید حمایت اقتصادی و امنیتی عربستان از گروه‌هایی دانست که دارای رویکرد و قالب‌های گفتگمانی متعارض با ایران بودند. کشورهای اروپایی و آمریکا نیز از گروه‌های مسلح سوریه حمایت به عمل آوردند. روند تحولات سیاسی در عراق و سوریه تابعی از الگوهای کنش امنیتی عربستان بوده است. هم‌اکنون موقعیت امنیتی داعش در منطقه فروریخته و آمریکا تلاش دارد تا ایران بعد از داعش را در وضعیت محدودیت‌های اقتصادی قرار دهد.

به همین دلیل است که پمپو در گزارش ۲۱ می ۲۰۱۸ خود به این موضوع اشاره دارد که محدودسازی نقش منطقه‌ای ایران هدف اصلی ایالات متحده است. در این گزارش تأکید شده که ایران باید نیروهای خود از سوریه را خارج کند. تهدیدات اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا علیه ایران نشان می‌دهد که سیاست قدرت از سوی ایالات متحده در حال شکل‌گیری فاجعه جدیدی در منطقه است. اگرچه داعش کارکرد خود را از دست داده اما تجربه آمریکا در افغانستان نشان داد که ایالات متحده قادر نبود طی ۱۷ سال گذشته زمینه امنیت‌سازی در افغانستان را فراهم سازد.

هم‌اکنون ایران از مزیت نسبی در محیط امنیت منطقه‌ای برخوردار است. ایران از قابلیت‌های لازم برای مقابله با تهدیدات تروریستی و همچنین تهدیدات مربوط به فرقه‌گرایی بهره گرفته و این امر منجر به ضرورت نقش‌یابی ایران در محیط منطقه‌ای خواهد بود. طبیعی است که تحقق این امر نیازمند همکاری و مشارکت با



## زمان یارگیری

### در شرایط امروز، امنیت در درون مرزها تعریف نمی شود

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل آفریقا و خاورمیانه



در دو هفته اخیر، برخی از تحلیلگران و کارشناسان مسائل منطقه، از تغییر قریب الوقوع معادلات حاکم بر غرب آسیا سخن گفته و «اظهارات پوتین در دیدار با بشار اسد»، «نتایج حاصله از انتخابات عراق» و «طرح‌های تازه واشنگتن برای همسویی با سیاست‌های اسرائیلی» را از جمله عوامل این تحول فراگیر قلمداد کرده‌اند؛ تغییر و تحولی که از دیدگاه آنان، موازنه سیاسی و نظامی جدیدی را جایگزین موازنه کنونی در غرب آسیا خواهد کرد و از توانمندی‌های جریان مقاومت در مصاف با ائتلاف «عربی، عربی، عربی» خواهد کاست. البته به نظر این دسته از کارشناسان، این همان تحولی است که همسوی با خروج آمریکا از برجام، ایران را نیز در موقعیت تازه‌ای قرار خواهد داد و تدوین راهبردهای جدیدی را که قاعدتا باید متضمن سیاست‌های منطقه‌ای تازه جهت برون‌رفت از این وضعیت باشد، ایجاد خواهد کرد. حال اگرچه این نوع تفصیر و این نوع برداشت از رویدادهای مورد اشاره، با دیگر واقعیت‌های منطقه‌ای تطابق چندانی ندارد و همچنین بسیاری از عواملی را که فراهم‌کننده زمینه تغییر معادلات منطقه‌ای به سود جریان مقاومت است، نادیده می‌گیرد ولیکن تفکر و تدبیر در باره آن، خواهد توانست نقاط ضعف طرف مقابل و نقاط قوت ایران را در مجموعه کش‌ها و واکنش‌های راهبردی آینده مشخص سازد؛ به ویژه زمانی که پای تدوین و به کارگیری موثرترین و کم‌هزینه‌ترین راهبردهای منطقه‌ای در میان باشد و حفظ پیوندهای دفاعی و مناسبات سیاسی با کشورهای سوریه، عراق و لبنان، آن هم در راستای ایجاد یک بازدارندگی اطمینان‌بخش منطقه‌ای، از جمله اهداف و ضرورت‌های این راهبردها محسوب شود. می‌دانیم که برای ترسیم و تدوین یک راهبرد منطقه‌ای، قاعدتا باید قبل از هر چیز، هدف را شناسایی کرد و ارائه تعریف دقیقی از اهداف منطقه‌ای در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی را در اولویت قرار داد؛ اهدافی که با منافع ملی کشورمان و اصلی‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران در

منطقه به‌طور کلان پیوند داشته باشد.

روشن است که از عمده‌ترین این اهداف، ایجاد نوعی بازدارندگی برای تأمین امنیت است تا زمینه‌ساز تمامی شرایطی باشد که برای دسترسی به دیگر اهداف به آن نیازمند هستیم.

البته زمانی که سخن از بازدارندگی به میان می‌آید، بحث امنیت دسته‌جمعی و به کارگیری آخرین تیزهای دفاعی که تنها در دستور کار برخی از دولت‌های قدرتمند قرار دارد، باید مورد توجه قرار بگیرد؛ یعنی دقیقاً همان چیزی که طی دو دهه گذشته (به ویژه در هفت سال گذشته) توسط ایران در بخشی از غرب آسیا به اجرا درآمده و علاوه بر ایران، کشورهای سوریه، عراق و لبنان نیز در مقابله با انواع تهدیدات مداخله‌جویانه بیگانه از آن سود برده و افزون بر حفظ امنیت داخلی و خارجی خود، جهت تغییر معادلات نظامی منطقه به نفع خویش، از آن بهره‌برداری کردند. در واقع با ایجاد چنین ترتیبی، این امر نیز به اثبات رسیده که در شرایط امروز جهانی، امنیت در درون مرزها تعریف نمی‌شود و کوشش برای تأمین امنیت درون مرزها به تنهایی پاسخگوی نیازهای دفاعی یک کشور نخواهد بود. از این روست که می‌بینیم حتی آمریکا، روسیه و کشورهای اروپایی نیز همواره در مباحث مربوط به دفاعی و امنیت ملی‌شان، به پیمان‌های چند جانبه و روابط دفاعی متقابل با دیگر کشورهای جهان اتکا می‌کنند.

بدین ترتیب این فرض که ما بدون یک پیوند دفاعی با کشورهای همسایه و بدون داشتن مناسبات مرتبط با مسائل نظامی با این کشورها، بتوانیم در درون مرزهای خود، امنیت را تأمین کنیم، یک بحث منسوخ شده و مبتنی بر دیدگاه‌های کلاسیک است. این در حالی است که طرف‌های مقابل و دشمنان محور مقاومت، درصدد هستند تا با به کارگیری انواع سیاست‌های توطئه‌آمیز، این گونه ترتیبات را از میان ببرند و معادلات کنونی را که به‌طور شگفت‌آوری به سود کشورهای محور مقاومت به ویژه ایران است، تغییر دهند.

چنان که نگاهی به مجموعه تحرکات دیگر کشورهای منطقه و اقدامات قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا نشان‌دهنده آن است که طرف‌های مقابل یا دشمنان و رقبای ایران، با فرارسیدن دوران پساداعش و برقراری آرامش در سوریه، درصدد یافتن شیوه‌های

جدیدی برای تضعیف کشورهای محور مقاومت هستند؛ کما اینکه می‌کوشند تا با تغییر ترتیبات کنونی که زمینه‌ساز امنیتی قابل قبول برای ایران، عراق، سوریه و لبنان و ایجادکننده یک بازدارندگی تأثیرگذار برای همه کشورهای نامبرده است، از انفعال کنونی خارج شده و طرح‌ها و ترتیباتی را جایگزین کنند تا از آسیب‌پذیری‌های فزاینده رژیم صهیونیستی و رژیم‌های ارتجاعی منطقه بکاهند. در حقیقت طرف‌های مقابل (ائتلاف عربی، عربی، غربی) از طریق اجرای طرح‌های جدید و بهره‌برداری از برخی از رویدادهای جدید می‌کوشند تا ضمن ایجاد نوعی بازدارندگی برای خود به ترتیباتی منطقه‌ای دست یابند که قابلیت‌های آنها را در برابر خطرات موجود افزایش دهد.

و اما بعد از تأمین امنیت، دومین بحثی که در شرایط فعلی باید در روند تدوین راهبردهای منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار گیرد، مسأله تأمین نیازهای اقتصادی است؛ یعنی ترتیبات منطقه‌ای باید به گونه‌ای شکل بگیرد که نیازهای ایران به‌طور پایدار و پیوسته تأمین شود. روشن است که تحقق این امر نیز تنها در سایه پیوندها و پیمان‌های منطقه‌ای و گسترش آن و تأمین امنیتی که زمینه‌ساز گسترش این گونه همکاری‌ها باشد، امکان‌پذیر است؛ به ویژه آنکه مجموع کشورهای منطقه از دو جهت تأمین‌کننده منافع ایران هستند؛ نخست وجود بازارها و زمینه‌های بسیار خوبی است که شرکت‌های ایرانی برای فعالیت‌های برون‌مرزی دارا هستند و موضوع دیگر به مواد خام مربوط می‌شود که تنها یک بخش آن را موضوعات مربوط به انرژی تشکیل می‌دهد و همکاری‌ها در این عرصه هم (به ویژه باتوجه به عضویت کشورهای نفت‌خیز منطقه در اوپک) برای ایران از هر جهت اهمیت راهبردی و نقش بسیار مهمی دارد.

تاکید بر ضرورت این همکاری‌های اقتصادی و پافشاری بر اهمیت همکاری‌ها و پیوندهای نظامی و دفاعی مشترک آن هم در روند تأمین منافع ملی کشورمان، به معنی جایگاه مهم این مناسبات در تدوین راهبردهای منطقه‌ای ایران است؛ مناسبات و همکاری‌هایی که لااقل در ۱۰ سال گذشته، مسیر درستی را پیموده و امروزه نیز با وجود انواع مخالفت‌ها و جوسازی‌های تبلیغاتی باید ادامه پیدا کند.

به هر ترتیب در صفت‌بندی‌های موجود منطقه‌ای، تضاد آشکاری میان ساختارهای سیاسی کشورهای منطقه وجود دارد؛ یعنی از یک سو شاهد ساختارهای دیکتاتوری و ارتجاعی هستیم و از سوی دیگر ساختارهای مردم‌سالار. بنابراین هرچه تعداد ساختارهای سیاسی متکی به انتخابات افزایش یافته و همکاری‌های بین ایران و این نظام‌ها گسترش یابد، این به معنای تأمین بهتر و سریع‌تر اهداف و منافع مادر کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد بود.

این در حالی است که مقامات ریاض و حامیان غربی آنها پیوسته می‌کوشند تا از نظام‌های پادشاهی موجود در منطقه حمایت و پاسداری کنند و از فروپاشی آنها جلوگیری به عمل آورند. نمونه روشن آن کوشش آنها برای جلوگیری از روی کار آمدن یک نظام دموکراتیک در مصر است.

مقامات سعودی مشابه همین اهداف را در عراق و سوریه دنبال می‌کنند؛ در گذشته نیز تحرکات زیادی برای جلوگیری از برپایی یک نظام دموکراتیک در سوریه و عراق به کار گرفته بودند و در صحنه افغانستان و پاکستان نیز به هیچ وجه خواهان ایجاد حکومت‌های مردم‌سالار نیستند. طبیعی است که در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران باید متضاد با این گونه سیاست‌ها، روندی را در سیاست خارجی خود پیش بگیرد تا نظام‌های مردم‌سالار تقویت شده و در فرآیند یارگیری و صف‌بندی‌های منطقه‌ای همواره کنار ایران قرار داشته باشند.

**این فرض که ما بدون یک پیوند دفاعی با کشورهای همسایه و بدون داشتن مناسبات مرتبط با مسائل نظامی با این کشورها، بتوانیم در درون مرزهای خود، امنیت را تأمین کنیم، یک بحث منسوخ شده و مبتنی بر دیدگاه‌های کلاسیک است**



# شوک ترامپ

## ایران باید پیروزی‌های نظامی در منطقه را تبدیل به برد سیاسی کند

جواد قربانی آتانی

کارشناس مسائل سیاسی



وقایع بسیاری پس از پایان جنگ ایران و عراق و تثبیت کامل نظام جمهوری اسلامی از سر این ملت و دولت گذشته است؛ وقایعی چون فرار و فرودها در روابط خارجی، ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی، جنگ‌های عراق و افغانستان... اما قطعاً هیچ شوکی قویتر از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده به سیاست ایران وارد نشده است. چون حداقل در سه دهه اخیر هیچ‌گاه اغلب-اگر نگوئیم تمام-معادلات یکباره واژگون نشد.

حتی زمان لشکرکشی دولت بوش به خاورمیانه که خطر جنگ به واقع در فضای ایران به مشام می‌رسید، سیاست‌های ایران با چالشی جدی مواجه نشد که هیچ، بلکه وقایع جدیدالحدوث در منطقه چون کاتالیزوری بر سیاست‌های جمهوری اسلامی موثر افتاد و به بسط نفوذ منطقه‌ای آن انجامید. اما این بار، در حالی که سیاست‌پیشگان ایرانی، چه موافقان و چه مخالفان دولت، همگی از فضای ایجاد شده پس از برجام از منتهای قلوب‌شان خشنود بودند، یکباره آسمان آبی این

سه، چهارساله را توفانی یافتند. برجام حداقل بخشی از راه‌های مراودات جهانی را که در اثر تحریم‌های شدید بین‌المللی بر ایران بسته شده بود، مجدداً گشود تا چه به لحاظ سیاسی و چه نظامی و اقتصادی دست ایران برای بسط نفوذش در منطقه از افغانستان گرفته تا عراق، سوریه و لبنان و از تاجیکستان گرفته تا بحرین و یمن باز شود. دولت اوباما نیز که تمام عمر ۸ ساله‌اش را صرف دستیابی به توافق با ایران و نهایتاً حفظ آن کرده بود، چشمش را روی عمده این فعالیت‌ها بست و در واقع ایران را به عنوان قدرتی منطقه‌ای به رسمیت شناخت.

اگرچه دونالد ترامپ از آغاز کمپین انتخاباتی‌اش در انتخابات داخلی حزب جمهوریخواه تا هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری، شمشیر را برای جمهوری اسلامی و برجام از رو بسته بود اما حتی بدبین‌ترین ناظران نیز آنچه را می‌گفت بیشتر شعارهای جالب‌رای می‌دانستند و کمتر کسی تصورش را می‌کرد که او پیش از دو سالگی ریاست‌جمهوری‌اش به بخش عمده‌ای از شعارهایش عمل کند از جمله آنها، خروج از برجام. او نه تنها اکنون به این شعار جامه عمل پوشانده، بلکه از همان لحظه خروج، علیه جمهوری اسلامی اعلام جنگ اقتصادی کرده است. اعلامی که قطعاً چندان دست‌کمی از اعلام جنگ نظامی ندارد، چرا که صریحاً و تلویحاً چه خود ترامپ و چه وزیر خارجه جدیدش، پمپئو، تمایل خود به تغییر رژیم در

ایران را نشان داده‌اند. در جدیدترین پرده از این سناریو نیز پمپئو از قصد دولت ایالات متحده برای ایجاد ائتلافی بین‌المللی جهت مقابله با جمهوری اسلامی سخن گفت. این یعنی فضا به کل در خاورمیانه در حال تغییر است و نه تنها به رسمیت شناخته شدن سابق پس گرفته شده، بلکه قصد بر نابودی توان موثر جمهوری اسلامی است. در چنین شرایطی اگر سیاست‌پیشگان، تصمیم‌سازان، استراتژیست‌ها و نظامیان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی آگاهانه و با در نظر داشتن منطق فضای جدید دست به تغییر استراتژی منطقه‌ای ایران زنند، شرایط بسیار پیچیده و خطرناک خواهد شد.

جمهوری اسلامی پس از ایجاد تغییرات بنیادی در ریخت سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، از زمان سقوط طالبان و صدام حسین تا آغاز و تداوم بهار عربی، دست به تحولات و سرمایه‌گذاری‌های عظیم سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه زده است که بخش مهمی از این تحولات در جهت امیال جمهوری اسلامی پیش رفته است. در سوریه، بشار اسد پس از ۶ سال جنگ داخلی از اوضاعی در آستانه سقوط به ساحل تثبیت بازگشته، در لبنان حزب الله به سادگی در انتخابات پارلمانی پیروز شده، در عراق گرچه مخالفان نفوذ جمهوری اسلامی پیروزی کم‌رنگی در انتخابات پارلمانی به دست آورده‌اند اما حشد الشعبی آن چنان قدرتمند شده که قابل چشم‌پوشی در معادلات سیاسی عراق نیست؛ در یمن؛ رژیم متحد سعودی‌ها بر افتاده و گروه‌هایی تحت حمایت جمهوری اسلامی علی‌الحساب صاحب قدرت نسبی هستند؛ در افغانستان اگر اوضاع همچون کشورهای مذکور کامل بر مدار میل جمهوری اسلامی نمی‌چرخد اما بر مدار میل واشنگتن نیز نچرخیده است. دامنه این تحولات البته وسیع‌تر از آنچه گفته شد، است اما بارزترین‌ها که اکنون حساسیت آمریکا و متحدانش را برانگیخته همین‌ها هستند. اکنون دوراهی بزرگی پیش روی تصمیم‌سازان و استراتژیست‌های جمهوری اسلامی قرار دارد؛ تداوم راه رفته به شکل سابق، یا اولویت دادن به حفظ منافع حاصل شده و تغییر تاکتیک. راه اول بی‌تردید به تصادمی خطرناک خواهد انجامید که پیش‌بینی عواقب آن اکنون بسیار دشوار است. اما راه دوم که به نظر منطقی‌تر می‌رسد، بدون تجربه و نمونه موفق نیست. در لبنانی که محل نفوذ اغلب قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است، حزب الله توانست در عرصه سیاسی به پیروزی برسد؛ گروهی که تحت هجوم شدید تبلیغاتی رسانه‌های غربی و عربی و حتی تحریم‌های شدید بین‌المللی است. این پیروزی نشانگر آن است که هر چه در عرصه نظامی قدرتمندتر عمل کنید، نهایتاً این پروسه سیاسی است که آثار عملکرد نظامی را تثبیت می‌کند. این الگویی است که اکنون باید در سایر مناطق نفوذ پیاده شود. به عنوان نمونه، جنگ یمن تا قیامت نمی‌تواند ادامه پیدا کند، اگر جمهوری اسلامی خواهان حفظ دستاوردهایش در این حیات خلوت سعودی‌هاست، از اکنون باید به فکر راه‌حلی سیاسی برای آن باشد تا با بهره‌بردن از نفوذش، ابتکار عمل را در پروسه سیاسی به دست گیرد.

در پروسه سیاسی گرچه باید امتیازهایی داد، اما امتیاز داده شده به تثبیت شدن بخشی از منافع مورد نظر منجر می‌شود و این یعنی بازی برد-برد. اما تاکید صرف بر راهکار نظامی، احتمالاً در آینده‌ای نزدیک به از بین رفتن منافع منجر خواهد شد، بنابراین اکنون برهه‌ای حساس و آینده‌ساز برای جمهوری اسلامی است. اکنون همان زمانی است که هنوز خیلی دیر نیست؛ یا دست‌های آهنین را باید در دستکش‌های مخملی فرو برد، یا همچنان بر سندان پولادین کوفت.



## ماموریت صدر

### انتخابات عراق چه تاثیری در معادلات منطقه‌ای می‌گذارد؟



احمد معنوی

کارشناس مسائل بین‌الملل

منطقه خاورمیانه با اهمیت ژئواستراتژیک خود طی دهه‌های اخیر همواره مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و بازیگران مختلف و متعدد کلان و خرد بوده است که هر یک سعی داشته‌اند به فراخور قدرت و توان خود و نیز واقعیت‌های موجود در راستای اهداف و منافع خود گام بردارند. در چنین فضایی به‌طور طبیعی تضاد منافع و اهداف میان قدرت‌های مختلف در حوزه‌های نفوذ مشترک یا مناطق دارای همپوشانی نسبی از جمله ویژگی‌های منطق رقابت و بازنگری در این منطقه بوده است. با این مقدمه می‌خواهم بگویم ایران نیز از جمله بازیگران منطقه خاورمیانه است که تغییر معادلات سیاسی و ژئوپولیتیکی در آنجا همواره به دقت دنبال شده و به دلیل نفوذ سیاسی و نظامی آن هرگونه تحولات بر شیوه تصمیم‌گیری و رفتار موثر است.

چندی است که ایران در منطقه خاورمیانه از قدرت بسیاری برخوردار است اما اکنون با بروز برخی پدیده‌های سیاسی شاهد تغییراتی در معادلات منطقه‌ای هستیم و دلایل این تغییرات نیز به خروج ایالات متحده از برجام، اعمال تحریم‌های جدید و گسترده علیه ایران، مواضع ضد ایرانی رژیم صهیونیستی در منطقه، برخی تحرکات نظامی این رژیم علیه مواضع ایرانی در سوریه، تحولات داخلی عراق، مواضع ضد ایرانی برخی از سران این رژیم و همچنین رفتارهای منطقه‌ای روسیه در چارچوب توافقنامه‌های مربوط به صلح سوریه مربوط می‌شود.

همچنان که گفته شد یکی از تحولات خاورمیانه مربوط به مسائل داخلی و انتخابات عراق است که نتایج آن برای ایران مهم ارزیابی می‌شود. انتخابات عراق معادلات داخلی و منطقه‌ای را تا حدود زیادی به هم ریخته و شخصی که به پیروزی رسیده است به نوعی با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و فرامنطقه‌ای چون آمریکا رابطه خوبی ندارد. مقتدی صدر حالا این قصد را دارد که با ائتلاف‌سازی یا بدون ائتلاف در انتخاب نخست‌وزیر جدید عراق دست برتر را داشته باشد. بنابراین باید ادعا کرد سیاست خارجی عراق در آینده با تغییرات زیادی همراه خواهد شد. چه آنکه پس از این پیروزی مواضعی از سوی همراهان مقتدی صدر مطرح شده که نشان می‌دهد حضور دیگر کشورها در عراق می‌تواند با اما

و اگرهایی همراه باشد.

در خصوص نقش ایران در انتخابات گفته می‌شود که ایران از همان ابتدا سعی کرد، رویکردی پراگماتیک در قبال تحولات عراق پیش گیرد. ایران بر این باور بود که با این رویکرد، در چارچوب یک حکمرانی خوب که حساسیت بین‌المللی را به شکل جدی برانگیزد و در عین حال بتواند رفاه را برای مردمش به همراه بیاورد، دولتی در بغداد روی کار خواهد آمد که منافع و حساسیت‌های ایران را هم مورد توجه قرار می‌دهد اما اکنون شرایط متفاوت شده است. مقتدی صدر البته خود شانس برای نخست‌وزیری ندارد اما دست کم این نتیجه پیام‌های ویژه‌ای برای بازیگران قدرتمند در عراق و منطقه به همراه دارد و این نتیجه دست کم از آغاز عصری جدید در معادلات سیاسی عراق حکایت دارد.

در سوی دیگر به‌رغم نوع نگاه صدر، ایران پس از سقوط رژیم بعثی در بغداد تلاش کرد تا معارضین سابق در این کشور، از جمله حزب‌های «دعوه» و «مجلس اعلای اسلامی عراق» را که زمانی مقابل صدام به آنها پناه داده بود، تقویت کند. با این حال، تهران صرفاً از



احزاب شیعه حمایت نمی‌کند، بلکه روابطی قوی با رهبران کرد در شمال عراق برقرار کرده است؛ از جمله با «جلال طالبانی» رئیس‌جمهور سابق عراق و حزب «اتحادیه میهنی کردستان» که تهران در مبارزه با صدام به آن کمک کرده بود. طی بیش از یک دهه، تهران تا حد زیادی موفق شده تا هم پیمانان خود را به سوی عضویت در لیست‌های متحد هدایت کند و در نتیجه، بلوک‌های غالب را در پارلمان عراق تشکیل دهد. ضمن اینکه اقتصاد عراق به ایران وابسته شده و به این ترتیب اهرم سیاسی دیگری در اختیار تهران قرار گرفته است. عراق در حال حاضر دومین شریک تجاری بزرگ ایران است و برای تأمین بخش عمده‌ای از سیمان، کاشی، سرمایه، محصولات لبنی و برق خود، به جمهوری اسلامی اتکا می‌کند.

با اینکه ایران از نفوذ گسترده‌ای در عراق برخوردار است اما تجزیه و تحلیل نتایج پیروزی جریان مقتدی صدر دارای چند نکته حائز اهمیت است؛ نخست اینکه مقتدی صدر ماموریت دارد که میان شیعیان عراق شکاف ایجاد کند؛ سفرهای متعدد مقتدی صدر به عربستان و ملاقات وی با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان نشان می‌دهد که رژیم آل سعود درصدد ایجاد شکاف میان طیف‌های سیاسی عراق برآمده است. به‌ویژه این رژیم سعی دارد شیعیان عراق را به دو قطب شیعیان عرب و شیعیان ایرانی تقسیم‌بندی کند. به همین دلیل پیروزی جریان السائرون، آغازی برای به وجود آمدن یک فتنه جدید در میان شیعیان عراق تلقی می‌شود.

تظاهرات هواداران مقتدی صدر علیه ما، آغازی برای فتنه به شمار می‌رود. متأسفانه مقتدی صدر که یک روحانی شیعه است به ابزاری برای اجرایی کردن سیاست‌های عربستان تبدیل شده و احتمالاً در آینده موجب بروز درگیری میان شیعیان عراق خواهد شد، به همین دلیل امروز جریان مقتدی صدر می‌تواند چالش بزرگی برای ایران باشد و ایران باید به دنبال راهکاری برای خنثی کردن این وضعیت باشد. با این حال، حتی اگر نفوذ ایران در عراق از لحاظ سیاسی تضعیف شود، ایران در معنای نظامی همچنان نقش مهمی در عراق بازی خواهد کرد. به‌ویژه وجود حشد الشعبی در بنیه ارتش عراق به عنوان دومین قدرت نظامی این کشور و کنترل این گروه به شکلی مستقیم از سوی ایران، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت آینده عراق خواهد بود.

در ادامه بنا به نتایج تحلیل شده، دو سناریوی می‌توان برای تشکیل حکومت آینده تصور کرد. سناریوی نخست ائتلاف جریان صدر با ائتلاف حیدر العبادی و بخشی از سنی‌ها و کردها برای تشکیل حکومت است. سناریوی دوم ائتلاف جریان فتح با دولت قانون نوری مالکی و گروهی از سنی‌ها و کردهای نزدیک به ایران است. سناریوی نخست به جهت برخورداری طرف‌های شریک از آرای بیشتر از شانس بالاتری برخوردار است؛ اما نهایت امر ممکن است نقش آفرینی طرف‌های خارجی فعال در عراق و به شکل خاص ایران و آمریکا سرنوشت مذاکرات تشکیل حکومت آینده را تغییر دهد.

باید منتظر ماند و دید ائتلاف‌ها چگونه شکل می‌گیرند؛ اگر ائتلاف‌های زاویه‌دار با جمهوری اسلامی ایران بتوانند دولت تشکیل دهند، آنگاه باید شاهد توسعه روابط میان عراق با کشورهای عربی باشیم و در این نگاه ایران باید به بازتعریف نقشش در عراق پرداخته و نقاط ضعف سیاسی‌اش را برای حفظ موقعیت برطرف کند. ولی اگر جریان‌های معتدل‌تر به قدرت برسند شاهد آن خواهیم بود که در این ائتلاف‌ها، تغییر چندانی نسبت به قبل صورت نمی‌گیرد.



## بازیگر عمل گرا

ایران باید چگونه به نقش روسیه در منطقه نگاه کند؟



چند سال گذشته همکاری داشته است، اما نباید انتظار داشت که روسیه تا آخر شریک ایران و حامی بشار اسد در ابقا در ریاست دولت سوریه باقی بماند، چرا که روسیه برخلاف ایران هم با رژیم صهیونیستی و هم با آمریکا روابط استراتژیک دارد و این امر ممکن است در روند همکاری روسیه با ایران و بشار اسد در آینده تاثیر داشته باشد. از این رو باید به دنبال راهکارهایی بود که در صورت جدایی روسیه از این اتحاد سه جانبه، جایگزینی قابل قبول انتخاب کرد؛ چون با نفوذ سیاسی و نظامی که روسیه در سوریه دارد به نظر می‌رسد روسیه به اهداف خود در سوریه رسیده است و در حال حاضر به دنبال چانه زنی با آمریکا برای گرفتن امتیازات مختلفی هستند، چون مفهوم منافع ملی از نظر روسیه با تعریف ایرانی منافع ملی بسیار فرق دارد و تعریف منافع ملی از نظر روس ها، گرفتن حداکثری انواع امتیازات از دولت سوریه، آمریکا و رژیم صهیونیستی است و این برخلاف سیاست های ایران در سوریه است. به همین جهت ما بایستی یک استراتژی نوین بدون نقش روسیه را نیز به عنوان آلترناتیو در سوریه داشته باشیم.

در خصوص عراق و شرایط پساداعش در آن کشور نیز باید گفت که عراق به عنوان یک کشور نفت خیز و استراتژیک هدف مهمی برای آمریکا به شمار می‌رود و دوران بعد از داعش، دوران رقابت و تقابل احزاب و گروه های مختلف سیاسی و جریان های قومی، مذهبی و قبیله ای در عراق است.

برگزاری انتخابات پارلمانی در عراق به عنوان دوران سیاسی پساداعش دوران بسیار حساسی است چرا که علاوه بر گروه های سیاسی، مذهبی و قومی که در رقابت با هدف کسب بیشترین کرسی های پارلمان جهت تشکیل دولت رقابت می کنند، بحث آینده سیاسی کشور و چارچوب سیاست های داخلی و خارجی دولت آتی عراق نیز موضوعاتی هستند که علاوه بر سیاستمداران عراقی برای دولت های منطقه ای و فرمانطقه ای نیز اهمیت دارد و آنها به دنبال تاثیرگذاری بر روند دولت سازی در عراق هستند. عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه بسیار سعی دارند در تشکیل دولت آتی بغداد و سیاست های آن تاثیرگذار باشند.

به همین جهت از چند سال گذشته به دنبال مهره چینی و سرمایه گذاری در این خصوص بودند. با توجه به اینکه حدود ۶۰ درصد مردم عراق شیعه هستند و بقیه ۴۰ درصد بین کردها، اعراب سنی، ترکمن ها و غیره تقسیم شده، سیاست اختلاف افکنانه در بین احزاب و گروه های شیعه از سوی عربستان سعودی و کشورهای حامی پیگیری شده است. چرا که وحدت گروه های شیعه بزرگ ترین مشکل آنها در نفوذ در عراق بوده و به همین خاطر سیاست تفرقه در بین احزاب و گروه های شیعه به رهبری عربستان سعودی در عراق شروع شده و در تشکیل دولت آتی عراق بیشترین رقابت بین احزاب شیعه خواهد بود. این اگر رقابت ها و اختلاف ها مدیریت نشود، می تواند فضا را جهت ظهور احزاب ملحد مثل حزب بعث مهیا کند یا باعث نفوذ گروه های سنی و رادیکال به سیستم دولت و حکومت شود.

بنابراین در شرایط حساس که دشمنان با پول های میلیاردری و وعده وعید های مختلف، زمینه اختلاف بین گروه های شیعه را ایجاد می کنند، نقش جمهوری اسلامی ایران و رهبری ولایت فقیه در حل معضل و ایجاد اتحاد میان شیعیان حائز اهمیت است و به جای اقدامات عجولانه و غیرکارشناسانه بهتر است با درایت و سیاست بتوان در حفظ اتحاد احزاب شیعه در عراق اقدام کرد.

## میر قاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات بین المللی چشم انداز ابرار نوین



تحولات سیاسی و نظامی خاورمیانه در سال ۲۰۱۷ نقشی اساسی در تبیین آینده سیاسی کشورهای منطقه در سال های آتی خواهد داشت.

حمله نظامی آمریکا به عراق و افغانستان در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳، نقطه شروعی برای توسعه و ترویج تروریسم افراطی در خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است.

باید توجه داشت که بنا به اعتراف مقامات رسمی آمریکا، تاسیس و فعالیت اکثر گروه های تروریستی و افراطی در خاورمیانه با هماهنگی و کمک های اطلاعاتی سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» صورت گرفته، این گروه ها و شبه نظامیان تروریستی در واقع جزیی از ابزارهای اجرایی اهداف آمریکا در منطقه هستند و دولت آمریکا از این گروه ها برای تحت فشار گذاشتن دولت ها و بهانه ای جهت دخالت های خود در منطقه سوء استفاده می کند که نمونه بارز آن را در سال های اخیر در افغانستان، عراق و سوریه شاهد بوده ایم.

با شکست داعش در سوریه و عراق و اخراج این گروه از اکثر مناطق اشغالی در این دو کشور، آمریکا با یک رویکرد جدید به دنبال حذف رقبا و تسلط بر اقتصاد و منابع طبیعی این کشورها برآمده است.

با توجه به اینکه شکست داعش در عراق و سوریه مرهون کمک ها و حمایت های مالی و نظامی و تقدیم شهادت مدافع حرم از سوی مردم ایران جهت حفظ امنیت منطقه بوده است و این روحیه استشهادی و شهادت طلبی بود که تیر آخر را بر پیکره داعش وارد کرد، در حال حاضر آمریکا نگران توسعه روحیه شهادت طلبی در منطقه است، چرا که اکثر کشورهای عربی منطقه حوزه خلیج فارس کشورهای دست نشانده آمریکا و دولت های غیر مردمی هستند و هراس دولت های منطقه از الگوگیری مردم این کشورها از روحیه مبارزه و شهادت طلبی جوانان ایرانی، عراقی و سوری است که علیه داعش به مبارزه برخاستند. این مساله وحشتی در ارکان دولت های آنها به وجود آورده است و به همین جهت سعی دارند در دوران پساداعش با لابی گری و تهدید و تطمیع گروه ها و احزاب سیاسی دوران گذر سیاسی در این کشورها را در راستای سیاست های آمریکا تبیین کنند.

مساله دولت آشتی ملی در سوریه به عنوان یک موضوع مهم در مذاکرات آلمانی با مشارکت روسیه، ایران و ترکیه با دولت سوریه و مخالفین در حال انجام است و از سوی دیگر رژیم صهیونیستی و آمریکا با روسیه در حال مذاکره هستند. هدف رژیم صهیونیستی و آمریکا در فشار به روسیه، خروج نیروها و مستشاران ایرانی از سوریه است و به همین جهت ما شاهد سفر بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به روسیه و مذاکره با پوتین در خصوص آینده سیاسی سوریه و نقش ایران در آن بودیم.

ایران به عنوان شریک استراتژیک سوریه در منطقه به شمار می‌رود و حضور ایران در سوریه بنا به درخواست دولت سوریه بوده است، اما شاهد این موضوع هستیم که تلاش گسترده ای از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا در راستای خروج ایران از سوریه شکل گرفته است. باید در نظر داشت که روسیه به عنوان شریک ایران در سوریه در حمایت از دولت قانونی آن کشور و مبارزه با داعش در

## نوبت ابتکار عمل

### همکاری های ایران و روسیه تاکتیکی است

#### احمد وحشیپناه

دانشجوی دکتری علوم سیاسی در دانشگاه دوستی ملل روسیه



به نظر می‌رسد که خاورمیانه در نیمه ابتدایی ماه می با تغییراتی بنیادین روبه‌رو بوده است؛ خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، پیروزی ائتلاف مقتدی صدر در انتخابات پارلمانی عراق، دیدار و همراهی گرم و صمیمی نتانیاهاو با پوتین در سالروز جشن پیروزی میهنی روسیه، انتقال سفارت ایالات متحده به بیت المقدس و حرف و حدیث‌های روسیه در رابطه با شرایط آمریکایی‌ها برای ادامه حیات برجام.

برآیند همه این رویدادها نشان می‌دهد که غرب آسیا وارد آرایش جدیدی می‌شود که به موجب آن، این احتمال وجود دارد که همکاری‌های تاکتیکی رونمایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، جلوه جدیدی از خود را با بازیگران منطقه‌ای نشان دهد.

#### پرده اول: روسیه و عراق

پس از آغاز بحران سوریه (۲۰۱۲)، روسیه حضور خود را پس از سال‌ها در خاورمیانه پررنگ کرد و موضوعات مشترک با ایران سبب شد که ائتلافی میان مسکو و تهران شکل گیرد تا به موجب یک همکاری تاکتیکی، اهداف مشترکی را دنبال کنند. با ورود داعش به عراق (۲۰۱۴)، روسیه فرصت را مناسب

دانست تا بار دیگر به این کشور که تا پیش از فروپاشی شوروی، بزرگ‌ترین تامین‌کننده تسلیحات به آن بوده است وارد شود. به دنبال این استراتژی، «ماکسیم ماکسیموف» سفیر روسیه در عراق اعلام کرد که ما آمادگی برای تقویت ارتش عراق را داریم. کرملین اما تنها به دنبال نفوذ نظامی در عراق نبود و از همین رو شرکت‌های نفتی گاز-پروم و لوک‌اویل که در گذشته نیز با این کشور همکاری داشتند، بار دیگر مذاکراتی را آغاز کردند تا در سطح بازرگانی و انرژی نیز نفوذ خود را در عراق گسترش دهند.

#### پرده دوم: ایران و عراق

از سوی دیگر با سرنگونی صدام، ایران به دنبال نفوذ خود در عراق بود و طی مدتی نیز این استراتژی را در سطح بالایی تحقق بخشید اما به نظر می‌رسد پس از گذشت زمان نتوانست با آسیب‌شناسی دقیق از آن حراست کند که نتیجه آن چرخش برخی بازیگران سیاسی بود که روزگاری به گونه‌ای مه‌ر ایران به شمار می‌آمدند. در این موضوع، بازی دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب شد تا زمین بازی جریان‌های سیاسی عراق با تغییراتی مواجه شود که این موضوع در انتخابات پارلمانی اخیر این کشور به منصف ظهور درآمد. انتخابات پارلمانی عراق با پیروزی لیست سائرون وابسته به «مقتدی صدر» به پایان رسید تا وی در صفحه توییتر خود بنویسد: «پیروزی ائتلاف سائرون در انتخابات پارلمانی بسیاری را ناراحت کرد. برای شما دعا می‌کنم، ما به اصلاحات ادامه می‌دهیم و هرگز

کوتاه نخواهیم آمد.»

به موجب تلاش برای این تغییرات، «منتظر الزیدی» همان خبرنگاری که در جریان کنفرانس خبری جورج بوش به سوی وی لنگه کفشی را پرتاب کرد (۲۰۰۸)، در گفت‌وگو با اشپیگل آلمان دلیل نامزدی خود برای انتخابات را جلوگیری از دخالت‌های ایران در عراق دانست. از سوی دیگر «جیمز متیس» وزیر دفاع آمریکا نیز مدعی شد که ما مدارک نگران‌کننده‌ای مبنی بر تلاش ایران برای نفوذ در روند انتخابات پارلمانی عراق با استفاده از پول، در دست داریم.

#### پرده سوم: اسرائیل و روسیه

حضور «بنیامین نتانیاهاو» دوش به دوش ولادیمیر پوتین تنها کمتر از بیست و چهار ساعت از دستور ترامپ برای خروج آمریکا از برجام حائز اهمیت است. دیدار مرد شماره یک کرملین با نخست‌وزیر اسرائیل در حالی انجام گرفت که پس از خروج آمریکا از برجام تاکنون هیچ دیدار یا حتی گفت‌وگوی تلفنی میان روسای جمهور روسیه و ایران شکل نگرفته است و این موضوع به خوبی عمق همکاری‌های استراتژیک روسیه و اسرائیل از یک سو و همکاری‌های مدت‌دار تاکتیکی روسیه و ایران را از سوی دیگر نشان می‌دهد.

«موشه یالون» وزیر دفاع اسبق اسرائیل در گفت‌وگویی با خبرگزاری ریانسوستی روسیه اعلام کرد که پوتین می‌تواند نقش مثبتی ایفا کند و از استقرار نیروهای ایرانی که تهدیدی برای ما به شمار می‌روند، جلوگیری کند تا به کاهش تنش میان ایران و اسرائیل کمک نماید. شاید از همین جهت بود که پس از دیدار هفته گذشته پوتین و اسد در سوچی، خبرگزاری اینترفکس به نقل از «الکساندر لاورنتیف» نماینده رئیس‌جمهور روسیه در امور سوریه مدعی شد که بیانیه پوتین درباره خروج نیروهای خارجی



از سوره به نیروهای آمریکایی، ایران، ترکیه و حزب الله مربوط می شود.

#### پرده چهارم: روسیه و آمریکا

«سرگئی ریابکوف» معاون وزیر خارجه روسیه در امور خاورمیانه در نشست در باشگاه والدای در رابطه با خروج ایالات متحده از برجام گفت که آمریکا و متحدانش در رابطه با برجام مسائلی را مطرح می کنند و البته خود این قرارداد هم قرار نبود تا ابد باقی بماند که از لحاظ دیپلماتیک نیز غیر ممکن است.

به گفته ریابکوف مساله اصلی که آمریکایی ها در این مدت مطرح کردند سیاست ایران در منطقه و همچنین برنامه موشکی تهران است که موجب خروج ناگهانی آنها از برجام شده است. آنها سعی کردند که این موضوعات را در صدر قرار دهند و آن طور نشان دهند که بدون تعارف اگر بخواهیم بگوییم، بدون امتیازهایی از سوی ایران، حفظ برجام امکان پذیر خواهد بود. موضوعی که با وجود ویدئوی آن، گفته می شود به درخواست طرف ایرانی در گفت و گویی با خبرگزاری ایرنا از سوی وی تکذیب شد.

اما کمتر از چند روز «سرگئی لاوروف» نیز در گفت و گو با روزنامه «کلارین» آژانتین گفت که امیدواریم تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از برجام، ارتباطی با برنامه هایی که برای حمله به ایران مطرح است نداشته باشد. البته به موجب این اظهارات دو سوال مطرح می شود؛ نخست آنکه چرا روس ها مواضع آمریکایی ها را اعلام می کنند و دوم آنکه چرا دولت و دستگاه سیاست خارجی آن به جای آنکه به دنبال تکذیب موضوعات راستین باشد، به تبیین چرایی و چگونگی پیدایش این موضوعات و راه حل هایی برای این واقعیت ها نمی پردازند، چرا که به نظر می رسد هنگامی که بر مبنای مفروض اشتباهی به تحلیل پردازیم، همانند

۲۲

پس از آغاز بحران سوریه (۲۰۱۲)، روسیه حضور خود را پس از سال هادر خاورمیانه پررنگ کرد و موضوعات مشترک با ایران سبب شد که ائتلافی میان مسکو و تهران شکل گیرد تا به موجب یک همکاری تاکتیکی، اهداف مشترکی را دنبال کنند. با ورود داعش به عراق (۲۰۱۴)، روسیه فرصت را مناسب دانست تا بار دیگر به این کشور که تا پیش از فروپاشی شوروی، بزرگ ترین تامین کننده تسلیحات به آن بوده است وارد شود

۲۲

آن است که خشت نخست را کج نهاده ایم و دیوار شاید تا ثریا بالا برود اما در نهایت به علت کجی فرو خواهد ریخت.

#### پرده آخر

آیا ممکن است میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای ائتلافی برای کاهش قدرت منطقه ای ایران شکل گرفته باشد؟

هنگامی که رویکردهای سیاست خارجی کشوری مبتنی بر ایدئولوژی گام بر می دارد، بدیهی است که از سوی دیگر با مخالفانی مواجه می شود که بدون شک عربستان سعودی در راس این رویکرد در رابطه با ایران صدق می کند.

همچنین بدون شک ایران نقش مهمی در ایجاد و تثبیت امنیت عراق داشته است، اما باید توجه داشت که امنیت کالایی است که با چشم دیده نمی شود و مردم عراق نیز حضور آن را در سفره های خود احساس

نمی کنند؛ احداث مدارس، بیمارستان، مراکز علمی و فرهنگی و... می توانست توسط مراکز خصوصی نیز ایجاد شود که در آن صورت به همگرایی ملت ها به یکدیگر کمک می کرد و به موجب این همکاری های فرهنگی و اقتصادی، همکاری ها و شراکت استراتژیک میان ایران و عراق نیز شدت بیشتری پیدا می کرد.

اما باید توجه داشت هنگامی که نیروی نظامی به صورت رسمی یا غیررسمی اقدام به چنین موضوعاتی می کند، مخالفان جمهوری اسلامی ایران آن را در قالب دخالت تعریف می کنند و این اقدامات به جای آنکه به همگرایی بینجامد، منجر به واگرایی می شود.

#### فرجام

دولت هایی که دیپلماسی مبتنی بر واقعیت را در عرصه بین الملل دنبال می کنند، این موضوع را به خوبی دریافته اند که دوست و دشمن آنها براساس منافع حداکثری شان رقم می خورد، از این رو به دنبال دوستان دائمی نیستند، همان طور که دشمنان همیشگی نیز ندارند؛ اما در این میان همواره متحدان استراتژیکی دارند که منافع حداکثری را با آنها پیش می برند. از این رو بدیهی است که همه سیاست های اعمالی خود را در قالب سیاست های اعلانی نمی آورند.

به نظر می رسد در این شرایط دولت و دستگاه سیاست خارجی ایران نیز می تواند به جای تکذیب واقعیت ها، با مشارکت همه نهادهای جمهوری اسلامی ایران، با توجه به شرکای استراتژیک دیگر بازیگران، به ابتکار عملی در سیاست های اعلانی خود دست بزنند تا منافع مشترکی برای دیگر قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای رقم بخورد؛ چرا که در غیر این صورت کارزار سختی را در زمین بازی پیش رو خواهند داشت.





## گذار به عرصه سیاست

### تهران و مسکو در خصوص سوریه همپوشانی استراتژیک ندارند

بنابراین سیاست ایران حفظ آرامش و عدم واکنش جدی نسبت به این رویکرد متناقض برخی از جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران و حامیان آن خواهد بود.

در خصوص مساله سوریه و موضع‌گیری روسیه بعد از دیدار ولادیمیر پوتین و بشار اسد منبى بر خروج نیروهای ایرانی و حزب الله از سوریه باید عنوان کرد که روس‌ها همچنان به دنبال منافع ملی خویش و حفظ سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک خود در خاورمیانه هستند. ایران گرچه در برخی از محورها در حوزه میدانی و سیاسی با مواضع کرملین اشتراکاتی دارد ولی در هر صورت در برخی از موارد نیز تهران و مسکو دارای دیدگاه متفاوتی هستند.

از این رو مقامات ایران در موضع سوریه نسبت به رویکرد روسیه ملاحظات خاص خود را داشته و دارند. به این مفهوم که برای ایجاد موازنه قوا در قبال ائتلاف فراگیر محور عربی-غربی-عبری حضور نیروهای روس در حمایت و پشتیبانی هوایی از نیروهای میدانی بشار اسد، کارایی و اثربخشی خود را داشته و ایران نیز از این مواضع حمایت کرده است. از سوی دیگر روس‌ها از دوره‌های گذشته تعهدات نظامی نسبت به اسرائیل در منطقه داشته‌اند و در بحث اسرائیل، مواضع ایران و روسیه کاملاً متضاد است. روس‌ها در حملات پیشدستانه‌ای که رژیم صهیونیستی به مواضع محور مقاومت در داخل سوریه داشته، هیچ وقت هماهنگی نظامی و پوشش هوایی را در حمایت از محور مقاومت نداشته و ندارند. شاید ایران نیز چنین انتظاری از روس‌ها در تبیین استراتژی خود در سوریه نداشته است.

بنابراین به نظر می‌رسد که سطح همکاری‌ها و مشارکت ایران و روسیه کاملاً مشخص و گاهی در یک سطح محدود تبیین شده که این به معنای همپوشانی استراتژیک در موضوع سوریه نیست. مورد دیگری که می‌توان بدان اشاره داشت اینکه روسیه به دنبال گسترش نفوذ ایران در سوریه و منطقه نیست و مایل است که همچنان به عنوان بازیگر اصلی میدان سوریه و ایفاگر نقش برتر توافقات منطقه‌ای قلمداد شود.

از دیگر سو یکی از اهداف اصلی تهاجمات اخیر اسرائیل به برخی از مراکز نظامی سوریه ایجاد درگیری گسترده با ایران و محور مقاومت عنوان شده است. از آنجا که آمریکایی‌ها به تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و برتری نظامی آن در منطقه تعهد سیاسی و اخلاقی دارند هرگونه تضعیف موقعیت منطقه‌ای این رژیم را برخلاف منافع ملی و راهبردهای منطقه‌ای خود ارزیابی می‌کنند. ورود تغییر مستقلی به نام حزب الله در منطقه و اثبات توانمندی‌های آن در عرصه میدانی می‌تواند یکی از عوامل اصلی حملات جدید قلمداد شود.

همچنین باید به یاد داشته باشیم که رژیم صهیونیستی تلاش کرده است با تحریک آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، یک ائتلاف گسترده ضد ایرانی را در منطقه شکل دهد و به ظن خود جلوی نفوذ طبیعی آن را سد کند. بی‌تردید نیروهای محور مقاومت به همراه ارتش سوریه، راهبردهای جنگی خود را برای تعیین تکلیف وضعیت میدانی سوریه و بیرون راندن تمام نیروهای مداخله‌گر خارجی پیش خواهند برد.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد ایران در سوریه همچنان سیاست‌های خاص خود را پیگیری خواهد کرد. حضور قوی و سازنده محور مقاومت در سوریه و ارتباط گسترده با بشار اسد یا همان نیروهای وفادار به او برای داشتن نفوذ و کنشاندن تهدید به مرزهای سرزمین‌های اشغالی یکی از تاکتیک‌ها و سیاست‌های راهبردی ایران در سوریه قلمداد می‌شود.

در طرح‌ریزی یک استراتژی جدید نسبت به کشورهای منطقه هیچ‌وقت ثابت و دائمی نیست. از سوی دیگر برای رسیدن به کرسی نخست‌وزیری و تشکیل دولت جدید، ائتلاف‌های مختلف در کنار هم باید به نوعی به یک تفاهم ملی برسند. یعنی حزب مقتدی صدر به‌تفاهمی توان تشکیل دولت را نخواهد داشت.

این در حالی است که با وجود گمانه‌زنی‌های برخی دولت‌های عربی و آمریکا در تبدیل ساختن عراق به عنوان یک دشمن جدید ایران در ائتلاف با عربستان و امارات، دیگر شخصیت‌های تاثیرگذار در پارلمان نظیر العبادی و هادی عامری و نیز نوری المالکی دارای مواضع مثبت و گرایش ثابت نسبت به ایران هستند و دولت العبادی نیز همواره دارای روابط دوستانه در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی با ایران بوده است. چرا که ایران بیشترین نقش مثبت را در بحث شکست داعش در عراق ایفا کرده است. سازوکار ایران نیز برای دوره پس از انتخابات باید ادامه گفت‌وگو و رایزنی با احزاب مختلف سیاسی و بدون واکنش جدی و رسانه‌ای نسبت به صحبت‌های صدر باشد. چرا که مشاهده می‌کنیم برخی از کشورهای رقیب ایران در منطقه نظیر عربستان و امارات با برجسته ساختن آرای مقتدی صدر تلاش دارند این را به منزله شکست کامل سیاست‌های تهران و دوری این کشور از ایران قلمداد کنند.

پيامد چنین رویکردی این است که عربستان می‌تواند وانمود کند توانسته است با یازگیری از نیروهای شیعه، جریان صدر، ایاد علاوی و برخی سنی‌ها حتی توازن قوا را از نزدیک‌ترین متحد ایران به نفع خود تغییر دهد. غافل از اینکه اتحاد و ائتلاف ایران با دولت و ملت عراق متمرکز بر یک شخص یا حزب خاص نیست. ایران از آنجایی که امنیت عراق را جزو امنیت خود می‌داند برای پیشبرد اهداف خویش و جلوگیری از هرگونه ناامنی در یک سطح بالاتر به فکر اتحاد و ائتلاف با ملت عراق برآمده است و با گروه‌های مختلف عراقی اعم از جریان سنی، شیعه و کردهای عراق مراودات تاریخی فرهنگی دارد.

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



تحولات منطقه در دوران پساداعش سمت و سوی جدیدی به خود گرفته است؛ از یک سو نتایج انتخابات پارلمانی در عراق و پیروزی مقتدی صدر را شاهد هستیم و از سوی دیگر در سوریه پساداعش، برخی اظهارنظرهای مقامات مسکو در رابطه با خروج نیروهای ایرانی و حزب الله از سوریه خبرساز شده است.

در خصوص مورد اول، انتخابات پارلمانی در عراق اولین انتخابات سراسری پساداعش بود و در دوره‌ای که دیگر داعش توان اثرگذاری نظامی در تحولات میدانی این کشور را ندارد، آمار انتخابات و نتایج آن نشان می‌دهد که سطح مشارکت، در قیاس با دوران گذشته سطح پایینی بوده که به گفته بسیاری از کارشناسان دلیل آن رویگردانی بسیاری از مردم از سیاست‌های اعلامی و اعلانی سیاستمداران عراق و وجود فساد گسترده اداری و سیاسی در این کشور عنوان شده است.

در هر صورت در انتخابات اخیر گروه مقتدی صدر تحت عنوان حزب السائرون توانست بیشترین آرای پارلمان را از آن خود کند و مقتدی صدر که به نوعی دارای شخصیت متناقض و رویکردهای متزلزل در حوزه سیاسی است، پیروز این انتخابات شد. باید توجه داشت که نیروهای وابسته به صدر در یک برهه از زمان، آشکارا علم مخالفت با نیروهای آمریکایی و حتی خارجی را پیش گرفتند و در یک بازه زمانی دیگر با سفر به ریاض عهد دوستی و رفع اختلاف با عربستان در دیدار با بن سلمان را مطرح ساختند.

همچنین مقتدی صدر پیش از انتخابات نیز در برخی از مصاحبه‌های رسانه‌ای، مخالفت خود با ایران و سیاست‌های آن در عراق را مطرح ساخته بود. وضعیت موجود نشان می‌دهد که تناقضات و توهمات مقتدی صدر

# تقابل با یکجانبه‌گرایی واشنگتن

## بهره‌گیری روسیه از عمل‌گرایی و سودجویی در سیاست خارجی



احمد مرجانی نژاد

مترجم و پژوهشگر مسائل بین‌الملل

ایالات متحده آمریکا به رهبری دونالد ترامپ، نه به دلیل مساله هسته‌ای، بلکه با هدف قرار دادن مسائل منطقه‌ای از برجام خارج شد؛ یعنی برای مقابله با نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه از توافق کناره‌گیری کرد تا به زعم خود یک اجماع بین‌المللی با هدف ضربه‌زدن به منافع ایران در منطقه شکل دهد. بنابراین بحران جدیدی که به رهبری آمریکا، حمایت‌های رژیم اشغالگر صهیونیستی و رژیم آل سعود شکل گرفته، فراتر از موضوع هسته‌ای است و ربطی به برجام ندارد.

در این میان روابط مسکو و واشنگتن و نگاه آمریکا به روسیه نیز حائز اهمیت است؛ ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند با روسیه مانند جامائیکا رفتار کند و باید به یاد داشته باشد که روسیه بعد از آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای جهان دارای بیشترین کلاهک هسته‌ای است. روسیه پهناورترین کشور جهان است که با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی سرزمینی دارد. این کشور از زمان تشکیل دولت متمرکز در اوایل قرن پانزدهم میلادی تاکنون، فتح نشده است. روس‌ها تاکنون همه تلاش‌ها برای تهاجم به سرزمین‌شان را خنثی کرده‌اند، به طوری که در سال ۱۸۱۲ «ناپلئون بناپارت»، امپراتور فرانسه و در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ «آدولف هیتلر»، رهبر نازیسم آلمان را که در آن زمان غیر قابل توقف بودند، مغلوب کردند. توان نظامی، وسعت و عوارض زمینی، از جمله عوامل مهمی هستند که قابلیت‌های دفاعی یک کشور را تعیین می‌کنند.

از منظر تئوریسین‌های روسیه، سیاست خارجی جاری آمریکا بر دو نظریه «واقع‌گرایی غایی» و «لیبرالیسم جدید» مبتنی است؛ بر این اساس آمریکایی‌ها می‌پندارند که کشورهای جهان به دو دسته، دوست-دشمن آمریکا، تقسیم می‌شوند که کشورهای دشمن باید تضعیف شوند و حضور آنها در حوزه‌های استراتژیک جهانی و منطقه‌ای در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید محدود و حتی الامکان سرکوب شود.

لیبرالیسم جدید نیز مدعی است که جنگ میان کشورهای غیردموکراتیک رخ می‌دهد و در همین راستا همه کشورها باید مسیر دموکراتیزه‌شدن به شکل آمریکایی را طی کنند؛ چنانچه لازم باشد برای این منظور می‌توان از ابزار پیشگیرانه جنگ استفاده کرد. بنابراین روسیه تحولات جاری در خاورمیانه را تحت مدیریت آمریکا تلقی می‌کند و بر این باور است که موج جدیدی از نظم نوین و تک‌قطبی‌سازی جهان شروع شده که شمال آفریقا، خاورمیانه، ایران و اوراسیا و در نهایت چین و روسیه را هدف قرار داده است.

تردیدی نیست که در داخل روسیه محافل مختلفی در تدوین نظریه سیاست خارجی این کشور تأثیرگذار هستند؛ چنانچه ولادیمیر پوتین مجبور می‌شود سفر به سرزمین‌های اشغالی را در ردیف اولین سفرهای

خارجی خود قرار دهد و همچنین روشن است که اولویت اول برای روسیه و پوتین مشارکت با آمریکا و اروپا در حل و فصل مسائل جهان در مقابل پیش‌بینی نقش و جایگاه قابل توجهی برای روسیه است. در همین چارچوب نیز یک نوبت در دوره پوتین تز اتحاد استراتژیک میان آمریکا و روسیه در مقابل به‌تورریسم پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و یک نوبت نیز در دوره حاکمیت دیمتری مدودف نظریه بازسازی و احیای روابط آمریکا و روسیه به آزمایش گذاشته شد.

تجدید و تهدیدهای اقتصادی، نیازمندی‌های صنعتی و فناوری، ظرفیت مقابله محدود روسیه را محدودتر کرده است؛ ضمن آنکه برخی از سیاستمداران کهنه‌کار روس همچون یوگی پرمیاکوف معتقدند: «روسیه دیگر نمی‌تواند اهمیت و اقتدار خویش را در روابط جهانی از راه رویارویی به اثبات برساند.» اما تحولات اخیر به‌ویژه در سوریه و نیز اشغال لیبی به‌خوبی اهداف و نیت توسعه‌طلبانه غرب را برملا کرد. مسکو در عین محاسبه هزینه‌هایی که ممکن است لازم باشد پرداخت کند، تلاش خواهد کرد در روند فشار بر سوریه سهیم نشود و در چارچوب ظرفیت‌های موجود خود در سازمان ملل و در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای با رویکرد یکجانبه آمریکا و متحدینش مقابله کند.

موضوع سوریه برای روسیه در حد استراتژیک تعریف شده است، نه از جهت نزدیکی بیش از حد میان این دو کشور. روسیه نشان داده است از عمل‌گرایی و سودجویی در عرصه سیاست خارجی خود به‌خوبی بهره می‌گیرد چرا که مشاهده می‌کنیم شیوه حل و فصل مساله سوریه در روندهای پیش‌رو تأثیرگذار است و موازنه‌های جهانی و منطقه‌ای را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار خواهد داد.

واقعیت این است که نخبگان سیاسی روسیه این موضوع را درک کرده‌اند که جریان اصلاحات و روشنفکری در ایران نه تنها بر بهبود و گسترش مناسبات خود با غرب و آمریکا تمرکز دارند، بلکه همواره نسبت به روسیه نوعی بدبینی دارند و این کشور را شریک قابل اعتمادی برای منافع خود نمی‌دانند. این موضوع در حالی است که به نظر می‌رسد حاکمیت در ایران که آمریکا را شیطان بزرگ می‌خواند، با وجود سابقه تاریخی گذشته که برخی

جناح‌های سیاسی بر آن تکیه دارند، اما همچنان همسایه شمالی خود را شریک قابل اعتمادی می‌داند.

یک روزنامه آلمانی گزارش داده که گویا هفته آینده، دیپلمات‌های اروپا، روسیه و چین در وین ملاقات و مذاکره خواهند کرد تا درباره گام بعدی خود پس از خروج آمریکا از برجام تصمیم‌گیری کنند. آنها امیدوار هستند با ارائه کمک‌های مالی به ایران برنامه تولید موشک‌های بالستیک و نقش آفرینی آن در منطقه را محدود کنند. این دیدار به رهبری هلگا اشمید، دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا برگزار خواهد شد. این کشورها امیدوار هستند که توافقی حاصل شود و ضمن حفظ برجام، برنامه موشک‌های بالستیک ایران نیز محدود شود. در چنین شرایطی ترامپ نیز از اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران صرف‌نظر خواهد کرد. این در حالی است که مقامات ایران بارها تاکید کرده‌اند که در خصوص مسائل دفاعی و موشکی شان هیچ مذاکره‌ای نمی‌کنند و هیچ محدودیتی را نخواهند پذیرفت.

این روزنامه آلمانی همچنین از قول یک مقام ارشد اروپایی نوشت: «باید از اسم توافق هسته‌ای وین پرهیز و فقط عنصری را به کار اضافه کنیم. فقط این می‌تواند رئیس‌جمهور ترامپ را راضی کند تا تحریم‌ها را بردارد.» ایران حتی پیش از خروج آمریکا از برجام نیز به دلیل تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه سرمایه‌گذاران غربی، نتوانسته بود از مزایای مالی برجام بهره‌مند شود. هفته گذشته کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا طی سفر به تهران تلاش کرد مقامات ایران را از مواضع استوار این اتحادیه در پایداری بر برجام مطمئن کند. از آنجا که یافتن راهی برای دوزدن قانونی تحریم‌های ایالات متحده دشوار است، مقام‌های اروپایی برای حفظ برجام درصدد یافتن رویکردی جدید هستند.

### نتیجه‌گیری

مبنای تصمیم ترامپ در خروج از برجام هرچه باشد، فاقد محتوای استراتژیک-ژئوپلیتیک منطقه‌ای است. در پاسخ به این مساله که آیا اروپا مستقل از آمریکا است و آیا ایران می‌تواند با اروپای منهای آمریکا یک رابطه مستمر سازنده داشته باشد، باید گفت که اگر چه اروپا اراده سیاسی دارد، اما ظرفیت اینکه در مقابل تحریم‌های آمریکا بایستد را شاید نداشته باشد. نباید پنداشت که اروپا به تنهایی می‌تواند در مقابل آمریکا بایستد و دوام بیاورد. باید در پی ایجاد اتحاد بین «۱+۴» باشیم؛ پنج قدرت جهانی: اینک چین، روسیه، آلمان، انگلیس و فرانسه متفقاً پشت برجام هستند، اگر چه هیچ یک به تنهایی نمی‌توانند در برابر آمریکا از برجام دفاع کنند، بنابراین باید استراتژی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد اجماع و همبستگی بین این پنج قدرت باشد.



**مبنای تصمیم ترامپ در خروج از برجام هرچه باشد، فاقد محتوای استراتژیک-ژئوپلیتیک منطقه‌ای است**

## ضربه کی روش

حذف حسینی و غفوری فوتبال ایران را شوکه کرد



ت

د

فولاد اول



«یک سال پیش تصور می‌کردم جام جهانی مهم باشد اما الان نمی‌دانم. دلایلش را از فدراسیون سوال کنید. چرا نگران شده‌اید؟ همه در کشور از این شرایط راضی هستند، پس چرا شما باید ناراحت باشید؟ روز قبل از بازی مقابل ازبکستان از من درباره روند آماده‌سازی تیم ملی می‌پرسید؟ این را باید ۲۰ روز پیش می‌پرسیدید. وقتی که این سوال را مطرح کردید فکر کردم که از لحاظ روحی یا فیزیکی ناسالم هستم و بابت این موضوع ترسیدم. وقتی شما در یک مدت برعکس جهت رودخانه شنا می‌کنید شاید دیگر این معقول نباشد و شما به این نتیجه برسید که برگردید و به جهت رودخانه شنا کنید. اگر الان همه خوشحال هستند، من هم خوشحال هستم. فدراسیون، سازمان لیگ، باشگاه‌ها و مربیان همه خوشحال هستند پس من هم خوشحالم.»

کی‌روش چند روز بعد از این کنایه‌ها لیست اسامی بازیکنان تیم ملی برای حضور در جام جهانی را اعلام کرد؛ یک لیست عجیب با ابهاماتی که هنوز بی‌پاسخ مانده.

اما آنچه باعث شد خیلی‌ها نسبت به این لیست واکنش منفی نشان بدهند، خط خوردن نام سیدجلال حسینی و وریا غفوری توسط کی‌روش بود؛ اتفاقی که باعث شوکه شدن مخاطبان لیست تیم ملی شد.

## ترکیب جوانان و باتجربه‌ها

سرمربی پرتغالی تیم ملی لیست مرکب از بازیکنان جوان و تجربه‌دار انتخاب کرد که تنها پنج بازیکن از فهرست ایران بالای ۳۰ سال سن دارند و باقی بازیکنان رنج سنی بین ۲۱ تا ۲۹ سال را تجربه می‌کنند. در جمع بازیکنان پیمان منتظری با ۳۴ سال و سیدمجید حسینی و سعید عزت‌اللهی با ۲۱ سال سن، با تجربه‌ترین و جوان‌ترین افراد تیم ملی شناخته می‌شوند. در ادامه اگر بخوایم میانگین سنی بازیکنان ایران را حساب کنیم، به سن ۲۶/۵ سال می‌رسیم که میانگین خوبی برای حضور در جام جهانی به حساب می‌آید.

همچنین اگر بخوایم میانگین قدی ۲۴ بازیکن حاضر در لیست تیم ملی را بررسی کنیم به میانگین ۱۸۳/۷۰ سانتی‌متر می‌رسیم. بین بازیکنان تیم ملی ایران علیرضا بیرانوند با ۱۹۵ سانتی‌متر به عنوان بلندقدترین بازیکن رسیده است و در ادامه میلاد محمدی با ۱۷۴ سانتی‌متر قد به عنوان کوتاه‌قدترین بازیکن ایران شناخته می‌شوند. نکته جالب توجه این است که پنج بازیکن تیم ملی ایران نسبت به امیر عابدزاده از قامت بهتری برخوردار هستند. عابدزاده در این لیست با ۱۸۶ سانتی‌متر قد بین دروازه‌بانان سوم است و نسبت به مهدی طارمی، سعید عزت‌اللهی، کریم انصاری‌فرد، روزبه چشمی و پیمان منتظری قد کوتاه‌تری دارد. همین حالا برخی رسانه‌ها معتقدند کی‌روش از بین بازیکنانی که تا کنون پیراهن تیم ملی را به تن کرده‌اند، برخی را بیش از بقیه می‌پسندد و تحت هر شرایطی به آنها فرصت بازی با حضور در اردوی تیم ملی را می‌دهد. در شرایطی که تیم ملی ایران برای اولین مرتبه دو حضور متوالی را تجربه می‌کند، چهره‌های زیادی نیستند که حضور در دو جام جهانی متوالی را تجربه کرده باشند. در میان دروازه‌بان‌های تیم ملی، هیچ‌کس گزینه مشترکی با جام جهانی قبلی حضور ندارد تا بیشترین تغییر در این منطلقه از زمین باشد. پیمان منتظری و محمدرضا خانزاده دو چهره ثابت در خط دفاعی هستند و ۶ بازیکن دیگر تیم ملی پیش از این حضور در جام جهانی را تجربه نکرده بودند تا در این خط نیز شاهد تغییرات زیادی باشیم. خط میانی تیم ملی نیز وضعیت مناسبی ندارد و احسان حاج‌صفی تنها بازیکنی است که حضور در جام جهانی قبلی و جام جهانی ۲۰۱۸ را تجربه خواهد کرد اما در فهرست مهاجمان، وضعیت متفاوت است. اشکان دژاگه، کریم انصاری‌فرد، رضا قوچان‌نژاد، مسعود شجاعی و علیرضا جهانبخش چهره‌هایی هستند که در جام جهانی

قبلی در فهرست تیم ملی حضور داشتند و اکنون نیز با تصمیم کی‌روش راهی ترکیه خواهند شد. به این ترتیب تنها ۸ بازیکن از تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ و تنها یک چهره از جام جهانی ۲۰۰۶ در فهرست تیم ملی ایران برای حضور در روسیه به چشم می‌خورد.

## معمای سیدجلال

سیدجلال حسینی بعد از اینکه پرسپولیس لیگ پانزدهم را با توجه به تفاضل گل از دست داده بود، پیراهن شماره ۴ و بازوبند سرخ را به دست آورد طی دو فصل اخیر با آمار برترین خط دفاعی و دستیابی به دو جام قهرمانی شرایط فوق‌العاده‌ای را پشت سر گذاشت.

سیدجلال حسینی نامش در پس تمام موفقیت‌های دو فصل اخیر پرسپولیس بوده و برانکو ایوانکوویچ نیز بارها با قاطعیت از نقش موثر غیبت او در ناکامی تمش در مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا حرف زده و اعلام کرد اگر او را مقابل الهلال عربستان در اختیار داشت، شانس بیشتری برای حضور در فینال حسرت‌برانگیز لیگ قهرمانان آسیا داشت. سیدجلال حسینی به عنوان رهبر تیم برانکو ایوانکوویچ در تیم ملی نیز طی این سال‌ها حضوری فعال داشت. در تیم ملی تا زمان جدال مقابل امید ازبکستان نام او همواره جزئی از لیست کارلوس کی‌روش بود و به همین دلیل است که اکنون فقدان این حضور به پرسشی بی‌پاسخ تبدیل شده است.

در ادامه نگاهی خواهیم انداخت به دلایلی که می‌تواند دلیل سرمربی پرتغالی تیم ملی برای حذف نام کاپیتان پرسپولیس از حضور در روسیه باشد.

## شرایط سنی - توانایی فیزیکی

سیدجلال حسینی اکنون ۳۶ ساله است. با این حال برای خیلی از بازیکنان خصوصاً تیم باشگاهی اش یک الگو محسوب می‌شود. جدیت در تمرینات و بازی‌ها و روحیه بالای او برای دستیابی به موفقیت‌های بیشتر از او چهره‌ای ساخته که بین تمامی بازیکنان دارای مقبولیت است. با این حال او با ۳۶ سال یکی از مسن‌ترین بازیکنان حاضر در لیست تیم ملی طی این سال‌ها محسوب می‌شود که در جام جهانی باید تاب رقابت با فوتبالیست‌ها کاملاً سرعنی حریفان را می‌آورد. با این حال همه کارشناسان گواه می‌دهند که او برخلاف شرایط سنی از حیث توانایی فیزیکی هیچ‌گاه کمتر از دیگران نبوده است.

## عدم مشارکت کافی

کی‌روش در اواسط لیگ هفدهم طی برنامه آماده‌سازی خود از بازیکنانی که در لیست خود حضور دارند یک خواسته ویژه و حساسیت‌برانگیز داشت. او اعلام کرده بود بازیکنان حاضر در لیست باید روز بعد از بازی‌های داخلی در اردوی ریکواری تیم ملی حاضر شوند. درخواستی که در ابتدا با مخالفت برانکو ایوانکوویچ و امیر قلعه‌نویی همراه شد و در

۲۲

فهرست نهایی تیم ملی برای حضور در جام جهانی ۴ ژوئن به فیفا اعلام خواهد شد. سیدجلال حسینی با حضور در آخرین بازی برگزار شده تیم ملی مقابل ازبکستان از اردو کنار می‌رود و مشخص نیست شانس مجددی برای بازگشت داشته باشد یا خیر.

۲۲

ادامه همکاری لازم در این ارتباط صورت گرفت. سیدجلال حسینی نیز به‌رغم مصدومیتی که داشت در بیشتر اردوهای ریکواری و یک حضور داشت. کی‌روش در آخرین مصاحبه خود با خبرگزاری‌ها نیز اعلام کرده بود که اولویت او برای دعوت بازیکنان به تیم ملی کسانی هستند که در این برنامه آماده‌سازی حضوری کامل داشته‌اند. سیدجلال حسینی تنها در یک برنامه که مربوط به جلسه پایانی بود، حضور نداشت.

## میدان دادن کی‌روش به جوانان

کی‌روش برای لیست خود در پست مدافع میانی در حال حاضر مرتضی پورعلی‌گنجی، سیدمجید حسینی، روزبه چشمی و محمدرضا خانزاده را به اردو دعوت کرده است. بازیکنانی با شرایط سنی جوان تر. اینکه تمام بازیکنان حاضر در این پست شرایط سنی کمتر از ۲۸ سال دارند شاید یکی دیگر از دلایل عدم حضور نام سیدجلال حسینی در لیست باشد. کی‌روش با آشنایی نسبت به حریفان تیم ملی در جام جهانی و سرعت بالای فردی و تاکتیکی آنها که یکی از دردهای بازیکنان ایرانی خواهد بود، احتمالاً نام کاپیتان باتجربه تیم خود و پرسپولیس را در لیست قرار نداده باشد. در همین حال اگر بخوایم به جریانات فضای مجازی و برخی شایعات موجود در این رابطه بپردازیم. چند نکته عجیب وجود دارد؛ یکی از دلایلی که در این رابطه گفته می‌شود همراهی سیدجلال حسینی با پرسپولیس در بازی مقابل الجزیره امارات است. کاپیتان پرسپولیس به‌رغم اینکه از بازی رفت مقابل الجزیره امارات محروم بود اما به درخواست برانکو ایوانکوویچ و برای همراهی و روحیه دادن به هم‌تیمی‌هایش در امارات حاضر شد. این در حالی است که گفته می‌شد کی‌روش از بازیکنان محروم و مصدوم خواسته بود تا این بازیکنان در اردوی تیم ملی مشارکت کنند، همان‌طور که امید ابراهیمی و روزبه چشمی در بازی با الهلال استقلال را همراهی نکرده بودند؛ البته پاسخ باشگاه پرسپولیس این است که هیچ درخواستی از تیم ملی برای عدم همراهی سیدجلال حسینی در سفر به امارات وجود نداشته که این بازیکن نخواهد به آن پاسخ مثبت بدهد. البته شایعات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد اما بدون شواهد کافی به هیچ وجه نمی‌شود به آنها بها داد. تمامی این اتفاقات باعث شد تا کاپیتان موثر پرسپولیس و تیم برانکو ایوانکوویچ دومین جام جهانی خود را در عین ناباوری از دست بدهد و وداع تلخی در روزهای پایانی باقیمانده تا اعزام به روسیه داشته باشد.

اما واکنش سرپرست باشگاه پرسپولیس به خط خوردن نام سیدجلال حسینی از لیست تیم ملی حالا واکنش هواداران پرسپولیس در شبکه‌های اجتماعی را شدت بخشیده است. گزارش‌هایی گفته است: «سیدجلال سید و بزرگ تیم است و هر زمان که در زمین حضور دارد ارتباط خوبی هم با برانکو برقرار می‌کند. کسی انتظار نداشت با این همه زحمتی که سیدجلال برای تیم ملی کشیده او خط بخورد اما وظیفه همه ما حمایت از تیم ملی است و فکر می‌کنم تا این لحظه کنار گذاشتن این ۴ بازیکن قطعی نشده اما نظر شخصی ما را نه به عنوان سرپرست باشگاه پرسپولیس، بلکه به عنوان یک شهروند می‌گوییم و آن اینکه وقتی سیدجلال گل پیروزی ما را به الجزیره زد دلم لرزید که او از تیم ملی خط می‌خورد.»

او تاکید کرده است: «این حس شخصی من بود چرا که رفتارهایی در این مدت دیده‌ام که بعد از جام جهانی درباره آن صحبت خواهیم کرد. به عنوان سرپرست باشگاه پرسپولیس درباره کی‌روش صحبت‌هایی دارم، تیم ما بهترین دفاع، بهترین حمله، بهترین تیم و بهترین گلزن را در اختیار دارد اما سزاوار نبود که ۷ بازیکن ما این‌طور تحلیل برونند. سیدجلال در بازی با الجزیره نشان داد که چقدر آماده است اما حتی با باشگاه پرسپولیس هم تماسی گرفته نشد تا



اورا از نظر روحی آماده کنیم، همه اینها به خاطر این است که همه بازیکنان دوست دارند در تیم ملی حضور داشته باشند و برای کشور افتخار آفرین باشند اما این رفتارها با کاپیتان پرسپولیس حرفه‌ای نبود.»

با همه اینها قرار است در نهایت یک نفر از لیست تیم ملی خط بخورد تا لیست نهایی بازیکنان تیم ملی به فیفا اعلام شود. در چنین شرایطی گمانه‌زنی‌هایی درباره آخرین نفری که از لیست کی‌روش حذف می‌شود، به وجود آمده است. برخی بر این باور هستند که وضعیت اشکان دژآگه با توجه به مصدومیتی که دارد هنوز به طور کامل مشخص نشده و شاید کی‌روش به همین خاطر ۲۴ بازیکن را به اردوی ترکیه می‌برد. عده‌ای نیز معتقد هستند در خط دفاعی کی‌روش هنوز به چیزهایی که مدنظرش است دست پیدا نکرده و به خاطر تردیدهایی که دارد یک نفر اضافه به اردو برده و از جمع مدافعان تیم یک نفر را خط می‌زند. با این حال بازی با ترکیه، یونان و لیتوانی مشخص می‌کند آخرین بازیکنی که جام جهانی روسیه را از دست می‌دهد چه کسی است. باید منتظر ماند و دید در آینده چه اتفاقاتی پیرامون این موضوع رخ می‌دهد.

موضوع حذف نام سیدجلال حسینی از لیست بازیکنان حاضر در جام جهانی اما همان قدر شوکه کننده است که حذف نام وریا غفوری. در حالی که وریا غفوری در استقلال یکی از بهترین سال‌های فوتبالی‌اش را پشت سر گذاشت اما در لیست نهایی کارلوس کی‌روش در تیم ملی قرار نگرفت؛ موضوعی که با تعجب بسیاری از اهالی فوتبال روبه‌رو شد. در این بین، تعدادی از بازیکنان استقلال از جمله مهدی رحمتی به عنوان کاپیتان تیم با غفوری تماس گرفتند تا به این بازیکن دل‌داری بدهند.

فهرست نهایی تیم ملی برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۴ ژوئن به فیفا اعلام خواهد شد. سیدجلال حسینی با حضور در آخرین بازی برگزار شده تیم ملی مقابل ازبکستان از اردو کنار می‌رود و مشخص نیست شانس مجددی برای بازگشت داشته باشد یا خیر. وضعیت وریا غفوری نیز همین طور است و هیچ کس از تصمیم بعدی کی‌روش خبر ندارد. آیا کارلوس کی‌روش با تیم‌های پرطرفدار استقلال و پرسپولیس لجبازی کرد؟ آیا او بابت خط خوردن نام حسینی و غفوری پاسخ‌های قانع کننده‌ای خواهد داشت؟ تقریباً ۲۴ ساعت طول کشید که کی‌روش در این زمینه پاسخ‌هایی را مخابره کند. او در گفت‌وگو با فارس درباره حذف وریا غفوری و سیدجلال حسینی تأکید کرد: «من اصولاً دوست ندارم که فقط در مورد یک یا دو بازیکن خاص صحبت کنم ولی به خاطر احترامی که برای سیدجلال حسینی و وریا غفوری قائل هستم، پس حالا در مورد آنها صحبت می‌کنم. اصولاً چنین تصمیماتی مربوط می‌شود به تصمیم‌گیری نهایی مربیان. به عنوان مثال سیدحسین حسینی دروازه بان استقلال ۸۷۳ دقیقه گل نخورد، وقتی چنین رکوردی زده بود و کلین شیت‌های

۲۲

آیا پاسخ‌های کی‌روش موج مخالف خوانی‌ها را تخفیف خواهد داد؟ هر چه هست خیلی‌ها اعتقاد دارند او در آستانه خداحافظی با تیم ملی فوتبال ایران و پایان قراردادش با فدراسیون فوتبال حکم جعبه سیاهی را دارد که هر آن امکان دارد جنجال‌های بزرگی به پا کند.

۲۲

خودش را حفظ کرد، یکبار به تصمیم سرمربی استقلال دیگر برای این تیم بازی نکرد که خود من هم شوکه شدم. همان طور که گفتم چنین مواردی به تصمیمات مربیان مربوط می‌شود، ولی بازیکنان دیگری هم هستند که چنین اتفاق‌هایی برای‌شان رخ می‌دهد. در مورد وریا غفوری هم باید بگویم که هیچ مربی‌ای به اندازه من وریا را نمی‌شناسد و بنده این اختیار را برای خودم قائل هستم که در مورد این بازیکن صحبت کنم چون قبل از اینکه وریا بخواند به استقلال برود من این بازیکن را به تیم ملی دعوت کردم. در آن زمان وریا غفوری دفاع راست بسیار خوبی بود و بنده بیش از یک ماه پیش او را صدا کردم و به او گفتم: «بسرم ما در تیم ملی نیازی به وینگر راست نداریم، تو باید در دفاع راست بازی کنی. چون بازیکنانی مثل علیرضا جهانبخش، کریم انصاری فرد و قلی‌زاده در وینگر راست هستند و من چنین نفراتی را در این پست دارم.» من به وریا تأکید کردم که در تیم ملی به یک دفاع راست محکم نیاز دارم اما وقتی در تیم استقلال و با تصمیم وینفرد شفر او از پست دفاع راست به هافبک راست تبدیل می‌شود این دیگر به سرمربی این تیم برمی‌گردد. نمی‌دانم چگونه شفر از عدم دعوت وریا غفوری به تیم ملی سوپررایز شده است. وقتی در تیم خودش اعتقادی ندارد که در دفاع راست او وریا استفاده کند و پست او را تغییر می‌دهد چگونه سوپررایز می‌شود؟ این تغییرات در تیم استقلال انجام شد و این جابه‌جایی پست، این تصمیم از جانب من گرفته شد. وقتی قرار است ما مقابل تیم‌های بزرگی مثل مراکش، اسپانیا و پرتغال بازی کنیم، من احتیاج به یک دفاع راست محکم دارم اما من می‌خواهم بگویم که چنین تصمیماتی در فوتبال یک امر طبیعی است و گاهی اوقات چنین اتفاق‌هایی در فوتبال رخ می‌دهد، اتفاق‌هایی عجیب. به عنوان مثال در تیم ملی مکزیکی یک زمانی یک بازیکنی به نام خورخه کلمپوس در باشگاه خودش یک مهاجم بود ولی در تیم ملی درون دروازه قرار گرفت، اتفاق عجیبی بود اما چنین اتفاق‌هایی در فوتبال رخ می‌دهد و در مورد شرایط وریا غفوری نیز به تصمیم شفر نیز احترام بگذاریم ولی باز هم تأکید می‌کنم که من در جام جهانی نیاز به یک دفاع

محکم داشتم و توقعم از این بازیکن این بود که در پست دفاع برای باشگاهش بازی می‌کرد. من همیشه سبک بازی وریا را تحسین کردم و در ۴ سال گذشته همواره او به تیم ملی دعوت شده و این کارلوس کی‌روش بوده که وریا را به تیم ملی دعوت کرده است.

کی‌روش درباره حسینی نیز گفت: «حالا در مورد یک بازیکن خاص که می‌خواهم به صورت ویژه در موردش صحبت کنم بازیکن من یعنی سیدجلال حسینی است. بیش از ۷ سال است؛ تأکید می‌کنم بیش از ۷ سال است از زمانی که من سرمربی تیم ملی ایران شده‌ام سیدجلال حسینی همیشه در تمامی اردوهای تیم ملی حضور داشت. حتی یک اردو را هم سیدجلال از دست نداد، همیشه او را دعوت کردم، همین نشان می‌دهد که من چقدر این بازیکن را باور دارم. سیدجلال بازیکنی بود که همیشه تأثیرات زیادی در تیم ملی داشت، تأثیر این بازیکن را در روند موفقیت تیم ملی به عنوان یک بازیکن کلیدی چه در داخل زمین و چه بیرون زمین از لحاظ حرفه‌ای گری و از لحاظ اخلاق و از لحاظ کیفیت بازی دیده‌اید.

در راستای منافع تیمی فقط با یک کلمه می‌توانم سیدجلال را توصیف کنم؛ احترام. مادر ساختمان پک دیواری داریم که به نام ساختمان مفاخر نامگذاری شده، آن دیوار متعلق به ۶ بازیکن برتر تاریخ فوتبال ایران است، جلال یکی از آن ستون‌هایی است که در ساختمان پک و در تاریخ فوتبال ایران ثبت شده ولی الان ما جام جهانی و در آینده جام ملت‌های آسیا را در پیش داریم. باید در چنین وضعیتی فضایی بسازیم تا نفرات جوان‌تر به تیم ملی بیایند و در آینده کمک حال مان باشند. نفراتی مثل مجید حسینی، مرتضی پورعلی‌گنجی، خازنده، روزبه چشمی و بازیکنان جوان دیگر. باید رو به جلو حرکت کنیم. با تمام احترام قلبی که برای سیدجلال حسینی قائل هستم مخصوصاً خودم ولی همین احترام را باید برای نسل آینده فوتبال ایران نیز داشته باشیم. آنهایی که در آن رشد می‌کنند باید چنین احترامی را برای‌شان قائل باشیم. ما نمی‌توانیم یک تیم ملی داشته باشیم که فقط در حالت رکود باشد، بلکه باید رو به جلو حرکت کنیم. یک بار دیگر تأکید می‌کنم که سیدجلال حسینی در لیست انتظارمان خواهد ماند و هر لحظه که احتیاج باشد او به تیم ملی ملحق خواهد شد. سیدجلال حسینی از جمله بازیکنانی بود که با الگوی اخلاقی و فنی که همیشه از خود نشان داده باعث شده که من عاشق بازیکنان ایرانی شوم و یکی از دلایلی که باعث شد من ۷ سال در ایران بمانم همین سیدجلال حسینی بود.»

آیا پاسخ‌های کی‌روش موج مخالف خوانی‌ها را تخفیف خواهد داد؟ هر چه هست خیلی‌ها اعتقاد دارند او در آستانه خداحافظی با تیم ملی فوتبال ایران و پایان قراردادش با فدراسیون فوتبال حکم جعبه سیاهی را دارد که هر آن امکان دارد جنجال‌های بزرگی به پا کند.

## لیست نهایی تیم ملی

سعید عزت‌اللهی، روستوف روسیه

### مهاجمان:

علیرضا جهانبخش، آکمار هلند

اشکان دژآگه، ناتینگهام انگلیس

مهدی طارمی، الغرافه قطر

رضا قوچان‌نژاد، هیرنوین هلند

سامان قدوس، اوسترشوند سوئد

سردار آزمون، روبین کازان روسیه

وحید امیری، پرسپولیس

مرتضی پورعلی‌گنجی، السد قطر

پژمان منتظری، استقلال

رامین رضاییان، اوستنده بلژیک

روزبه چشمی، استقلال

### بازیکنان میانی:

احسان حاج‌صفی، المپیا کوس یونان

کریم انصاری فرد، المپیا کوس یونان

مسعود شجاعی، آ‌آ‌ک آن یونان

مهدی تراهی، سیلیا

امید ابراهیمی، استقلال

### دروازه بان‌ها:

علیرضا بیرانوند، پرسپولیس

رشید مظاهری، ذوب آهن

امیر عبدزاده، ماریتیمی پرتغال

### مدافعان:

علی قلی‌زاده، سایپا

مجید حسینی، استقلال

میلااد محمدی، اخمت گروزنی

محمد خازنده، پدیده



## فدراسیون قائل به شفاف سازی نیست

حرف‌های کی‌روش درباره خط خوردن حسینی و غفوری عقلانی و فنی نیست

بیژن ذوالفقارنسب

کارشناس فوتبال



اجازه بدهید قبل از هر چیزی تکلیف خودمان را با تیم ملی فوتبال کشورمان روشن کنیم. همه ما تیم ملی را دوست داریم. علاقه‌مندیم که تیم ملی در جام جهانی نتیجه لازم را کسب کند و بتواند عملکرد خوبی داشته باشد. با این مقدمه می‌خواهم عرض کنم در همه جای دنیا یا فدراسیون یا سرمربی تیم ملی در برهه‌هایی که اهالی فوتبال، افکار عمومی یا رسانه‌ها برای شان اتهامات جدی به وجود آمده، سعی می‌کنند پاسخگوی اتهامات باشند و شفاف سازی کنند.

اما در فوتبال ما

فدراسیون فوتبال اساساً به این موضوع اعتقادی ندارد. سرمربی تیم ملی هم که اصلاً قائل نیست درباره ایرادهايش نقدها را بپذیرد یا اینکه درباره تصمیمات عجیبش توضیح قانع کننده‌ای بدهد. در چنین شرایطی مردم به رسانه‌ها نگاه می‌کنند. منتظرند که ببینند رسانه‌ها چه واکنشی نشان خواهند داد. آیا پاسخ سوال‌های خود را دریافت خواهند کرد یا خیر؟

سوال‌ها اما بعد از اعلام اسامی تیم ملی روشن است. مردم علاقه‌مندند که بدانند چرا بازیکنانی مثل سیدجلال حسینی و وریا غفوری یا حتی کاوه رضایی به تیم ملی دعوت نشده‌اند. حسینی و غفوری همواره در

اردوهای تیم ملی حاضر بوده‌اند. در بازی‌های مقدماتی نقش موثری داشته‌اند و در بازی‌های دوستانه هم حضور داشته‌اند. با این حال در فاصله کمی تا شروع بازی‌های جام جهانی از لیست تیم ملی خط می‌خورند. من وقتی مصاحبه کی‌روش درباره خط خوردن این بازیکنان را خواندم بسیار تعجب کردم. اما تعجب من این است که وقتی کی‌روش در اردوهای متعدد این بازیکنان را به تیم ملی دعوت می‌کند، دلیلش این است که از استاندارد بودن این بازیکنان اطمینان حاصل کرده است، بنابراین خط زدن این بازیکنان آن هم در این شرایط کار درستی نبود. هیچ یک از این بازیکنان از شرایطی که یک بازیکن استاندارد باید داشته باشد، خارج نشده‌اند. در طول فصل همواره بهترین‌ها بوده‌اند. بنابراین ریشه این تصمیمات را باید در مسائل دیگری جستجو کرد. با این حال خیلی‌ها منتظرند که ببینند کی‌روش ۱۴ خرداد چه لیستی را نهایی خواهد کرد و کدام بازیکن را کنار می‌زند و کدام بازیکن را به تیم ملی اضافه می‌کند. او فقط حق دارد یک تغییر دیگر در تیمش ایجاد کند و من بعد می‌دانم که سیدجلال حسینی و وریا غفوری شانس برای بازگشت داشته باشند.

نکته دیگری که برای من جای سوال پیدا کرده این است که چند بازیکن از نفراتی که کی‌روش به تیم ملی دعوت کرده دچار مصدومیت هستند. به عنوان مثال می‌توان از اشکان دژاگه نام برد که اصطلاحاً ماه‌های اخیر نتوانسته بازی کند اما به‌رغم اینکه اصلاً در شرایط بازی کردن قرار ندارد از سوی کی‌روش به تیم ملی دعوت شده. بازیکنان دیگری هم هستند که چنین شرایطی دارند اما کی‌روش آنها را به جلال حسینی و وریا غفوری ترجیح داده است. این سوال‌ها به نظرم پاسخ منطقی نمی‌تواند داشته باشد. با این حال معتقدم عده‌ای حق دارند بگویند سیدجلال حسینی و وریا غفوری با محرومیت از حضور در جام جهانی از سوی کی‌روش به تیم ملی تنبیه شده‌اند؛ تنبیه‌ای که از صلاح تیم ملی فوتبال نخواهد شد.

روش در واکنش به همه که درباره خط خوردن شده این گونه پاسخ‌هایش کنار گذاشته و

وریا غفوری از بهترین بازیکنان لیگ فوتبال ایران بود





## تصمیم کی روش درباره سید جلال است حسینی، قربانی لجبازی کی روش با شفر شد

تیم‌های حاضر در جام جهانی شاید از برخی بازیکنان بالای ۳۵ سال خود استفاده کنند اما تحت چه شرایطی؟ تحت این شرایط که آن بازیکن از لحاظ فیزیکی و سرعت بسیار آماده باشد، بازیکنانی که واقعا می‌توانند ۱۲ کیلومتر بدوند. حال آنکه سید جلال باتمام احترامی که برایش قائل هستیم در این مورد کند است. باتوجه به روحیه‌ای که از کی روش سراغ داریم بعید به نظر می‌رسد که او به دلایل غیرفنی حسینی را کنار گذاشته باشد. کی روش اگر با بازیکنی مشکل داشته باشد امکان ندارد که این گونه از او تعریف و تمجید کند. اما می‌بینیم که به چه ادبیات توأم با احترامی درباره سید جلال صحبت کرده است. به نظر من تصمیم کی روش صحیح است. اومی گوید دور باید به جوانان برسد. این حرف از نظر من قابل دفاع است. البته به نظر خیلی خوب می‌شد که به پاس قدردانی از زحمات سید جلال حسینی این بازیکن در کنار تیم ملی قرار می‌گرفت تا به عنوان یک روزنه روحی به دیگر بازیکنان آید و انگیزه بدهد. حضور این بازیکن در کنار تیم ملی می‌توانست اتفاق خوبی باشد. مورد بعدی که ما می‌بینیم درباره اش صحبت کنم این است که نباید کی روش را به خاطر توجه ویژه‌اش به لژیونرها سرزنش کنیم. به‌طور حتم بازیکنانی که در لیگ‌های سخت و معتبر و استانداردهای جهانی بازی می‌کنند از نظر روانشناختی یک سر و گردن بالاتر از بازیکنانی هستند که در لیگ داخلی ما بازی می‌کنند. آنها در بازی‌های خارجی تنه به تنه بازیکنان با تیم‌های بزرگ می‌زنند اما بازیکنی که در لیگ داخلی ما بازی می‌کند نهایتاً می‌تواند خود را در بازی‌های آسیایی آن هم مقابل تیم‌های عربی محک بزند. بنابراین بازیکنان شاغل در لیگ‌های خارجی نه تنها از نظر روانشناختی بلکه از نظر فنی و تاکتیکی هم بسیار انعطاف‌پذیری بالاتری نسبت به بازیکنان حاضر در لیگ داخلی ما دارند. اما ایرادی که می‌توانم درباره لیست تیم ملی بگیرم جدا از مساله وریا غفوری که به‌نظرم کی روش می‌توانست به دیده اغماض به او نگاه کند و او را با تیم ملی به جام جهانی ببرد به‌موردی برمی‌گردد که این روزها اتفاقاً مورد بحث قرار گرفته است. به‌نظرم انتخاب عابدزاده به عنوان دروازه‌بان سوم تیم ملی و خط زدن حسینی، لجبازی کی روش با شفر بود. وقتی شفر، حسینی آماده را روی نیمکت گذاشت و مهدی رحمتی که بازیکن مغضوب کی روش است را به دروازه‌بان اصلی تیمش تبدیل کرد کی روش هم لجبازی کرد. قربانی شدن حسینی در دل این دعوا تأسف‌برانگیز است چون به عقیده من این دروازه‌بان می‌توانست به تیم ملی کمک کند. با همه اینها چاره‌ای جز انتظار نداریم. باید منتظر بمانیم و ببینیم کی روش در جام جهانی چه خواهد کرد. امیدوارم تیم ملی مان موفق شود مردم عزیزمان خوشحال باشند.

اسپانیا و پرتغال یارای مقاومت داشته‌اند. در مورد وریا غفوری هم بنده اعتقاد دارم که کی روش تصمیم درستی گرفته. کی روش در توانمندی فنی این بازیکن شک ندارد اما باید به او حق بدهیم که بازیکنی را به تیم ملی دعوت کند که در فصل اخیر در همان پست بازی کرده باشد. عده‌ای می‌گویند پس چرا کی روش از برخی بازیکنان در پست‌هایی استفاده می‌کند که در باشگاه خود پست متفاوتی را تجربه کرده‌اند. در پاسخ باید بگویم باید منتظر بمانیم و ترکیب یا تاریخ کی روش در بازی‌های جام جهانی را ببینیم. اگر در تاریخ خود ثابت کرد که حرف‌هایش متناقض بوده و از برخی بازیکنان در پست‌های غیر تخصصی‌شان استفاده کرد آن وقت همه ما حق داریم او را مورد شتمات قرار بدهیم. حرف من این است که اگر قرار است به این ماجرا حرف‌های نگاه کنیم در درجه اول باید یاد بگیریم که این سرمربی تیم است که بازیکنانش را انتخاب می‌کند و برای آنها شرح وظایف تعیین می‌کند و در نهایت در قبال نتایجی که کسب می‌کند پاسخگو خواهد بود. اما ما می‌بینیم درباره بازی دوستانه تیم ملی برابر ازبکستان بگویم که بسیار بازی بی‌روح و سردی بود. بدون برنامه بودیم. هم در دفاع و هم در حمله برنامه‌ای نداشتیم. بازیکنان هم مراقب ساق‌های خود بودند که آسیبی نبیند. دنبال فوتبال بازی کردن نبودند. در نیمه اول ما تیم واقعی کی روش را در زمین ندیدیم اما مساله آنجایی برای من نگران‌کننده است که در نیمه دوم تقریباً ۷۰ درصد بازیکنانی که حالا در لیست نهایی تیم ملی هستند، در زمین حضور داشتند اما بازی بسیار بدی ارائه دادند. به هر حال امیدوارم بازی‌های تدارکاتی بعدی که قرار است برابر ترکیه، یونان و لیتوانی انجام شود، به آماده‌سازی بهتر بازیکنان بینجامد. خود کی روش این روزها ناامید و نگران درباره درصد موفقیت تیم ملی حرف می‌زند. این موضوع برای هیچ یک از ما که عاشق تیم ملی فوتبال کشورمان هستیم خوشایند نیست اما بنده امیدوارم ظرف روزهای آتی کی روش بتواند تیمش را به خوبی جمع و جور کند تا بتوانیم از بازی‌های بسیار سختی که پیش رو داریم سربلند بیرون بیاوریم. در حال حاضر جامعه ما و به‌خصوص جامعه خبری ما علاقه‌مند است درباره خط خوردن حسینی و غفوری صحبت کند. من ایرادی در این قضیه نمی‌بینم. به هر حال هر کسی نظری دارد اما این را هم در نظر بگیرید که

مسعود اقبالی

مربی فوتبال



من به کارلوس کی روش حق می‌دهم که تیم ملی را با بازیکنانی بسازد که خودش صلاح می‌داند. این سرمربی تیم است که باتوجه به حرفان تیم ملی در جام جهانی می‌تواند بازیکنانش را انتخاب کند. در این بین طبیعی است که برخی تصمیمات شوکه‌کننده باشد. من فکر می‌کنم بخش مهمی از انتقادات نسبتاً تنیدی که این روزها درباره تصمیمات کی روش مطرح می‌شود به این دلیل است که او بازیکنانی از استقلال و پرسپولیس را خط زده است. تصور کنید اگر این بازیکنان در تیم‌هایی جز استقلال و پرسپولیس بازی می‌کردند چنین موج حمایتی درباره‌شان به راه افتاد یا خیر؟ به‌طور حتم خیر. از این گذشته کی روش در مصاحبه خود به نکاتی اشاره کرده که به‌نظرم خیلی مهم هستند. او گفته دلالت‌هایی با نفوذ به اردوهای تیم ملی در صدد برآمده‌اند که در اردوهای تیم ملی بازیکنانی را از یک باشگاه به باشگاه دیگر متمایل کنند. بعد هم تاکید کرده که اجازه نخواهد داد که پای این دلالت‌ها به جام جهانی هم باز شود و برای تیم ملی حواشی تازه‌ای ایجاد کنند. این حرف‌ها برای من خیلی شوکه‌کننده بود. بسیار بیشتر از خط خوردن حسینی و غفوری از مواجه شدن با چنین وقایع تلخی شوکه شدم. با همه اینها عده‌ای بحث سید جلال حسینی و وریا غفوری را مهم‌تر می‌دانند. باید عرض کنم که به خودم اجازه نمی‌دهم درباره تصمیم کی روش درباره لیست تیم ملی انتقادی را وارد بدانم. شاید کی روش نمی‌توانست بهتر از اینها تصمیمات خودش دفاع کند. شاید اصلاً بهتر از اینها می‌توانست انتخاب کند اما فراموش نکنید که در تیم‌های بزرگی مثل اسپانیا و پرتغال هم تغییراتی ایجاد شده که در نوع خود عجیب است اما بعید می‌دانم در آنجا چنین حجمه‌ای علیه سرمربی تیم ملی‌شان شکل گرفته باشد. کی روش معتقد است سید جلال حسینی در شرایطی قرار گرفته که سن و سالش به او اجازه نمی‌دهد در بازی‌های سنگینی در سطح جام جهانی آن هم در مقابل مهاجمان بزرگ تیم ملی

## کی روش لجباز است

### خطزدن حسینی و غفوری هیچ توجیه فنی ندارد

بهتاش فریبا

مری فوتبال



قبل از هر چیز فراموش نکنیم که هر مری با فلسفه خاص خودش کار می کند. بعضی مربیان گاهی در ترکیب تیم شان دست به تغییراتی می زنند که خیلی های دیگر شاید آن تغییرات را نپذیرند. اما آنها با توجه به طرز فکر خودشان دست به این تغییرات زده اند. آنچه درباره لیست تیم ملی می توانم مطرح کنم این است که من بخشی از این تغییرات را قابل توجیه می دانم و برخی از تغییرات را از لحاظ فنی قابل توجیه نمی دانم.

در مورد بیت اشور، نورافکن یا سروش رفیعی قابل توجیه است که کی روش بخواهد انتخاب های دیگری داشته باشد اما در مورد سیدجلال حسینی و وریا غفوری تصمیم کی روش برای من به معنایی تبدیل شده. هر قدر فکر می کنم می بینم برای عبور از این بازیکنان هیچ توجیه فنی وجود ندارد. در سالی که گذشته هم سیدجلال حسینی و هم وریا غفوری جزو بهترین های تیم خود بودند. حسینی در پرسپولیس عملکرد فوق العاده ای داشت و دیدید که در لیگ قهرمانان آسیا بود و نبود این بازیکن چقدر روی ساختمان دفاعی تیم تاثیر داشت. در بازی برابر الجزیره هم با آن گل خوش ناچی پرسپولیس شد. وریا غفوری هم در استقلال فصل خیلی خوبی را پشت سر گذاشت و ثابت کرد که یک بازیکن خوش تکنیک و خوش فکر است که هر مری می تواند روی توانمندی های فنی اش حساب ویژه ای باز کند.

این دو بازیکن هر گاه در تیم ملی بودند هم عملکرد خوبی داشتند. کی روش حالا تصمیم گرفته این دو بازیکن را خط بزند و با تیم ملی به جام جهانی نبرد. وقتی هم افکار عمومی و رسانه ها پاسخ را جویا شده اند، گفته است حسینی من را عاشق بازیکنان ایرانی کرد و کلی از این بازیکن تعریف و تمجید کرده و در نهایت گفته بهتر است جوانگرایی کنیم و بازیکن جوانی را به جای او به روسیه ببریم. این توجیه از لحاظ فنی همان اندازه برای من قابل قبول نیست که توجیه ایشان درباره وریا غفوری. آقای کی روش! شما می گوید چون شرف از وریا در پست هافبک استفاده کرده است پس این بازیکن به درد من نمی خورد در حالی که خود شما وینگر راست تیم سابقا را در تیم ملی در دفاع چپ گذاشته ای. پژمان منتظری دفاع وسط را هافبک وسط تیم ملی گذاشته ای. این ایراد نیست، اصلا قصد ندارم بگویم کی روش اجازه

حسینی و غفوری را دیدم و بعد کی روش مصاحبه کرد و از تصمیم های خودش آن گونه دفاع کرد، مطمئن شدم که این بازیکنان به تیم ملی دعوت نخواهند شد. به خصوص اینکه خیلی ها از این دو بازیکن حمایت کرده اند که کی روش اساسا با آنها مشکل دارد. به همین دلیل باید عرض کنم کی روش آن قدر لجباز هست که از تصمیم خودش عقب نشینی نکند.

از طرفی من گمان می کنم حق کاوه رضایی هم بود که به تیم ملی دعوت شود. به نظرم او گزینه بهتری بود تا گوچی. گوچی البته بازیکن خیلی خوبی است و در صعود تیم ملی به جام جهانی نقش خیلی موثری داشته اما در همین بازی دوستانه آخر مقابل ازبکستان هیچ کاری نکرد. هیچ کار مثبتی از او ندیدیم و من فکر می کنم این مهاجم مدتی است که مثل سابق زهردار نیست. شما عملکرد این دو مهاجم را با هم مقایسه کنید. کاوه رضایی در لیگ بلژیک عالی عمل کرده. تعداد گل های این دو مهاجم با یکدیگر قابل مقایسه نیست. زمان نشان می دهد که کی روش چه بازیکنی را از دست داد. کاوه ۳ یا شاید ۴ پست بازی می کند و این فوق العاده است. این موضوع نشان می دهد که او چقدر می توانست به تیم ملی کمک کند. او هم ساتر فوروارد است- و ما در استقلال از او در پست های وینگر چپ و راست هم استفاده کردیم و هم هافبک پشت فوروارد می تواند بازی کند. این نشان می دهد که این بازیکن چقدر قابلیت های بالایی به لحاظ فنی و تاکتیکی دارد. با این حال ابهامات هنوز برای خود من حل نشده. به عنوان مثال نمی دانم چرا کی روش که از تغییر پست وریا صحبت می کند چرا احسان حاج صفی را دعوت کرده. این بازیکن هم در تیم باشگاهی اش در یونان در پست متفاوتی بازی می کند که در تیم ملی در آن پست قرار نگرفته است. چرا سلیقه خودتان را به گردن شفر می اندازید؟ فکر می کنم دلایل کی روش برای خط زدن برخی بازیکنان برای خیلی ها غیر قابل قبول است. فکر می کنم مسائل دیگری در کار است. در همین مصاحبه اش هم عنوان کرده که برخی دلایل شبانه بازیکن را از اردوی تیم ملی به پرسپولیس برده اند یا مسائل دیگری که مطرح کرده است. در مورد وریا هم شنیدم که یکی دو جا نافرمانی هایی داشته که به مذاق کی روش اصلا خوش نیامده.

کی روش مری بسیار سختگیری است و برای او نظم و انضباط در اولویت قرار دارد. با همه اینها باز هم اعتقاد دارم که به جای این بهانه جویی ها بهتر بود کی روش می گفت این لیست سلیقه من است و خودم پاسخگوئی آن خواهم بود. در این صورت دیگر هیچ بحثی باقی نمی ماند. در پایان باید عرض کنم که عده ای در مورد دعوت شدن امیرعابدزاده به تیم ملی هم واکنش های منفی نشان داده اند. این عده معتقدند به جای او باید سید حسینی دعوت می شد. هر دو دروازه بان جوان هستند. شما به لیست تیم ملی که نگاه کنید متوجه می شوید که بخش مهمی از اعضای تیم ملی ما را لژیونرها تشکیل داده اند. کی روش سال هاست نشان داده که اعتقاد خاصی به بازیکنان شاغل در لیگ های خارجی دارد. شاید بیراه هم نباشد. به نظرم اگر حسینی خارج از لیگ ما بازی می کرد حالا گلر اول تیم ملی بود. به هر حال امیدوارم شرایط به گونه ای پیش برود که تیم ملی ما بتواند برابر تیم های بزرگ جام جهانی از شان و اعتبار فوتبال ایران دفاع کند و عملکرد آبرومندانه ای در روسیه داشته باشد.

این کار را ندارد. نه، به عکس. همه مربیان چنین حقی دارند، همه مربیان بازیکنان شان را در پست های مختلف قرار می دهند که بدانند کارایی این بازیکن در کدام پست بیشتر است. اگر وریا در لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا وینگر راست بوده، شما این بازیکن را به عنوان دفاع راست تیم ملی انتخاب کن و از توانمندی های این بازیکن استفاده کن. ایرادی ندارد. بازیکنی که سال ها دفاع راست بوده و حالا یک فصل هم وینگر بازی کرده فراموش نکرده که دفاع راست چه پستی است و چگونه باید کار کند. بازی کردنش که یادش نرفته، بنابراین همان طور که کی روش حق دارد بازیکنان را در پست های مختلف بسنجد، مربیان باشگاه ها هم حق دارند که چنین تغییراتی را در تیم های خود ایجاد کنند. مساله ما حالا با آقای کی روش این است که می گوید من حق دارم اما دیگر مربیان هیچ حقی ندارند که دست به تغییر بزنند.

در مورد سیدجلال حسینی هم باید بگویم که کی روش وقتی درباره جوانگرایی حرف می زند و این موضوع را دلیل کنار گذاشتن سیدجلال می داند، من به عنوان یک مری نمی توانم این توجیه را بپذیرم. چون تیم ملی به اندازه کافی جوان دارد. اتفاقا نگرانی همه ما این است که تیم ملی در رقابت های بزرگ و حساسی مثل جام جهانی بازیکنان با تجربه زیادی ندارد. میدان جام جهانی با همه تورنمنت ها فرق دارد. جو خاصی به این مسابقات حاکم است و شما نمی توانید در فاصله یک ماه به شروع مسابقات بازیکن با تجربه تیم ملی که اتفاقا از لحاظ آمادگی بدنی هیچ چیز کم ندارد در صرفا به خاطر سن و سالش کنار بگذارید. شما می توانید بگویید من فلان بازیکن را بیشتر می پسندم اما وقتی در توجیه خط زدن سیدجلال می گوید بهتر است یک جوان جای او را بگیرد کمی سخت است که با این حرف کنار بیاییم. از این گذشته بازیکنان جوان ما هم تجربه نیستند. سردار آزمون، محمدی، گوچی و خیلی های دیگر؛ اینها بازیکنانی هستند که در اروپا بازی می کنند و موفق هستند اما در جام جهانی شما به امثال حسینی نیاز پیدا می کنید. شما می توانید از پنج بازیکن با تجربه استفاده کنید و جوان ها را هم دورچین کنید که از هر نظر خیال خودتان را راحت کرده باشید. از سرعت جوان ها استفاده می کنید و از تجربه بازیکنان قدیمی تر.

کی روش البته روی تجربه پژمان منتظری، مسعود شجاعی و اشکان دژاگه حساب باز کرده. با همه اینها باید عرض کنم که تا ۲۴ ساعت بعد از اعلام لیست اسامی بازیکنان تیم ملی خود من گمان می کردم که شاید این لیست تغییر کند اما وقتی موج انتقادها درباره دعوت نشدن

حسینی در این فصل رکورد کلین شیت را شکست







همه از هم می‌پرسیدند که آخر چرا این همه هزینه؟ مراسم عروسی تجمعاتی شاهزاده هری و مگان مارکل، ۴۲/۸ میلیون دلار هزینه داشته که بیشتر آن هم از جیب مالیات دهندگان انگلیسی پرداخت شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که هزینه لباس عروس مگان مارکل هم ۵۵۰ هزار دلار بوده است. لباس ابریشمی سفید مگان مارکل بوسیله «کالر کلر»، طراح انگلیسی مشهور طراحی شده بود. همچنین روی تور ۵ متری او گل‌های نماد کشورهای مشترک المنافع دوخته شده بود. این ریخت‌وپاش‌ها برای برگزاری مراسم عروسی نوه ملکه انگلیس در حالی انجام شده که فقر در جامعه انگلیس بیداد می‌کند. طی سال‌های اخیر حزب حاکم محافظه‌کار با سیاست‌های ریاضت اقتصادی تلاش کرده که هزینه‌های دولتی را کاهش دهد؛ این درحالی است که فشار این تلاش‌ها فقط بر دوش مردم است و بر اساس آمار ملی بریتانیا، یک سوم مردم این کشور در فقر به سر می‌برند. حسین شهاب، بازیگر سینما و تلویزیون که به دلیل مشکلات کلیوی و نارسایی کبد مدت طولانی در بیمارستان بستری بود، درگذشت. او در بیمارستان محب کوثر دارفانی را وداع گفت. این بازیگر در فیلم‌های مختلفی همچون «ماموریت»، «برزخی‌ها»، «بازداشتگاه» و... به ایفای نقش پرداخته بود. آمار قربانیان حادثه هولناک تیراندازی در مدرسه تگزاس به ۱۰ نفر افزایش یافت. در این جنایت وحشیانه ۱۰ دانش‌آموز نیز زخمی شدند. ۸ صبح جمعه یک پسر ۱۷ ساله با دو قبضه سلاح وارد دبیرستان سانتافه در حومه شهر هیوستون شد و دانش‌آموزان را به رگبار بست. پلیس تگزاس می‌گوید در جریان این تیراندازی ۱۰ نفر کشته شدند. کالاتر ناحیه هریس در جنوب هیوستون تایید کرده که تیرانداز یک دانش‌آموز ۱۷ ساله است که بازداشت شد. گرنگ ابوت، تیرانداز از یک تفنگ دو لول و یک اسلحه کمبری ۳۸ میلی‌متری برای این حمله استفاده کرده است. او این اسلحه‌ها را از گنجه پدرش برداشته که به‌طور قانونی آنها را خریداری کرده و مجوز مالکیت سلاح داشته است.



آمار وحشتناک است، باید فکری کرد هم در سطح کلان و هم در سطح خانواده‌ها. ایرج حریچی سخنگوی وزارت بهداشت گفت: «۳/۴ درصد نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ ساله در کشور، مصرف‌کننده مواد دخانی هستند که سهم پسران ۴/۸ و دختران ۲/۱ درصد است. ۲/۸ درصد این نوجوانان مصرف‌کنندگان سایر مواد دخانی به‌ویژه قلیان هستند که سهم پسران ۱۱/۱ و دختران ۶/۶ درصد است.» وی در ادامه نسبت به مصرف ریتالین در فصل امتحانات هشدار داد و گفت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان مصرف ریتالین در فصل امتحانات ۵۰ درصد بالا می‌رود. این دارو برای کودکان بیش‌فعال موثر است اما مصرف آن برای سایر افراد عوارض خطرناکی به‌دنبال دارد، در حالی که ۵ درصد دانشجویان و ۴/۵ درصد دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان در فصل امتحانات ریتالین مصرف می‌کنند.»

«مرگ بر اثر مصرف قارچ سمی»: این خبر هم در روزهای گذشته تیترو رسانه‌ها شده و به نظر می‌رسد با بالا رفتن آمار افراد فوت‌شده باید نسبت به این موضوع و خطرات آن هوشیار بود. قارچ به‌عنوان یکی از مواد غذایی متداول در سبذ غذایی، این روزها در دسترس‌ساز شده است. جامعه ایرانی که از دیرباز تا امروز به جامعه‌ای سنتی شهره است، علاقه‌ای خاص به محصولات طبیعی دارد. به همین دلیل این روزها قارچ‌های موجود در طبیعت توسط افراد گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد که متأسفانه تاکنون جان ۱۱ نفر را گرفته است. ۹۰ درصد مسمومیت‌های شدید توسط قارچ‌ها، به دلیل ماده‌ای سمی به نام «آماتوکسین» است که این ماده بیشتر روی کبد تأثیر مخرب می‌گذارد. یادمان باشد که قارچ‌های سمی از لحاظ ظاهری شباهت زیادی به قارچ‌های خوراکی دارند و تشخیص آنها توسط افراد عادی میسر نیست. در ماه مبارک رمضان فضای کشور معنوی است و مردم بیشتر از همیشه با قرآن مانوس می‌شوند. عکس روز را به قرآن‌خوانی در حرم مطهر شاهچراغ در شیراز اختصاص دادیم.

در آیین بدرقه تیم ملی فوتبال ایران در حضور حسن روحانی رئیس‌جمهوری، مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش و جوانان از کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی، کروز به نمایندگی از کادرفنی و مسعود شجاعی، احسان حاجی‌صفی، اشکان دزاکه، کریم انصاری‌فرد، پژمان منتظری، رضا قوچان‌نژاد و علیرضا بیرانوند به نمایندگی از بازیکنان و ساکت دبیر کل فدراسیون فوتبال و سرپرست تیم ملی تجلیل شد. روحانی همچنین از تیم داور ایرانی حاضر در جام جهانی روسیه تقدیر کرد. علیرضا فغانی، رضا سخندان و محمدرضا منصوری گروه داور ایرانی در جام جهانی روسیه هستند. در این دیدار رئیس‌جمهوری به هر کدام از ملی‌پوشان و تیم داور ۱۰ سکه بهار آزادی به‌عنوان پاداش اهدا کرد. در این مراسم پیراهن شماره ۱۲ تیم ملی فوتبال کشورمان به حسن روحانی اهدا شد. اعضای تیم ملی پس از این دیدار، راهی تالار وحدت شدند تا در مراسم بدرقه برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه شرکت کنند. حسن روحانی در این دیدار گفت: «با توجه به آموزش، تلاش، کوشش و روحیه بالای شما، موفقیت و پیروزی دور از دسترس نیست. موفقیت تنها پیروزی در برابر یک تیم نیست و اینکه در یک بازی گل بزنیم یا گل نخوریم، تنها فاکتورهای موفقیت نیست. ممکن است تیمی در یک بازی برنده شود ولی بازی طرف مقابل برای میلیاردها بیننده یک موفقیت و پیروزی واقعی لحاظ شود. خیلی توجه خودتان را صرف این موضوع نکنید که تیم مقابل شما چه تیمی است. اراده شما از هر عاملی قوی‌تر است و تلاش کنید با اتحاد و استفاده از همه توانمندی‌ها و تجربیات خود برای کشورمان موفقیت و افتخار کسب کنید.»

مراسم بدرقه تیم ملی هم در تالار وحدت برگزار شد. در این مراسم از آهنگ رسمی فدراسیون فوتبال برای جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه رونمایی شد. سالار عقیلی این آهنگ را به نام ۱۱ ستاره اجرا کرده است.



پست محسن رضایی در روز آزادسازی خرمشهر



عکس دیده نشده از ابراهیم حاتمی کیا در شبکه‌های مجازی



حمایت رامبد جوان از کودکان فلسطینی



رزاقوچان نژاد بعد از دیدار با رئیس جمهور



## سه‌شنبه



اردیبهشت سال جاری، برای سی‌وسومین نوبت کتاب «چهل نامه کوتاه به همسر» اثر زنده‌یاد نادر ابراهیمی از سوی نشر روزبهان تجدید چاپ شد؛ اثری که نام آن و محتوایش خاطرات و نوستالژی‌های بسیاری را برای بخش زیادی از اهالی کتاب در ایران به همراه دارد و بدون شک داستان نگارش این اثر نیز برای مخاطبان بالقوه آن می‌تواند جذاب باشد. همزمان با این خبر مصاحبه‌ای از همسر نادر ابراهیمی منتشر شد. فرزانه منصوری، همسر نادر ابراهیمی آن قدر از بدقولی‌های مسئولان گلایه‌مند است که گفت اگر موفق به دایرکردن «کتابخانه موزه نادر» نشود، تمام کتاب‌های همسرش را وسط حیاط خانه آتش می‌زند. پس از این مصاحبه معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۶ گفت: «تمامی مکاتبات لازم با سازمان فرهنگی هنری شهرداری به منظور اختصاص فضای در پارک شفق به آثار این نویسنده بزرگ انجام گرفت اما پس از تغییر مدیریت این سازمان، موضوع موزه مرحوم ابراهیمی نیز به دست فراموشی سپرده شد و پیگیری‌های مجموعه منطقه نیز بی‌ثمر بود چرا که برای فضای مورد نظر کاربری دیگری تعریف شده است. با این وجود با توجه به تاکید و پیگیری شهردار محترم منطقه در حال رایزنی برای تامین فضای دیگری برای موزه مرحوم نادر ابراهیمی هستیم.» اگر اهل هنرهای تجسمی هستید یک پیشنهاد خوب برای شما داریم، نمایشگاهی از ۱۱۰ اثر منتخب گنجینه موزه هنرهای دینی امام علی (ع) در ماه مبارک رمضان برپا شده است. آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه از میان ۸۰۰ اثر مرتبط با امیرالمومنین علی (ع) موجود در گنجینه موزه هنرهای دینی امام علی (ع) انتخاب شده و شامل آثاری در قالب نقاشی و خوشنویسی است. عکس روز هم به سی‌امین محفل انس پیشکسوتان جهاد و شهادت اختصاص دارد که در محل مسجد ولیعصر (عج) با حضور دربانان علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و فرماندهان پیشین جنگ تحمیلی برگزار شد.

## چهارشنبه



خبر خوب این است که این روزها سینمای ایران یک صنعت پول ساز شده، این را همه از جمله وزیر ارشد تایید می‌کنند. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در توییتری درباره فروش امسال سینمای ایران نوشت: «فروش سینما در اردیبهشت امسال، بیش از ۱۰ میلیارد تومان فروش بوده و یک میلیون مخاطب بیشتر در مقایسه با اردیبهشت ۹۶ داشته است. افزایش فروش و مخاطب دو ماه نخست سال ۹۷، خبر خوبی برای فرهنگ، هنر و اقتصاد سینماست.» دوم اینکه براساس جدیدترین اطلاعات پلیس مواد مخدر در ایران و مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر، شیشه به عنوان یکی از پرمخاطره‌ترین ماده مخدر ایرانی میان مصرف کنندگان با رشد قیمت سه برابری مواجه شده است. به طوری که تا سال گذشته، هر گرم شیشه چیزی حدود ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسید که حالا براساس جدیدترین اطلاعات ستاد مبارزه با مواد مخدر، هر گرم شیشه به رقمی حدود ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. افزایش قیمت شیشه اما متاثر از چند عامل است، نخست عزم مسئولان انتظامی در برخورد و منهدم کردن لابراتوارهای تولید شیشه زمینه‌ساز کاهش تولید شیشه در این مکان‌های زیرزمینی شده و دوم اینکه نوسانات نرخ ارز، سوداگران این حوزه را ترغیب به افزایش قیمت این مخدر کرده است. حالا افزایش قیمت شیشه در ایران، این سوال و نگرانی را ایجاد می‌کند که ممکن است معتادان دست به رفتارهای پرخطری چون مصرف هروئین یا تزریق ارزان مخدرها بزنند. سوم اینکه مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان قرعه‌کشی شد و پرسپولیس و استقلال رقبای خود را شناختند. استقلال با السد قطر و پرسپولیس با الدحیل روبه‌رو خواهد شد. تصویری شگفت‌آور هم از لحظه ورود توفان به شهر ابوبیدآباد از توابع آران و بیدگل در شبکه‌های اجتماعی به واکنش‌های متفاوتی منجر شد. این عکس از جمله عکس‌های پرریننده سایت‌های مختلف است.



## پیام تسلیت رهبری

درگذشت روحانی شجاع و فداکار و مجاهد جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ غلامرضا حسنی رحمه الله علیه را به خاندان محترم و علاقه‌مندان آن مرحوم و به روحانیت معظم و عموم مردم انقلابی ارومیه و آذربایجان غربی تسلیت عرض می‌کنم. مجاهدت‌های مستمر و همه‌جانبه آن مرحوم در طول سال‌های متممادی چه در سنگرهای نظامی و چه در جایگاه رفیع امامت جمعه، چه در مقابل مهاجمان بعثی در دوران دفاع مقدس و چه در برابر ضد انقلاب مزدور داخلی، برگ‌های ماندگار وی تکراری است از دفتر زندگی یک روحانی انقلابی و مبارز. از خداوند رحمت و مغفرت و علو درجات را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

ور رهبری سه‌بار از سوی گروهک‌های ضدانقلاب در تهران و ارومیه هدف ترور ناموفق قرار گرفت. معروف‌ترین ترور علیه او زمانی شکل گرفت که تروریست انتحاری در قامت نمازگزاران مسجد جامع به سمت حسنی رفت و خواست او را در آغوش بگیرد و بمب را منفجر کند. درست در آن لحظه حساس، حسنی که متوجه ماجرا شده بود، قبل از آنکه تروریست بمب را منفجر کند، با ضربات رزمی او را به زمین زد و محافظانش بر سر او ریختند و در زیر لباس هایش نارنجک و تی‌ان‌تی یافتند. حسنی یک‌بار دیگر هم در تهران ترور شد و جالب اینکه خودش شخصاً با تروریست درگیر شد و دقایقی به تبادل آتش با یکدیگر پرداختند.

زمانی که غائله گروه‌های تجزیه‌طلب دموکرات کومله شمال غرب کشور را فرا گرفت و درگیری‌های مسلحانه گروه‌های تجزیه‌طلب در شهرهای آذربایجان غربی آغاز شد، تجزیه‌طلب‌ها، حتی به قصد تصرف ارومیه نیز پیش آمدند و درگیری‌های مسلحانه در بخش «بند» و خیابان دانشکده ارومیه آغاز شد. حسنی در آن زمان، خود سلاح به دست گرفت و به جنگ با تجزیه‌طلبان رفت. حتی زمانی که شهر نهدن نزدیک ارومیه به محاصره تجزیه‌طلبان درآمد، حسنی تفنگش را برداشت و خطاب به مردم گفت: «من در حال عزمیت به سمت نهدن هستم. هرکس می‌آید، بیاید.» بدین ترتیب سپاهی از نیروهای مردمی با فرماندهی حسنی که سوار بر نفربر شده بود، شکل گرفت و شهر آزاد شد. حسنی در اولین دوره انتخابات مجلس با نزدیک به ۸۰ هزار رای به مجلس راه پیدا کرد. او عضو کمیسیون دفاع شد. او در دوره اصلاحات به یکی از چهره‌های موثر آن سال‌ها در جریان اصولگرایی تبدیل شد. او یک تنه در آوردگاه سیاسی آن سال‌ها حضور داشت و برای اصلاح طلبان حریفی قدرتمند بود. او همین روحیه را تا سال‌های آخر عمر نگه داشت و در پیچه نگاهش را به اصلاحات تغییر نداد. اصلاح طلبان نیز نتوانستند از حدی بیشتر به او نزدیک شوند. ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ و در جلسه اعضای هیات دولت، مرحوم حجت الاسلام حسنی «نشان درجه یک شجاعت» را دریافت کرد. این نشان به خاطر سوابق مبارزاتی حسنی پیش از انقلاب ۵۷، مبارزات مرزی در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب و حضور در جنگ ایران و عراق به او داده شده است.

در مورد حجت الاسلام این نکته هم بسیار قابل اعتناست. او قبل از انقلاب، کشاورزی و دامداری می‌کرد، مرغداری داشت و باغ بزرگ سیب در روستای بزرگ آباد. او بعد از انقلاب هم با وجود آنکه از امکانات سیاسی فراوانی برخوردار بود، باز به همان کشاورزی و دامداری ادامه داد و چند نفر از فرزندان را نیز در همین عرصه مشغول به کار کرد و به جبهه‌های جنگ ۸ ساله ایران با عراق میوه می‌فرستاد.



## مرد نماز و اسلحه

## حجت الاسلام غلامرضا حسنی درگذشت

با حضور حداکثری مردم، پیکر مرحوم حجت الاسلام غلامرضا حسنی، نماینده سابق ولی فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه اسبق ارومیه در جوار یادمان شهدا در باغ رضوان این شهر آرام گرفت. این حضور پرشور مردم روزه‌دار حکایت از یک شناخت عمیق دارد، از مردی که نماد وحدت و شجاعت بود. شاید بسیاری حجت الاسلام غلامرضا حسنی، امام جمعه ارومیه را در اواخر دهه هفتاد با تیترهای برخی از روزنامه‌ها شناختند اما واقعیت این است که آن روی سکه در زندگی آیت الله حسنی و واقعیت‌های زندگی پرفراز و نشیب و پرحادثه‌اش برای اکثر مردم ایران ناشناخته است؛ چرا که او با اکثر روحانیون معاصر متفاوت بود و زندگی پرفراز و نشیبی داشت.

این روحانی نستوه صحنه‌هایی به یادماندنی در تاریخ آذربایجان خلق کرده و روایت ایثار و فداکاری‌های وی هرگز از ذهن ملت قهرمان این خطه از ایران اسلامی پاک نمی‌شود. حجت الاسلام حسنی در مبارزه مسلحانه مردم ارومیه با طاغوت و پس از آن با عوامل ضد انقلاب، تشکیل اولین بسیج مردمی انقلاب اسلامی، خنثی‌سازی توطئه حزب دموکرات در نهدن، دفاع از پادگان پیرانشهر و ده‌ها رویداد تاریخی آذربایجان و کردستان نقش محوری داشت. پیش از وقوع انقلاب - مخصوصاً در آستانه آن - عرصه را برای عوامل نظامی چون شهربانی تنگ و جبهه‌ای مردمی علیه عناصر حاکمیت وقت سازماندهی کرده بود. در هر اقدام و عملیاتی بعد از انقلاب هم مشارکت داشت و در صف اول قرار می‌گرفت. در جریان تکوین انقلاب هم او از روحیه مبارزه‌ای خود فاصله نگرفت. او یک انقلابی به معنای واقعی آن بود؛ تا آن اندازه که با فرزند خود نیز معامله نکرد.

## پیش از انقلاب

مرحوم حجت الاسلام حسنی در یک خانواده مذهبی و البته زمین‌دار با تمکنی قابل قبول بزرگ شد. او تحصیلاتش را تا ششم دبستان در روستا ادامه داد و سپس برای خواندن درس عربی و طلیغی به مکتب ملامجید اخیاری رفت. آموزش‌های ملامجید وی را راضی نکرد و تصمیم گرفت به حوزه‌ای بزرگ‌تر برود. او در ۲۰ سالگی به حوزه علمیه ارومیه و پس از آن برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم رفت. او پدرش را در ۱۴ سالگی از دست داد

و دو سال بعد از آن به توصیه مادرش یک اسلحه ورنلد تهیه کرد تا بتواند از خود و خانواده‌اش دفاع کند، این نخستین آشنایی این طلبه جوان با اسلحه بود که بعدها هیچ‌گاه از وی جدا نشد. این مجاهد نستوه درباره دقتش در تیراندازی چنین گفته بود: «من از ۵۰ تا ۶۰ متری نوک سیگار را می‌زدم». حجت الاسلام حسنی از سال ۱۳۲۴ علیه حکومت پهلوی مبارزه می‌کرد و زمانی که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ شمسی توسط حکومت شاه مطرح شد، همچون بسیاری دیگر از روحانیان آن زمان مخالفت کرد. وی در دهه ۴۰ علم مبارزه با رژیم را در دست گرفت و با سخنرانی کوبنده در مسجد اعظم ارومیه نسبت به تشکیل و سازماندهی گروه‌های انقلابی اقدام کرد. ارومیه نخستین شهر کشور بود که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با هدایت مرحوم حجت الاسلام حسنی جرقه مبارزه مسلحانه در آن زده شد. اوج مبارزات مسلحانه وی دوم بهمن سال ۵۷ در حادثه به توپ بسته شدن مسجد اعظم ارومیه به عنوان اولین اقدام مسلحانه ایران علیه رژیم پهلوی شکل گرفت. در این روز مسجد اعظم ارومیه که مبارزان انقلابی را در خود جای داده بود، مورد هدف گلوله‌های مأموران رژیم طاغوت قرار گرفت و بسیاری از مبارزان به شهادت رسیدند اما قیام مسلحانه مردم از همین مسجد شروع شد و سربازان طاغوت به رگبار بسته شدند. نقش و تاثیر این جنگ مسلحانه در تقویت حرکت انقلابی مردم ایران به حدی بود که در سال‌های نخستین جنگ تحمیلی حضرت امام خمینی (ره) فرمودند که همه باید مثل آقای حسنی مسلح شویم.

## پس از انقلاب

حجت الاسلام حسنی از همان روزهای اول انقلاب با حکم امام خمینی (ره) نماینده ایشان در ارومیه شد. براساس این حکم، و وظیفه برگزاری نماز جمعه‌ها بر دوش او بود. بعد از رحلت امام خمینی (ره) حکم وی از طرف مقام معظم رهبری تمدید شد. او که پیش از انقلاب مبارزه مسلحانه با حکومت پهلوی را آغاز کرده بود، پس از انقلاب ریاست کمیته‌های انقلاب در آذربایجان غربی را برعهده گرفت. مبارزات مسلحانه این روحانی مبارز در درگیری گروهک‌های ضد انقلاب پس از انقلاب نیز ادامه داشت. با توجه به مبارزات انقلابی و حرکت در مسیر ولایت



# درس‌وگ معلم اخلاق

## حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی درگذشت



درگذشت خطیب و معلم اخلاق جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدمهدی طباطبایی رحمت‌الله‌علیه‌را به خاندان گرامی و اخوان مکرم و همه بازماندگان و دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. آن سیدبزرگوار در ده‌ها سال از زندگی خویش تلاش دینی مغتنمی در ارشاد معنوی و اخلاقی مومنین با بهره‌گیری از جایگاه منبر و محراب برعهده گرفته بودند و در عرصه‌های انقلاب نیز با حضور در مجلس شورای اسلامی در برهه‌ای از زمان، به این وظیفه خطیر اشتغال داشتند. از خداوند متعال شمول رحمت و مغفرتش را برای آن مرحوم و صبر و تسلا برای بازماندگان مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

مختلفی را پذیرفت از جمله سرپرستی بنیاد مستضعفان، نمایندگی مردم تهران در مجلس هفتم شورای اسلامی و... اما با این حال از جمله کارهایی که هیچ‌گاه رها نمی‌کرد، حضور در منبر و تبلیغ، رسیدگی به امور مردم و مستضعفان و روضه‌خوانی حضرت اباعبدالله بود و همواره در این جایگاه به ملت خدمت می‌کرد.

مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی بعد از یک دوره بیماری به دلیل عفونت شدید ریوی که در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری بود، سرانجام در نخستین روز ماه رمضان در سن ۸۲ سالگی درگذشت. پیکر پاک این عالم ربانی در حسینیه بیت‌الاحزان در شرق تهران تغسیل و سپس از مقابل مسجد موسی بن جعفر در خیابان آیت‌الله سعیدی که سال‌ها در آن اقامه جماعت می‌کرد، تشییع شد.

می‌دانیم. بنده از شجاعتش خوشم می‌آمد و با او در مشهد آشنا شدم. من عاشق مرحوم نواب بودم و واقعا باور نمی‌کردم که یک آخوند تا این اندازه جگر داشته باشد. من مرید او بودم و شب اعدامش برایش گریه کردم و برای همین گریه کردن‌ها کتک می‌خوردم». سیدمهدی در طول دوران اقامت در شهر مقدس قم، از محضر آیت‌الله‌العظمی بروجردی، امام خمینی (ره) و سایر مراجع بهره برد و سپس به مشهد رفت و اوج فعالیت‌های انقلابی‌اش به دوران مشهد برمی‌گشت و از جمله شاگردان حضرت امام بود که نامه امام راحل به علمای مختلف را درباره نهضت به آنها می‌رساند. او از سال ۴۲ پیروزی انقلاب اسلامی قریب ۶ سال به زندان افتاد و سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد. آن مرحوم بعد از پیروزی انقلاب مسئولیت‌های

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی، خطیب مشهور در نخستین روز ماه مبارک رمضان به دلیل عارضه ریوی درگذشت. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی متولد اول فروردین ۱۳۱۵ در رفسنجان و فرزند سیدمحمدحسین طباطبایی، از همکفران و یاران سیدنواب صفوی و از قدیمی‌ترین شاگردان و یاران امام راحل بود. وی از آغاز کودکی در شهر مقدس قم ساکن شد و در زمانی که امام راحل برای اقامت وارد شهر قم شدند، با ایشان ارتباط برقرار کرد. مرحوم مهدی طباطبایی از معدود افرادی است که پیش از آغاز نهضت امام در سال ۴۲ به زندان افتاد. علت دستگیری وی همکاری با مجموعه فدائیان اسلام و شخص شهید نواب صفوی بود. وی درباره علاقه به شخص شهید نواب صفوی گفته بود: «ما مرحوم نواب را فداکار



علت گستره تنوع موضوعی اش فرصت‌های زیادی را برای بازدیدکنندگان ایجاد می‌کند و نمایشگاه از لحاظ مخاطب و موضوع به همه اقشار و سنین مربوط می‌شود.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تلاش‌های قرآنی جمهوری اسلامی را گسترده اما نا کافی دانست و گفت: «به نظر می‌رسد همه این خوبی‌ها کافی نیست و ما نیازمند اتفاقات بهتر و بیشتر در عرصه قرآن هستیم. ایران که پرچم قرآن را بین جوامع اسلامی بالا برده است، طبیعتاً تعهدات بیشتری را نسبت به جوامع مسلمانان خواهد داشت. ما هنوز باید گام‌هایی را طی کرده یا گام‌های خود را با شتاب بیشتر برداریم.» در این مراسم از قرآن منسوب به حضرت علی (ع) و تمبر اختصاصی بیست و ششمین دوره نمایشگاه قرآن کریم رونمایی شد.

## پرچمدار قرآن

### بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم آغاز به کار کرد

غیرقابل مقایسه و تطبیق است، همچنین در حوزه‌های دیگر هم این ارقام دیده می‌شود. امروز چندین هزار موسسه قرآنی در کشور داریم که نشانه تکاپوهای قرآنی در کشور است. برگزاری مسابقات قرآنی کشور از دیگر اتفاقات خوب انقلاب اسلامی است. هر سال چند صد هزار نفر در مسابقات قرآن شرکت می‌کنند، همچنین مسابقات بین‌المللی قرآن اتفاق بزرگی است که فرصت ارتباط جمهوری اسلامی را با فضای قرآنی در داخل و خارج کشور ایجاد می‌کند.» صالحی به رشد و توسعه ترجمه‌های قرآن اشاره کرد و گفت: «ترجمه قرآن به زبان فارسی و دیگر زبان‌ها از کارهای انجام شده در سال‌های انقلاب است و ترجمه‌های مختلف فرصتی فراهم کرده تا آنها بی‌کی می‌خواهند به قرآن کریم رجوع کنند، کارشان راحت‌تر باشد. ترجمه قرآن به دیگر زبان‌ها هم فرصت‌سازی کرده که بتوان مفاهیم قرآن را در جهان گسترش داد. یکی از اتفاقات قرآنی انقلاب اسلامی نمایشگاه قرآن است که امروز از ربع قرن آن عبور کردیم و وارد بیست و ششمین سال برگزاری آن شدیم. این نمایشگاه منحصر به تهران نیست و در کل کشور نمایشگاه‌های قرآنی برپا می‌شود و نمایشگاه قرآن پهنه‌اش در کل ایران است. همچنین نمایشگاه قرآن به

بیست و ششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اهالی رسانه و علاقه‌مندان کار خود را آغاز کرد. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین افتتاحیه نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم طی سخنانی انقلاب اسلامی را براساس قرآن دانست و گفت: «جریان احیای تمدن اسلامی با قرآن آغاز شد و جمهوری اسلامی افتخار دارد که ریشه‌هایش براساس قرآن است و این انقلاب با قرآن شروع شد. همچنین کسانی که در پایه‌گذاری جمهوری اسلامی تأثیرگذار بودند، کار را با بازخوانی معارف قرآنی آغاز کردند و حرکتی که در تاریخ ۴۰ ساله انقلاب رخ داده با همین نگاه بوده است.»

وی نام نمایشگاه قرآن را برگرفته از تاریخ ۴۰ ساله انقلاب دانست و گفت: «نام نمایشگاه امسال هم براساس تاریخ ۴۰ ساله جمهوری اسلامی و خدمات آن به قرآن است و سهم اتفاقات قرآنی در جمهوری اسلامی با قبل از آن قابل قیاس نیست. در حوزه تولید اندیشه و کتاب در ۴۰ سال گذشته ۳۸ هزار عنوان کتاب چاپ شده که ۱۶ هزار عنوان در فضای علوم قرآنی و ۹ هزار عنوان در حوزه تفسیر قرآن بوده است که اگر با قبل از انقلاب مقایسه کنیم این رقم

## جنب پلاسکو

## درباره فیلم چهارراه استانبول ساخته مصطفی کیایی



وقتی حادثه پلاسکو رخ داد، من تصمیم گرفتم داستانی بنویسم که بخشی از آن ادای دینی به آتش نشانان باشد و در واقع بخش‌هایی که درباره کار آتش نشان‌ها در فیلم نشان داده شد، کاملاً بر اساس واقعیت است. در عین حال فیلم درام خودش را دارد و قصه خودش را روایت می‌کند.

هدف ما در اصل پلاسکو نبود. مثل هر فیلمی که به یک واقعه‌گره خورده و درام روایتگر یک ماجرای واقعی است، طبیعی است که ما هم به اندازه نیازمان به حادثه پلاسکو به عنوان ماجرای واقعی ورود کردیم، بنابراین به اندازه نیاز داستان و درام در این فیلم به این ماجرا ورود کردیم. اگر کسی انتظار دارد کل فیلم درباره پلاسکو باشد این انتظار برای او در این فیلم برآورده نمی‌شود.

من مطمئن بودم اگر سراغ این داستان نمی‌رفتم کسی به این موضوع نمی‌پرداخت. من با سه میلیارد از هزینه شخصی خودم این فیلم را ساختم؛ هزینه‌ای که اگر از تهیه‌کنندگان دیگر می‌خواستیم آن را بپردازند، قبول نمی‌کردند.

نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم بی تفاوت نیستیم. بحث تولید ملی از سال‌ها پیش دغدغه ذهنی من بود. صنعت پوشاک ما امروز به شدت تحت تاثیر کالاهای چینی و ترکیه‌ای قرار گرفته و من سعی کردم در بستر اتفاق تلخ پلاسکو به آن بپردازم.

لحن طنزی هم که در فیلم‌هایم دیده می‌شود جزء لاینفک داستان‌گویی من است. چون فکر می‌کنم فیلم مثل زندگی است و ترکیبی است از لحظات شاد و غم. در چهارراه استانبول اگر کنایه‌ای به مشکلات اقتصادی زدیم، اتفاقاً مثل فیلم‌های قبلی‌ام خیلی توأم با لحن شوخی نبود و درجه طنزش پایین‌تر آمده است.

مصطفی کیایی

است که در خرده‌پیرنگ‌های فیلمنامه قرار داده شده‌اند و تعدادشان به حدی زیاد است که بسیاری از آنها در اواسط داستان به حال خود رها می‌شوند تا کیایی در جدیدترین اثرش به طرح سوال بی‌پاسخ مبادرت ورزیده باشد. طرح موضوعاتی مانند دختر فراری و قمار و گرفتن دیه از راه خلاف، ازدواج اجباری و... از جمله موضوعات مورد بحث در «چهارراه استانبول» هستند. این فیلم روایتگر چندین معضل اجتماعی در کنار هم به صورت خطی است که باید گفت اغلب آنها هم در سطح شعار باقی مانده‌اند. اثر جدید مصطفی کیایی نه به درستی توانایی خنده گرفتن از مخاطبش را دارد و نه در بخش معضلات اجتماعی می‌تواند حرف زیادی برای گفتن داشته باشد.

«چهارراه استانبول» در کنار ضعف‌هایش نقاط قوتی هم دارد که بی‌انصافی است ذکر آن از آنها به میان نیاید. در میان نقاط قوت فیلم جلوه‌های ویژه برگ برنده اصلی فیلم است و توانسته به میزان قابل توجهی به بازسازی حادثه پلاسکو بپردازد. صحنه حضور آتش نشان‌ها در ساختمان و حضور در کنار آوارهای آن توانسته خاطرات آن روز تلخ را در ذهن بیننده زنده کند و او را برای دقایقی درگیر اضطراب خانواده‌های جانباختگان کند. استفاده درست از تصاویر آرشیوی در کنار این جلوه‌های ویژه کمک شایسته به خلق این فضای پرتنهاب کرده است... اما کاش فیلم بهره‌درست‌تری از قهرمانان آن روزهای ایران یعنی آتش نشان‌ها می‌برد و ادای دین بیشتری به آنها می‌کرد و به جای انتقادهای جناحی گل درشت، یکی از معضلات اجتماعی را تا انتها می‌برد....

اگر دو فیلم قبلی مصطفی کیایی یعنی «خط ویژه» و «بارکد» را دیده‌اید و دوست داشتید، چهارراه استانبول هم فیلمی مثل آن است و چیزی بیشتر از آن ندارد. اگر دوست نداشتید که هیچ... «چهارراه استانبول» همان مسیری را می‌رود که «بارکد»، «عصر بخندان» و سایر آثار کیایی پیموده‌اند. در این دسته همواره جوانانی زحمتکش و گرفتاری که در تلاشی ترازیک برای بهبود وضعیت اقتصادی خود با بن بست روبه‌رو شده‌اند، تلاش می‌کنند تا با استفاده از میان بر عقب‌ماندگی مالی خود را جبران نمایند و در این میان بیش از هر چیز تقدیر است که مسیر زندگی آنها و بالطبع آن مسیر داستان را تغییر می‌دهد. شوخی و طنزهای کلامی «حامد» (بهرام رادان) و «میلاد» (محسن کیایی) در فیلم قبلی او یعنی «بارکد» اینجا ادامه دارد. نوع طنز دیالوگ‌ها و حتی برخی عبارات عیناً همان است. چهارراه استانبول قرار است درباره یک حادثه بزرگ صحبت کند، یک فاجعه که قلب همه را لرزاند؛ حادثه تلخ پلاسکو. قصه از این قرار است که بهمن و احد تولیدی و رشک‌سته‌ای در پلاسکو دارند که از دست طلبکاران و اهالی پلاسکو فراری‌اند و روز حادثه بهترین زمان برای فرار از دست طلبکاران است. هر چند از شب قبل آنها برنامه فرار را فراهم کرده‌اند اما ماجرای پلاسکو و روز حادثه کمک می‌کند تا بهمن و احد با اقداماتی که انجام می‌دهند نام خود را جزو حبس‌شدگان زیر آوار پلاسکو جای دهند... می‌بینید که در همین قصه هم چهارراه استانبول به حاشیه‌رفته است و جز اشاره‌نامی به آن، هیچ ارتباط دیگری به این حادثه ندارد. فیلم همچنین ملغمه‌ای از انواع معضلات اجتماعی



بازتاب‌ها

بهرام رادان (بازیگر): «چهارراه استانبول» سومین همکاری‌ام با کیایی بود و امیدوارم این همکاری‌ها در آینده نیز ادامه داشته باشد. من خوشحالم که بارکد به گونه‌ای بوده که در ذهن مخاطب نشست و امروز ما را با نقش‌مان در آن مقایسه می‌کنند. من وجود این دو دوست و شباهت‌ها به بارکد را ضعف نمی‌دانم چرا که فکر می‌کنم در آینده زوج چهارراه استانبول به یاد تماشاچیان بماند.

مهدی پاکدل (بازیگر): بازی در نقش آتش نشان به دلایل زیادی برای من ماندگار است. یکی اینکه از این ماجرا زمان زیادی نمی‌گذرد و هنوز هم برای ما زنده است و هم اینکه هنوز ما می‌توانستیم با زمان‌گذراندن حادثه از جمله آتش نشان‌ها گفت‌وگو کنیم. این نقش پیش از هر چیز برای من یک بار مسئولیت داشت چون آن قدر مهم بود و به آن نگاه می‌شود و از آن توقع می‌رود. در این فیلم سعی کردم این توقع را پاسخ دهم.

حسین امیدی (بازیگر): در «چهارراه استانبول» نقش سرایدار ساختمان پلاسکو را ایفا می‌کنم؛ شخصیتی که هم قرار است شیرین باشد و هم باربخش از داستان را بر دوش بکشد. با وجودی که این شخصیت هم از لحاظ ظاهری و هم ویژگی‌های رفتاری با من متفاوت است اما از نقشی که ایفا کردم، راضی هستم.



## سرقت طلائی دله دزدها

درباره آخرین کورئیدا که نخل طلائی کن را به دست آورد

ماجرای اسم فیلم شروع می شود، نامی که هر کس بنا به سلیقه اش آن را با اصطلاحی ترجمه کرده است. واژه Shoplifters را بعضی دزدان فروشگاه، جنس قاب‌ها، دزدان خرده پا و... دانسته‌اند اما شاید بهترین ترجمه همان اصطلاحی باشد که در زبان عامیانه فارسی دیده می شود، اصطلاح «دله دزدها» شاید بهترین توصیف برای این فیلم باشد، ترجمه‌ای که خیلی با سرنوشت فیلم همخوانی ندارد و این گروه دله دزد ژاپنی یک کار شاهکار کردند و نخل طلائی کن را ربودند. این اتفاق بزرگ برای هیروکازو کورئیدا است. کارگردانی که فیلم‌هایی می‌سازد

که در یک توصیف ابتکاری می‌توان فیلم‌های مهربانانه نامید. این کارگردان ژاپنی، در ۱۰ سال اخیر با پرداختن به مسائل خانوادگی موفق‌ترین سال‌هایش را در جشنواره‌های بین‌المللی تجربه کرده است. چه این مسائل کودکان از یادرفته در «هیچ کس نمی‌داند» باشند، چه خانواده‌ای غم‌زده در «همچنان قدم‌زنان» و چه نوزادانی که در بدو تولد جابه‌جا شده‌اند در «پسر چون ندارد نشان از پدر»، یا رابطه میان سه خواهر در فیلم «خواهر کوچک‌ما» و حالا در فیلم «دله دزدها» داستان یک خانواده کوچک ناهنجار باشد؛ این فیلم هم مثل باقی فیلم‌هایش یک درام خانوادگی

پیچیده و کلاسیک ژاپنی است که می‌توان به راحتی نشانه‌های مخصوص آثار او را دید. این فیلم نگاه معاصر به قشر متوسط و محدود ژاپن دارد؛ دقیق، واقع‌بین و به شفافیت و آرامی یک لیوان آب سرد؛ اما با رنگ‌هایی قوی از احساس. داستان فیلم به بخشی از زندگی اولیور تویست شباهت دارد، بخشی از قصه شاهکار چارلز دیکنز که فاگین سردسته گروه دزدان خرده پا بود و کودکان را به دزدی‌های کوچک وامی‌داشت، قصه «دله دزدها» از این قرار است که جایی در توکیو؛ اوسامو شیباتا و همسرش نویبو زندگی فقیرانه‌ای را از سر می‌گذرانند. اوسامو هر از گاهی در مشاغل پست و البته موقتی مشغول به کار می‌شود و نویبو هم کاری با دستمزدی بسیار پایین دارد. به نوعی امورات آنها متکی بر آب‌باریکه بازنشستگی مادر بزرگ خانواده است و البته خرده‌اجناسی که پسرشان شو تا از بقالی‌ها بلند می‌کند؛ در این میان؛ آشنایی این خانواده با دختر بی‌خانمانی به نام یوری را شاهد هستیم که وقتی متوجه می‌شوند از سوی اعضای خانواده‌اش مورد بی‌مهری و آزارهای متعددی قرار گرفته؛ او را به خانه محقر خود می‌برند و به رغم عدم تمکن مالی، او را هم به نوعی زیر پر وبال خود می‌گیرند. با ورود پلیس به جریان گم‌شدن یوری، ماجراها رنگ دیگری به خود می‌گیرند... کورئیدا آن چه الهام‌بخش وی در ساخته و پرداخته کردن ایده فیلم بوده را گزارش‌های متناوبی دانسته که شبکه‌های تلویزیونی ژاپن درباره سوءاستفاده از کودکان در خانواده‌های فقیر به‌منظور سرقت از فروشگاه‌ها در سال‌های اخیر پخش کرده‌اند. «دله دزدها»، داستان گروهی از آدم‌های ترسیده و آسیب‌دیده است که فعالیت‌های مشترکی پیدا کرده‌اند و به واسطه همین فعالیت به یک خانواده تبدیل شده‌اند. با فرار از قانون، در تلاش برای گذراندن هر روزشان به بهترین شکل. تا جایی که متوجه می‌شوند نه تنها با کارهای خود اوضاع را بهتر نکرده‌اند، بلکه بیشتر در بدی فرورفته‌اند. فیلم جدید کورئیدا همانند سایر کارهای داستانی‌اش؛ بر جنبه‌های تاریک و مغفول مانده جامعه ژاپن تاکید دارد و می‌خواهد بر این نکته تصریح داشته باشد که می‌توان در دل سیاهی هم نوری از امید را جست‌وجو کرد.

## کمپانی پرزیدنت سابق

اوباما و همسرش برنامه تلویزیونی خواهند داشت

رئیس‌جمهوری سابق و همسرش برای شبکه آنلاین نتفلیکس برنامه‌های تلویزیونی و فیلم می‌سازند. اوباماها با قرارداد چند ساله به نتفلیکس پیوستند.

آنها یک کمپانی تولید فیلم با عنوان «Higher Ground Productions» تأسیس کرده‌اند تا از طریق آن بتوانند به تولید محتوا برای سرویس آنلاین نتفلیکس مشغول شوند. نتفلیکس با اعلام منعقد شدن این قرارداد اعلام کرد این همکاری شامل سریال‌های تلویزیونی، برنامه‌های دنباله‌دار، سریال‌های مستند و فیلم مستند و داستانی می‌شود. اوباما نیز با صدور اعلامیه‌ای در این باره گفت: «یکی از لذت‌های ما در دوران ریاست‌جمهوری دیدار با افراد مختلف از همه قشر بود و کمک به آنها برای به اشتراک گذاشتن تجربیاتشان با مخاطبان وسیع‌تر، به همین دلیل هم میشد و من بسیار هیجان‌زده هستیم که با نتفلیکس همکاری می‌کنیم تا استعدادها و صداهای خلاق را که می‌تواند موجب همدلی و درک بزرگ‌تری بین مردم شود به همه دنیا معرفی کنیم». میشل اوباما هم در بیانیه خودش از قدرت قصه‌گویی برای الهام‌بخشی به دیگران یاد کرد و گفت این کار کمک می‌کند تا دیگران را بهتر درک کنیم. همکاری با نتفلیکس اولین قدم جدی اوباما پس از خروج از کاخ سفید در ژانویه ۲۰۱۷ است. سال پیش وی یک قرارداد کتاب به مبلغ ۶۵ میلیون دلار با پنگوئن رندوم‌هاوس امضا کرد.

گفته می‌شود که قرار است در این برنامه‌ها موضوعاتی که برای اوباما مهم و ارزشمند هستند، توسط او مطرح و به بحث گذاشته شود؛ موضوعاتی مانند سیستم بهداشت و درمان آمریکا، سیاست خارجی، مهاجرت و تغییرات آب‌وهوایی. در برنامه‌های تهیه شده توسط میشل نیز قرار است به موضوعاتی پرداخته شود که او در مدت ۸ سال اقامت خود در کاخ سفید، برای موفقیت در آنها تلاش کرده است؛ از جمله ترویج ورزش و تغذیه سالم برای مردم آمریکا. این مجموعه برنامه‌ها شامل بخش‌های مستند و حتی تخیلی، حاوی ایده‌ها و ارزش‌های مد نظر آقای اوباما نیز خواهد بود.

## مذاکره غول‌ها

همکاری مجدد اسپیلبرگ و دی کاپریو

استیون اسپیلبرگ و لئوناردو دی کاپریو هر دو در حال مذاکره هستند تا در فیلمی زندگی‌نامه‌ای درباره اولیس اس گرانت شرکت کنند. خبر ساخت این فیلم سال پیش مطرح شده بود و دی کاپریو تهیه‌کنندگی آن را پذیرفته بود. از این فیلم با عنوان «گرانت» یاد می‌شود که شخصیت اصلی فیلم و رهبری نظامی بود که در زمان ابراهام لینکلن نقشی مهم در جنگ‌های داخلی آمریکا داشت. لینکلن برده‌داری را از میان برد و تلاش زیادی برای نابود کردن گروه نژادپرست کوکلوکس کلان کرد. دیوید جیمز کلی فیلمنامه اقتباسی این فیلم را می‌نویسد.

اسپیلبرگ هشتمین نامزدی کارگردانی اسکار را برای ساخت فیلم «لینکلن» در سال ۲۰۱۳ با بازی دنیل دی لوییس دریافت کرد. دی لوییس با ایفای این نقش سومین اسکار بازیگری خود را کسب کرد. اسپیلبرگ در عین حال یک تجربه مشترک از همکاری با دی کاپریو دارد که با فیلم «آگه می‌تونی منو بگیر» در سال ۲۰۰۲ رقم خورد. دی کاپریو قرار است به زودی در فیلم کونتین تارانتینو با عنوان «روزی روزگاری در هالیوود» جلوی دوربین برود. در عین حال اسپیلبرگ با کمپانی خودش امیلین انترتینمنت و با همکاری کمپانی برادران وارنر در حال تولید فیلمی ماجراجویی با عنوان «شاهین سیاه» هستند که احتمال کارگردانی اسپیلبرگ برای آن هم مطرح است. جدیدترین فیلم‌های اسپیلبرگ «پست» و «بازیکن شماره یک آماده» بود.

## الف لام خمینی

رمزگشایی از شخصیت رهبر آخرین انقلاب قرن بیستم

زندگی‌نامه



از عمر او را در بر گرفت. امام خمینی در این چهار دهه درس گرفت، درس داد، نوشت و ماترک چشمگیری از منشورات و شاگردان به جا گذاشت. دوم، زندگی سیاسی حضرت امام است که از او اواسط سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز می‌شود و با فراز و نشیب‌های فراوان شانزده سال بعد، به پیروزی نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌رسد. گشت و گذار تاریخی در هر دو مقطع با دشواری روبه‌رو بوده است؛ دوره اول به جهت نبودن اسناد و دوره دوم به علت فراوانی اسناد؛ چرا که تاریخ نگار برای یافتن روایت درست و رسیدن به حقیقت واقع باید از مسیر پریچ و خم راستی آزمایی مدارک و یاد‌های به جای مانده عبور کند و در دام خبرها و خاطرات تبلیغی نیفتد.»

آشنا می‌شود که خود رمزی بر وجه دیگری از شخصیت این رهبر انقلابی است. از این منظر نام گذاری این کتاب خود دارای و جوهی است که هر کس می‌تواند بر بخشی از آن معرفت پیدا کند و این مانند شخصیت امام خمینی (ره) است که هر کس از زاویه‌ای که مطلوبش است به وی نزدیک می‌شود. در واقع این کتاب رمزگشایی از شخصیتی است که دوست و دشمن به عظمت او معترف هستند. نثر این کتاب، روان است و تردیدی در این نیست که اگر کتاب را شروع کنید، نمی‌توانید آن را زمین بگذارید. حتی آن قدر جذابیت دارد که می‌توانید آن را از هر جایی باز کنید و بخوانید و این یک نکته چشم‌پوشی‌ناپذیر است که خواننده در روبه‌رو شدن با «الف لام خمینی» گرفتار قلاب نثر هدایت‌الله‌بهدودی خواهد شد.

بهدودی در یادداشت ابتدایی خود چنین می‌نویسد: «کتاب «الف لام خمینی» با معرفی خاندان امام خمینی (ره) آغاز می‌شود و سیر زندگی روح‌الله را از تولد، نشو و نما، تحصیل در زادگاه، ادامه درس آموزی در اراک و مهاجرت به حوزه علمیه قم پی می‌گیرد. می‌توان این زندگی‌نامه را به دو بخش کلی تقسیم کرد. اول، زندگی علمی حضرت روح‌الله خمینی در قم، که بیش از چهل سال

«امام بزرگوار ما شخصیتی درجه یک است که دوست و دشمن به عظمت او اعتراف دارند اما تا کنون چند کتاب درباره این شخصیت عظیم نوشته شده است؟» این مطالبه و پرسشی است که سال گذشته از سوی رهبر انقلاب در دیدار با شاعران در نیمه ماه مبارک رمضان مطرح شده بود و اکنون در حالی که به سالگرد این جمله نرسیده ایم که اثر گران سنگ «الف لام خمینی» به قلم هدایت‌الله‌بهدودی را در دست داریم.

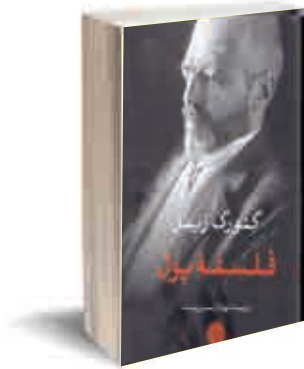
هدایت‌الله‌بهدودی، پژوهشگری است که بی‌درنگ ذهن شنونده را به سوی کتاب ارزشمند «شرح اسم» از همین نویسنده می‌اندازد و وقتی با خبر می‌شود که کتاب «الف لام خمینی» را نیز که زندگی‌نامه امام خمینی (ره) است همین نویسنده به نگارش در آورده، در واقع مطمئن می‌شود که این کتاب را باید تهیه کند و شب و روز با امام یا برهنه‌ها از کودکی تا اسفند ۱۳۵۷ همراه شود و فراز و فرودهای این روحانی تاریخ‌ساز را مرور کند. امام خمینی (ره) از آن شخصیت‌هایی است که قرائت‌های بسیاری پیرامون شخصیت او وجود دارد و از غرب تا شرق بر بزرگی این شخصیت عظیم‌الشان صحه گذارده‌اند. حال در «الف لام خمینی» نیز خواننده با رموزی از شخصیت امام خمینی (ره)

اندیشه

مقاومت

## فلسفه پول

کتابی از زیمل



کتاب «فلسفه پول» گئورگ زیمل منتشر شد. فلسفه پول اثری میان‌رشته‌ای است و متعلق به هیچ رشته مشخصی نیست. زیمل نمی‌خواهد به شیوه معیار فلاسفه فلسفه پردازی کند. او به صراحت می‌گوید که حتی یک سطر از این پژوهش‌ها درباره اقتصاد نیست. جامعه‌شناسان و هنرمندان نیز فلسفه پول را جزو آثار علمی جامعه‌شناختی محسوب نمی‌کنند؛ در عین حال همگان می‌توانند از آن به نفع رشته خود استفاده کنند. نویسنده کتاب «فلسفه پول» را در ۶ فصل اصلی نوشته است. ارزش پول، ارزش پول به مثابه ماده، پول در زنجیره اهداف، آزادی فردی، معادل پولی ارزش‌های شخصی و سبک زندگی بخش اصلی کتاب را شامل می‌شود. «فلسفه پول» یک تحلیل به هم پیوسته و فشرده است که در آن پول چونان «پدیده اجتماعی کامل» بررسی شده که کل جامعه و نهادهايش را در بر می‌گیرد یا اگر بخواهیم به زبانی زیملی بیان کنیم، پول چونان «نمادی» معرفی شده که همه روابط اجتماعی را در خود خلاصه کرده و یکجانبیان می‌کند. گئورگ زیمل درباره این کتاب به‌هایتریش ریکرت نوشته است: «علاقه‌ام را... به هر چه پیش از فلسفه پول نوشته‌ام از دست داده‌ام. این یکی واقعا کتاب من است؛ بقیه برابرم رنگ باخته‌اند، تو گویی هر کس می‌توانست آنها را نوشته باشد.»

## پسرک فلافل فروش

زندگی‌نامه شهید محمد هادی ذوالفقاری



«پسرک فلافل فروش» عنوان کتابی است که در بردارنده زندگی‌نامه و خاطرات سبجی مدافع حرم، طلبه شهید محمد هادی ذوالفقاری است. هادی ذوالفقاری، شهید مدافع حرم، جوان ۲۹ ساله‌ای بود که زندگی و شغل ساده‌ای در منطقه جنوب شهر تهران داشت. وی از شهیدان مدافع حرم‌ال‌الله است که چندسالی می‌شد برای ادامه تحصیل در علوم فقهی عازم نجف شده بود. محمد هادی با شنیدن خبر هجوم داعش به سرزمین عراق و هنگامی‌شان به ساحات پاک خاندان رسول‌الله (ص) درس و بحث را رها کرد و به میدان جنگ با این طرفداران اسلام آمریکایی رفت و دفاع از اهل بیت (س) و ناموس وطن را هدف زندگی خود قرار داد. او مدتی پس از حضور در خاک عراق و ایستادگی در مقابل متجاوزان، توسط یک خودرو انتحاری به شهادت رسید. شهید ذوالفقاری، بیست‌وششم بهمن ۹۳ در سامرا به فیض شهادت نائل آمد.

«پسرک فلافل فروش» حاوی مجموعه خاطراتی از پدر، مادر، خواهر و جمعی از دوستان و آشنایان شهید در ایران و عراق، از دوران کودکی تا زمان شهادت است و عنوان کتاب نیز برگرفته از عنوان یکی از همین خاطرات است. این کتاب در ۱۶۰ صفحه منتشر شده و علاوه بر خاطرات، در انتهای کتاب، تصاویر شهید ذوالفقاری نیز چاپ شده است.



## فرانسه فوتبال

مجله معتبر فرانس فوتبال محمد صلاح، بازیکن مصری تیم لیورپول را روی جلد خود برده است و این سوال را مطرح کرده است که آیا این بازیکن اکنون به سطحی رسیده است که بتواند سلطه مسی و رونالدو در کسب توپ طلای فوتبال را از بین ببرد؟ فرانس فوتبال خود برگزارکننده مراسم توپ طلاست.



## نیوزویک آمریکا

نیوزویک به بررسی مذاکرات میان آمریکا و کره شمالی پرداخته است و عکس آن را به عنوان تصویر اصلی انتخاب کرده. هنر توافق هم تیتراژ اصلی است اما آنچه جالب است شرح تیتراژ است که این سوال را مطرح کرده که آیا او باهوش ترین فرد در اتاق مذاکرات است؟ نیوزویک اعتقاد دارد که کیم به هیچ وجه یک جوان خام نیست.



## ایران تجارت فردا

تجارت فردا در این شماره الزامات سیاست گذاری در روزهای سخت اقتصاد را مورد توجه قرار داده و همین موضوع با عنوان اصلی «آچارکشی» روی جلد را به خود اختصاص داده است. به اعتقاد تجارت فردا بدترین حالت در سپهر اقتصادی آن است که پس از خروج آمریکا از برجام نتوانیم با اروپا به توافق برسیم و تحریمها بازگردند.



## انگلستان اکونومیست

هفته نامه اکونومیست در شماره آخر عکسی از یک جوان فلسطینی را روی جلد خود آورده است که با تیرکمان به جنگ نیروهای غاصب صهیونیستی رفته است، این مجله «غزه» را به عنوان تیتراژ انتخاب کرده و در سر مقاله خود به طور شفاف و صریح اعلام کرده است که اسرائیل باید در مقابل کشتار در غزه پاسخگو باشد.

شماره ۳۹۸ | مثلث ۷۵



## آمریکا تایم

نشریه تایم یک جلد کاملاً انتقادی را درباره جامعه امروزی آمریکا انتخاب کرده و این سوال را دارد که چگونه جامعه آمریکا به جایی رسیده که اکثر مردم این کشور می پرسند که چگونه صاحب بزرگ ترین اقتصاد جهان به جایگاه سقوط رسیده و دچار درآمد کم، نابرابری و دولت ناکارآمد شده است. تیتراژ اصلی تایم این است: «چگونه نسل من آمریکا را شکست؟»

# نمادهای وفاداری

## خداحافظی با بازیکنانی که نماد وفاداری بودند

قصه تلخی است، قصه پسر بچه‌هایی که سرخوشانه وارد یک باشگاه شدند و حالا مجبورند با تحمل موهای سپید روی شقیقه از باشگاه خود جدا شوند. بازیکنان که هر کدام برای باشگاه خود نماد وفاداری بودند، هر چند بعضی هم در بعضی مواقع تیم خود را عوض کردند اما هواداران باشگاه هیچ گاه آنها را فراموش نکردند، مگر می‌توانستند کسی را فراموش کنند که مقابل چشم خودشان رشد کرد، بزرگ شد، ستاره شد، جام‌ها را بالای سر برد... و اینجاست که خداحافظی سخت می‌شود، سخت‌تر از همه ستاره‌ها، آنها برای تیم معنی خاطره می‌دهند، یعنی آنکه هر کدام از آنها ردپایی روی چند نسل گذاشته‌اند، ردپایی که به آسانی نمی‌توان آن را از دل‌ها شست. برای همین است که لحظه خداحافظی آنها، پر از تصویرهای احساسی بود، پر از اشک‌های ممتد، پر از دست‌هایی که برای خداحافظی ناباورانه بالا رفتند و تکان داده شدند، این قصه غمناکی است، قصه تلخ و دماغ...

نگاهی داریم به چند خداحافظی تلخ این هفته‌های فوتبال اروپا؛ هرچند به این لیست می‌توان نام‌های دیگری هم اضافه کرد، نام‌هایی مثل مایکل کریک، هافبک منچستر یونایتد و یحیی توره، هافبک تیم منچستر سیتی.

### بووفون

یازده سال پیش بود که بوونوتوس موفق شد فتح سری بی را جشن گرفته و بعد از یک سال دوری از سری آ، دوباره حضور در سطح اول فوتبال ایتالیا را تجربه کند؛ نقطه عطف دوران ورزشی جان لوییجی بووفون... سقوط بانوی پیر به سری بی و داستان کالچوپولی چه عادلانه بود و چه دلخراش، مهم‌ترین صحنه انتخاب برای جان لوییجی بووفون بود؛ بسیاری مانند پت ویرا، زلاتان و حتی زامپروتا و کاناواری ایتالیایی نیز بانوی پیر را تنها گذاشتند و ستاره‌هایی چون ترزگه، نودود و دل پیرو تصمیم گرفتند در تورین باقی بمانند. اما همه آنها به چه ماندند، در فصول آخر دوران ورزشی خود قرار داشتند و شاید در صورت جدایی از بوونوتوس انتخاب حداقل بزرگ دیگری پیش رو نداشتند اما بووفون جوان، در بهترین روزهای دوران درخشان خود قرار داشت و بارسا، فال مادرید و بسیاری دیگر از غول‌های بزرگ اروپا رویای داشتن این دروازه‌بان خوش‌سیما را در سنگر خود در ذهن می‌پروراندند اما بووفون جوان مانند تا اسطوره یک باشگاه باشد، نماد وفاداری در فوتبال جهان.

اما همیشه یک روز می‌رسد که باید خداحافظی کرد، اگرچه کابوس شنیدن خبر جدایی بووفون از سال‌ها پیش هواداران بوونوتوس، فوتبال ایتالیا و حتی فوتبال دوستان سراسر دنیا را آزار می‌داد اما جان لوییجی بووفون اعلام کرد که دیدار برابر ورونا، آخرین حضور اسطوره فوتبال ایتالیا درون دروازه بیانکونری خواهد بود و او بعد از سال‌ها از این تیم جدا خواهد شد. او در نامه خداحافظی خود نوشت: «از تک‌تک شما متشکرم. زیرا هر یک از شما در این لحظه از زندگی من با پیراهن بوونوتوس به اتفاقی ویژه تبدیل شود، نقش داشتید. پیراهنی که به پوست دوم من تبدیل شد. پوستی که آن را می‌پوشیدم، عاشقش بودم و به آن احترام می‌گذاشتم. پوستی که ارزش زیادی برایم داشت و مانند بدنم از آن مراقبت می‌کردم. با همه محدودیت‌هایی که داشتم و البته با همه شور و اشتیاقی که همیشه همراه من بود. با رسیدن فردا، یک سفر به پایان می‌رسد. یک کتاب که با هم آن را نوشتم، تمام می‌شود. احساسات زیادی در وجود من است؛ خیلی زیاد و البته یک سفر جدید آغاز خواهد شد. یک کتاب جدید که باید آغاز شود.» برای هواداران بوونوتوس سخت است بووفون را در لباس دیگری تماشا کنند، چه فرقی می‌کند این لباس، پیراهن لیورپول باشد یا پاری سن ژرمن.

### اینیستا

در دقیقه ۸۱، اینیستا با پاکو آلكاسر تعویض شد و هواداران، بازیکنان بارسا و بازیکنان سوسیداد، هنگام خروج دون اندرس برای آخرین بار با پیراهن بارسا، او را تشویق کردند. سپس مراسم اهدای جام لالیگا برگزار شد تا خداحافظی اینیستا به باشکوهی هر چه تمام‌تر انجام شود. بعد از جشن خداحافظی باشکوه و فراموش‌نشده در نوکمپ و بازی کردن برای آخرین بار با لباس بارسلونا، اینیستا منتظر ماند تا همه هواداران بلوگران استادیوم را ترک کرده و حتی چراغ‌های نوکمپ نیز خاموش شود تا او این بار جشن خداحافظی اش را به تنهایی و در خلوت نوکمپ برگزار کند. اینیستا بعد از تخلیه کامل استادیوم به تنهایی و با پای برهنه وارد چمن شده و در مرکز آن برای دقیقی نشست. احتمالاً کاپیتان بارسا در آن دقیقه خاطرات شیرین و البته گاهی تلخ خود در لباس بارسا را مرور کرده و تمامی این ۱۶ سال، از اکتبر ۲۰۰۲ تا می ۲۰۱۸ به سرعت از مقابل چشمان وی گذشته است. محصول بزرگ آکادمی لاماسیا به نوعی

بیانگر سبک و فرهنگ فوتبالی بارسلونا بود. با قهرمانی در این فصل لالیگا مجموعاً ۹ بار این رقابت‌ها را در لباس این تیم فتح کرده است. اینیستا الهام‌بخش پیروزی‌های بزرگ اسپانیا در یورو ۲۰۰۸، جام جهانی ۲۰۱۰ و یورو ۲۰۱۲ بود. شاید حرف‌های او در آخرین مصاحبه‌اش می‌تواند برای همه یادآور آن روزها باشد، روزهای پر از افتخار و پیروزی: «روز سختی برای من بود ولی ۲۲ سال استثنایی را پشت سر گذاشتم. برایم باعث افتخار است که از این پیراهن دفاع کرده‌ام و نماینده‌اش بودم، برای من، این تیم، بهترین تیم جهان است. از همه هواداران تشکر می‌کنم، از تک‌تک آنها. دلم برای همه‌تان تنگ خواهد شد. از هواداران تشکر می‌کنم، برای تمام عشقی که به من هدیه کردید، از حمایت‌هایتان زمانی که یک پسر بچه بودم و حالا که مرد شده‌ام و تیم را ترک می‌کنم. شما را همیشه در قلبم نگه خواهم داشت. در پایان باید بگویم این هفته باعث شد نتوانم حرف خاصی بزنم. به پیش بارسا، به پیش کاتالونیا.»

### فرناندو تورس

چند هفته قبل بود که تورس اعلام کرد در پایان این فصل از اتلتیکو جدا خواهد شد؛ دومین جدایی او که مطمئناً این بار بازگشتی نخواهد داشت. هر چند تورس در این فصل کمتر برای اتلتیکو به میدان رفت اما جدایی او با اتفاقات شیرینی همراه شد. او هفته گذشته توانست با اتلتیکو قهرمانی در لیگ اروپا را جشن بگیرد و در آخرین بازی‌اش با پیراهن این تیم، دو گل زد تا روز خداحافظی‌اش به یادماندنی‌تر شود. بازیکنان اتلتیکو هم در ابتدای بازی برای او گارد افتخار تشکیل دادند و هواداران نیز برایش سنگ تمام گذاشتند؛ یک وداع خاطره‌انگیز برای مهاجمی که در هر دو مقطع حضورش در اتلتیکو، روزهایی به یادماندنی را برای هواداران این تیم رقم زد. فرناندو تورس درباره جدایی از اتلتیکو گفت: «زمانی که اتلتیکو مادرید در سال ۱۹۹۶ دوگانه را کسب کرد، من تنها ۱۱ سال داشتم. قهرمانی با اتلتیکو رویای کودکی من بود و حالا به واقعیت تبدیل شده است. بخشی از این تیم بودن واقعا فوق‌العاده است. این شروع یک راه مهم با دستاوردهای بزرگ است. برای من که یک پایان عالی بود. من همیشه سپاسگزار این تیم خواهم بود.»

مهاجم اسپانیایی پنجمین گلزن برتر تاریخ باشگاه است و از لحاظ تعداد بازی در جایگاه هشتم قرار دارد. او توانست در سال ۲۰۱۶ برابر ایبار صدمین گلش را به ثمر برساند. تورس در مجموع ۱۱ فصل، ۴۰۳ بازی برای مادریدی‌ها انجام داده و ۱۲۷ گل به ثمر رسانده است. تورس که به دلیل چهره کدکانه‌اش به «آل نینو» مشهور است سابقه بازی کردن در لیگ برتر انگلیس و تیم‌هایی همچون چلسی و لیورپول را هم دارد.





## نیایش و فلسفه

سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی

برخی فیلسوفان الهی هستند و برخی هم الهی نیستند. در تاریخ فلسفه اولین کسانی که به نیایش توجه کردند، رواقیون بودند. آنها جمع دین و فلسفه را مطرح کردند. اساس نیایش این است که من، فقیر الی الله هستم. برخی می‌پرسند فیلسوف درباره نیایش چه حکمی می‌کند، فیلسوفان درباره نیایش نظرات خوبی دارند. البته این مسأله در فلسفه قدری مشکل است.»

داوری اردکانی در ادامه به سخنرانی ۴۰ سال پیش خود در کنگره فارابی در تهران درباره تأسیس فلسفه اسلامی ارجاع داد: «در آنجا مطرح کردم فلسفه اسلامی با تعلق همه موجودات، به عنوان امکانات ذاتی و ماهیت، فلسفه اسلامی شده است. این اصلی است که جلوه دیگرش، وحدت دین و فلسفه است و فارابی هم کوشید تا این وحدت را اثبات کند. نیایش جایگاه والایی در دیدگاه فلسفه با محوریت دین دارد. مرحوم محسن مهدی در آن کنگره از من پرسید که آیا دعای فارابی را خواندی؟ من پاسخ دادم تمام کتاب‌های فارابی را خوانده‌ام اما این یک کتاب را نخوانده‌ام ولی در جریان آن هستم. وی گفت مصداق وحدت دین و فلسفه در همین دعای فارابی مطرح می‌شود. وقتی نیایش فارابی را می‌خوانید، یک دوره درس فلسفه است، در واقع نمونه‌ای از جمع فلسفه و دین و امکان نیایش در فلسفه است.» رئیس فرهنگستان علوم با بیان اینکه فلسفه یک عقل اجمالی و یک عقل تفصیلی دارد، گفت: در عقل تفصیلی دعا جایی ندارد، عقل تفصیلی، قال و عقل اجمالی، حال است. در بحث عقلی با مفاهیم و در دعا با حضور یا طلب حضور سر و کار داریم. فیلسوف نمی‌تواند بدون احوال فیلسوف شود، آغاز همه چیز احوال است و ما با احوال انسان شده‌ایم، فیلسوف در گفت‌وگو رسمی نیایش ندارد اما در احوالش می‌تواند دعا کند.»

نمی‌کند، گفت: «برخی فکر می‌کنند نیایش کار اهل ایمان و عشق و فلسفه کار اهل عقل است، در حالی که زبان فلسفه، زبان آداب دانی و عقل است و این عقل بنیادی دارد که این آغاز، آغاز همه چیز است، آغاز علم وجود است. فیلسوف با توجه به تحولات نفس سخن فلسفی را به زبان می‌آورد. نکته‌ای که مهم است، این است که ما معمولاً به آنی که در ما اتفاق می‌افتد، توجه نداریم در حالی که همه چیز به آن ربط دارد. فیلسوف هم سخن فلسفی را از آنجا یاد می‌گیرد.» وی با بیان اینکه برخی می‌پرسند آیا فلاسفه اهل نیایش و دعا هستند، ادامه داد: «در پاسخ باید گفت

ببست و دومین همایش بزرگداشت ملاصدرا با عنوان «فلسفه، پرستش و نیایش» با حضور آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا، رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، غلامرضا اعوانی، استاد فلسفه شهید بهشتی، کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران و دیگر اساتید فلسفه در مجتمع فرهنگی آدینه برگزار شد. «فلسفه، پرستش و نیایش» عنوان سخنرانی رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم بود. وی با بیان اینکه مسأله این نیست که فیلسوف نیایش می‌کند یا

## توانا در مهندسی فرهنگ

آیت‌الله رشاد در بحث فلسفه فرهنگ

آیت‌الله علی اکبر رشاد، رئیس شورای حوزه علمیه تهران، در سلسله بحث‌های «فلسفه فرهنگ» که در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در تهران برگزار شد، به بیان مسائل فلسفه فرهنگ پرداخت و گفت: «فرهنگ پژوهی نوعی انسان‌شناسی انضمامی است. غایت فلسفه فرهنگ، کشف، تحلیل و تعلیل احکام کلی و اساسی فرهنگ است. فلسفه فرهنگ در عین اینکه یک فلسفه است اما می‌تواند از گزاره‌های و حیاتی استخراج شود. البته کارکردها غیر از غایت است که می‌تواند کارکردهای بسیار زیادی در فلسفه فرهنگ تصور بود. غایت چیزی است که علم به خاطر آن پدید می‌آید. غایت همان علت قائمه است. در حالی که کارکردها می‌توانند مقصود پدیدآورنده نباشند. غایت کشف، تحلیل و تعلیل احکام کلی است، ولی فایده قابل احصا نیست. امروزه مهم‌ترین فایده فلسفه فرهنگ توانا شدن بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی است.» او در ادامه به مقوله مهندسی فرهنگ و نقش متخصصان در این زمینه پرداخت: «مهندسی فرهنگ یعنی اینکه بتوانیم خود فرهنگ را مهندسی کنیم و مهندسی فرهنگی یعنی بتوانیم مسائل و مباحث مختلف همانند اقتصاد، سیاست و... را به سمت فرهنگی سوق دهیم. این موضوع نیز تنها با فلسفه فرهنگ حل می‌شود، چون تا زمانی که در این زمینه متخصص نداشته باشیم نمی‌توانیم فرهنگ را مهندسی کنیم. این فایده در حدی بزرگ است که شاید با غایت فلسفه فرهنگ هم‌اوردی می‌کند. روش فلسفه فرهنگ فراتر از عقلانی است. رویکرد آن فرابرونی است. فلسفه کارش صدور باید و نباید و شاید و نشاید نیست، بلکه برآیند فلسفه در ساحت علم صدور حکم است، بنابراین فلسفه فرهنگ در این امور داوری نمی‌کند، اما برآیند آن تولید گزاره‌هایی برای مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی است.» او فقه فرهنگ را بیان احکام شرعی معطوف به فرهنگ دانست: «دخل زمان و مکان در فقه هم عموماً دخل فرهنگ در فقه است. دین در ساحت نفس الامری یا حتی در ساحت معصوم جزو فرهنگ نمی‌شود اما در ساحت انسانی با فرهنگ پیوند می‌خورد. عقل، دین، فطرت اجتماعی و فلسفه مطلق جزو مناشی و سرچشمه‌های فرهنگ است. دین در ساحت الهی و معصوم فرهنگ‌ساز نیست ولی در ساحت انسانی فرهنگ پیدای می‌کند.»

## زمان آگاه

سخنرانی دکتر گلشنی درباره سیدمحمد باقر صدر

شست «طلایه‌داران وحدت اسلامی؛ آرا و اندیشه‌های آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر» با سخنرانی دکتر مهدی گلشنی، استاد تمام گروه فلسفه دانشگاه شریف و آیت‌الله محسن اراکی، دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. گلشنی در این نشست با بیان اینکه شهید صدر از استثنائات زمان بودند، گفت: «امام خمینی (ره) در پیامی که به مناسبت شهادت ایشان فرستادند، ایشان را مغز متفکر اسلامی نامیدند. شهید صدر چند ویژگی بارز داشتند که این ویژگی‌ها کمتر در یک نفر به‌طور هم‌زمان وجود دارند. نبوغ، شهامت، رفتار اخلاقی، جامع‌نگری و آگاهی به مقتضیات زمان از ابعاد شخصیتی ایشان بود. مشکل حوزه‌های علمیه ما در حال حاضر این است که به مقتضیات زمان آگاه نیستند. شهید صدر در سن ۲۰ سالگی به اجتهاد رسیدند و در ۲۴ سالگی کتاب «فلسفتنا» را نوشتند. در زمان ایشان دو مشکل اصلی وجود داشت: یکی مارکسیسم و دیگری پوزیتیویسم که در آن زمان کمتر کسی به مشکل پوزیتیویسم واقف بود. بیشتر به مارکسیسم توجه داشتند. به‌عنوان مثال سیدجمال در مناظره با ارنست رنان وقتی رنان می‌گوید من پوزیتیویست هستم، اهمیت این نکته را متوجه نشد و جواب او را به خوبی نداد. در جهان اسلام یک عالمی کتابی نوشت و صریحاً از پوزیتیویسم دفاع کرد که شهید صدر کتاب اقتصادنا و فلسفتنا را در جواب اینها نوشتند.» در ادامه گلشنی بحث نظرات شهید صدر درباره فلسفه علم را پیش کشید: «مسأله علیت در کتاب فلسفتنا قابل توجه است. پوزیتیویسم از ابتدای تکوین علم جدید رواج یافت و آگوست کنت صریحاً گفت دو دوره را گذرانده‌ایم و وارد دوره تجربه‌گرایی شده‌ایم. شهید صدر معتقد بود که اگر بر اساس حس بخواهیم مبدأ علیت را بشناسیم، موفق نمی‌شویم. چون حس و تجربه نمی‌تواند جزء تعاقب دو امر که محسوس هستند را به دست آورد؛ البته ابن سینا قبلاً این نکته را در اشارات گفته بود. هیوم هم بعداً تعاقب و تداعی معانی را مطرح کرد و گفت که لزوماً با علیت مواجه نیستیم. شهید صدر معتقد بود اگر فکر در حدود تجربه‌زدانی باشد نمی‌تواند به عدم امکان چیزی از اشیا به‌طور کلی حکم کند. اگر اصل علیت را نپذیریم هیچ نظریه‌ای را نمی‌توان تثبیت کرد....»

## همراه اول نشان «روابط عمومی پاسخگو» گرفت

در پنجمین جشنواره ستارگان روابط عمومی ایران، همراه اول موفق به دریافت نشان «ستاره ارتباطی پاسخگو» و لوح «ستاره شایستگی» شد.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، در پنجمین جشنواره ستارگان روابط عمومی ایران که عصر روز چهارشنبه، ۲۶ اردیبهشت در آستانه روز جهانی ارتباطات و روز ملی روابط عمومی در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، روابط عمومی های برتر کشور در بخش های مختلف معرفی شدند که در میان تمامی شرکت ها و سازمان های فعال، روابط عمومی همراه اول به دلیل درخشش در حوزه پاسخگویی به اصحاب رسانه و مشتریان در طول سال ۹۶، به عنوان «ستاره ارتباطی پاسخگو» معرفی شد.

بر اساس این گزارش در بخش نهایی و اصلی معرفی ستارگان روابط عمومی ایران، از بین روابط عمومی های برتر کشور در حوزه های مختلف، علاوه بر اهدای نشان «ستاره ارتباطی پاسخگو» به روابط عمومی همراه اول، شاهین آرنپانی، مدیرکل ارتباطات این اپراتور نیز موفق به دریافت لوح «ستاره شایستگی» شد.

در این مراسم «محمدحسین مقیمی، استاندار تهران»، «رمضان شجاعی کیاسری، قائم مقام وزیر کشور در امور اطلاع رسانی و روابط عمومی» و جمعی از اساتید، مدیران و دست اندرکاران حوزه روابط عمومی حضور داشتند.



مهندس اسحاقی اظهار کرد: «در سال گذشته با همکاری پتروناس برای نخستین بار در کشور روغن دریایی تولید کردیم و به زودی روغن های صنعتی، موتور و گریس را تولید و به بازار عرضه خواهیم کرد.»

مدیرعامل شرکت نفت ایرانول در ادامه به برخی از اقدامات انجام شده در شرکت طی سال گذشته اشاره کرد و گفت: «سال ۹۶ یکی از بهترین سال های شرکت نفت ایرانول از اول تاسیس تاکنون بوده است و توانستیم رکورد تولید، فروش روغن موتور (با فروش نقدی) و صادرات را بشکنیم و بیشترین رشد فروش روغن موتور و افزایش سهم بازار را به خود اختصاص داده و خام فروشی را ۴۰ درصد کاهش دهیم.»

مهندس اسحاقی در ادامه با اشاره به پایانه صادراتی با مخازن ۲۵ هزار تنی ایرانول در بندر امام گفت: «این مخازن مورد بهره برداری قرار گرفته که با این اقدام ذخیره سازی محصولات به سه برابر افزایش خواهد یافت و ان شاء الله به زودی افتتاح رسمی خواهد شد.»

در ادامه این مراسم کاظمی، مدیر بازاریابی، فروش و صادرات شرکت نفت ایرانول نیز توضیحاتی در مورد سیاست های فروش این شرکت در سال گذشته و برنامه های آینده بیان کرد.

گفتنی است در پایان این مراسم از عاملین برتر فروش شرکت نفت ایرانول با اهدای لوح، تقدیر به عمل آمد. اسامی عاملین حائز رتبه اول تا سوم عبارتند از شرکت روانکاران صنعت پهلوانزاده، شرکت روانکار صنعت شاهوار و شرکت ریستاب روانکار ایرانیان.

## مهندس اسحاقی در مراسم تقدیر از عاملین فروش شرکت نفت ایرانول خبر داد عرضه روغن موتور با تاییدیه رنو و بنز

مدیرعامل شرکت نفت ایرانول از عرضه روغن موتورهایی با تاییدیه رنو و بنز به بازار خبر داد.

به گزارش روابط عمومی و تبلیغات شرکت نفت ایرانول، مهندس عیسی اسحاقی در مراسم تقدیر از عاملین برتر فروش شرکت نفت ایرانول، گفت: «شرکت نفت ایرانول در سال حمایت از کالای ایرانی و در راستای افزایش کیفیت علاوه بر تاییدیه های خودروسازان مطرح جهانی، پنج محصول جدید طی ماه های آینده با سطح کیفی بالا و تاییدیه های بنز و رنو به بازار عرضه می کند.»





به مناسبت روز ملی ارتباطات و روابط عمومی

## تقدیر مدیرعامل بانک دی از همکاران اداره روابط عمومی و تبلیغات



به مناسبت روز ملی ارتباطات و روابط عمومی، مدیرعامل بانک دی با حضور در اداره روابط عمومی و تبلیغات از عملکرد قابل قبول همکاران این اداره تقدیر کرد.

به گزارش اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی؛ محمدرضا قربانی، مدیرعامل بانک دی، به مناسبت روز ملی ارتباطات و روابط عمومی در نشست صمیمی با همکاران اداره روابط عمومی و تبلیغات با بیان اینکه روابط عمومی بانک دی از نظر عملکرد یکی از بهترین روابط عمومی‌ها در نظام بانکی است، گفت: «اقدامات شایان توجه حوزه روابط عمومی و تبلیغات بانک دی در جهت ارتقای معرفی خدمات و اقدامات این بانک در آذهان عمومی قابل تقدیر است.»

قربانی با بیان اینکه روابط عمومی قدرتمند نشانگر سازمان قدرتمند است و می‌تواند با نفوذ در عمق افکار عمومی و مطالعه و بررسی دقیق و کارشناسی اخبار و اطلاعات بیرونی و پردازش این اطلاعات جهت ایجاد تغییرات مطلوب در سازمان اقدام نماید، با اشاره به موفقیت‌های کسب‌شده توسط روابط عمومی بانک دی در سال گذشته گفت: «سال ۱۳۹۶ سال بسیار پرتلاشی برای همکاران روابط عمومی بود که نتیجه این تلاش‌ها بر اساس ارزیابی‌های به‌عمل‌آمده توسط نهادهای تخصصی، دستیابی به موفقیت‌ها و نتایج قابل قبول بوده است.» مدیرعامل بانک دی در ادامه با تبیین نقش روابط عمومی در پیشبرد اهداف و مأموریت‌های بانک افزود: «امید است همکاران ارزش‌آفرین اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی با پشتکار و تلاش مجدانه چون گذشته افتخارآفرین باشند.» قربانی نقش اداره روابط عمومی و تبلیغات را در تحقق مأموریت‌های بانک حائز اهمیت دانست و خاطر نشان کرد: «فلسفه وجودی و نقش روابط عمومی در مدیریت افکار عمومی بر هیچ کس پوشیده نیست و خوشبختانه روابط عمومی بانک دی توانسته با تکیه بر ظرفیت‌های موجود از جمله همکاران متخصص و کارآمد در این زمینه به خوبی بدرخشد.»

مدیرعامل بانک دی در پایان با اشاره به نقش مهم روابط عمومی‌ها در شرایط حساس کنونی نظام بانکی و اقتصادی کشور تأکید کرد: «فعالان این عرصه باید بتوانند با بهره‌گیری از دانش و تخصص حرفه‌ای نسبت به انتقال صحیح اطلاعات به جامعه تلاش نمایند و سعی بر آن داشته باشند که با شفاف‌سازی و انتشار اخبار موثق در تنویر افکار عمومی نقش‌آفرین باشند.»

در ادامه این دیدار؛ جمشید قزوینیان، رئیس اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی ضمن ارج نهادن به حضور صمیمانه مدیرعامل بانک در جمع همکاران روابط عمومی گفت: «مجموعه روابط عمومی در تحقق رسالت‌های از پیش تعیین‌شده بانک، همواره از حمایت‌های بی‌دریغ مدیرعامل و اعضای محترم هیات مدیره بهره‌مند بوده است و توانسته با تلاش بی‌وقفه در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد.»

رئیس اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی با بیان اینکه تلاش کردیم در تمامی فعالیت‌ها تحقیق و پژوهش را چاشنی کارمان کنیم، گفت: «طی یک سال گذشته ۳۰ کار

پژوهشی و افکارسنجی در روابط عمومی صورت گرفت که بر اساس آن موفق به دریافت جایزه خط کش طلایی و نشان افکار عمومی از سمپوزیوم بین‌المللی روابط عمومی شدیم.» قزوینیان افزود: «سال گذشته در یکی از مهم‌ترین رویدادهای علمی کشور در حوزه تبلیغات توانستیم در رشته‌های تبلیغات محیطی و کمپین‌های جامع تبلیغاتی با کسب رتبه اول، دو شاهین طلایی این رویداد را برای بانک به‌ارمغان بیاوریم. همچنین در طرح ارزیابی روابط عمومی‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران عنوان روابط عمومی برتر را کسب کردیم.»

رئیس اداره روابط عمومی بانک دی به تشریح اقدامات صورت گرفته در مدیریت شبکه خبری بانک پرداخت و گفت: «در سال گذشته، اخبار تولیدی بانک با افزایش دوبرابری نسبت به مدت مشابه مواجه شد و با تعامل مستقیم با ۱۶۵ خبرنگار فعال در حوزه بانک، بیمه و بورس، اخبار بانک در حدود ۱۷۰۰۰ بار در رسانه‌های مختلف بازنشر شد.»

وی با اشاره به راه‌اندازی رادیو اینترنتی «صدای دی» به‌عنوان اقدامی خلاقانه در روابط عمومی گفت: «تولید سرود سازمانی، یکپارچه‌سازی ال‌سی‌دی‌های شعب، تغییر ظاهر وب‌سایت بر اساس استانداردهای روز جهانی، ارتقای ۵۰۰ هزار پل صعود جهانی در رتبه وب‌سایت، الگوگزینی و مذاکره با بانک‌های برتر دولتی و خصوصی کشور از دیگر اقدامات روابط عمومی در سال گذشته است.»

قزوینیان ادامه داد: «در حوزه مسئولیت اجتماعی گام‌های موتوری برداشتیم و توانستیم استراتژی حوزه مسئولیت اجتماعی را تدوین کنیم و تفاهم‌نامه‌های متعددی را منعقد کنیم و در همین راستا آموزش رایگان سواد مالی به فرزندان شاهد در دستور کار قرار گرفت.»

وی با اشاره به موفقیت‌های چشمگیر روابط عمومی در حوزه شبکه‌های اجتماعی گفت: «بر اساس نتایج ارزیابی معیارهای شش‌گانه شبکه‌های اجتماعی در سال گذشته، توانستیم رتبه اول در معیار «تعداد بازدید از هر پست» را به خود اختصاص دهیم. همچنین در معیارهای «نفوذ محتوا در تلگرام»، «تغییر کیفیت محتوا نسبت به سه‌ماهه قبل» و «تعداد پست در هر ماه» نیز به ترتیب موفق به کسب رتبه‌های سوم، چهارم و پنجم شدیم.»

در پایان این نشست، مدیرعامل بانک دی ضمن تبریک مجدد به مناسبت فرارسیدن روز ملی ارتباطات و روابط عمومی و تقدیر از تلاش‌های بی‌وقفه تمامی فعالان عرصه اطلاع‌رسانی و به‌ویژه همکاران روابط عمومی ابراز امیدواری کرد متخصصان عرصه روابط عمومی و اطلاع‌رسانی با ارتقای دانش و مهارت‌های خود در حوزه اطلاع‌رسانی تخصصی به مخاطبین نقش‌آفرین باشند.



# همراه اولی‌ها



## دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷







آرشیو کامل

# هفته نامه متللت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته  
سال به روایت تصویر | شبکه های اجتماعی

مجری طرح:



موسسه فرهنگی هنری  
نسیم شب کویر

[www.nshk.ir](http://www.nshk.ir)

مجموعه کتابخانه های اجتماعی

# متللت

درک تازه ای از واقعیت

[www.mosalas.ir](http://www.mosalas.ir)